

دوفصل نامه علمی - ترویجی

معرفت اخلاق

سال پانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



ویژه نامه کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم

اعضای هیئت تحریریه

حمید پارسانیا

استاد دانشگاه تهران

محسن جوادی

استاد دانشگاه قم

محمد سعیدی مهر

استاد دانشگاه تربیت مدرس

احمدحسین شریفی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمود فتحعلی

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مجتبی مصباح

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

احمد واعظی

دانشیار دانشگاه باقرالعلوم

مدیر مسئول

محمود فتحعلی

سرمدیر

هادی حسین خانی

مدیر اجرایی

امیرحسین نیکپور

صفحه آرا

محمد عسگری

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ

زمزم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات:

Nashriyat.ir/SendArticle

شاپا الکترونیکی: ۰۸۶۳۴ - ۲۹۸۰

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی،

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - طبقه چهارم،

اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۸۰

مشترکان ۳۲۱۱۳۴۸۲ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://eshop.iki.ac.ir>

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

اهداف و رویکرد نشریه معرفت اخلاقی

معرفت اخلاقی، نشریه‌ای علمی - ترویجی در حوزه اخلاق است که به صورت دو فصل‌نامه و برای نیل به اهداف زیر انتشار می‌یابد:

۱. معرفی بنیان‌های معرفتی اخلاق اسلامی؛
۲. بررسی و نقد نظریه‌ها و اندیشه‌ها در حوزه اخلاق؛
۳. اصلاح و بازسازی نظریه‌های اخلاقی با رویکرد تهذیبی؛
۴. ارائه تبیین‌های اخلاقی از مسائل و آسیب‌های فردی و اجتماعی با رویکردهای اسلامی؛
۵. ارائه تفسیرها و تبیین‌های اخلاقی از آموزه‌های اسلام؛
۶. روش‌شناسی استنباط احکام و نظریه‌های اخلاقی از منابع اسلامی؛
۷. احیای میراث اخلاقی اندیشمندان مسلمان؛
۸. تبیین کاستی‌های موجود در مطالعات اخلاقی و تلاش در جهت یافتن راه‌کارهای مناسب.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه ارسال فرمایید.

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۵۰۰۰۰ تومان، و اشتراک دو شماره آن در یک سال، ۱۰۰۰۰۰ تومان است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز، و اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط **WORD** با پسوند **Doc** از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقصیبات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شاعری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
 ۷. آدرس دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مطالب

حوزه علمیه قم و دانش‌های جدیدِ عرصه اخلاق در یک سده اخیر / ۷

سیداکبر حسینی قلعه بهمن

عملکرد حوزه علمیه قم در حیطه اخلاق اجتماعی در یکصد سال اخیر / ۲۷

محمدجواد فلاح

گونه‌شناسی گرایش‌های دروس اخلاق در حوزهٔ علمیهٔ قم از بدو تأسیس تاکنون / ۴۷

ابوذر رحبی

مراکز رسمی حوزه دانش اخلاق در یکصدساله اخیر حوزه علمیه قم / ۶۹

هادی حسین‌خانی

میزان تأثیرپذیری منابع اخلاقی از آموزه‌های قرآنی در یک صد سال اخیر حوزه علمیه / ۸۹

محمدحسن مهدی‌پور / محمدجواد فلاح

روش‌های آموزش اخلاق در یک سده اخیر حوزه علمیه قم / ۱۰۹

ابوالفضل احمدی کاشانی

«اخلاق علم‌آموزی» در آثار علمی و سیره عملی عالمان دینی یک‌صد سال اخیر حوزه علمیه قم / ۱۲۷


زهرا عوافی

حوزه علمی قم

و دانش‌های جدید عرصه اخلاق در یک سده اخیر*

سیداکبر حسینی قلعه بهمن / دانشیار گروه «ادیان» مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی*

akbar.hosseini37@yahoo.com

 orcid.org/0009-0002-5823-5211

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

در صد سال اخیر، جهان شاهد تحولات بسیار و عمیقی در حوزه اخلاق و تحقیقات اخلاقی بوده که تمام ساحت‌های پژوهش‌های اخلاقی را دربر گرفته است. ساحت‌های اخلاق‌شناسی، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، جامعه‌شناسی اخلاق و تربیت اخلاقی همگی در روند این تحولات، تغییرات گسترده‌ای را به خود دیده‌اند. حوزه علمی قم یکی از پیشگامان در مواجهه معقول و منطقی با تحولات عرصه پژوهش‌های اخلاقی است. این حوزه گرچه خود مبتکر مباحث گوناگونی در عرصه اخلاق است، با این حال تحولات جهانی این عرصه از علوم را نادیده نگرفته و واکنش‌های مناسبی نسبت به آنها داشته است. در واقع، اگر تغییرات در عرصه جهانی ایجاد شاخه جدیدی در فضای مباحثات اخلاقی بوده، حوزه علمی نگرش خود را نسبت به آن شاخه جدید بیان داشته و اگر تغییرات در عرصه تغییر دیدگاه نسبت به یک موضوعی کهن بوده، حوزه بر اساس منابع دینی و پایگاه اعتقادی خود، رویکرد مناسب را بدون لحاظ آراء جدید و ضرورت و یا عدم ضرورت تغییر رویکرد، ارائه کرده است. این مقاله با روش «تحلیل اسنادی» و «کتابخانه‌ای» کوشیده است نحوه مواجهه حوزه علمی قم با دانش‌های جدید حوزه اخلاق در یک سده اخیر را بررسی کند. با بررسی وقایع یک سده گذشته در عرصه پژوهش‌های اخلاقی، بیشترین واکنش‌های حوزه علمی قم را در ساحت‌های اخلاق‌شناسی، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی و روان‌شناسی اخلاق می‌بینیم.

کلیدواژه‌ها: اخلاق‌شناسی، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، روان‌شناسی اخلاق، حوزه علمی قم، پژوهش‌های اخلاقی.

در یک قرن اخیر، جهان شاهد تحولات بسیار و عمیقی در حوزه اخلاق و تحقیقات اخلاقی بوده که تمام ساحت‌های پژوهش‌های اخلاقی را دربر گرفته است. ساحت‌های اخلاق‌شناسی، اخلاق‌هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، جامعه‌شناسی اخلاق و تربیت اخلاقی همگی در روند این تحولات، تغییرات گسترده‌ای را به خود دیده‌اند.

حوزه علمیه قم یکی از پیشگامان در مواجهه معقول و منطقی با تحولات عرصه پژوهش‌های اخلاقی است. این حوزه گرچه خود مبتکر مباحث گوناگونی در عرصه اخلاق است، با این حال، تحولات جهانی این عرصه از علوم را نادیده نگرفته و واکنش‌های مناسبی نسبت به آنها داشته است؛ از جمله: مواجهه با دانش‌های جدید حوزه اخلاق در یک سده اخیر، که به صورت‌های گوناگونی بوده است، تأسیس مؤسسات و مراکز تخصصی در حوزه اخلاق و پژوهش‌های اخلاقی، تأسیس قطب‌های آموزشی و پژوهشی در عرصه اخلاق در جهت مواجهه با موضوعات و مسائل جدید اخلاقی، راه‌اندازی نشریات و مجلات و وبگاه‌های مرتبط با اخلاق و پژوهش‌های اخلاقی در جهت شناسایی مسائل اخلاقی نوین و انتشار تحقیقات و پژوهش‌های اندیشمندان حوزه علمیه، تأسیس کمیته علمی برای سامان دادن به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در حوزه پژوهش‌های اخلاقی، تربیت محققان و صاحب‌نظران متعدد در این عرصه، و حمایت از طرح‌های پژوهشی در این زمینه.

محصول این تلاش‌ها شکل‌گیری جریان‌های نوین در عرصه اخلاق و آثار و مکتوبات ارزشمند و پاسخگو به نیازهای روز در این زمینه است. بی‌تردید آنچه از تلاش محققان حوزه علمیه در مباحث اخلاقی به دست آمده، در فضای فکری کشورمان و نیز عالم اسلام و البته - در صورت ارائه جهانی - در ادبیات اخلاقی جهان قابل اعتنا بوده و مورد استفاده اندیشوران گوناگون واقع شده است.

برای نمونه، امروزه بیشتر کتب آموزشی در عرصه اخلاق در دانشگاه‌ها که در قالب دروس معارف ارائه می‌گردد، محصول تلاش‌های اندیشوران حوزه علمیه قم است (برای مثال، *آیین زندگی؛ اخلاق کاربردی*، نوشته/احمد حسین شریفی، قم، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۶؛ *فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی*، نوشته/امیر خاوص و دیگران). دوره‌های اخلاق علمی - حرفه‌ای نیز در قالب دانش‌افزایی استادان دانشگاه‌های سراسر کشور در حال اجراست که هم از جهت محتوا و هم از جهت مدرسان، حوزه علمیه قم در اجرای آن نقشی کلیدی ایفا می‌کند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک. رونمایی از سرفصل‌های پنج‌گانه دانش‌افزایی استادان <https://tasnimnews.com/fa/news/1400/09/20/2624135/>).

انکون و در این مقام، حاصل تلاش‌هایی را که در ساحت‌های گوناگون اخلاق پژوهی در حوزه علمیه واقع شده است، به اجمال معرفی می‌کنیم و البته به این نکته نیز اشاره می‌نماییم که هر موضوع و هر عنوانی که ذیل این موضوعات مطرح می‌گردد به نوبه خود درخور درج در مقاله‌ای در این زمینه است. به دیگر سخن، مواجهه حوزه علمیه قم با هر عنوان، در ذیل موضوعات و شاخه‌های اخلاق پژوهی، خود ظرفیت نگاشته شدن مقاله‌ای برای تبیین آن تلاش‌ها را دارد.

این نوشتار صرفاً در مقام گزارش نوشته‌ها و مکتوبات اخلاقی در مواجهه با یافته‌های جدید اخلاقی است و از معرفی مؤسسات و نشریات و رشته‌ها و جزئیاتی اینچنین خودداری و ذکر آنها را به مجالی مناسب‌تر واگذار می‌نماید.

۱. بررسی مفاهیم

اندیشمندان شیعی در فضای حوزه علمیة قم برای «اخلاق» تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۲۸):

- مرحوم علامه طباطبائی «اخلاق» را به ملکات انسانی ارجاع داده و بر این اساس، در تعریف «علم اخلاق» گفته است:

فنی که درباره ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست. و هدف این بحث این است که فضایل را از رذایل جدا سازد؛ یعنی این علم می‌خواهد معلوم کند که کدام‌یک از ملکات نفسانی انسان، خوب و بد و مایه کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسایی آنها، خود را با فضایل آراسته سازد و از رذایل فاصله گیرد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۵۸).

- شهید مرتضی مطهری در تعریف «اخلاق» آورده است:

«اخلاق» عبارت است از: یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد. به عبارت دیگر، قالبی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه، ساخته می‌شود. در واقع، اخلاق چگونگی روح انسان است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۴۷).

اخلاق مرتبط با ساختمان روحی انسان است و بر این اساس، با آداب و رسوم مرسوم در جوامع تفاوت دارد؛ چراکه آداب و رسوم یک سلسله قراردادهای صرف می‌باشند که ربطی به ملکات و خلیقات و قالب‌های روحی درونی ندارند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۳۴۷).

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه آورده است:

«اخلاق» عبارت از ملکات و هیأت‌های نفسانی است که اگر نفس به آن متصف شود، به سهولت کاری را انجام می‌دهد... پس «اخلاق» عبارت از ملکات نفسانی و هیئات روحی است که باعث می‌شود کارها، زشت یا زیبا، به آسانی از نفس متخلّق به اخلاق خاص نشأت بگیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۷۳).

- مرحوم علامه مصباح یزدی نیز در تعریف پدیده «اخلاق» بر آن است که اخلاق در اصطلاح، به چند صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاهی به صفات نفسانی اشاره می‌کند و پدیده اخلاق همان صفات نفسانی در نظر گرفته می‌شود؛ و گاهی اخلاق به عنوان صفت فعل به کار می‌رود؛ یعنی کار اخلاقی که منظور تنها صفات نفسانی نیست، ولو هنوز به صورت یک هیئت راسخ هم در نفس پدید نیامده و از روی فکر و تأمل هم انتخاب نشده، ولی در عین حال، به اخلاق فاضله یا رذیله متصف می‌شود. بر این اساس، در اصطلاح نخست، آن هیأت راسخ نفسانی منظور است، ولی در تعریف دوم از پدیده اخلاق - ولو حالی هم باشد - بی آنکه در نفس رسوخ داشته باشد، همین هیأت به فضیلت و رذیلت متصف می‌شود. البته عنوان «اخلاق» که ناظر بر پدیده اخلاق است، گاهی هم به یک معنای خاصی به کار می‌رود: فقط درباره اخلاق فاضله می‌گویند: فلان کار اخلاقی است؛ یعنی خوب است. یا فلان کار غیراخلاقی است؛ یعنی ناشایست است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۹).

- دکتر مجتبی مصباح در تعریف پدیده «اخلاق» آورده است:

واژه «اخلاق» صفات پایدار نیک و بد انسان را به خاطر می‌آورد و نیز عملی را که درباره صفات و رفتارهای شایسته و ناشایست سخن می‌گوید (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

- حسینی قلعه‌بهمن در این باره، پدیده «اخلاق» را سامانه‌ای دانسته است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و رفتار آنان را در روابط چهارگانه (انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) در جهتی خاص هدایت می‌کند و آن را سامان می‌دهد (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴).

به هر روی، تلاش در جهت شناسایی این پدیده، از جذابیت خاصی برخوردار است و بیشتر اندیشمندان حوزه علمیه در این باره مطالب ارزنده‌ای ارائه نموده‌اند.

۲. حوزه علمیه قم و اخلاق‌شناسی

«اخلاق‌شناسی» و یا «کلیات اخلاق» پدیده اخلاق و مفاهیم مرتبط با آن را به تحلیل گذاشته و درصدد است آشنایی کامل و جامعی از آن در اختیار قرار دهد. تعریف پدیده «اخلاق»، توضیح علم اخلاق و شاخه‌های گوناگون آن، توجه به تاریخ اخلاق و تطورات آن، پرداختن به روش تحقیق در اخلاق و مکتب‌های اخلاقی و همچنین تعریف مفاهیم کلیدی ناظر به اندیشه‌های اخلاقی (همچون مسؤلیت اخلاقی، عامل اخلاقی و شأن اخلاقی) از جمله مهم‌ترین موضوعات در عرصه اخلاق‌شناسی است (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۹).

«اخلاق‌شناسی» از جمله ساحت‌های پژوهش‌های اخلاقی است که در سده اخیر مد نظر فراوان قرار گرفته و دیدگاه‌های متعددی در شاخه‌های گوناگون آن ارائه گردیده است. حوزه علمیه قم نیز در این مسیر، تلاش‌های خوبی از خود به نمایش گذاشته و شاید بیش از هر مرکز دیگری در این وادی گام برداشته است. در ادامه به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۳. روش تحقیق در علم اخلاق

علم اخلاق به‌مثابه رشته‌ای که پدیده «اخلاق» را به اشکال گوناگون مورد مطالعه قرار می‌دهد، روش‌شناسی خاص خود را دارد. اندیشمندان شیعی از جمله افرادی هستند که وارد این عرصه شده و نکات ارزنده‌ای را بیان داشته‌اند. در ادامه به این موضوع اشاره خواهیم داشت:

۱-۳. تفکیک روش تحقیق در اخلاق هنجاری

اندیشمندان شیعی بر اساس روش تحقیق در اخلاق هنجاری، چهار رویکرد متفاوت نسبت به آن داشته‌اند: اخلاق عقلی- فلسفی، اخلاق نقلی- روایی، اخلاق شهودی- عرفانی، و اخلاق تلفیقی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹ (ب)، ص ۲۹).

شناسایی و تفکیک این چهار رویکرد به پژوهش‌های اخلاقی، نقشی بسزا در گسترش تحقیقات در عرصه

اخلاق دارد. در روش عقلی - فلسفی، پژوهشگر عرصه اخلاق با بهره بردن از ابزار عقل و تکیه بر یکی از مکاتب فلسفی، به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازد. تکیه‌گاه اخلاق شهودی - عرفانی شهودات مجتهد اخلاقی است. هدف این مکتب تربیت انسان کامل است.

«انسان کامل» یا «کون جامع» که عصاره خلقت و جامع جمیع نشئات وجود و غایت آفرینش ماسواست، ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: ۱. شهود باطن هستی و درک حقیقت وحدت؛ ۲. گذار جان از عوالم ماده، مثال و عقل و باریافتن به جوار قرب حق در نشئه لاهوت؛ ۳. مهرورزی انحصاری به خدای متعال؛ ۴. تخلق به اخلاق الله و اتصاف به صفات حضرتش؛ ۵. خودگریزی و خودشکنی در حد تسلیم و فناء از ذات و صفات و افعال (همان، ص ۴۲).

رساله رساله لقاء الله، نوشته حاج میرزا جواد ملکی تبریزی را می‌توان از نمونه‌های این رویکرد در نظر گرفت.

۲-۳. تأکید بر مباحث عقلی در فرااخلاق

یکی از نوآوری‌های اندیشمندان شیعی در سده اخیر، بنیان نهادن مباحث فرااخلاقی به روش عقلی، جدای از ساحت اخلاق هنجاری است که در آن از روش‌های گوناگون استفاده می‌شود. در گذشته، موضوعات فرااخلاقی، همراه با مطالب اخلاق هنجاری و به صورت ترکیبی مد نظر قرار می‌گرفت و تفکیک روش‌شناختی چندانی میان آنها صورت نمی‌پذیرفت؛ اما در دهه‌های اخیر، این موضوعات از حیث روش‌شناختی، از هم جدا شده، در فضای خاص خود بررسی می‌گردد.

برای مثال، مرحوم آیت‌الله حائری یزدی در کتاب *کاوش‌های عقل عملی* با روش عقلی، بر موضوعات فرااخلاقی تمرکز داشته است. و یا مرحوم علامه مصباح یزدی در کتاب *دروس فلسفه اخلاق*، بخش قابل توجهی را به موضوعات فرااخلاقی با تحلیل عقلانی اختصاص داده است.

دکتر محسن جوادی در کتاب *رابطه هست و باید* و دکتر احمد حسین شریفی در کتاب *خوب چیست و بد کدام است* و نیز حسینی *قلعه بهمن* در کتاب *واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم* به مسائل فرااخلاقی با نگرشی عقلانی توجهی خاص داشته‌اند.

البته در این مدت، مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های فراوانی در عرصه فرااخلاق با روش «تحلیل عقلانی» تدوین شده که نشان‌دهنده توجه حوزه علمیة قم به این فراز مهم موضوعات اخلاقی با روش عقلی است. در فرازهای بعد بیشتر درباره فرااخلاق و تلاش‌های انجام گرفته در این حوزه سخن خواهیم گفت.

۴. ترسیم شاخه‌های گوناگون اخلاق پژوهی

یکی از فعالیت‌های مهم حوزه علمیة قم در مواجهه با اندیشه‌های جدید در ادبیات اخلاقی جهان، تلاش در جهت ترسیم شاخه‌های گوناگون اخلاق پژوهی است. هنگامی که جغرافیای موضوعات یک عرصه علمی آشکار نیست،

کوشش و تحقیق در آن سردرگم خواهد بود و به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. نمونه‌ای از ترسیم جغرافیای پژوهش‌های اخلاقی را «مرکز دائرةالمعارف علوم عقلی» وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در کتاب *اصطلاحنامه فلسفه اخلاق* انجام داده و در آن، نمودارهای درختی فراوانی از شاخه‌های این عرصه علمی ارائه داده است (مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، ۱۳۹۷).

۵. تلاش در جهت تعریف مفاهیم کلیدی در اخلاق پژوهی

ابهام در مفاهیم اساسی در عرصه اخلاق پژوهی، فهم، درک و توسعه در تحقیقات این عرصه را منتفی می‌سازد. حوزه علمیه قم نیز برای برطرف کردن این کاستی، تعریف مفاهیم کلیدی هر تحقیق در اخلاق را جزو ضروریات پژوهش دانسته و بر این اساس، گنجینه بزرگی از این تعاریف را در نوشتارها و مکتوبات تدارک دیده است. با این حال، مراکز مهم حوزوی، همچون «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم اقدام به تدوین فرهنگنامه‌های گوناگونی در این زمینه نموده است. تدوین *اصطلاحنامه اخلاق اسلامی* در سال ۱۳۷۶ آغاز گردید و تحقیق آن در سال ۱۳۸۲ به پایان رسید. این مجموعه دربردارنده ۴/۷۲۸ اصطلاح است که با مراجعه به ۱۷۵ منبع اخلاقی، در سه بخش الفبایی، نظام یافته و ترسیمی تنظیم گردیده و به چاپ رسیده است. همچنین در این عرصه، *اصطلاحنامه فلسفه اخلاق* (محصول دائرةالمعارف علوم عقلی) نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که نقش مهمی در تعریف مفاهیم کلیدی اخلاق از خود بر جای گذاشته است.

۶. نمایه‌نویسی کتب اخلاقی

از جمله تلاش‌هایی که در دوران معاصر در حوزه اخلاق‌شناسی به انجام رسیده، نمایه‌نویسی کتب اخلاقی است. اساساً نمایه‌نویسی در راه انجام پژوهش‌های گوناگون، مسیر را برای محققان هموار ساخته و راه میانبر را برای آنان در رسیدن به مقصد مهیا می‌سازد. در این زمینه، *نمایه موضوعی منابع فلسفه اخلاق* که نمایه کتب فلسفه اخلاقی است توسط «مرکز دائرةالمعارف علوم عقلی» در سال ۱۴۰۰ از سوی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع به چاپ رسیده است.

۷. حوزه علمیه قم و اخلاق هنجاری

«اخلاق هنجاری» در مقام ارائه، بیان و دفاع از نظام اخلاقی یک قوم، دین، فرهنگ و گروه خاص است (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۶-۱۷). ترسیم نظام اخلاقی و دفاع از آن در برابر تهاجم‌های وارد شده، وظیفه‌ای بس دشوار است که اندیشمندان عرصه اخلاق هنجاری متکفل آن شده‌اند. اخلاق هنجاری غایت تلاش مجتهدان اخلاق در چهارگوشه عالم است.

در گذشته، اخلاق هنجاری به‌مثابه یک فضای یکپارچه و واحد دیده می‌شد. اما تلاش‌های اخیر اندیشمندان

اخلاق در عالم، برای این عرصه ساحت‌های گوناگونی پدید آورده است. بر این اساس، اخلاق هنجاری در دو ساحت «اخلاق عمومی» و «اخلاق کاربردی» به منصفه ظهور می‌رسد. «اخلاق عمومی» متکفل بیان نظامی اخلاقی است که عامه مردم موظف به رعایت آن هستند و «اخلاق کاربردی» در مقام تبیین نظام اخلاقی حرفه‌های گوناگون و نیز در مقام حل مسائل اخلاقی و معضلات و چالش‌های اخلاقی است.

قابل ذکر است که یک نظام اخلاقی، چه در اخلاق عمومی و چه در اخلاق حرفه‌محور - دست کم - دارای عناصر ذیل است: بیان نظریه ارزش اخلاقی؛ بیان هدف اخلاق و به عبارت دیگر، هدف اخلاقی بودن؛ بیان اصول مبنایی و اصلی اخلاق؛ بیان اصول استنتاجی و اشتقاقی؛ بیان عوامل انگیزشی و تحریک‌کننده به سوی عمل به احکام اخلاقی؛ بیان ضمانت اجرای احکام اخلاقی (برای مطالعه بیشتر، ر.ک. حسینی قلعه‌بهن، ۱۳۹۴).

همچنین راه حل مسائل اخلاقی در اخلاق کاربردی مسئله‌محور، یا مراجعه به اصول و قواعد استنتاجی و اشتقاقی عام اخلاقی است (روش قیاسی) یا تحلیل جزء به جزء مسائل اخلاقی برای یافتن پاسخ درخور برای آنهاست (روش استقرائی) و یا یافتن پاسخ برای مسائل اخلاقی با در نظر گرفتن شبکه‌ای از احکام اخلاقی و به دست آوردن جواب مسئله مورد نظر از طریق همخوانی با سایر احکام اخلاقی (موازنه متفکرانه) (برای مطالعه بیشتر، ر.ک. اسلامی، ۱۳۹۷).

لازم به ذکر است که در عرصه اخلاق هنجاری، روش اصلی در حوزه علمیة قم، روش «قیاسی» بوده و کمتر به دو روش دیگر توجه شده است.

این تفکیک مسائل در اخلاق هنجاری، شاخص‌های جدیدی برای پرداختن به موضوعات اخلاقی در اختیار نهاده است. حوزه علمیة قم نیز از این تفکیک موضوعات در اخلاق هنجاری بهره برده و به‌ویژه در سی سال اخیر بسیاری از تدوین‌های اخلاقی را با توجه به این موضوع سامان داده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی کتاب *اخلاق اسلامی در نهج البلاغه* را در وادی اخلاق عمومی تدوین نموده است. همچنین آیت‌الله مصباح یزدی در نگارش مجموعه سه‌جلدی *اخلاق در قرآن* همین مسیر را طی کرده است. آیت‌الله جوادی آملی نیز در کتاب *مراحل اخلاق در قرآن* به همین سبک مطالب اخلاقی را بر اساس آیات قرآن کریم ارائه داده است.

در وادی اخلاق حرفه‌محور نیز حوزه علمیة قم واکتس مناسی نشان داده است. کتاب‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوانی در این زمینه شکل گرفته است؛ از جمله: *اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی*، نوشته آیت‌الله عبدالله جوادی آملی؛ *اخلاق کارگزاران در سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ*، از حجت‌الاسلام سیدجوادی نورموسوی؛ *اخلاق و آداب قضاوت*، از محمدکاظم بهرامی.

در بایگانی مدارج علمی حوزه علمیة قم، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعددی در این زمینه دیده می‌شود که انتشار آنها می‌تواند عمق توجه این نهاد شریف به اخلاق حرفه‌محور را به نمایش بگذارد. احمدحسین شریفی با تدوین

دائرةالمعارف اخلاق کاربردی گام بزرگی در جهت تبیین موضوعات اخلاق کاربردی به هر دو اخلاق «حرفه‌محور» و «مسئله‌محور» برداشت.

در باب اخلاق مسئله‌محور، در دو دهه اخیر، همزمان با سایر نقاط دنیا، تلاش‌های فراوانی در حوزه علمیة قم صورت گرفته است. مسائل گوناگونی همچون شأن اخلاقی محیط زیست، سقط جنین، اهدای عضو، مرگ اختیاری (اتانازی)، فضای مجازی، تغییر جنسیت، و بانک‌های اطلاعات ژنتیک از سوی صاحب‌نظران حوزوی مطالعه و بررسی شده و آراء و نظرات جالبی درباره آنها بیان گردیده است. محصول این تلاش‌ها در قالب کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های گوناگون عرضه شده است.

کتاب **جستارهایی در اخلاق کاربردی** که با تلاش اندیشمندان حوزوی به ثمر رسیده، محصولی ارجمند در عرصه اخلاق کاربری محسوب می‌گردد. غیر از دو مقاله ابتدایی که با موضوع «ماهیت اخلاق کاربردی» و «تصمیم‌گیری اخلاقی» که در آنها مسائل بنیادی‌تر مد نظر قرار گرفته، سایر مقالات به بررسی اخلاقی موضوعات گوناگون، از جمله محیط زیست، جنگ و صلح، ساختارهای هوشمند، دانشگاه مجازی، آموزش و پرورش، حسابداری، کسب و کار و روش مادری و همسرمداری پرداخته است.

بررسی و تحلیل عوامل بروز مشکلات اخلاقی مرتبط با هر حوزه و ارائه راهکارهای عملی با رویکردهای مطرح در نظریه‌های هنجاری اخلاق و گاه با رویکردی دینی از جمله اموری است که عمدتاً مطمح نظر نویسندگان این کتاب بوده است (ر.ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹ الف).

نکته قابل توجه این است که موضوعات گوناگون عرصه اخلاق کاربردی مد نظر محققان حوزه علمیة بوده و در تمام عرصه‌ها پژوهش‌های قابل تأملی انجام شده است، به گونه‌ای که در هر عرصه می‌توان نمونه‌هایی درخور معرفی نمود. با این حال، فعالیت حوزویان در مواجهه با موضوعات اخلاق زیستی، طیف گسترده‌ای از مسائل این عرصه را بیش از سایر حوزه‌ها دربر گرفته است و شاید عرصه حل چالش‌های اخلاقی نیاز به توجه بیشتری در حوزه علمیة دارد.

مقاله «ارزیابی سلامت غذاهای اصلاح‌شده ژنتیکی بر اساس اصل اخلاقی زیان‌نرسانی»، به قلم علیرضا آل‌بویه و مریم‌السادات رضوی (۱۴۰۱) و یا مقاله «اخلاق زیستی و رابطه آن با کرایونیک از منظر فقهی و حقوقی»، به قلم فاطمه مهدوی (۱۴۰۰) دو نمونه از این تحقیقات فراوان است.

۸. حوزه علمیة قم و فرااخلاق

مطالعات و بررسی‌های تحلیلی و فلسفی درباره حقایق، مفاهیم، احکام و گزاره‌های اخلاقی را در اصطلاح، «فرااخلاق» (Meta Ethics) گویند (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۹). این بخش از مطالعات اخلاقی در واقع نوعی فعالیت فلسفی در عرصه اخلاق است. به تعبیر روشن‌تر، هرگونه فعالیت و بررسی فلسفی که در عرصه‌های گوناگون

مطرح می‌گردد، در این عرصه نیز یافت می‌شود. بر این اساس، در فرااخلاق، شاخه‌های گوناگون فلسفی خود را به نمایش می‌گذارد و به تناسب موضوع، مباحثی مطرح می‌گردد. اندیشمندان مباحث فلسفی را در شاخه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معناشناسی و ارزش‌شناسی قرار داده‌اند. پس در فرااخلاق - دست کم - مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و معناشناختی وجود دارد (همان).

در فرااخلاق و در رویکردهای جدید به مسائل این عرصه، مباحث در دو شاخه حقایق و مفاهیم و احکام و گزاره‌ها ارائه می‌گردد. در ناحیه حقایق و مفاهیم، مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، معناشناختی و منطقی مطرح می‌گردد و در بخش احکام و گزاره‌ها، مباحث معرفت‌شناختی، معناشناختی و منطقی دیده می‌شود (ر.ک. همان).

بی‌تردید تا زمانی که موضوعات فرااخلاقی تعیین تکلیف نگردد، بسیاری از مسائل اخلاقی لاینحل باقی مانده، اساساً اجتهاد در اخلاق بی‌معنا خواهد بود. تشکیک در وجود داشتن و یا وجود نداشتن حقایق اخلاقی، ندانستن راه دستیابی به حقایق اخلاقی، ناتوانی در درک سنخ مفاهیم اخلاقی و یا جهل نسبت به منطق اخلاق و موضوعاتی از این دست، همه در راه دستیابی به احکام و گزاره‌های اخلاقی مانع ایجاد کرده، راه را بر رسیدن به یک نظام اخلاقی موجه می‌بندند و البته حل مسائل اخلاق کاربردی را به صورتی دقیق و کامل، ناممکن می‌گردانند.

حوزه علمیة قم در این وادی نیز وارد شده و تلاش‌های قابل توجهی را به انجام رسانده است. شاید در زمان‌های قبل برخی موضوعات فرااخلاقی به صورت پراکنده در عرصه‌های گوناگون مد نظر واقع شده بود، اما در دهه‌های اخیر، این موضوعات به طور مستقل در نوشتارها و آثار گوناگون بررسی شده و آراء و نظرات گوناگونی با محوریت این مسائل ارائه گردیده است. فعالیت‌های اندیشمندان حوزه علمیة قم در مواجهه با موضوعات جدید فرااخلاقی را می‌توان در چند قالب قرار داد که در ادامه به برخی از آنها به اجمال اشاره می‌گردد:

۱-۸. نظریه پردازی در باب هستی‌شناسی حقایق اخلاقی

مرحوم علامه طباطبائی در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، هنگامی که نظریه «اعتباریات» را ارائه می‌دهد، سخن از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و معناشناسی حقایق، مفاهیم، احکام و گزاره‌های اخلاقی به میان می‌آورد. ایشان می‌نویسد:

اعتباریات بر دو قسم منقسم می‌باشند: ۱. اعتباریات مقابل ماهیات که آنها را «اعتباریات بالمعنی الاعم» نیز می‌گوییم. ۲. اعتباریاتی که لازمه فعالیت قوای فعاله انسان (یا هر موجود زنده) است و آنها را «اعتباریات بالمعنی الاخص» و «اعتباریات عملی» می‌نامیم. چون اعتباریات عملی مولود یا طفیلی احساساتی هستند که مناسب قوای فعاله می‌باشند و از جهت ثبات و تغییر و بقا و زوال، تابع آن احساسات درونی‌اند و احساسات نیز دو گونه هستند: احساسات عمومی لازم نوعیت نوع و تابع ساختمان طبیعی؛ چون اراده و کراهت مطلق و مطلق حب و بغض، و احساسات خصوصی قابل تبدل و تغییر. از این روی باید گفت: اعتباریات عملی نیز دو قسم هستند: ۱. اعتباریات عمومی ثابت [و] غیرمتغیر مانند اعتبار متابعت علم و اعتبار اجتماع و اختصاص... ۲. اعتباریات خصوصی قابل تغییر مانند زشت و زیبایی‌های خصوصی و اشکال گوناگون اجتماعات (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۴۲۸).

البته روشن است که دیدگاه اعتباریات مرحوم علامه طباطبائی در نگاه نخست، همان گونه که برخی چنین برداشتی داشته‌اند (سروش، ۱۳۸۵، ص ۳۵۳-۳۵۴)، به نگرش‌های قراردادگرایانه نزدیک شده و نسبییت اخلاقی را تجویز می‌نماید؛ اما با توجه به مبانی فکری و سایر آثار فلسفی و تفسیری ایشان، نظریه اعتباریات تبیینی واقع‌گرایانه یافته، راه خود را از قراردادگرایی متمایز می‌سازد و سر از نسبییت اخلاقی در نمی‌آورد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک. کاشی‌زاده، ۱۳۹۶).

شهید مرتضی مطهری در هستی‌شناسی حقایق اخلاقی در کتاب *نقدی بر مارکسیسم*، حقایق اخلاقی را عبارت از رابطه مثبت میان فعل و کمال «من علوی» انسان می‌داند. به عبارت دیگر، ایشان درباره حقایق اخلاقی به تحلیل نرفته، کاری فرااخلاقی انجام داده است (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۰۹).

مرحوم علامه مصباح یزدی نیز حقایق اخلاقی را اموری می‌داند که میان افعال و اوصاف اختیاری ما از یک سو و هدف و غایت زندگی و اخلاق ارتباط برقرار می‌سازند. به عبارت دیگر، حقایق اخلاقی همان ارتباط میان فعل و صفت اختیاری و کمال نهایی انسان است.

ارزش اخلاقی تابع تأثیری است که فعل اخلاقی در تحصیل آن نتیجه مطلوب (یعنی کمال و سعادت حقیقی انسان) دارد... اگر فرض کنیم کاری نه نتیجه مثبت داشته باشد و نه منفی، نه انسان را به کمال حقیقی نزدیک کند و نه دور کند، در این صورت فاقد ارزش خواهد بود و یا به تعبیر دیگر، ارزشش صفر خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸).

آیت‌الله صادق لاریجانی در بیان و تحلیل هستی‌شناختی الزامات اخلاقی رویکردی خاص خود اتخاذ کرده است. وی امهات الزامات اخلاقی را به لزوم‌های اخلاقی ارجاع می‌دهد و برای لزوم‌های اخلاقی نفس‌الامری خاص خود در نظر می‌گیرد و آنها را دارای تحقق عینی معرفی می‌نماید و مفاهیم حاکی از آن لزوم‌ها را مفاهیمی از سنخ معقولات اولی و ماهوی معرفی می‌نماید (لاریجانی، ۱۳۸۶).

آیت‌الله حائری یزدی نیز در این باب نظریه خاص خود را ارائه نموده است. به باور ایشان، هستی‌هایی که ضرورت پیدا می‌کنند دو قسم هستند: هستی‌های مقذور و هستی‌های نامقذور. هستی‌های مقذور اموری هستند که از اراده یک فاعل مختار حاصل شده‌اند و یک فاعل ذی‌شعور آنها را تحقق داده است؛ مثل راستگویی. در طرف مقابل، هستی‌های نامقذور اموری هستند که سبب تحقق آنها یک فاعل مختار نیست؛ مثل سوختن چوب که محصول سوزاندن آتش است (حائری یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲).

در نگاه ایشان، الزام اخلاقی همان ضرورت هستی‌های مقذور است که از جانب فاعل مختار حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، فاعل مختار با اراده و اختیار خود، یک فعل و یا یک رفتار را از حالت امکان خارج می‌کند و آن را در عالم خارج محقق گردانیده، به آن فعل ضرورت بالغیر می‌بخشد (همان، ص ۱۰۲-۱۰۴). در حقیقت الزام و ضرورت اخلاقی، همان ضرورت بالغیری است که همراه فعل است و فاعل مختار آن را به فعل مقذور و هستی مقذور بخشیده است.

۲-۸. نظریه پردازی در عرصه معرفت‌شناسی حقایق و گزاره‌های اخلاقی اخلاق

معرفت‌شناسی حقایق و گزاره‌های اخلاقی یکی از شاخه‌های جدیدی است که در صد سال اخیر در فضای فکری و ادبیات اخلاقی جهان بسیار مطمح نظر قرار گرفته است. اندیشمندان حوزه علمیة قم نیز در مواجهه با این نگرش‌های جدید، ابداعات و ابتکارات و نظریات جالب توجهی ارائه کرده‌اند که هر کدام درخور بررسی و تبیین است.

در عرصه معرفت‌شناسی اخلاق، موضوعات گوناگونی قابل طرح و بررسی است. تبیین چستی معرفت اخلاقی، راه شناخت حقایق اخلاقی، چگونگی نیل به معرفت به احکام اخلاقی و برهان‌پذیری - دست‌کم - برخی از احکام و گزاره‌های اخلاقی از جمله مهم‌ترین حوزه‌های قلمرو معرفت‌شناسی اخلاق است که محققان حوزه‌ی در آن به تبیین دیدگاه‌های خویش پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از این تلاش‌ها اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت:

اندیشمندان حوزه علمیة قم، در گام نخست به تعریف «معرفت اخلاقی» پرداخته‌اند. برای نمونه، کتاب **واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم** در این باب آورده است:

«معرفت اخلاقی» یعنی: باور اخلاقی‌ای که صادق و موجه است. بر این اساس، آدمی تنها هنگامی دارای معرفت اخلاقی است که دیدگاه اخلاقی او از سنخ باور بوده، صادق و موجه نیز باشد. در باب معرفت اخلاقی، با دو مسئله مهم و اساسی مواجهیم: الف. آیا دیدگاه‌های اخلاقی ما از سنخ باور هستند؟ ب. آیا باورهای اخلاقی ما توجیه‌پذیرند؟ (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

در گام دوم، ایشان به چگونگی شناخت حقایق اخلاقی توجه داشته‌اند. برای مثال، در نگرش مرحوم علامه مصباح یزدی، چگونگی آگاهی از حقایق اخلاقی این‌گونه تبیین شده است:

از آنجاکه خوبی و بدی همانند مفاهیم و معقولات ماهوی نیستند که در خارج به صورت مستقل محقق شده باشند، تصور اینکه خوبی و بدی مثل رنگ اجسام و یا شکل ظاهری آنها قابل ادراک باشد، اساساً تصویری ناپیوسته؛ همچنان که اگر آتش علت ایجاد حرارت است، تصور اینکه در کنار و بر روی آتش، مضاف بر اموری مثل رنگ، نور و... چیزی به نام علت بودن هم قرار گرفته باشد، فرض و تصویری ناپیوسته، بلکه این علت بودن - در واقع - از رابطه میان آتش و حرارت انتزاع شده و بدون فعالیت ذهنی، دستیابی به این مفهوم امکان‌پذیر نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱).

در گام سوم، در باب چگونگی نیل به معرفت احکام اخلاقی نظریه‌پردازی شده است. برای نمونه، آیت‌الله صادق لاریجانی معتقد است: الزامات اخلاقی واقعیاتی از نوعی خاص هستند که ادراک آنها نیز ابزار مختص خود را می‌طلبند. علم به لزوم‌های اخلاقی علمی حصولی است؛ اما باید دانست که علم به برخی از این لزوم‌ها بدیهی است؛ مثل علم به لزوم عدالت در رفتار و یا پرهیز از ظلم در رفتار و علم به باقی نیز با ارجاع به این امور بدیهی حاصل می‌گردد. همچنین برخی از لزوم‌ها نیز در نفس انسان حاضرند و نیازی نیست که انسان با استفاده از مفاهیم به آنها آگاهی پیدا کند. به طور خلاصه، علم به این لزوم‌ها شهود خاص خود و ادراک خاص خود دارد (لاریجانی، ۱۳۸۶).

برهان‌پذیری - دست‌کم - برخی از احکام و گزاره‌های اخلاقی نیز مورد تأکید اندیشوران حوزه علمیة قم قرار گرفته و درباره آن نیز نظریه‌پردازی شده است:

بیرون واقع‌گرایی اثبات‌پذیر نیز ممکن است برخی احکام اخلاقی را بدیهی بدانند؛ اما ایشان می‌پذیرند که سایر احکام اخلاقی - و احتمالاً حتی همان احکام بدیهی - را می‌توان بر اساس گزاره‌های غیراخلاقی اثبات کرد (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸).

به هر تقدیر، عرصهٔ فرااخلاق نیز یکی از زمینه‌هایی بوده که حوزهٔ علمیه نسبت به نگرش‌های جدید در موضوعات اخلاقی واکنش نشان داده و همان‌گونه که در این بخش ملاحظه شد، ابداعات و دیدگاه‌های فراوانی از خود بروز داده است. در این فراز صرفاً گزارشی از این فعالیت‌ها ارائه شد و نمونه‌های اندکی برای نشان دادن آنها ذکر گردید.

۹. حوزهٔ علمیهٔ قم و اخلاق توصیفی

مقصود از «اخلاق توصیفی» مطالعه و پژوهش در باب توصیف و تبیین اخلاق، اندیشه‌های اخلاقی، پژوهش‌های اخلاقی و نظام اخلاقی افراد، اقوام، ملل، فرهنگ‌ها، ادیان و یا جوامع گوناگون است. در این نوع پژوهش اخلاقی، هدف صرفاً گزارش این مهم و موضوع است. گزارش اخلاقی که از فرد یا جامعه یا یک دین و مذهب ارائه می‌شود، «اخلاق توصیفی» خوانده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸-۱۹).

به دیگر سخن، موضوع پژوهش توصیفی پژوهش‌های اخلاقی، اخلاقیات و نظام اخلاقی فرد یا گروهی خاص است و روش بحث هم تجربی و نقلی است، نه استدلالی و عقلی، و هدف از این‌گونه مباحث در گام نخست، آشنایی با تفکرات و نگرش‌های اخلاقی و نوع رفتار و اخلاق فرد یا جامعه‌ای خاص است و در گام بعدی ارائهٔ تصویری دقیق از نظام اخلاقی حاکم بر آنها (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱).

لازم به ذکر است که در عرصهٔ اخلاق توصیفی، گاه محقق صرفاً اخلاقیات و پژوهش‌های اخلاقی یک گروه و قوم و فرهنگ را بررسی می‌کند و گاه نیز این تحقیق را به شکل مقایسه‌ای و تطبیقی ارائه می‌دهد و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو یا چند نظام اخلاقی را بیان می‌کند.

حوزهٔ علمیهٔ قم در این عرصه از مباحث اخلاقی نیز در دهه‌های اخیر کارهای تأثیرگذار بسیاری ارائه کرده است. ارائهٔ واحدهای درسی و تدارک سرفصل‌های مناسب در باب اخلاق در ادیان مختلف، تربیت محققان و پژوهشگران توانمند در این ساحت، تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعدد در این زمینه، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی در این عرصه، تدوین کتب و مقالات علمی در سطوح گوناگون و آثار دیگری از این قبیل در زمرهٔ محصولات این نگرش به اخلاق توصیفی است.

حجم بالای محصولات و تحقیقات در «اخلاق توصیفی» به گونه‌ای است که می‌توان گفت: در دهه‌های اخیر، چندین برابر کل تاریخ و ادبیات اخلاقی عالم شیعه مطلب تولید شده است. شاید گزارف نباشد که گفته شود: تا قبل از دوران معاصر حوزهٔ علمیهٔ قم، بهای چندانی به این عرصه در پژوهش‌های اخلاقی داده نمی‌شد؛ اما امروزه برای بهره‌بردن از فواید این نوع تحقیقات اخلاقی، نیروی معتابیهی به آن اختصاص یافته و به همین سبب، شاهد حجم بالایی از یافته‌های علمی در این فضا هستیم.

لازم به ذکر است که تحقیقات توصیفی در عرصه اخلاق، در تمام شاخه‌های اخلاق پژوهی قابل ردیابی است. به دیگر سخن، برای دسته‌بندی این تحقیقات، ما می‌توانیم شاخه‌های گوناگون تحقیقات اخلاقی را مد نظر قرار دهیم و در هر عرصه‌ای کارهای توصیفی را مشاهده نماییم. به هر حال، در ادامه به برخی از این پژوهش‌های توصیفی اشاره می‌کنیم:

– رساله دکتری **بررسی مقایسه‌ای سقط جنین و مبانی آن از منظر اخلاق امامیه و کاتولیک**، نوشته سبغلی کریم‌زاده، دفاع شده در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۴۰۱؛

– رساله دکتری **تأسیس اخلاقی جنین؛ مقایسه دیدگاه آیین کاتولیک و سنت شیعی**، نوشته محمدرضا نظری، دفاع شده در جامعه المصطفی العالمیه، ۱۴۰۱؛

– پایان‌نامه **تأسیس اخلاقی محیط زیست از نگاه اسلام و مسیحیت**، نوشته مهدی احمدی، دفاع شده در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۹؛

– پایان‌نامه **شرایط عامل اخلاقی از منظر امامیه و آیین کاتولیک**، نوشته مجتبی نوری کوهبنانی، دفاع شده در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

اینها نمونه‌ای از حجم انبوه رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تدوین شده در این عرصه است.

– مقاله «اخلاق در آیین یهود»، نوشته اسماعیل علیخانی، در نشریه **معرفت اخلاقی**، ۱۳۸۹؛

– مقاله «اخلاق یهودی: قوم‌محور یا بشریت‌محور؟» نوشته محمدجواد نیکدل، در مجله **اخلاق و حیاتی**، ۱۳۹۲؛

– مقاله «خاستگاه اخلاق مسیحی در عهد جدید»، نوشته سمیه عمادی اندانی، در مجله **معرفت ادیان**، ۱۳۹۴.

اینها نمونه‌های اندکی در این زمینه به شمار می‌رود. به علت حجم بالای تولیدات علمی در باب «اخلاق توصیفی» به همین میزان از گزارش اکتفا کرده، بررسی مفصل را به فرصت‌های مناسب واگذار می‌کنیم.

۱۰. حوزه علمیة قم و روان‌شناسی اخلاق

«روان‌شناسی اخلاق» حلقه اتصال دو حوزه بسیار مهم در ساحت اندیشه بشری است: از یک‌سو به مباحث اخلاقی می‌پردازد و از دیگر سو، وارد حوزه روان‌شناسی می‌گردد. با این تحلیل، روان‌شناسی اخلاق امروزه در زمره جذاب‌ترین عرصه فعالیت بین‌رشته‌ای در روان‌شناسی و اخلاق است که در بیست سال اخیر در جهان با سرعت بالایی مباحث آن گسترده شده و افراد بسیاری را به سوی خود کشیده است. در این شاخه از پژوهش‌های اخلاقی، مباحث و تحقیقات اخلاقی رنگ و بوی روان‌شناختی دارد و با ارائه تحلیل‌های روان‌شناسانه، راه را برای دانستن بیشتر درباره اخلاق باز می‌کند. با این حال، این شاخه بسیار مهم در فضای علمی حوزه علمیة قم تا اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین شاخه‌ها این عرصه اشاره و برخی از تلاش‌های انجام گرفته حوزه علمیة قم در این زمینه را معرفی می‌کنیم:

۱-۱۰. قضاوت اخلاقی

پدیده‌ای است ذهنی که در آن آدمی به ارزش‌داوری درباره رفتارها، صفات و وضعیت‌های اختیاری خود و یا دیگران می‌پردازد و آنها را به خوبی، بدی، درستی، خطایی، بایستگی، نبایستگی و وظیفه بودن اخلاقی متصف می‌کند. در این زمینه مقالات و آثار متعددی به نگارش درآمده است؛ از جمله:

- مقاله «نقش فرد و موقعیت در قضاوت اخلاقی»، نگاشته ناصر آقابابایی و جواد حاتمی، در نشریه معرفت اخلاقی، ۱۳۹۱؛

- مقاله «سواد اخلاقی روحانیت در تعاملات اجتماعی (ابعاد و ساختار)»، نوشته حسن بوسلیکی، ۱۴۰۰.

۲-۱۰. استدلال اخلاقی

فرایند ذهنی دلیل آوردن بر درستی یک رفتار، صفت و یا وضعیت اخلاقی در گام نخست و استدلال بر درستی یک اصل و یا قاعده اخلاقی در گام دوم و استدلال بر اعتبار یک نظام اخلاقی در گام سوم را می‌توان «استدلال اخلاقی» نامید. در این عرصه نیز تلاش‌های گوناگونی در حوزه علمی انجام گرفته است؛ از جمله:

- مقاله «تحلیل تطبیقی روش‌شناسی استدلال‌های اخلاقی شهید مطهری و آیت‌الله مصباح یزدی»، در پژوهش‌های نوین دینی، ۱۴۰۰.

۳-۱۰. حساسیت اخلاقی

تحرک ذهنی انسان نسبت به درک خوبی و بدی و درستی و خطای اخلاقی یک رفتار، صفت و وضعیت اخلاقی و نیز توانایی آدمی بر درک نتایج و پیامدهای تصمیم‌های اخلاقی و همچنین توانایی آدمی بر درک مشکلات و معضلات اخلاقی را می‌توان «حساسیت اخلاقی» خواند. پژوهش ذیل درباره حساسیت اخلاقی، موضوع حساسیت اخلاقی روحانیت را بررسی کرده است:

- مقاله «سواد اخلاقی روحانیت در تعاملات اجتماعی (ابعاد و ساختار)»، نگاشته حسن بوسلیکی، در نشریه اخلاق، ۱۴۰۰.

۴-۱۰. مسئولیت اخلاقی

آدمی هنگامی که در مسیر زندگی خود با گزینه‌های خوب و بد مواجه می‌شود، بر اساس این پیش‌فرض که او موجودی مختار است، باید پاسخگوی انتخاب خویش باشد و تن به پاداش و یا مجازات این انتخاب خویش بدهد. «مسئولیت اخلاقی» در حوزه مباحث روان‌شناسی اخلاق، پژوهشی است در این عرصه و تلاشی است در تبیین روان‌شناختی پاسخگو بودن انسان در برابر انتخاب‌های خویش. البته مسئولیت اخلاقی در حوزه‌های دیگر هم مد نظر قرار می‌گیرد که پژوهش جامع آن در اخلاق‌شناسی به انجام می‌رسد.

آیت‌الله مصباح یزدی از جمله اولین اندیشمندان حوزه‌ی است که در کتاب *دروس فلسفه اخلاق* خود از مسئولیت اخلاقی سخن به میان آورد و عرصه را بر این موضوع گشود.

۵-۱۰. انگیزه اخلاقی

آنچه آدمی را به سوی حرکت و فعل اخلاقی سوق می‌دهد و- به اصطلاح- دلیل آدمی بر فعل اخلاقی قرار می‌گیرد، «انگیزه اخلاقی» خوانده می‌شود. البته در باب انگیزه اخلاقی، عده‌ای معتقدند: صرف وجود آگاهی از حقیقت اخلاقی برای فعل اخلاقی کافی است. عده‌ای نیز معتقدند: جدای از علم و آگاهی از حقیقت اخلاقی، اموری خارجی به‌مثابه مکمل، نیاز است تا آدمی به سوی عمل سوق داده شود. در این میان، گروه اول را «درون‌گرایان» و دسته دوم را «برون‌گرایان» می‌خوانند (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). این موضوع بحثی جذاب در حوزه روان‌شناسی اخلاق تلقی می‌گردد.

شهید مرتضی مطهری از نخستین اندیشمندانی است که در حوزه علمیة به موضوع «انگیزه اخلاقی» پرداخته و با بهره گرفتن از افکار پیشینیان، به تبیین این موضوع مهم پرداخته است. نگرش ایشان رویکردی برون‌گرایانه تلقی می‌شود. در بیان ایشان، قوه مدرکه به آدمی آگاهی می‌دهد و این آگاهی قوه شوقیه را به حرکت درمی‌آورد و میل تولید می‌کند و قوه شوقیه قوه عامله را برمی‌انگیزاند و تحریک می‌کند و عمل واقع می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۵۵).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز از جمله فیلسوفانی است که در باب «انگیزه اخلاقی» در عالم تشیع به نظریه‌پردازی روی آورد. ایشان صرف داشتن آگاهی را برای عمل به یک هنجار اخلاقی کافی نمی‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۷۱، ص ۴۲۴) و هر حرکت اختیاری را مترتب بر سه عنصر «آگاهی»، «میل» و «قدرت» می‌شمارد و بر این اساس، نوعی دیدگاه برون‌گرایی در باب انگیزه اخلاقی ارائه می‌دهد (مصباح یزدی، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷).

۶-۱۰. هویت اخلاقی

میزان همسان شدن زندگی و اهداف زندگی انسان با اخلاق و اصول و ارزش‌های آن «هویت اخلاقی» انسان را شکل می‌دهد (اشتری و دیگران، ۱۳۹۶). امروزه این موضوع نیز از جذابیت فراوانی در میان پژوهشگران اخلاق و روان‌شناسی برخوردار است. در عرصه هویت اخلاقی نیز در حوزه علمیة تلاش‌های ارزشمندی به انجام رسیده است که در این زمینه می‌توان به پژوهش ذیل اشاره کرد:

مقاله «رابطه عمل با باورهای دینی و هویت اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای هویت اخلاقی»، (اشتری، کاظمی و صالحی، ۱۳۹۶).

۷-۱۰. عمل اخلاقی

تبیین اینکه چه رفتاری اخلاقی است و در انسان چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که یک رفتار اخلاقی از او سر می‌زند، در حوزه بحث «عمل اخلاقی» است. در باب این موضوع نیز مقالات و آثار متعددی به تحریر درآمده و فضای فکری و ادبیات اخلاقی شاهد بر این مدعاست. از این جمله است:

مقاله «بررسی رابطه معناشناسی، وجودشناسی و معرفت‌شناسی ایمان در عمل اخلاقی از منظر علامه طباطبائی»، نوشته مریم السادات نبوی میبیدی، در نشریه اندیشه نوین دینی ۱۴۰۰.

۸-۱۰. رشد اخلاقی

تمرکز «رشد اخلاقی» بر ظهور، تغییر و درک اخلاق در آدمی از دوران جنینی تا بزرگسالی است. دیدگاه‌های گوناگونی در این حوزه مطرح شده که در جای خود قابل بررسی و تبیین است. این موضوع نیز در اندیشه متفکران حوزوی بسیار مطمح نظر قرار گرفته و با بهره‌گیری از منابع اسلامی محصولات ارزشمندی به جامعه علمی کشور عرضه داشته شده است. از این نمونه‌هاست:

مقاله «عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی»، نوشته محمدمهدی فیروزمهر، منتشر شده در نشریه مطالعات علوم قرآن، ۱۳۹۹.

۹-۱۰. تنوع اخلاقی

«تنوع اخلاقی» به این معناست که هر کس قابلیت آن را دارد که نظام اخلاقی مختص خود را داشته باشد. به دیگر سخن، اخلاقیات در افراد دارای تنوع و گوناگونی است. این دیدگاه با دیدگاه «نسبیت اخلاقی» بسیار همخوان است (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۲۲۷-۲۲۸). اندیشمندان حوزه علمیه قم در برابر دیدگاه‌های نسبیت‌گرایانه مقاومت کرده و نظرات قابل توجهی ارائه نموده‌اند.

دکتر مجتبی مصباح در کتاب *بنیاد اخلاق*، به نقد نگرش‌های نسبیت‌گرایانه توجه داشته و مطالب ارزشمندی را عرضه داشته است.

۱۰-۱۰. شخصیت اخلاقی

هنگامی که از اوصاف نیک و بد انسان‌ها سخن به میان می‌آید، راه برای ترسیم شخصیت اخلاقی آنان باز می‌شود. انسان در درون خود مجموعه‌ای از صفات نیک و بد اخلاقی را دارد که براینند این صفات شخصیت اخلاقی وی را تشکیل می‌دهند (جهانگیری و دیگران، ۱۴۰۰). امروزه این موضوع محل بحث بسیاری از روان‌شناسان اخلاق قرار گرفته است. روان‌شناسان حوزوی نیز به این موضوع با دقت توجه داشته‌اند و درباره آن یافته‌های خوبی عرضه نموده‌اند؛ از جمله:

مقاله «ساخت و اصلاح شخصیت اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه شهید مطهری»، نوشته سعیده حمله‌داری و روح‌الله موسوی‌زاده، در نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۳۹۹.

۱۱-۱۰. ضعف و شرارت اخلاقی

این موضوع به علل نقض ارزش‌های اخلاقی توسط کسانی می‌پردازد که به آن ارزش‌ها علم دارند. مباحث متنوعی

در این حوزه وجود دارد که در جای خود قابل بررسی است. اندیشوران حوزوی نیز در این زمینه مطالب ارزشمندی مطرح کرده‌اند.

برای نمونه، دکتر مهدی علیزاده رساله دکتری خود را با عنوان **تبیین ضعف اخلاقی در دو رویکرد افلاطونی و ارسطویی با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم** در این عرصه تدوین و از آن در دانشگاه معارف وابسته به نهاد مقام معظم رهبری - حفظه الله - دفاع کرده است. همچنین از این رساله است:

- مقاله «بررسی و تحلیل ضعف اخلاقی از منظر آگوستین و توماس آکوئیناس؛ با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی»، در نشریه **معرفت/دیان**، ۱۳۹۵.

این عناوین از مهم‌ترین شاخه‌های «روان‌شناسی اخلاق» محسوب می‌گردد. حوزه علمیة قم به‌حق در دهه‌های اخیر گام‌های خوبی در این عرصه برداشته و نسبت به مسائل جدید در این زمینه واکنش مناسبی از خود نشان داده است، اگرچه به نظر می‌رسد هنوز جای تحقیقات بیشتر باقی است.

نتیجه‌گیری

در صد سال اخیر، اخلاق و پژوهش‌های اخلاقی، عرصه تلاش‌های گسترده‌ای بوده و به همین سبب، شاخه‌های تازه و یافته‌های نوینی در آن به منصفه ظهور رسیده است. حوزه علمیة قم در واکنش به این تلاش‌ها، اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. تأسیس مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی در اخلاق، تأسیس رشته‌های دانشگاهی اخلاق، تأسیس کمیته‌های علمی در جهت هدایت رساله‌ها و پایان‌نامه‌های طلاب سطوح عالی حوزه در مسیر موضوعات اخلاقی، تأسیس کمیته‌هایی برای حمایت از پژوهش‌های اخلاقی، تأسیس نشریات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی در عرصه اخلاق، تربیت اندیشمندان و دانشمندان در سطوح گوناگون و برجسته‌کردن تلاش‌های آنان، تولید نرم‌افزارهای متنوع در عرصه پژوهش‌های اخلاقی، و تهیه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در زمینه موضوعات اخلاقی جدید از این جمله است.

جدای از این اقدامات، کتب، مقالات رساله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی در زمینه موضوعات نوین اخلاقی به نگارش درآمده است که در مقاله حاضر صرفاً به صورت گذرا و به اجمال معرفی شد. مواجهه حوزه علمیة قم با موضوعات جدید در عرصه‌های اخلاق‌شناسی، اخلاق‌هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی و روان‌شناسی اخلاق در این نوشتار مد نظر قرار گرفت و گزارشی کوتاه از تلاش‌های گسترده حوزویان ارائه گردید.

منابع

- احمدی، مهدی، ۱۳۹۹، *تأسن اخلاقی محیط زیست از نگاه اسلام و مسیحیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اسلامی، محمدمتقی، ۱۳۹۷، «روش شناسی موردکاوانه در اخلاق کاربردی»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، ش ۱، ص ۹۴-۱۱۲.
- اشتری، صدیقه و همکاران، ۱۳۹۶، «رابطه عمل به باورهای دینی و هویت اخلاقی با بهزیستی روان شناختی: نقش واسطه‌ای هویت اخلاقی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۷۰-۸۴.
- آقابابایی، ناصر و جواد حاتمی، ۱۳۹۱، «نقش فرد و موقعیت در قضاوت اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، ش ۱۰، ص ۷۳-۸۸.
- آل‌بویه، علی‌رضا، مریم‌السادات رضوی، ۱۴۰۱، «ارزیابی سلامت غذاهای اصلاح‌شده ژنتیکی بر اساس اصل اخلاقی زیان‌نرسانی»، *اخلاق زیستی*، ش ۳۷، ص ۵۷-۷۱.
- بوسلیکی، حسن، ۱۴۰۰، «سواد اخلاقی روحانیت در تعاملات اجتماعی (ابعاد و ساختار)»، *اخلاق*، ش ۴۴، ص ۷۷-۱۱۱.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، *ره‌یافت‌ها و ره‌آورد‌ها: دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۹، الف، *جستارهایی در اخلاق کاربردی*، قم، دانشگاه قم.
- _____، ۱۳۹۹، ب، *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جواد آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، *مبای اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- جهانگیری، مصطفی و همکاران، ۱۴۰۰، «شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی اخلاق و بررسی مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی»، *معرفت*، ش ۲۸۹، ص ۳۳-۴۳.
- حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۴، *کاوش‌های عقل عملی: فلسفه اخلاق*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- حسینی قلعه‌بهنم، سیداکبر، ۱۳۹۹، «گستره‌شناسی تحلیلی پژوهش‌های اخلاقی»، *اخلاق*، ش ۴۰، ص ۹۷-۱۲۶.
- _____، ۱۳۸۳، *واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۴، «تحلیلی بر ساختار نظام اخلاقی در ادیان»، *معرفت ادیان*، ش ۱، ص ۸۵-۱۱۵.
- حمله‌داری، سعیده و روح‌الله موسوی‌زاده، ۱۳۹۹، «ساخت و اصلاح شخصیت اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه شهید مطهری»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ش ۱۴، ص ۱۶۵-۱۸۲.
- خواص، امیر و دیگران، ۱۳۸۸، *فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی*، قم، معارف.
- سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۵، *تفرج صنع*، تهران، صراط.
- شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۶، *آیین زندگی: اخلاق کاربردی*، قم، معارف.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی‌همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- علیخانی، اسماعیل، ۱۳۸۹، «اخلاق در آیین یهود»، *معرفت اخلاقی*، ش ۳، ص ۶۵-۹۴.
- علیزاده، مهدی، ۱۳۹۵، «بررسی و تحلیل ضعف اخلاقی از منظر آگوستین و توماس آکوئیناس: با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی»، *معرفت ادیان*، ش ۲۷، ص ۶۵-۸۴.
- عمادی اندانی، سمیه، ۱۳۹۴، «خاستگاه اخلاق مسیحی در عهد جدید»، *معرفت ادیان*، ش ۲۴، ص ۴۷-۶۶.
- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
- _____، ۱۳۸۳، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
- فیروزمهر، محمدمهدی، ۱۳۹۹، «عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی»، *مطالعات علوم قرآن*، ش ۴، ص ۸-۳۳.
- کاشی‌زاده، محمد، ۱۳۹۶، «تقریری واقع‌گرایانه از اعتباریات علامه طباطبائی ره»، *قیسات*، ش ۸۵، ص ۲۲۵-۲۴۲.
- کریم‌زاده، سیفعلی، ۱۴۰۱، *بررسی مقایسه‌ای سقط جنین و مبنای آن از منظر اخلاق امامیه و کاتولیک*، رساله دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- لاریجانی، صادق، ۱۳۸۶، «نظریه‌ای در تحلیل الزامات اخلاقی و عقلی»، *پژوهش‌های اصولی*، ش ۷، ص ۲۰۹-۲۳۴.

مرکز دائرةالمعارف علوم عقلی، ۱۳۹۷، *اصطلاحنامه فلسفه اخلاق*، قم، مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۱، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۷۳، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات.

_____، ۱۳۸۱، *فلسفه اخلاق، نگارشی*، احمدحسین شریفی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

_____، ۱۳۹۰، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۰، *بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، *نقدی بر مارکسیسم*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار، اصول فلسفه و روش رئالیسم (ادراکات اعتباری)*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

موسوی، سمیه سادات، سیداکبر حسینی قلعه‌بهمن، ۱۴۰۰، «تحلیل تطبیقی روش‌شناسی استدلال‌های اخلاقی شهید مطهری و آیت‌الله مصباح

یزدی»، *پژوهش‌های نوین دینی*، ش ۲۴، ص ۲۶-۴۹.

مهدوی، فاطمه، ۱۴۰۰، «اخلاق زیستی و رابطه آن با کرایونیک از منظر فقهی و حقوقی»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۴۳، ص ۲۶۵-۲۷۷.

نبوی میبدی، مریم السادات، ۱۴۰۰، «بررسی رابطه معناشناسی و وجودشناسی و معرفت‌شناسی ایمان در عمل اخلاقی از منظر علامه طباطبائی»،

اندیشه نوین دینی، ش ۶۷، ص ۱۰۱-۱۱۸.

نظری، محمدرضا، ۱۴۰۱، *تأسی اخلاقی جنین: مقایسه دیدگاه آیین کاتولیک و سنت شیعی*، رساله دکتری جامعه المصطفی العالمیه قم.

نوری کوهبنانی، مجتبی، ۱۳۹۸، *شرایط عامل اخلاقی از منظر امامیه و آئین کاتولیک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی.

نیکدل، محمدجواد، ۱۳۹۲، «اخلاق یهودی: قوم‌محور یا بشریت‌محور؟»، *اخلاق و حیاتی*، ش ۵، ص ۵۷-۷۲.


ویلیامز، برنارد، ۱۳۸۳، *فلسفه اخلاق*، ترجمه زهرا جلالی، قم، معارف.

عملکرد حوزه علمی قم

در حیطه اخلاق اجتماعی در یکصد سال اخیر*

محمدجواد فلاح / دانشیار گروه «مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی

fallah@maaref.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-2128-1326

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

از زمان تأسیس حوزه علمی قم که قریب یکصد سال می‌گذرد، این حوزه نقش تأثیرگذاری در تحولات اجتماعی داشته است. این تحولات از منظر اخلاقی قابل بررسی و واکاوی است. مقاله حاضر با گونه‌شناسی این تأثیرات بر اساس شاخص‌هایی همچون جغرافیای تأثیر، قلمرو تأثیر، نوع مخاطب متأثر از حوزه، نوع برون‌داد تأثیر و نیز زمان و تاریخ این تأثیرگذاری به ابعاد گوناگون تأثیرات اخلاقی حوزه می‌پردازد. این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که در یکصد سال تأسیس حوزه علمی قم - چه قبل از انقلاب اسلامی ایران و چه بعد از آن - این حوزه توانسته است با تأثیرات اخلاقی خود در برخی مقاطع تاریخی، تحولات قابل توجهی را ارائه کند. مبارزات سیاسی- اجتماعی، خدمات عمومی و عام‌المنفعه، تواسی و خیرخواهی اجتماعی و مشارکت‌های همدلانه، و پس از انقلاب اسلامی در مقاطعی مثل جنگ، محرومیت‌زدایی و سازندگی کشور همواره حوزه‌ها الهام‌بخش اخلاقی اجتماع بوده‌اند. این تأثیر فراتر از کشور ایران در کشورهای دیگر نیز قابل رصد است.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمی قم، تحولات اجتماعی، گونه‌شناسی تأثیرات حوزه، اخلاق.

بررسی تاریخ ایران اسلامی نشان می‌دهد علما نقش بسزایی در نوع عملکرد اجتماعی مردم و حکومت‌ها داشته‌اند. این تأثیرات را می‌توان در حکومت‌های مختلف ایران اسلامی بررسی کرد (ر.ک. بهداروند، ۱۳۹۶). اما تأسیس حوزه علمیّه قم با اشراف و عنایت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی نقطه آغازی برای شکل‌گیری فعالیت‌های تشکیلاتی حوزه علمیّه قم و نقطه آغاز تحولات اجتماعی در ایران شد. این تحولات زمینه‌ساز اتفاقات اجتماعی، از جمله حرکت مردم ایران برای بهسازی فرهنگی و اخلاقی گردید. حوزه‌ها با نظام تشکیلاتی متأثر از حوزه علمیّه قم، زمینه هدایتگری اقشار گوناگون مردم را فراهم ساختند و تا کنون منشأ حرکت‌های اصلاحی و خیرخواهانه و تلاش برای بهبود شرایط فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند.

چنین تأثیری را می‌توان در ابعاد گوناگون بازخوانی کرد. اوج این تأثیر شکل‌گیری قیام مردم علیه ظلم و همداستانی و همراهی آنها برای مبارزه با بی‌عدالتی و شکل‌گیری عدالت فراگیر در جامعه ایران شد. این حرکت اجتماعی عظیم که با محوریت دین و دفاع از آموزه‌های اسلام اصیل به رهبری امام عظیم الشان اتفاق افتاد، منشأ خدمات و برکات اجتماعی و اخلاقی متعددی گردید.

البته حرکت اخلاقی و اجتماعی حوزه تا پیش از انقلاب، یعنی از زمان تأسیس حوزه در زمان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری تا زمان انقلاب اسلامی در قالب‌هایی مثل تواصی به خیر، اصلاحگری اجتماعی و ارشاد حاکمیت و حرکت‌های اجتماعی به صورت پراکنده صورت می‌گرفت و متناسب با شرایط و خفقان موجود، علمای حوزه سعی در حفظ حیات اخلاقی و دینی مردم ایران داشتند. در بلاد گوناگون این روحانیان و علمای حوزه بودند که با مدیریت مراجع عظام تقلید در اقصا نقاط کشور دست به اصلاحگری و فعالیت‌های خیرخواهانه می‌زدند و راهنمای مردم در امور اخلاقی و دینی بودند.

از سوی دیگر، با تأسیس و تشکیل مساجد، حسینیه‌ها و مراکز عام‌المنفعه (مثل حمام، خیریه‌ها، مدارس و دیگر امور مورد نیاز مردم) روح خیرخواهی و خدمت را در این دیار زنده نگه داشتند.

این مقاله با تمرکز بر محورهای ذکر شده، برخی از خدمات اجتماعی علمای حوزه، به‌ویژه در ساماندهی مبارزه و تقابل با ظلم‌ستیزی و خدمات اجتماعی ایشان را در عرصه‌های گوناگون منعکس نموده است.

عنوان «اخلاق اجتماعی» در این مقاله از یک‌سو شامل نظام ارتباطی بین افراد جامعه و از سوی دیگر نوع پیوندی می‌شود که با حاکمیت سیاسی دارند. این پژوهش به اعتبار جایگاه حوزه و روحانیت در جامعه‌سازی و تغییرات نظام حاکمیتی و حوزه اخلاق سیاسی از این منظر که حوزه علمیّه در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مردمی در نظام‌های سیاسی تأثیرگذار است، از مصادیق اخلاق اجتماعی قلمداد شده؛ کما اینکه می‌توان از مصادیق ظلم‌ستیزی، بی‌تفاوت نبودن نسبت به سرنوشت جمعی و مصادیق مشابه را - که در زمره مصادیق سیاسی است - به‌مثابه فضایل اخلاق اجتماعی نیز به حساب آورد.

۱. اصلاحگری اخلاقی حاکمیت سیاسی

اصلاحگری و هدایت حاکمیت سیاسی از جمله عملکردهای اخلاقی حوزه است که پیش از انقلاب و پس از آن صورت می گرفته است. این مسئله قبل از انقلاب قائم به شخصیت‌ها بود؛ مثل شخصیت مرحوم آیت‌الله سیدحسین بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰) و دیگران و پس از انقلاب سازمان یافته و در قالب تشکل‌هایی صورت می‌گیرد. «جامعه روحانیت مبارز»، «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» و «جامعه روحانیون مبارز» برخی از تشکل‌هایی هستند که پس از انقلاب هدایت اخلاقی و ارشاد حاکمیت را به عهده داشته‌اند.

۱-۱. حاج شیخ عبدالکریم حائری

برای نمونه، اولین گام در اصلاحگری را مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۲۸-۱۳۱۵) با اتخاذ سیاست «مدارا و تذکر» در پیش گرفت. در اصل، دو نوع مواجهه با فضای آن‌روز ایشان قابل تصور است: یکی مبارزه مستقیم و درگیری متقابل که ممکن بود منجر به خفقان بیشتر و حذف نظام تشکیلاتی حوزه گردد. دیگری هدایتگری و ارشاد و مقابله غیر مستقیم با شرایط آن‌روز.

اگر این دو امر را دو طرف یک تعارض اخلاقی بدانیم مرحوم آیت‌الله حائری گزینه دوم را اخلاقی‌تر و منجر به رشد و هدایت تشخیص داد، گرچه مشهور شده است که حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در سیاست دخالت نمی‌کرد و به تعبیر افراطی برخی، سیاست را از دین جدا می‌دانست؛ ولی حق و انصاف این است که این قضاوت به دور از حقیقت است. حقیقت این است که ایشان بر اساس قانون اهم و مهم، آنچه را به خاطر اسلام برایش اهمیت فراوان قابل بود، دنبال می‌کرد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ص ۳۲۰؛ بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰).

آیت‌الله حائری در عصری قرار گرفته بود که از آغاز تأسیس حوزه (۱۳۰۰) تا پایان عمر ایشان (۱۳۱۵) عصر استبداد و اختناق و اوج قدرت رضاخان بود و رضاخان مکرر ایشان را به نابود کردن حوزه علمیه تهدید می‌کرد. گرچه در آن عصر بعضی بر این باور بودند که باید با رضاخان مبارزه کرد، هرچند به نابودی حوزه تمام شود؛ ولی اکنون به‌خوبی روشن است که روش آیت‌الله حائری درست بوده و بازسازی حوزه علمیه در حقیقت یک مبارزه عمیق فرهنگی با روش و منش رضاخان بود و بعدها موجب نابودی برنامه‌های ننگین رضاخان گردید.

به هر روی، شواهد گوناگون حاکی است که ایشان طبق وظیفه اخلاقی و شرعی نهی از منکر، اعتراض خود را با بیان و قلم و فرستادن اشخاص آشکار می‌ساخت. نمونه‌هایی از این موضع‌گیری را برخی از نویسندگان این‌گونه ذکر کرده‌اند:

۱. موضع‌گیری در برابر تشکیل دولت اسرائیل؛

۲. موضع‌گیری در برابر مصرف نامشروع اوقاف؛

۳. موضع‌گیری در برابر کشف حجاب؛

۴. برخورد با فرماندار ظالم و فاسق؛

۵. مخالفت با جمهوری خواهی رضاخان؛

۶. عدم حضور در مجلس تاج‌گذاری رضاخان؛

۷. اعتراض به اعزام طلاب تهران برای امتحان (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۰۱).

۲-۱. آیت‌الله سیدنورالدین اراکی (آقانورالدین عراقی)

از دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار در حوزه اجتماع، آیت‌الله سیدنورالدین اراکی، معروف به آقانورالدین عراقی (۱۲۸۱-۱۳۴۱ق) بود. ایشان مقتضیات زمان و موقعیت اجتماعی-سیاسی و شرایط جامعه را در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر داشت و به این بعد بسیار اهمیت می‌داد. اعتقاد ایشان بر این بود که کار خوب باید در فرصت مناسب انجام گیرد و اگر در غیر وقتش صورت پذیرد، نتیجه مطلوب نمی‌دهد و بار منفی هم به دنبال می‌آورد. ایشان در برخورد با گروه‌های فکری و افرادی که از لحاظ اندیشه و نگرش با او همفکر نبودند، دیدی وسیع، فکری روشن و بصیرتی ویژه داشت و با دیدی خوش‌بینانه و صمیمانه به واقعیت‌ها می‌نگریست و هنگام بروز اختلاف بین دانشمندان، حسن نیت و پاکی طینت و وسعت نظر را مد نظر قرار می‌داد و بر این اساس به داوری می‌پرداخت. این ویژگی موجب می‌شد که آن دو گروه مخالف از لحاظ فکری به هم نزدیک گردند و بر فرض تفاوت در برداشت و نگرش، وفاق و حسن ظن را در نظر بگیرند و بر اساس عقاید موهوم و تفکرات عبث و نفرت‌های بیجا، همدیگر را طرد نکنند (نعیمی اراکی، ۱۳۷۴، ص ۴۸-۴۹).

آقانورالدین به سبب کمالات معنوی و پیمودن مسیر حق و انس با مردم، پایگاه اجتماعی مهمی در اراک و توابع استان مرکزی داشت و اقشار گوناگون مردم تکریم ایشان را وظیفه خود می‌دانستند. به سبب همین پایگاه مردمی و مذهبی خاصی که ایشان داشت، سران دولتی و نظامی حکومت وقت درباره اصلاح امور اراک در تنگناها به او مراجعه می‌کردند و اگر می‌خواستند برای حفظ امنیت و ثبات شهر، مردم را به همکاری فرابخوانند، از نفس گرم و مؤثر این مجتهد والامقام استمداد می‌طلبیدند (کسروی، ۱۴۰۱، ص ۳۶۸-۳۶۷).

۳-۱. شیخ حسن فرید گلستانی

شیخ حسن فرید گلستانی (۱۳۱۹-۱۳۶۹ق) در متن جامعه بود و برای اسلام و مسلمانان دل می‌سوزاند. هر حادثه‌ای که برای اسلام و مسلمانان رخ می‌داد، ایشان خود را بی‌طرف حساب نمی‌کرد. دلیل این مطلب اعتراض ایشان به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی است. یکی از خدمات اجتماعی و ارزشمند علمی ایشان اهدای قریب ۲۰۰ جلد کتاب به «کتابخانه حضرت آیت‌العظمی گلپایگانی» است که قابل استفاده طلاب و محققان است. همچنین ایشان در ساخت چندین مسجد نقش مهمی داشت. یکی از مساجدی که مستقلاً به دستور ایشان تجدید بنا شد، «مسجد علوی» است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۴۵-۴۴۸).

۲. حفظ شعائر اسلامی و دفاع از دین

همواره نمادهای دینی نشانگر جریان داشتن مذهب یا حیات دینی است، به‌ویژه آنکه چنین نمادها و شعائری در

بردارنده روح اجتماعی و پیوند مؤمنان با یکدیگر باشد. در یکصد ساله اخیر، حفظ حیات دینی و نمادهای اسلامی همواره در گرو شجاعت و ایستادگی علمای حوزه علمی بوده است. اصرار ایشان بر حفظ این شعائر، به ویژه شعائر اجتماعی، همچون جهاد، حج، حجاب، امر به معروف، عزاداری‌های حسینی، نماز جمعه و نماز جماعت نشانگر روح آزاده و نفوس شجاع و بیدار علمای حوزه علمی قم است که در نهایت، زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی گردید.

۱-۲. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

از کسانی که با سیاست‌های منع عزاداری رضاشاه مخالفت می‌کرد، مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمی قم بود. ایشان در مقابله با سیاست‌های ضداسلامی رژیم رضاشاه هیچ‌گاه توسل به ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و برپایی سنت عزاداری حضرت سیدالشهداء^{علیه‌السلام} و روضه‌خوانی را تعطیل نکرد. علاوه بر روضه که هر شب جمعه و دهه اول محرم به برگزاری آن اهتمام می‌ورزید، هر روز قبل از شروع درس، یکی از شاگردان ایشان (حاج آقا جواد قمی یا شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی) ذکر توسلی به امام حسین^{علیه‌السلام} می‌نمود.

آیت‌الله حائری در هنگام درس نیز شاگردان را به توسل توصیه می‌کرد. از جمله عزاداری‌ها و سوگواری‌هایی که ایشان در ایران رایج کرد، عزاداری ایام فاطمیه بود (ر.ک. فولادی‌پناه و کبیری، ۱۳۹۷).

۲-۲. آیت‌الله محمدعلی شاه آبادی

نمونه دیگر در زمان رضاخان، در تهران توطئه کردند که نماز جماعت مساجد را تعطیل کنند. در مسجد جامع که ائمه جماعت متعددی داشت، هریک به بهانه‌ای نیامدند؛ یکی به مسافرت رفت، دیگری مریض شد،... اما آیت‌الله شاه‌آبادی (۱۲۵۱-۱۳۲۸) برای نماز عازم مسجد شد. آن روز به جای مردم نمازگزار، عده‌ای قزاق در مسجد مستقر شده بودند. در راه مسجد، یکی از مریدهای آقا به ایشان می‌گوید: قزاق‌ها به مسجد ریخته‌اند. آقا می‌گوید: خب، قزاق ریخته باشد! و وارد مسجد می‌شود.

یکی از افراد دولتی با لباس شخصی جلو می‌آید و به آقا می‌گوید: آقا، مگر نمی‌دانید نماز تعطیل است؟! آقا در حالی که حتی سرشان را بلند نکرده بود که او را نگاه کند، به او می‌گوید: برو بگو گنده‌تر از تو بیاید!

قزاق می‌گوید: من بزرگ‌تر هستم. آقا می‌فرماید: اگر با تو حرف بزنم بعداً کس دیگری نیست اعتراض کند؟ می‌گوید: خیر؟ آقا می‌فرماید: اینجا کجاست؟ جواب می‌دهد: تهران.

آقا می‌گوید: نه، اینجا که ایستاده‌ای و با تو صحبت می‌کنم، کجاست؟ پاسخ می‌دهد: مسجد.

آقا می‌گوید: من کی هستم؟ می‌گوید: پیش‌نماز.

آقا می‌فرماید: مملکت چه مملکتی است؟ می‌گوید: ایران. می‌پرسد: ایرانی دینش چیست؟ جواب می‌دهد: اسلام. سؤال می‌کند: شاه چه دینی دارد؟ نمی‌توانست بگوید: مخالف قرآن و نماز و اسلام است، می‌گوید: شاه مسلمان است.

ایشان می‌فرماید: هروقت شاه گبر شد و اعلام کرد که من کافر و یا یهودی و یا نصرانی هستم و بالای سر این مسجد ناقوس زند، من که پیشنماز مسلمانان هستم، می‌روم در مسجد مسلمانان نماز می‌خوانم. ولی مادام که اینجا ناقوس نزدند و شاه هم اعلام گبر بودن و کفر نکرده، من پیشنماز مسلمانان باید اینجا نماز بخوانم. پس از گفت‌وگو وارد شبستان می‌شود و با اینکه کسی برای نماز در مسجد نبود، داخل محراب به نماز می‌ایستد. یکی از نمازگزاران که ایشان را می‌بیند، در مسجد فریاد بلند می‌کند: «السلامه!» مردم هم که نمازگزار بودند، به وجد می‌آیند و مشتاقانه به مسجد هجوم می‌آورند و بساط شاه و قزاق‌ها به هم می‌خورد (ر.ک. صرفی‌پور، ۱۳۹۰).

۳-۲. میرزا صادق آقا تبریزی

برخی دیگر از علما نیز با سیاست منع عزاداری رژیم پهلوی در این دوره به مبارزه می‌پرداختند که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های میرزا صادق آقا تبریزی (۱۲۲۷-۱۳۱۱) اشاره کرد. او که در جریان مبارزات ضددینی رضاشاه تبعید شده بود، پس از رفع تبعید، از مراجعت به تبریز خودداری کرد و در قم اقامت گزید و در مدت اقامتش در این شهر، مخفیانه به مبارزات خود ادامه می‌داد. هنگامی که میرزا صادق آقا تبریزی در قم بود، پول زیادی به دستش می‌رسید. او هم این پول‌ها را با عناوینی همچون پول قند و چای به روستاهای اطراف قم می‌فرستاد تا در آنجا روستاییان به دور از چشم مأموران حکومتی، به برگزاری مجالس عزاداری سالار شهیدان علیه السلام اهتمام ورزند (ر.ک. فولادی‌پناه و کبیری، ۱۳۹۷).

۴-۲. آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری

از دیگر شخصیت‌هایی که در مبارزه با پهلوی اول، مجالس باشکوه عزاداری برپا نمود، آیت‌الله بلادی بوشهری (۱۲۵۱-۱۳۳۱) است. ایشان با وجود پیری، در روزهای عزاداری، به‌ویژه در ایام عاشورا، شخصاً بر منبر می‌رفت و به ذکر مصیبت می‌پرداخت. روضه روز عاشورای ایشان چهار ساعت به طول می‌انجامید و در این مدت به بیان فلسفه نهضت حسینی و رویدادهای عاشورا با زبان فصیح و با استفاده از اشعاری که خود سروده بود، می‌پرداخت. این مجالس در سرتاسر بوشهر زیانزد بود و هزاران تن در آن شرکت می‌کردند.

مسئله مبارزه با عزاداری‌ها در پنج سال آخر عمر حکومت پهلوی اول، با جدیت تمام دنبال می‌شد و از هر ترفندی برای جلوگیری از عزاداری‌ها، در همه انواع آن استفاده می‌شد. این وقایع نشان‌دهنده آن است که مجالس روضه و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و به‌ویژه مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام چه قدرتی در مخالفت با اقدامات و سیاست‌های ضددینی رضاشاهی داشت و تا چه حد رضاشاه از این مجالس وحشت می‌کرد و در پی سرکوب آنها برمی‌آمد (همان).

این رسالت تا پس از انقلاب نیز تداوم یافت و انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده اسلام سیاسی، یکی از

تلاش‌هایش حفظ شعائر مذهبی و دینی بود، تا جایی که حضرت امام راحل علیه السلام که بانی و معمار انقلاب اسلامی بود، به صراحت نسبت به این مهم گوشزد کرد. ایشان درباره روضه‌خوانی به‌مثابه یکی از شعائر دینی فرمود:

«امروز ما دیگر انقلاب کردیم، روضه دیگر لازم نیست!» از غلط‌هایی است که تو دهن‌ها انداختند. مثل این است که بگوییم: «امروز ما انقلاب کردیم، دیگر لازم نیست نماز بخوانیم!» انقلاب برای این است: انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر را بمیرانیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۵۶).

ایشان مسئله عاشورا را که علمای پیش از انقلاب بر حفظ آن مراقبت داشتند، یکی از شعائر می‌داند و می‌فرماید: ... این مظاهر و مشاعر و اموری که در اسلام به آن سفارش شده، باید فکر کنید که اینها یک مسئله سطحی نبوده است... خیر! ما ملت گریه سیاسی هستیم؛ ما ملتی هستیم که با اشک‌ها، سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است (همان، ص ۱۵۸-۱۵۶).

حضرت امام بر جمعه و جماعات و اعیاد نیز به‌منزله شعائر دینی تأکید می‌ورزید:

این مجالس را حفظ کنید. همه مجالس که اجتماعات دینی هست، اجتماعات اسلامی هست، اینها اسلام را در قلوب ما زنده نگه می‌دارند. جماعات را حفظ کنید. جمعه را حفظ کنید. اعیاد اسلامی را؛ شعائری که در آن هست حفظ کنید و مجالس عزارا را با همان شکوهی که پیش‌تر انجام می‌گرفت و بیشتر از او حفظ کنید (همان).

۳. خدمات و اقدامات عام‌المنفعه

فعالیت‌های اجتماعی حوزه علمیه صرفاً در تبلیغ و خیرخواهی و برپاداشتن شعائر دینی و مبارزه با مفاسد اجتماعی خلاصه نمی‌گردد. روحانیت در این یکصد سال اخیر، همواره تلاش کرده است تا باری از اقشار محروم جامعه بردارد و در کشاکش مصیبت‌ها و مشکلات در کنار مردم باشد. تشکیل گروه‌های جهادی در حوزه علمی قم و گسیل آنها به مناطق محروم، نمونه‌ای از این تلاش‌های اجتماعی و عام‌المنفعه است. در گذشته نیز چنین کارهایی همواره در دستور کار علمای حوزه علمی قم بود.

۱-۳. آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری

با اقامت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در قم، بنیان حوزه علمی قم نیز نهاده شد و با گام‌های بزرگی که ایشان برداشت، این حوزه به‌تدریج رشد کرد و در ردیف بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع درآمد. البته ایشان کسی نبود که در مقام فقاهت و رسیدگی به امور دینی، دیگر مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را به فراموشی بسپارد. ایشان در حالی که بر مسند مرجعیت تکیه زده بود و استوارترین انسان عصر خود به‌شمار می‌رفت، نسبت به مشکلات و نیازهای مردم محروم، بی‌توجه نبود؛ مثلاً، در حادثه سیل ۱۳۳۳ قم که خسارت بسیاری به مردم وارد شد و بیشتر خانه‌ها خراب شد و مردم را بی‌خانمان کرد، اقدامات ارزشمندی انجام داد؛ با ارسال پیام به سایر شهرهای ایران، خواستار کمک شد که در نتیجه کمک‌های زیادی از سراسر کشور روانه قم گردید.

ایشان همچنین در جهت رسیدگی به این مهم، قطعه زمین وسیعی را در اراضی «معضوم‌آباد» که متعلق به

آستان حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بود، خریداری کرد و با کمک دیگر اقدشار جامعه، خانه‌هایی منطبق با اصول مهندسی وقت، به‌منظور اسکان آوارگان بنا نهاد.

از دیگر خدمات اجتماعی ایشان می‌توان به تأسیس «خانه فقرا» اشاره کرد. در روزگاری که تعدادی از مردم در خیابان‌های قم زندگی خود را با تکدیگری می‌گذراندند، ایشان محلی را به «خانه فقرا» اختصاص داد و مستمندان شهر را در آن مکان گرد آورد و بدین‌سان صدقات و کمک‌های مالی مردم را در مسیری صحیح، صرف اداره امور آنان کرد.

«بیمارستان فاطمی قم» به پیشنهاد *آیت‌الله حائری* و با مساعدت یکی از مؤمنان خیراندیش به نام سیدمحمد فاطمی تأسیس شد.

از دیگر خدمات *آیت‌الله حائری* انتقال قبرستان قم به خارج از شهر است. در آن روزها قبرستان بزرگ قم در جوار درب شمالی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام قرار داشت و چهره ناخوشایندی به بافت قدیمی شهر داده بود. ایشان در این زمینه نیز گام ارزشمندی برداشت و در آن سوی رودخانه که آن روزها خارج از شهر محسوب می‌شد، زمین وسیعی را خریداری کرد و آن را قبرستان عمومی شهر قرار داد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳).

۲-۳. آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی

نمونه دیگر چنین خدمتی در اوایل سده ۱۳ شمسی توسط مرحوم *آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی* (۱۳۰۹-۱۴۰۵ق) انجام شد. از جمله خدمات اجتماعی ایشان عبارت است از:

۱. تأسیس حوزه علمیه آیت‌الله العظمی شیرازی در نجف اشرف در سال ۱۳۷۳ق؛
۲. تأسیس «مدرسه علمیه طاهریه» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۳ق؛
۳. تأسیس دبستان پسرانه اسلامی «المدرسة الابتدائية الطاهرية» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۶ق؛
۴. تأسیس «مسجد طاهری» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۶ق؛
۵. تأسیس «کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی شیرازی» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۸ق؛
۶. تأسیس مجتمع مسکونی در کوی طلاب علوم دینی در نجف اشرف؛
۷. تأسیس «حسینیه طاهریه» در شهر کوفه؛
۸. تأسیس «مدرسه علمیه امام امیرالمؤمنین علیه السلام» در مشهد مقدس در سال ۱۳۹۶ق؛
۹. تأسیس «درمانگاه آیت‌الله العظمی شیرازی» ویژه طلاب حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۹۶ق؛
۱۰. تأسیس «کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی شیرازی» در مشهد در سال ۱۳۹۷ق؛
۱۱. تأسیس «مسجد حضرت ابوالفضل علیه السلام» مشهور به «مسجد آیت‌الله العظمی شیرازی» در کوی طلاب مشهد

۱۲. تأسیس «حسینیة آیت الله العظمی شیرازی» در مشهد در سال ۱۳۰۴ق؛
۱۳. ایجاد ۲۴ واحد مسکونی برای زلزله زدگان فیض آباد قائنات در سال ۱۴۰۰ق؛
۱۴. ایجاد ۱۳۰ واحد مسکونی برای زلزله زدگان طبرس در سال ۱۳۹۹ق؛
۱۵. ایجاد بخش عظیم جراحی در «بیمارستان حضرت زهرا^{علیها السلام}»، وابسته به مجلس اعلای شیعیان لبنان در بیروت.

۳-۳. آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی

از دیگر کسانی که چنین خدماتی را به مردم ایران داشته‌اند، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (۱۲۸۳-۱۳۶۸ق) است. از جمله خدمات اجتماعی ایشان، رسیدگی به امور اجتماعی و بینوایان بود. از این رو اولین مرکز خیریه درمانی به نام «درمانگاه خیریه بینوایان» با اشاره و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشک وی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس مشهد تأسیس و راه اندازی شد.

نخستین صندوق قرض الحسنه ایران در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به همت ایشان شروع به کار کرد. این مؤسسه دارای فروشگاه تعاونی و کتابخانه نیز بود. ایشان هر جا لازم بود از ارسال نامه و یا تلفن برای رفع مشکل مردم دریغ نمی کرد (همان، ج ۳، ص ۴۱۳ و ۴۷۱).

۳-۴. حاج شیخ مهدی حائری تهرانی

حاج شیخ مهدی حائری تهرانی (۱۳۱۲-۱۳۹۷) یکی از مفاخر علمای تهران به شمار می رفت. ایشان در قم به ایجاد کتابخانه، تألیف و تحقیق، انتشار مجلات دینی، نوسازی اماکن قدیمی، فراهم نمودن امکانات آموزشی و رفاهی برای طلاب پرداخت. برخی از خدمات ایشان در قم عبارت است از:

۱. تأسیس کتابخانه مهم و کم نظیر مدرسه حجتیه (۱۳۳۰)؛
۲. شرکت در تأسیس «مدرسه علمیه حقانی» (۱۳۴۱)؛
۳. ایجاد طبقه دوم «مدرسه علمیه رضویه»؛
۴. مدیریت و شرکت در تأسیس «دبیرستان دین و دانش»؛
۵. تأسیس «دبستان نمونه دخترانه»؛
۶. تأسیس «کتابخانه سیار حائری تهرانی»؛
۷. ساخت «بنیاد فرهنگی امام المهدی (۱۳۵۰)»؛
۸. تأسیس مجتمع تجاری «امام المهدی»؛
۹. چاپ و نشر کتاب های دینی؛
۱۰. تأسیس و راه اندازی آشپزخانه و خویش یار (سلف سرویس) در مدرسه فیضیه و حجتیه؛

۱۱. اعزام مبلغ به روستاهای قم و تهران؛

۱۲. تأسیس کتابخانه «مدرسه دین و دانش» قم؛

۱۳. کاشیکاری نمای مرقد «علی بن بابویه» و «مدرسه رضویه» قم.

ایشان در سال ۱۳۵۵ به تهران مهاجرت کرد و به خدمات دینی و علمی خود ادامه داد؛ از جمله شرکت در هیأت امنای بنیادهای خیریه و عام‌المنفعه، مثل «مؤسسه خیریه حضرت سجاد(ع)»؛ «مجمع بهزیستی حضرت علی(ع)»؛ «مؤسسه احیای مدارس استثنایی»؛ «بنیاد فرهنگی امام المهدی(ع)» (که علاوه بر قم و تهران، در مشهد و شهرهای دیگر نیز شعبه دارد)؛ «شورای عالی مشارکت مردمی سازمان بهزیستی»؛ «دانشکده الهیات و معارف اسلامی» واحد شمال تهران؛ و گرگشایی از کار مردم مسلمان (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۵).

۳-۵. آیت‌الله شهید حسین غفاری

از جمله علمایی که دست به چنین خدماتی زدند آیت‌الله شهید حسین غفاری (۱۳۳۵-۱۳۹۴ق) است. خدمات اجتماعی ایشان منشأ خیرات و خدمات بسیاری در زمینه‌های اجتماعی بود. ایشان در سه دوره متفاوت حیات خود، از جمله نوجوانی در آذرشهر، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ در قم و از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۳ در تهران، اقدامات فراوان و مفیدی انجام داد؛ از جمله: احداث و تکمیل مساجد «خاتم الاوصیاء»، «الهادی»، «شیخ فضل‌الله نوری» در تهران و رسیدگی به محرومان و مستضعفان در تبریز، تهران و قم (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۳۳).

۳-۶. آیت‌الله حاج سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی

آیت‌الله حاج سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی (۱۲۷۸-۱۳۷۲) یکی از برترین عالمان دین و از بزرگ‌ترین مراجع تقلید جهان تشیع به‌شمار می‌رفت. از جمله خدمات اجتماعی ایشان، عبارت است از: تأسیس «دارالقرآن الکریم»، احداث بیمارستان، کتابخانه، «مجمع جهانی اسلامی» در لندن، «مرکز معجم المسائل الفقهیه»، بنای مسجد، «بعثه حج» (ویژه ایام حج در مکه)، مدرسه معظم و شکوهمند در قم، تأسیس «دارالایتام»، «مؤسسه خیریه حضرت ولی عصر(ع)».

۳-۷. آیت‌الله علی مشکینی

آیت‌الله علی مشکینی (۱۳۰۰-۱۳۸۶) یکی از شخصیت‌های برجسته معاصر، فقیه و معلم اخلاق در روزگار ما بود. برشمردن خدمات مردی که بیش از نیم قرن عمر خود را در پاسداری از اسلام و ارزش‌های انسانی و اسلامی سپری ساخته، مشکل است. این مرد بزرگ از جمله کسانی است که عمر ارزشمند و گرانبه‌ای خود را وقف اسلام و ارزش‌های دینی کرد. در خانه محقر ایشان همواره به روی هر نیازمندی باز بود. تأسیس «مدرسه الهادی»، «بیمارستان الهادی» و مصالای بزرگ قدس قم از جمله خدمات ایشان است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۵۸۱).

۸-۳. آیت‌الله سیدعلی سیستانی

از دیگر شخصیت‌هایی که می‌توانیم در زمره یاریگران اجتماعی برشماریم فقیه معاصر آیت‌الله سیدعلی سیستانی (۱۳۰۹ تا کنون) است. از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، تأسیس مراکز علمی و تحقیقاتی است؛ مثل «مرکز تحقیقات اسلامی المصطفی»؛ «مؤسسه برنامه‌ریزی کامپیوتری امام رضا»؛ «مؤسسه بررسی‌های فلکی و نجومی»، «مرکز احیای میراث اسلامی»؛ همچنین احداث کتابخانه‌های تخصصی متعدد، از جمله: کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی، کتابخانه تاریخ، کتابخانه فلسفه و کلام؛ نیز احداث مراکز خدمت‌رسانی که این مراکز در قم به چند بخش تقسیم می‌شود: الف. تأمین مسکن طلاب؛ ب. درمانگاه خیریه؛ ج. کمک به نیازمندان (همان، ج ۶ ص ۴۹۵-۴۹۷).

۹-۳. آیت‌الله جواد فومنی حائری

مرحوم آیت‌الله جواد فومنی حائری (۱۲۹۱-۱۳۴۳) نیز از جمله خادمان اجتماعی مردم قلمداد می‌گردد. از جمله اقدامات اجتماعی ایشان عبارت است از: تأسیس «مسجد نو» در قم؛ تأسیس دبستان دخترانه هماهنگ با دستورات کاملاً دینی؛ تأسیس اولین کودکستان تربیت دینی؛ تأسیس دبستان نو ویژه پسران؛ و تأسیس شرکت تعاونی به‌منظور تأمین نیازهای مالی (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، ص ۱۸-۲۲).

۱۰-۳. آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۰۴-۱۳۹۵) از عالمانی است که خدمات اجتماعی قابل توجهی ارائه داد. خدمات اجتماعی ایشان محرومیت‌زدایی بود. ایشان برای جلوگیری از فقر، به ساخت کارخانه در شهرستان محروم اردبیل اقدام کرد. پس از بررسی و تحقیق، اشخاصی برای جمع‌آوری انفاقات و صدقات مستحب تعیین شدند و مقرر گردید مرکزی برای آموزش صنایع دستی به تهیدستان و فروش محصول کار آنان به بازار و تخصیص درآمد حاصل شده به خودشان ایجاد شود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸ ص ۴۶۱).

۱۱-۳. شیخ محمدمهدی شمس‌الدین

یکی از نادره مردانی که علم و فقاہت را با جهاد و استقامت درهم آمیخت شیخ محمدمهدی شمس‌الدین (۱۳۱۲-۱۳۷۹) بود. وی کلید حل مشکلات سیاسی لبنان و ملجأ عموم شیعیان آن کشور به‌شمار می‌رفت. او در کنار کارهای علمی و سیاسی‌اش، موفق شد تا بنیادها و مؤسسات خیریه و علمی متعددی در آنجا بنا نهد؛ مانند «مسجد امام صادق»؛ هنرستان فنی بیروت؛ دانشگاه اسلامی لبنان؛ «جمعیت خیریه حضرت زینب»؛ مدرسه علمیه و مجتمع خدماتی. ایشان بسیاری از جوانان شیعه لبنانی را با علوم و فنون روز آشنا ساخت.

۴. اصلاحگری اجتماعی و تواسی به خیر

اصلاحگری اجتماعی در شرایطی که حاکمیت به سمت نفاق و گناه سوق یافته، از جمله تلاش‌های روحانیت قبل از

انقلاب اسلامی است. این اصلاحگری از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۸ همواره در دستور کار علمای حوزه علمیه قم بوده است. این مسئله از زمان مرحوم آیت‌الله حائری تا اکنون نیز ادامه دارد.

۱-۴. آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم آیت‌الله العظمی آقاجمال گلبایگانی می‌فرمود: من با آقای حاج‌شیخ عبدالکریم حائری سوار قطار بودیم و ایشان می‌خواست از سامراء به ایران بیاید. من به ایشان گفتم: شما از کسانی هستید که بعد از آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) به‌عنوان مرجع مطرح هستید؛ چرا به ایران می‌روید؟ ایشان فرمود: من نمی‌خواهم مرجع شوم، می‌خواهم بروم ایران اگر از دستم برآید خدمتی به اسلام و مسلمانان بکنم. ایشان در ماجرای کشف حجاب فرمود: «تا پای جان باید ایستاد و من هم می‌ایستم. ناموس است، حجاب است، ضرورت دین و قرآن است».

آیت‌الله حائری در ماجرای کشف حجاب، به نشانه اعتراض به رضاخان، درس خود را تعطیل کرد و نماز جماعت خود را ترک نمود. این کارها نشان می‌داد که ایشان با شیوه‌های گوناگون، نارضایتی و اعتراض خود را به رضاخان نشان می‌داد. از این رو رضاخان کینه ایشان را به دل گرفت (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۷۶ و ۹۰).

۲-۴. آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی

آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی (۱۳۰۸-۱۳۹۲ق) از نمونه‌های چنین خدماتی است. یکی از خدمات اجتماعی ایشان مبارزه با فساد بود. ایشان از مفاسد روزافزون اجتماعی و حرکت‌هایی که سقوط اخلاقی اجتماع را به دنبال داشت، سخت آزرده‌خاطر می‌شد. در زمان طاغوت، در شهر نکا، شخصی در پی احداث ساختمان برای سینما برآمد. در آن زمان، سینما لانه فساد بود. به همین خاطر، آیت‌الله کوهستانی بانی ساختمان را فراخواند و با شیوه شایسته اسلامی او را منصرف ساخت و در نتیجه، ساختمانی را که برای ترویج منکرات آماده می‌شد، به مسجد تبدیل کرد و بانی ساختمان به مناسبت اینکه چنین توفیقی را به‌دست آورده بود، نام مسجد را «توفیق» نهاد (ربانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸-۲۵۹).

۳-۴. آیت‌الله حاج شیخ احمد انصاری قمی

حاج شیخ احمد انصاری قمی (۱۲۹۷-۱۳۵۹) یک از علمای مشهور نجف اشرف به‌شمار می‌رفت. ایشان همت والایی در تشویق مردم به ایجاد بناهای خیریه داشت. از نمونه‌های مشهود آن در قم تعمیر «مسجد امام حسن عسکری (ع)» و «مسجد جامع» است. ایشان هر شب در مسجد امام بر منبر می‌رفت و مردم را برای آبادی مسجد تشویق می‌کرد. پس از چند شب، به آجرپرها دستور داد تا هر شب یک ماشین آجر و قزاقی و نظامی در مدخل ورودی مسجد بریزند و در منبر گفت: هر کس وارد مسجد می‌شود یک آجر با خود بیاورد و بدین سان هر شب چند ماشین مصالح ساختمانی وارد مسجد می‌شد.

یک از محلات قم به نام «کوچه حاج زینل» بدون مسجد بود. ایشان در منبر پرسید: نام اینجا چیست؟ گفتند: «کوچه حاج زینل». ایشان پسران آن مرحوم را تشویق کرد مسجدی بزرگ ساختند که اکنون هم برپاست (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۹).

۴-۴. آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی درباره آیت‌الله محمدتقی بهجت می‌گوید:

شاید کسانی که دواور ایشان را فقط در حال عبادت و نماز یا درس دیده باشند، فکر می‌کنند آقای بهجت به مسائل سیاسی و اجتماعی توجهی ندارد. بنده عرض می‌کنم که بزرگ‌ترین مشوق بنده، لاقفل در پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی، ایشان بود و به صورت‌های مختلف به دوستان و کسانی که درس شرکت می‌کردند، سفارش می‌کردند که به این‌گونه مسائل اهمیت بدهند و اشاره می‌کردند که اگر کسانی که تقید به مسائل معنوی و علمی دارند، به این کارها نپردازند، روزگاری می‌آید که جو سیاست و اجتماع به دست ناهلان می‌افتد و آنان جامعه اسلامی را از مسیر خود منحرف می‌کنند. ایشان حتی گاهی یک پیغام‌های خاصی برای حضرت امام در ارتباط با همین مسائل سیاسی می‌دادند که یک مورد از این پیام‌ها را بنده با یکی دیگر از دوستان، واسطه در رساندن به حضرت امام بودیم (رخشاد، ۱۳۹۰، ص ۶۶).

۵. عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم

اقدام عملی در مواجهه با فساد و بی‌اخلاقی از جمله تلاش‌های مؤثر اخلاقی حوزه است که بیشترین نمود را در عملکرد روحانیت دارد، تا جایی که این نوع مبارزه و مقابله با فساد منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید. این رویکرد اجتماعی - سیاسی به حوزه مرهون تلاش‌های علمای راستین، از جمله حضرت امام خمینی علیه السلام است.

۱-۵. امام خمینی علیه السلام

سیدروح‌الله موسوی خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸) باورش این بود:

مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم و ستمکاران و ظلم جنایت‌پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است، نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهان‌خوران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۳۸-۳۳۹).

حضرت امام اهتمام داشتند به اینکه روحانیت و حوزه علمی به انزوا نروند و نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی غفلت نوزند. بیشترین مبارزاتی که می‌توان در این یکصدساله اخیر از آن یاد کرد، مبارزه با نظام شاهنشاهی و ظلم حاکمیت بوده است که تحت هدایت حضرت امام اتفاق افتاد.

البته در این میان اصلاحگری و هدایت‌بخشی و نیز ارشاد و موعظه حاکمیت نیز در دستور کار علمای حوزه قرار داشت که گزارش آن گذشت. ولی اوج این حرکت اصلاح‌گرایانه را می‌توان در مبارزات عملی با ارکان ظلم ملاحظه نمود. این مبارزه در تمام نقاط ایران قابل رصد است.

۲-۵. شهید محمدجواد باهنر

در تهران شخصیتی مثل شهید محمدجواد باهنر (۱۲۱۲-۱۳۶۰) با سخنرانی‌های آموزنده و منبرهای پر بار خویش، به معرفی چهره رژیم شاه پرداخت. ایشان در تهران با «هیأت مؤتلفه» آشنا شد. این گروه مبارزات شدیدی علیه رژیم داشتند. پس از ترور حسعلی منصور (۱۳۰۲-۱۳۴۳) عده‌ای از آنان دستگیر شدند. شهید باهنر برای نجات آنان تلاش زیادی کرد. در مؤتلفه اول، همکاری ایشان در حد سخنرانی، اعلامیه و کارهای مخفی بود؛ اما در مؤتلفه دوم، عده‌ای از نیروهای کشف‌نشده آنان را جمع کرد و سازمان مزبور را تجدید بنا نمود که به علت وجود عامل نفوذی، هنگام انتشار اولین اعلامیه، بازداشت شد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۱۰).

۳-۵. آیت‌الله محمدابراهیم اعرافی

در شهرهایی همچون یزد نیز کسانی مثل آیت‌الله محمدابراهیم اعرافی (۱۲۸۸-۱۳۷۱) در جریان مبارزه مردم علیه رژیم ستمشاهی پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، پیشوایی مردم میبید را عهده دار بودند. ایشان در نماز جمعه‌ها و منبرها و همچنین صدور اعلامیه به افشاکاری علیه رژیم پهلوی می‌پرداخت و به همین سبب چند بار دستگیر شد. وی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه شاه، پیشاپیش همه حرکت می‌کرد و هراسی به دل راه نمی‌داد. حادثه ۱۹ دی ۱۳۵۶ و شهادت مردم قم تأثیر شگرفی بر ایشان گذارد. در پی آن ایشان بر منبر رفت و علیه رژیم فاسق پهلوی به افشاکاری پرداخت. وی علنی به شاه و دستگاه حکومت فاسق وی می‌تاخت و می‌گفت:

مردم را می‌کشند و می‌گویند: «آریامهر!» مهرش کجا بود؟ هر روز خون مردم را می‌ریزند. اگر قابل هستند خدا هدایتشان کند، اگر نه، خدا مستأصل و نابودشان کند (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲).

در سال ۱۳۵۶ش که مبارزات ملت مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام به اوج خود رسید، آیت‌الله اعرافی در معیت روحانیت مبارز استان یزد، به فعالیت‌های انقلابی و نقش تاریخی خود، عمق و سرعت بیشتری بخشید و در رهبری و هدایت مردم کوشید (همان).

۴-۵. آیت‌الله میرزا علی فلسفی

از جمله فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله میرزا علی فلسفی (۱۲۹۹-۱۳۸۴) صدور اعلامیه، تعطیلی کلاس و درس، تحصن، شرکت مستقیم در راهپیمایی‌ها بود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۹۰).

۵-۵. آیت‌الله سیدمهدی یثربی کاشانی

پس از رحلت مرجع عالیقدر آیت‌الله بروجردی، رژیم طاغوت برای کم کردن قدرت و نفوذ روحانیت، تلاش کرد روابط خود را با مراجع تقلید قم، به‌ویژه امام خمینی علیه السلام تقویت کند. اما با رهنمودهای ایشان مبارزه منفی علیه رژیم در قالب اعتصابات ائمه جماعات مساجد، تشکیل مجالس رسمی و غیررسمی برای اتخاذ تصمیم و مواضع روحانیت و نیز صدور بیانیه‌هایی شروع شد.

در کاشان *آیت‌الله سید مهدی یریبی* (۱۳۰۴-۱۳۸۵) در این مقطع و بعد از وقوع حادثه «مدرسه فیضیه» در خردادماه ۱۳۴۲، در کاشان مجلس سوگواری برپا نمود و اعتراض شدید خود را نسبت به برگزاری جشن‌های محسوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نیز ابراز کرد. ایشان همچنین با تغییر تاریخ هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی و انتخابات مجلس فرمایشی طاغوت مخالفت ورزید و در سخنرانی‌های خود از مظاهر فساد و عوامل ترویج فرهنگ غرب در کشور - که بیشتر از طریق سینما بود - پرده برمی‌داشت (مدرسی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۹۹۴).

۵-۶. شهید *آیت‌الله محمدعلی حیدری نهبانندی*

شهید *آیت‌الله محمدعلی حیدری نهبانندی* (۱۳۱۵-۱۳۶۰) همزمان با تحصیل در حوزه علمی، از توجه به مسائل سیاسی و ستم‌های رژیم پهلوی نیز غفلت نمی‌کرد و آگاه ساختن مردم نسبت به فجایع رژیم را یکی از وظایف مهم خود می‌دانست. بر این اساس، از همان زمانی که *امام خمینی* مبارزه خود علیه رژیم پهلوی را شروع کرد و پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش و به دنبال انتشار خبر دستگیری امام راحل که روحانیان و مردم انقلابی قم سراسیمه به خیابان‌ها ریختند و در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه اجتماع کردند و با سر دادن شعارهای انقلابی، خواستار آزادی امام شدند، شهید حیدری که از این واقعه بسیار متأثر بود، با حضور در میان تظاهرکنندگان به سخنرانی پرداخت و در سخنان انقلابی خود، ضمن بررسی علل قیام مردمی ۱۵ خرداد، شخصیت *امام خمینی* را معرفی کرد و خطاب به تظاهرکنندگان گفت:

ای مردم مسلمان! اگر حضرت *آیت‌الله العظمی خمینی* را از میان شما برده‌اند، می‌دانید معنای این کار چیست؟ یعنی قرآن را برده‌اند؛ اسلام و شرف و مذهب را از بین ما برده‌اند.

پس از تبعید امام راحل به ترکیه، رژیم تلاش‌های گسترده‌ای برای محو نام «امام خمینی» و پایان دادن به مبارزات مردم و قیام ۱۵ خرداد آغاز کرد و آن را غائله‌ای محدود و فاقد پایگاه مردمی و مذهبی در داخل و خارج معرفی نمود. در آن دوران اختناق، عالمان، مراجع و روحانیان قم کوشیدند برای از بین بردن رعب و وحشت ایجاد شده و حفظ روحیه انقلابی و مبارزاتی روحانیان، با صدور اعلامیه‌های متعدد، این توطئه را خنثا و یاد و نام *امام خمینی* را در اذهان مردم و نسل‌های آینده زنده نگه دارند.

شهید حیدری از کسانی بود که در تهیه، تدوین و انتشار این اعلامیه‌ها، نقشی اساسی بر عهده داشت. و در این مسیر بارها دستگیر شد. (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۳۸).

۵-۷. *آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی*

از مجموع اسناد و گزارش‌های ساواک به‌وضوح پیداست که به‌خاطر مبارزات بی‌امان *آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی* (۱۲۸۶-۱۳۶۸ق) با رژیم ستمشاهی، از همان سال‌های آغازین سلطنت *محمدرضاشاه*، رفت و آمد و فعالیت‌های ایشان به‌وسیله مأموران امنیتی ساواک همواره تحت نظر بود. بیشتر مذاکرات و اظهارات ایشان در منزل و جاهای دیگر ضبط و گزارش شده است. ایشان از همان روزهای نخستین انقلاب اسلامی به رهبری *امام خمینی*، در همه

عرصه‌ها، مانند ماجرای «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، رفراندوم و «انقلاب سفید» شاه حضوری حماسی و مستمر پیدا کرد.

وی در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به اتهام تحریک مردم دستگیر و روانه زندان شد. *آیت‌الله نکرانی* در این مرحله، مدتی با اندیشمندانی مانند شهید *آیت‌الله مطهری* هم‌سلول بود و این متفکر توانا را به شدت تحت تأثیر شخصیت اخلاقی، عرفانی و انقلابی خود قرار داد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۶ ص ۲۳۸ و ۲۷۱-۲۷۲).

۸-۵. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰) و برادر بزرگوارش به مناسبت‌های گوناگون، وفاداری و ارادت قلبی خود را به پیشگاه *امام خمینی* ﷺ اعلام داشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مسئولیت‌های سیاسی را بر عهده گرفت که عبارت بود از: شرکت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، عضویت در بین فقهای شورای نگهبان، دبیری شورای نگهبان (همان، ص ۳۹۷-۳۹۸).

۹-۵. آیت‌الله حسن نوری

آیت‌الله حسن نوری همدانی (۱۳۰۴ تا کنون) به لحاظ اینکه شاگرد حضرت *امام خمینی* ﷺ و به ایشان دل بسته بود، از هر حیث، به‌ویژه از لحاظ سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی قرار داشت. از این‌رو در کنار فعالیت‌های علمی عمیق، از ورود به عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزید و پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی حرکت کرد و در این راه، از زندان و تبعید نهراسید و همه خطر را به جان خرید و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی خویش با تمام وجود کوشید (همان، ج ۸، ص ۳۴۵-۳۴۶).

۱۰-۵. آیت‌الله محمدصادق حائری شیرازی

آیت‌الله محمدصادق حائری شیرازی (۱۳۱۵-۱۳۹۶) قبل از نیمه خرداد ۱۳۴۲ از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های *امام خمینی* ﷺ با ایشان آشنا شد. او پس از تبعید امام راحل به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ مبارزات آشکار خود را علیه رژیم پهلوی و عوامل استکبار جهانی آغاز کرد. وی طی جلسات گوناگونی که برای اقشار گوناگون مردم، به‌ویژه جوانان برگزار می‌نمود، مردم را با مسائل سیاسی روز و نقشه‌های شوم استعمار آشنا می‌کرد و به ترویج برای رهبری و مرجعیت *امام خمینی* ﷺ و تثبیت آن همت گماشت.

ایشان تا سال ۱۳۵۱ فعالیت‌های یادشده را بدون مانع و مزاحمت ادامه داد. در تیرماه همان سال، مزدوران رژیم به جلسات ایشان مشکوک گردیدند و برای وی و شرکت‌کنندگان محدودیت‌هایی فراهم آوردند. برخی از افراد را دستگیر، بازداشت و شکنجه کردند و جلسات ایشان را به تعطیلی کشاندند.

آیت‌الله حائری از آن به بعد چندبار بازداشت، زندانی و تبعید شد. در این دوران از جمله مراکز فعالیت‌های انقلابی و از محورهای مبارزات در شیراز «مسجد شمشیرگرا» بود. ایشان در یکی از خاطرات خود نقل می‌کند:

در این مبارزات سیاسی، خدا از یکسو حساب شده ما را تحت فشار قرار می‌داد و از سوی دست ما را می‌گرفت تا از درون پوچ نشویم. یکبار که مرا به شکنجه‌گاه بردند، دست‌هایم را از پشت بستند و به آن دستبند قبانی زدند. کیسه‌ای از شن را هم به آن آویختند و مرا وی یک پا نگه داشتند و شکم را نیشگون گرفتند. من در این حال گفتم: خدایا، تو می‌بینی! وقتی مأمور شکنجه آقای رضوانی که با عده‌ای من را تماشا می‌کرد، این جمله را شنید، پرسید: چه گفتی؟ من آن جمله را تکرار کردم. او همراهانش را از شکنجه‌گاه بیرون کرد و شلاقی را که در دست داشت، به گوشه‌ای پرت و خود را روی مبلی که در آنجا بود، انداخت و با سرافکنندگی گفت: تف بر این نانی که ما می‌خوریم! سپس دستبند را باز کرد و از من عذر خواست. از آن به بعد از مریدان من شد و از آن پس هرگاه دستگیر و زندانی می‌شدم، به من توجه داشت (همان، ص ۵۵۶-۵۵۷).

۱۱-۵. آخوند ملا علی معصومی همدانی

آخوند ملا علی معصومی همدانی (۱۲۷۳-۱۳۵۷) یکی از علمای مؤثر در مبارزه با رژیم ستمگر پهلوی بود. تحرکات و تلاش‌های ایشان در زمینه‌سازی برای پیروزی نهضت امام خمینی^ع در صفحات زیرین انقلاب ثبت است. ایشان در یاری رساندن به انقلابیان، تمام همتش را به کار گرفت. نمونه‌ای از این تلاش‌ها عبارت است از: طاغوت‌زدایی، هجرت برای آزادی امام خمینی^ع، نامه به امام راحل (همان، ج ۴، ص ۵۴۵).

۱۲-۵. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۱۲ تا کنون) همپای فعالیت‌های علمی، در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی نیز حضور داشته است. توجه ایشان به فعالیت‌های مؤثر و کارساز برای پیشبرد امور اجتماعی و حل معضلات انقلاب اسلامی همواره چشمگیر بوده است. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور فعال در مبارزات انقلابی-اسلامی شرکت جست. بر بسیاری از اعلامیه‌ها و تلگرام‌هایی که از سوی علمای حوزه علمیه قم صادر می‌شد، امضای ایشان نیز در ذیل آنها موجود است. در این باره می‌توان به ۱۶ اعلامیه اشاره کرد.

ایشان بارها به ساواک و کلانتری احضار و ممنوع‌المنبر شد. به‌ویژه در آستانه پیروزی انقلاب، نقش رهبری را در مبارزات مردم انقلابی و مسلمان مازندران و آمل برعهده داشت. در آن روزهای خونین و حملات ددمنشانه عوامل رژیم منحوس پهلوی به صفوف تظاهرات، ایشان پیوسته در جلوی صفوف مردم حرکت می‌کرد و از این طریق موجبات قوّت قلب مردم آمل و تهییج آنان را بر تشدید مبارزات سیاسی-اسلامی فراهم می‌آورد (همان، ج ۳، ص ۵۸۳).

۱۳-۵. آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی

آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی (۱۲۹۱-۱۳۵۶) در همان روزهای آغازین شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۴۱ به این قافله پیوست و تا پیروزی ملت ایران در برابر سلسله پهلوی در این مسیر قرار داشت. نقش وی در انقلاب اسلامی ایران، رهبری و هدایت این جریان بود. او در کنار امام خمینی^ع و سایر بزرگان در این جهت از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

ایشان در کنار شهید قاضی طباطبائی و سایر علمای انقلاب تبریز، نهضت اسلامی را در آذربایجان تقویت کرد و از این طریق در فراگیر ساختن حرکت‌های اسلامی نقش بزرگی ایفا نمود. در سال ۱۳۴۱ در جریان خونین ۱۵ خرداد، وقتی امام خمینی^ع از نیت تفرقه‌افکنانه رژیم مطلع گردید که درصدد ایجاد اختلاف در بین علما و بدین ساختن برخی از بزرگان به نهضت است، پیش از هر اقدامی از سوی رژیم، افرادی را به مراکز استان‌ها و شهرهای مهم اعزام کرد و علمای بزرگ را از نیت دولت وقت آگاه ساخت. در این حرکت، مخاطب امام راحل در آذربایجان، آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی و آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی (۱۳۲۵-۱۳۴۸) بود که پیام امام توسط آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی به علما می‌رسید (همان، ج ۳، ص ۴۸۰-۴۸۱).

۱۴-۵. آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای

آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۱۸ تاکنون) به گفته خودش، از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی^ع است. اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام شهید سیدمجتبی نواب صفوی (۱۳۰۳-۱۳۳۴) در ذهن ایشان زد؛ زیرا نواب صفوی با عده‌ای از فداییان اسلام به مشهد رفت و در «مدرسه سلیمان‌خان» سخنرانی پرهیجان و بیدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و دروغ‌گویی آنان به ملت ایران ایراد کرد. بنابراین نخستین حرکت انقلابی ایشان و چند تن از دوستانش در آن سال‌ها علیه استاندار فاسد استان خراسان به نام مهدی فرخ (۱۲۶۵-۱۳۵۲) شروع شد؛ زیرا او به شاعر اسلامی اعتنا نمی‌کرد. آیت‌الله خامنه‌ای و دوستانش اعلامیه‌ای در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر نوشتند و با پست به اطراف فرستادند (همان، ج ۲، ص ۷۴۰-۷۴۱).

آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم بود و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی^ع علیه سیاست‌های ضداسلامی و آمریکاپسند محمدرضا پهلوی آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی گردید و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و تحمل شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کرد و از هیچ خطری نهراسید.

نخستین بار در محرم ۱۳۸۳ از سوی امام خمینی^ع مأموریت یافت پیام ایشان را به آیت‌الله میلانی و علمای خراسان در خصوص چگونگی برنامه‌های تبلیغاتی روحانیان در ماه محرم و افشاگری علیه سیاست‌های آمریکایی شاه و اوضاع ایران و حوادث قم برساند. ایشان این مأموریت را انجام داد و خود نیز برای تبلیغ، عازم شهر بیرجند شد و در جهت پیام امام خمینی^ع به تبلیغ و افشاگری علیه رژیم پهلوی و امریکا پرداخت. به این علت در نهم محرم همان سال دستگیر و یک شب بازداشت شد و فردای آن روز به شرط آنکه منبر نرود و زیر نظر باشد، آزاد گردید.

با پیش آمدن حادثه خونین ۱۵ خرداد، ایشان را از بیرجند به مشهد آوردند و به بازداشتگاه نظامی تحویل دادند. ده روز در آنجا با سخت‌ترین شرایط شکنجه و آزار زندانی شد و عملاً پهلوی بدترین توهین‌ها و تمسخرها را نسبت به ایشان اعمال کردند. ایشان در این باره می‌گوید:

بد نبود! تجربه جدیدی بود. یک دنیای جدیدی بود با ساواک، با بازجویی‌ها و دعوایها و اوقات تلخی‌ها، اهانت‌های شدید و خلاصه از ناراحتی‌های مبارزه (همان، ص ۷۴۰-۷۴۱).

نتیجه‌گیری

حوزه علمی قم در یکصد سال اخیر، فعالیت‌های اجتماعی چشمگیری را در جهات گوناگون دینی، فرهنگی، علمی و رفاه عمومی مردم ایران می‌پذیرفته است. این خدمات را می‌توان در دو بخش قبل و بعد از انقلاب در نظر گرفت. بیشترین خدمات علمای حوزه علمی قم از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۸ مدیریت فرهنگی دینی جامعه و مبارزه غیر مستقیم با انحرافات و منکرات اخلاقی و فرهنگی بود. این خدمات در قالب اعتراض و یا اقدامات مقابله‌جویانه با دستگاه حاکم بود. بخشی از خدمات اجتماعی که در حوزه فرهنگ و علم صورت می‌گرفت، به شکل ساخت مساجد و مدارس علمیه و ایجاد فضاهای علمی و فرهنگی (مثل حسینیه‌ها و مدارس دینی) انجام می‌شد. مصادف با حرکت انقلابی مردم، مبارزه‌های سیاسی با نظام ستم‌شاهی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حوزه و روحانیت به شمار می‌رود که به‌ویژه در سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ قابل ارائه است.

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حوزه علمی قم در زمان قبل و بعد از انقلاب به اصلاحگری اجتماعی و نیز خدمات رفاهی و اجتماعی معطوف است. ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، آب‌انبارها و مدارس و پل‌ها و منازل مسکونی بخشی از این فعالیت‌های عام‌المنفعه اجتماعی است که به همت علمای حوزه در یکصد سال اخیر مشهود همگان است.

در روزگار معاصر که دشمنان همواره در صدد تخریب این نهاد دینی و معنوی و اخلاقی هستند، انعکاس مجموعه فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی حوزه علمی قم و نهاد روحانیت در یکصد سال اخیر می‌تواند بخشی از شبهات و پرسش‌های نسل معاصر را در کارایی روحانیت پاسخ دهد.


منابع

- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، ۱۳۸۸، *پارسی کویر: خاطرات و آموزه‌هایی از زندگی آیت‌الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی*، قم، بوستان کتاب.
- انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸، *اختران فضیلت*، قم، دلیل ما.
- بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۸، *علماء و رژیم شاه*، چ دوم، تهران، عروج.
- بهیاروند، محمدمهدی، ۱۳۹۶، *نقش روحانیت در دستاوردهای انقلاب اسلامی*، قم، نورالامین.
- جمعی از محققان، ۱۳۸۷، *گلشن ایران: زندگی اسوه‌های علم و عمل*، به کوشش عبدالصمد جودتی استیبار، چ دوم، قم، طه.
- ربانی، اسدالله، ۱۳۷۸، *فیض عرش: زندگینامه آیت‌الله حسن حسن‌زاده‌املی*، آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی، آیت‌الله محمدعلی ربانی، آیت‌الله میر تقی نصیری، آیت‌الله حسین محمدی لائینی، تهران، چاپ و نشر.
- رخشاد، محمدحسین، ۱۳۸۳، *فریادگر توحید: شرح زندگی حضرت آیت‌الله بهجت*، قم، انصاری.
- صرفی‌پور، محمدتقی، ۱۳۹۰، *پای درس علماء*، قم، صرفی‌پور.
- فولادی‌پناه، اعظم و مهشید کبیری، ۱۳۹۷، *کتاب نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه ایرانی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کسروی، احمد، ۱۴۰۱، *تاریخ مشروطه ایران*، چ بیست و هشتم، تهران، امیر کبیر.
- محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۹، *خورشید حوزه‌های علمیه: آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام عصر.
- مدرسی، سیدمحمدکاظم و همکاران، ۱۳۸۴، *دانشنامه ائمه جمعه کشور*، تهران، برگ رضوان.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، *ستم‌ستیزان نستوه: آیت‌الله حاج شیخ جواد فومنی حائری به روایات اسناد ساواک*، قم، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- منظورالاجداد، سیدمحمد حسین، ۱۳۷۹، *مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست*، تهران، شیرازه.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- نعیمی‌اراکي، داود و محمدمهدی هدایتی، ۱۳۷۴، *نورالباقی در تاریخ و کرامات آقا نورالدین عراقی*، قم، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکزی.

گونه‌شناسی گرایش‌های دروس اخلاق در حوزه علمیه قم از بدو تأسیسی تاکنون*

ابوذر رجیبی / دانشیار دانشگاه معارف اسلامی

rajabi@maaref.ac.ir

 orcid.org/0009-0006-4139-2946

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

چکیده

حوزه علمیه قم در سده اخیر در ابعاد گوناگون از خود جلوه‌های درخشانی نمایانده است. تعالیم اخلاقی در قالب دروس اخلاقی و آثار مکتوب آن، یکی از این جلوه‌هاست. تعالیم اخلاقی با رویکردهای گوناگون خود، در سده اخیر با محوریت حوزه علمیه قم توانست قلمرو وسیعی از مناسبات اجتماعی - سیاسی را درنوردد و افراد زیادی را تحت نفوذ تعلیمات خود متحول سازد. دروس اخلاقی در حوزه قم از رویکرد یکسانی پیروی نمی‌کند. در سابقه سده اخیر این حوزه می‌توان شاهد گونه‌های متفاوتی از رهیافت‌های اخلاقی بود. در تقسیم رایج، از رهیافت‌های اخلاق عقلی، عرفانی، روایی و تلفیقی یاد می‌شود. یا از نوع دروس تشکیل شده اخلاق فردی و اجتماعی سخن به میان می‌آید. اما با نگاه دقیق در سنخ‌شناسی دروس اخلاق، ابعاد این دسته‌بندی و گونه‌شناسی گسترده می‌نماید و فراتر از تقسیم رایج در مباحث اخلاقی به نظر می‌رسد؛ از جمله: گونه اخلاقی جامع‌نگر در برابر یکسونگر؛ اخلاق علمی در برابر عملی؛ اخلاق فردی در برابر اجتماعی؛ اخلاق خوفی در برابر رجایی؛ اخلاق نقلی (نص‌محور) در برابر اخلاق عقلی؛ درون‌گرا در برابر برون‌گرا؛ جذب‌های در برابر اخلاقی. گزارشی از آنها در این تحقیق بیان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دروس اخلاق، حوزه علمیه قم، استادان اخلاق، سنخ‌شناسی اخلاقی، جریان‌شناسی دروس اخلاق.

مقدمه

دغدغه اساسی حوزه‌های علمیه از بدو تأسیس تا کنون تبیین دین اسلام بوده است. مبتنی بر تقسیم سه‌گانه رایج از تعالیم اسلام (اعتقادات، احکام و اخلاق)، رسالت اصلی حوزه‌ها نیز باید تبیین این سه دسته از تعالیم دین اسلام باشد. در میان تعالیم دینی، اخلاق و گزاره‌های اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

پیامبر اکرم ﷺ در قرآن به ویژگی‌های اخلاقی معرفی شده است که «خلق عظیم» (قلم: ۴) یکی از بارزترین آنهاست. خود قرآن نیز به‌مثابه کتاب انسان‌ساز و کتاب اخلاق معرفی شده است. در توصیف شخصیت نبی بزرگوار ﷺ در روایات آمده است: «کان خلقه القرآن» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶ ص ۳۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۶).

از سوی دیگر آن حضرت فلسفه بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» معرفی کرده‌اند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰) و یا در روایت دیگری بیان می‌دارند: «علیکم بمکارم الاخلاق؛ فان الله عزوجل بعثنی بها» (همان، ج ۶۶ ص ۳۷۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۸).

بدین‌روی عالمان دین که رسالت تبیین دین را برعهده دارند، به این فلسفه بعثت توجه جدی داشته و از گذشته تا به امروز، در حوزه‌های تدریس و نگارش، اخلاق را یکی از دغدغه‌های اساسی خود قرار داده‌اند.

امام خمینی ﷺ در سفارش به حوزه‌های علمیه و طلاب بر این امر تأکید داشت:

اخلاق باید در همه‌جا و در همه‌ی دروس، مورد توجه قرار گیرد و اعتقاد بر این است که باید هر کس حوزه‌ی درسی بزرگ یا کوچکی دارد، یکی دو دقیقه - مقدمتاً یا مؤخرتاً - درس اخلاق بگوید که طلاب با اخلاق اسلامی بار بیایند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۹۱).

یا در سفارش دیگری بیان می‌دارد:

در مدارس، همه مدارس سرتاسر کشور لازم است که اشخاصی که مهذب هستند و علما و گویندگانی که راه حق را تا آن اندازه که قدرت داشتند پیموده‌اند، در این مدارس بروند و حوزه اخلاقی و حوزه تهذیب و حوزه معارف اسلامی تشکیل بدهند که در کنار تحصیلات علمی، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی باشد (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۹).

بنابراین استاد اخلاق مهم‌ترین پایه تربیتی طلاب به شمار می‌آید و رفتار، عمل و اخلاق استادان الگویی والا در تربیت محصلان علوم دینی به شمار می‌آید.

پیشینه

از زمان شکل‌گیری حوزه علمیه قم تاکنون، درباره جریان‌های گوناگون ناظر به حوزه، کتاب‌ها و مقالات خوبی به نگارش درآمده، اما هیچ‌یک از منظر اخلاق و دروس اخلاق به این حوزه مقدس نظر نداشته‌اند. برخی از آثار ناظر به کلیت شناخت حوزه علمیه قم و برخی ناظر به جریان‌شناسی سیاسی به شکل کلی یا جزئی بوده است. برخی از این آثار را با این عناوین می‌توان دنبال کرد:

- حوزه علمیه قم، تألیف ابومحمد وکیلی قمی؛

- گزارشی از تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگارش علی شیرخانی؛

- قم و مرجعیت، اثر علی کرجی؛

- نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان، تدوین و نشر متون درسی (متون).

- برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، به کوشش رسول جعفریان؛

- تحولات فکری حوزه علمیه قم (۱۳۰۱-۱۳۵۷)، تألیف مرجان برهانی و حجت‌الله علیمحمدی؛

- صدسالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم، نوروز ۱۳۰۱-۱۴۰۱

خورشیدی، به کوشش رسول جعفریان؛

- جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم، نگاشته سیدمحسن طباطبائی فر؛

- گونه‌شناسی فکری-سیاسی حوزه علمیه قم، نگارش عبدالوهاب فراتی. این نویسنده در دو کتاب دیگر با

نام‌های روحانیت و تجدد؛ با تأکید بر جریان‌های فکری-سیاسی حوزه علمیه قم و کتاب روحانیت و

سیاست: مسائل و پیامدها، اشاراتی به جریان‌های گوناگون حوزه علمیه قم از منظر سیاسی دارد.

در هیچ‌یک از این آثار به گونه‌شناسی حوزه از حیث مباحث اخلاقی و یا جریان‌شناسی دروس اخلاق اشاره نشده

است. البته ممکن است مباحث کلی این آثار در گونه‌شناسی و سنخ‌شناسی مشاراً آیه در این تحقیق به کار آید؛ اما

مراد بحث مستقیم از دسته‌بندی دروس و آثار اخلاقی در حوزه است که در هیچ‌یک از این آثار به آنها پرداخته نشده

است. فقط در نشریه حوزه (ش ۳۳ و ۳۴) مقاله‌ای با عنوان «آموزش‌های اخلاقی در حوزه» بی‌نام به چاپ رسیده و

در آن گزارش کلی از آثار اخلاقی در حوزه شیعه و دروس اخلاق حوزه‌های شیعی آمده است. در این مقاله به اجمال

و در چهار صفحه به درس‌های اخلاق در حوزه علمیه قم اشاره شده که البته تمایز اساسی با مقاله حاضر دارد.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. اخلاق

مراد از «اخلاق» در بحث از گونه‌شناسی دروس و آثار اخلاقی، همان تعریف مرسوم از اخلاق در حوزه‌های علمیه

است که بیان می‌دارد:

فن بررسی‌کننده از ملکات انسانی متعلق به قوای نباتی، حیوانی و انسانی است. ثمره این بحث و بررسی

جداسازی ردایل از فضایل است، به خاطر تعامل انسان و اتصاف انسان به صفات پسندیده و صدور افعال و

کارهایی که موجب تمجید انسان در جامعه انسانی می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۰).

۱-۲. آثار اخلاقی

آثار اخلاقی را به شکل عام-چه دروس شفاهی و چه آثار نوشتاری- در حوزه علمیه قم در یک سده اخیر از

منظرهای گوناگون می‌توان دسته‌بندی کرد. البته ممکن است برخی نسبت به یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

۱-۳. دروس اخلاقی

دروس از جهت عقلانیت اخلاقی به دو جریان «تمدن‌گرای اسلامی» و «شریعت‌گرای سنتی» تقسیم می‌شود (تمرکز این مقاله بر روی دروس اخلاقی در حوزه علمیه قم است. اما می‌توان با نگاهی وسیع‌تر این موضوع را در حوزه آثار اخلاقی در سده اخیر نیز مشاهده کرد).

از منظر دیگر به همین تقسیم با دوگانه «گذشته‌گرا» و «موقعیت‌گرا» می‌توان نظر افکند. در تقسیم دیگر، جریان‌های اخلاقی به «فعالانه یا کنش‌گرایانه» نسبت به مسائل پیرامونی و «منفعلانیه» تقسیم می‌شوند.

از منظر دیگری می‌توان آثار اخلاقی را در قالب جریان «تأسیسی» در برابر «تقلیدی» ملاحظه کرد. جریان اخلاقی «هنجارساز یا ارزش‌ساز» در برابر «تقلیدی» حیث دیگری برای سنخ‌شناسی آثار و جریان‌های اخلاقی حوزه است.

در مواجهه با غرب و مباحث انتقال یافته از فضای تجددگرایی به جهان اسلام، برخی از افراد در آثار اخلاقی خود از آن فضا متأثر شدند. ناظر به این تأثیرپذیری می‌توان از آنان به «طرفداران اخلاق عرفی‌گرایی» یاد کرد. البته مراد تأثیرپذیری کامل است. در مقابل این جریان می‌توان از «اخلاق توحیدی» یاد کرد. در مواجهه با مباحث اخلاقی مطرح در مغرب‌زمین این‌گونه نبوده که همه افراد آشنا با این فضا تن به اخلاق عرفی‌گرایی (سکولار) دهند. برخی از افراد با دغدغه نواندیشی اتفاقاً با رویکرد ایجابی با مباحث غرب برخورد کرده و از نگاه مثبت مباحث آن سامان بهره برده‌اند. با این توضیح می‌توان گفت: از جهتی جریان‌های اخلاقی حوزه به دو جریان و یا دو گونه «نواندیش» و «سنتی» تقسیم می‌شوند. بنابراین مراد از «نواندیشی» الزاماً رویکرد عرفی‌گرایی نیست. پس نواندیش خود دو الگوی دینی و عرفی‌گرایی دارد.

جریان اخلاقی «جامع‌نگر» در برابر «یکسونگر»؛ جریان‌های اخلاقی «علمی» در برابر «عملی»؛ جریان‌های اخلاقی «فردی» در برابر «اجتماعی»؛ جریان‌های اخلاقی «خوفی» در برابر «رجایی»؛ جریان‌های اخلاقی «نقلی» در برابر جریان اخلاقی «عقلی»؛ جریان اخلاقی «درون‌گرا» در برابر «برون‌گرا»؛ جریان‌های اخلاقی «جذب‌های» در برابر جریان اخلاقی «رسمی» از دیگر دسته‌بندی‌ها در جریان‌شناسی اخلاقی حوزه در سده اخیر بوده است. این تحقیق کوشیده است با یک نگاه جریان‌شناسانه به این دسته‌بندی‌ها اشاره کند.

۱-۴. نکته

باید به دو نکته توجه شود:

نکته اول. بحث همپوشانی برخی از این گونه‌ها نسبت به دیگری است؛ به این معنا که فرد و یا جریانی ممکن است از جهتی ذیل یک تقسیم و از جهتی ذیل تقسیم و الگویی دیگر قرار گیرد.

نکته دوم. نام بردن از افراد است. سعی شده است در جنبه سلبی و منفی از افراد کمتر نام برده شود و دنبال

کردن نام افراد را به مخاطبان واکذاریم و صرفاً در این تحقیق تعریف اصل جریان و ویژگی‌های آن مد نظر است. علاوه بر آن در سنخ‌شناسی یادشده عمدتاً نظر به دروس اخلاق در حوزه علمیه قم است تا آثار مکتوب.

۲. سابقه شکل‌گیری درس‌های اخلاق در حوزه علمیه قم

همان‌گونه که در سطور قبل اشاره شد، توجه به اخلاق در حوزه‌های علمیه از سوی عالمان دین همواره مطرح بوده است. گاهی این امر به صورت مستقل در کنار سایر دروس حوزوی و گاهی در کنار همان دروس رسمی حوزه با اشاره‌های مختصر به روایت اخلاقی صورت می‌گرفت. حوزه قم تا قبل از شکل‌گیری رسمی توسط آیت‌الله حائری، یک حوزه محلی محسوب می‌شد. با آمدن ایشان به قم و شکل دادن حوزه رسمی قم، توجه به اخلاق به‌مثابه یکی از پایه‌های اساسی در حوزه و رشد و تربیت طلاب مد نظر ایشان قرار گرفت.

در زمان حضور آیت‌الله حائری، هم خود ایشان و هم برخی از شخصیت‌های برجسته حوزه به درس اخلاق و اهمیت آن برای طلاب همت جدی نشان دادند و از برگزاری آن استقبال کردند. البته برخی از افراد مانند خود مرحوم آیت‌الله حائری درس مستقلی اخلاق نداشت و در کنار درس‌های رسمی فقهی خود، اندرزهای اخلاقی را نیز مد نظر داشت. در همین زمان، شخصیت‌هایی همچون مرحوم ابوالقاسم کبیر قمی و مرحوم شیخ محمدتقی بافقی به مباحث اخلاقی توجه می‌کردند، اما بیشتر از حیث رفتار و مشی عملی برای طلاب تأثیرگذار بودند (نشریه حوزه، ۱۳۶۶).

آقای سیداسماعیل هاشمی در مصاحبه با نشریه حوزه درباره همت مرحوم آیت‌الله حائری در برگزاری دروس اخلاق می‌گوید:

شیخی از اهالی یزد اصرار بسیاری داشت که به تبلیغ برود و از مرحوم حاج شیخ اجازه می‌خواست. ایشان فرمودند: منبر بروید تا منبر شما را ببینم. وقتی حاج شیخ منبر او را دیدند، فرمودند: خیر، تو به درد منبر نمی‌خوری و نباید تبلیغ بروی. ایشان همچنین چندان به تخلق روحانیون به اخلاق نیکو اهمیت می‌دادند که از مرحوم حاج میرزاعلی آقا اصفهانی دعوت کردند یک دهه برای طلاب درس اخلاق بگویند و آنان را موعظه کند. این جلسه مخصوص طلاب بود و بر در مدرسه افرادی را گمارده بودند که از ورود غیر اهل علم جلوگیری کنند. این آقا تمام این ده روز را درباره اخلاق اهل علم صحبت می‌کرد (هاشمی، ۱۳۷۲).

در همین دوره باید از درس رسمی اخلاق مرحوم میرزاچوای آقای ملکی تبریزی یاد کرد که تأثیر فراوانی، هم از جهت رشد اخلاق و هم تربیت مریبان اخلاق حوزه داشت.

در همین زمان به دعوت مرحوم آیت‌الله حائری، آقای میرزاعلی آقایی شیرازی به قم آمد و با برگزاری مجالسی به‌ویژه درس «ههج‌البلاغه» عمدتاً به مباحث اخلاقی مأثور اشاره و توجه طلاب را به مباحث اخلاقی آیات و روایات معطوف کرد. استاد مطهری درباره این شخصیت و میزان تأثیر مباحث ایشان اظهار می‌دارد که حضور در درس ایشان منظره‌ای تماشایی و لذت‌بخش و آموزنده بود:

مواعظ و اندرزهایش چون از جان برون می‌آمد، لاجرم بر دل می‌نشست. هر وقت به قم می‌آمد علمای طراز اول

قم با اصرار از او می‌خواستند که منبر برود و موعظه نماید. منبرش بیش از آنکه «قال» باشد «حال» بود... (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۳۴۹).

حضرت امام خمینی علیه السلام پس از رحلت مرحوم آیت‌الله حائری درس اخلاق را در «مدرسه فیضیه» آغاز کرد. این محفل معنوی قریب هشت سال طول کشید. ایشان آن‌گاه که با کارشکنی و مخالفت‌های ایادی رژیم رضاخان مواجه شد، مدتی محفل درس اخلاق خود را به «مدرسه حاج ملاصادق» که منطبق‌های دوردست بود، انتقال داد و پس از فروافتادن رضاخان از کرسی اقتدار، بار دیگر به فیضیه برگرداند (امینی، ۱۳۹۴).

از سال ۱۳۲۶ با حضور علامه طباطبائی در قم و برادرشان مرحوم الهی طباطبائی مباحث اخلاقی رنگ و بوی دیگری گرفت. این دو برادر چون از شاگردان مستقیم مرحوم قاضی طباطبائی بودند، با همان رویکرد به تربیت اخلاقی و سلوکی شاگردان زیادی همت گماردند. گرایش‌های اخلاقی حوزه علمیه قم از این زمان در کنار تأثیرپذیری از مکتب تهران، از مکتب نجف نیز به شکل جدی متأثر شد و به صراحت می‌توان گفت: دروس و آثار اخلاقی از این پس در حوزه علمیه قم کاملاً از دو «مکتب حکمی، اخلاقی و عرفانی تهران» و «مکتب سلوکی نجف» متأثر گردید. (در ادامه در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت).

عمده استادان اخلاق از دهه سی به بعد در حوزه علمیه قم، از امام خمینی و علامه طباطبائی متأثر هستند؛ زیرا بیشتر شخصیت‌های اخلاقی شاگرد این دو شخصیت بزرگ بوده‌اند. البته از شخصیت‌های برجسته دیگر مانند مرحوم سیدرضا بهاء‌الدینی و تربیت اخلاقی طلاب توسط ایشان نیز باید یاد کرد.

در دهه پنجاه شهید قدوسی از شاگردان علمی و اخلاقی امام راحل و علامه طباطبائی درس اخلاق تأثیرگذاری داشت.

بعد از انقلاب اسلامی دروس اخلاق به شکل جدی در حوزه علمیه قم دنبال شد، تا جایی که برخی از دروس اخلاق از نظر کمیت و کیفیت با دروس فقهی و اصولی حوزه برابری می‌کرد. درس‌های اخلاق حضرت آیت‌الله مشکینی در «مسجد اعظم» و «مدرسه فیضیه»، درس‌های اخلاق حضرت آیت‌الله حسین مظاهری در «مسجد اعظم»، درس‌های آیت‌الله علی‌پناه اشتهاردی در «مدرسه فیضیه»، درس‌های اخلاق مرحوم آیت‌الله علی سعادت‌پرور، جلسات اخلاقی آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در دفتر مقام رهبری، درس اخلاق آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در «مؤسسه اسراء»، درس‌های اخلاقی و سلوکی آیت‌الله محمدباقر تحریری و ده‌ها شخصیت دیگر که مجال نام بردن از آنها در این تحقیق میسر نیست، جملگی از دروس اخلاقی هستند که استادان آنها از بزرگانی همچون امام خمینی علیه السلام و علامه طباطبائی متأثر بوده‌اند.

در این بین باید به دروس اخلاق شخصیت‌هاسی همچون مرحوم آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس، آیت‌الله عزیزالله خوشوقت، آیت‌الله آقامجتبی تهرانی، آیت‌الله آقامرتضی تهرانی (برادر آقامجتبی)، آیت‌الله سیدمحمد ضیاء‌آبادی، آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا و بزرگانی دیگر در تهران یاد کنیم که اینان نیز بر سر سفره دروس

اخلاقی و تهذیبی بزرگان قم نشستند و بار سفر به شهر تهران بستند و در آنجا به تعلیم و تربیت اخلاقی و سلوکی طلاب پرداختند. در جاهای دیگر ایران نیز به همین نحو استادان متأثر از بزرگان قم حضور داشته‌اند.

۳. گونه‌شناسی دروس اخلاق از حیث روش

در حوزه اخلاق اندیشمندان مسلمان با روش‌های متفاوت به مباحث و مسائل اخلاقی ورود پیدا کرده‌اند. از جهت روش معمولاً اخلاق را به چهار دسته «فلسفی- عقلی»، «عرفانی- سلوکی- شهودی»، «نقلی/ مآثور» و «تلفیقی» تقسیم می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۲۹؛ داودی، ۱۳۹۶، ص ۳۰-۳۱).

در اخلاق فلسفی مبتنی بر تقسیم رایج حکمت به «نظری» و «عملی»، مباحث ناظر به اخلاق را در حکمت عملی، محور بحث با روش «عقلی» قرار می‌دهند. فیلسوفان اخلاق در این روش ناظر به تقسیم قوای نفسانی، بر اعتدال بخشی قوای نفسانی تأکید دارند (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). به تعبیر استاد مطهری این روش اخلاقی در عین اهمیت، اما از جامعیت برخوردار نیست (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۳۸۵-۳۸۸). به نظر ایشان به علت انتزاعی بودن مباحث این روش، در میان عموم مردم رواج نیافته است (همان، ص ۶۴۶).

اخلاق عرفانی بر اساس روش «شهودی و سلوکی» به طرح مباحث اخلاقی می‌پردازد. در واقع با این روش فضایل اخلاقی دسته‌بندی می‌شود. اخلاق عرفانی شباهت زیادی به عرفان عملی دارد. جهاد با نفس، ریاضت نفس، معرفت نفس، عشق به خدا و انسان کامل در این روش مهم است. البته بین عرفان و اخلاق در عین شباهت، تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

آیت‌الله جوادی آملی از این موضوع این‌گونه تعبیر می‌کند:

فن اخلاق برای پرورش مجاهد نستوه جهاد اوسط است تا از کمند هوا برهد و از کمین هوس نجات یابد و به منطقه امن قسط و عدل برسد؛ و فن عرفان برای پرورش سلحشور مقاوم جهاد اکبر است تا از مرصاد علم حصولی برهد و از رصد برهان عقلی رهایی یابد و از محدوده تاریک مفهوم و باریک ذهن نجات پیدا کند و به منطقه‌ای که مساحت آن بیکران است، بار یابد و از طعم شهود طرفی ببندد و از استشمام رایحه مصداق عینی منتعم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۶-۲۷).

اخلاق روایی ناظر به مباحث اخلاقی در اخبار وارد شده از معصومان علیهم‌السلام است. البته غیر از روایات می‌توان مباحث اخلاق قرآنی را نیز ملحق به این روش کرد. متفکران اخلاقی با دسته‌بندی فضایل و رداییل در منابع دینی، این روش را دنبال می‌کنند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

در اخلاق «تلفیقی» متفکر اخلاقی از روش‌های سه‌گانه قبل به صورت جامع استفاده می‌کند. برخی در تعریف این روش می‌گویند:

در این رویکرد، یافته‌های رویکرد فلسفی یا عرفانی با آیات و روایات درهم می‌آمیزد. از این‌رو در این آثار، هم از روایات و آیات استفاده شده و هم از مطالب فلسفی و عرفانی (داودی، ۱۳۹۶، ص ۳۱).

در حوزه علمیه قم در سده اخیر، این رویکرد به شکل رسمی در درس اخلاق امام خمینی علیه‌السلام مشاهده می‌شود.

گاهی این تلفیق با رویکرد عرفانی و گاهی روایی و گاهی عقلی بود (اهوازی، بی تا، ص ۳۰۱). امام راحل اخلاق و عرفان را مقدمه‌ای برای قرب و رسیدن به خدا می‌دانست.

علم به منجیات و مهلکات در علم اخلاق مقدمه [است] برای تهذیب نفوس که آن مقدمه است برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید. منظور ما این است که مقصد قرآن و حدیث، تصفیه عقول و تزکیه نفوس است برای حاصل شدن مقصد اعلاى توحید (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

عمدتاً دروس اخلاقی و یا آثار اخلاقی استادان متأثر از مکتب تهران و نجف رویکرد «تلفیقی» است. البته در مکتب تهران رویکرد اخلاق عقلی و عرفانی با یکدیگر تلفیق شده است و در مکتب نجف اخلاق عقلی با اخلاق روایی. همان گونه که در سابقه شکل‌گیری اخلاق در حوزه قم در سده اخیر اشاره شد، غالب استادان اخلاق متأثر از دو مکتب تهران و نجف هستند.

بدین‌روى لازم است توضیح مختصری درباره این دو مکتب داده شود. در مقدمه اشاره می‌شود که رویکرد مکتب نجف ابتدا با حضور حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در سال ۱۳۰۱ (تا سال ۱۳۰۴) و سپس علامه طباطبائی در سال ۱۳۲۵ و برادر ایشان در قم مطرح شد. مکتب تهران هم با حضور آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی در سال ۱۳۰۷ و در ادامه، شاگرد ایشان حضرت امام خمینی علیه السلام دنبال می‌شود.

استاد مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی آخوند ملاحسینقلی هملانی بود که وی از شاگردان آیت‌الله سیدعلی شوشتری به شمار می‌رفت و با طرق معنوی متعددی به او اتصال می‌یافت. مرحوم آیت‌الله سیداحمد کربلائی طهرانی و مرحوم آیت‌الله سیدمحمد سعید حبیبی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد بهاری از دیگر شاگردان بارز آخوند ملاحسینقلی آخوند هملانی بودند (حسینی طهرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۶-۱۴۹؛ درباره توضیحات تفصیلی درباره مکتب نجف، ر.ک: شیخ، ۱۳۹۷).

آیت‌الله سیداحمد کربلابی تربیت معنوی مرحوم آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی را برعهده گرفت. مرحوم قاضی طباطبائی شاگردان فراوانی داشت که علامه طباطبائی، برادر ایشان مرحوم الهی طباطبائی و آیت‌الله محمدتقی بهجت از جمله آنان هستند. با حضور این افراد مکتب نجف مسیر خود را از قم ادامه داد.

امام خمینی علیه السلام متأثر از مکتب تهران با واسطه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی بود (حسینی قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۷). امام راحل شاگرد ایشان و وی از شاگردان حکیم بزرگ میرزاهاشم اشکوری بود که خود از شاگردان آقامحمدرضا قمشه‌ای، آقا علی مدرس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه بود و خود پس از استنادانش در «مدرسه سپهسالار» حکمت تدریس می‌کرد.

مرحوم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی که امام راحل در حکمت از او بهره برده نیز شاگرد میرزاهاشم اشکوری گیلانی بود. میرزااحمد بن محمدحسن آشتیانی، سیدحسین بادکوبه‌ای، شیخ محمدحسین فاضل‌تونی، سیدمحمدکاظم عصار، میرزامهدی آشتیانی و بسیاری دیگر از شاگردان میرزاهاشم اشکوری گیلانی بوده‌اند. استاد

اصلی میرزاهاشم اشکوری در عرفان، آقامحمدرضا قمشه‌ای بوده که وی از شاگردان آقاسیدرضی لاریجانی و او از شاگردان آخوند ملاعلی نوری و او از شاگردان آقا محمد بیدآبادی است.

در این میان در مکتب اخلاقی عرفانی امام راحل، آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و پیش‌تر از او آقامحمدرضا قمشه‌ای نقش اساسی را بر عهده داشتند. شهید مطهری در این باره بیان می‌دارد:

آقای شاه‌آبادی... استاد بزرگ ما امام خمینی... در آن مدت از محضر پرفیض این مرد بزرگ استفاده کرده بود و او را بالاخص در عرفان، بی‌نهایت می‌ستود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۵۳۷؛ برای توضیحات بیشتر درباره نقش آیت‌الله شاه‌آبادی، ر.ک. یزدان‌پناه، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۶۰؛ امینی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶-۲۲۸؛ همو، ۱۳۹۰، ص ۴۴-۵۱).

تفاوت اساسی دو مکتب نجف و تهران در مباحث اخلاقی به چند جهت بازمی‌گردد که مهم‌ترین آن، این است که در مکتب تهران اخلاق عملی با عرفان گره خورده و حتی اصطلاحات عرفانی به اخلاق راه پیدا کرده است. اما در مکتب نجف عمدتاً رویکرد سلوکی و ذکری بر محور روایات ماثور است.

البته در هر دو مکتب تلاش جدی استادان برای اصلاح اخلاقی و معنوی طلاب و حوزه مشاهده می‌شود. در نیم سده اخیر در دروس اخلاقی حوزه علمیه قم هر دو رویکرد قابل پیگیری و مشاهده است.

۴. گونه‌شناسی دروس اخلاق از حیث فردی و اجتماعی

اگر «اخلاق» را به معنای «صفات یا حالات نفسانی با ویژگی پایدار» بدانیم صفاتی را در نفس به صورت ملکه شکل می‌دهند که سبب بروز افعال خوب و بد، یا فضیلت و رذیلت در انسان خواهند شد (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۴؛ صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۱۱۴). در این نگاه بر اساس تقسیم رایج، رویکرد اخلاق به دو قسم «فردی» و «اجتماعی» منقسم می‌شود. «اخلاق فردی» فضایل و رذایلی است که در محدوده فرد در ارتباط با خود و خدای خود مطرح است؛ اموری مانند محاسبه، مراقبه، قوت نفس، وقار و سکوت و خوف، و در مقابل، ترک رذایلی مانند غفلت و خودبینی، شتابگری، بی‌همتی و غیر اینها.

در مقابل، «اخلاق اجتماعی» مجموعه فضایل و رذایلی را شامل می‌شود که روابط اجتماعی فرد و تعامل او با دیگران را بیان می‌دارد. امروزه در اخلاق اجتماعی از اخلاق کسب و کار، اخلاق خانوادگی و خویشاوندی، اخلاق آموزش و پژوهش، اخلاق شهروندی، اخلاق دوستی و رفاقت، اخلاق سیاست، و اخلاق نقد سخن می‌گویند. البته اخلاق زیست-محیطی، اخلاق جنسی، اخلاق ازدواج و مانند اینها را نیز می‌توان از جهتی به اخلاق فردی و از جهتی به اخلاق اجتماعی ملحق کرد.

البته برخی از محققان (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۲) بر اساس رابطه چهارگانه انسان با خدای خود، دیگری و محیط زیست، بر این باورند که اخلاق فردی و اجتماعی غیر از اخلاق بندگی و زیست-محیطی است. اخلاق بندگی در ارتباط فرد با خالق و اخلاق زیست-محیطی در ارتباط فرد با محیط زیست شکل می‌گیرد.

در گونه‌شناسی دروس اخلاق حوزه در سده‌های اخیر، شاهد هر دو گونه اخلاق هستیم. البته گاهی پذیرش یا طرح یکی از الگوها به معنای نفی گونه دیگر نیست. ممکن است در درس اخلاق به اخلاق اجتماعی توجه شود، اما آن درس و استاد نافی اخلاق فردی نباشد و یا بالعکس. در مقابل، در بررسی جریان‌شناسانه دروس اخلاق حوزوی، غالب بودن یک گونه به معنای نادیده انگاشتن الگوی دیگر نیز مشاهده می‌شود.

بیشتر دروس اخلاق حوزوی ناظر به اخلاق فردی است، اما برخی از دروس که عمدتاً توسط شاگردان مرحوم امام راحل و علامه طباطبائی اداره می‌شد و یا توسط شاگردان این دو بزرگوار اداره می‌شود، به اخلاق اجتماعی توجه جدی صورت گرفته است. این امر بعد از انقلاب اسلامی به واسطه شکل‌گیری حکومت اسلامی و حضور دین در مناسبات اجتماعی جدی‌تر شده است.

از جهت دیگر می‌توان این دسته‌بندی را با ادبیات دیگری ناظر به جامع‌نگری و یکسونگری مطرح کرد. اخلاق اجتماعی به نوعی جامع‌نگر بوده، از یکسونگری فاصله دارد. در روش اخلاق برخی از استادان یکسونگری وجود داشته و به همه ابعاد در رشد اخلاقی مبتنی توجه نشده است. در برابر، از درس‌های اخلاقی می‌توان در حوزه یاد کرد که به همه ابعاد و اضلاع در رشد اخلاقی توجه داشته و توفیق این دروس و استادان رفع همه موانع در پرتو جامع‌نگری در اخلاق بوده است.

یکسونگری در اخلاق با آسیب‌های جدی مواجه است و به علت توجه به ساحت خاصی از اخلاق، بسیاری از ساحت‌ها مغفول می‌ماند. در پرتو توجه به اخلاق فردی، روحیات اجتماعی در فرد رشد نمی‌یابد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: جریان‌های یکسونگر در اخلاق بیشتر به فردگرایی تمایل دارند تا جامعه‌نگری، و حال آنکه رشد اخلاقی علاوه بر تنظیم روابط جزئی فرد در خانه و اطراف خانه به تنظیم زندگی اجتماعی منجر می‌شود.

در میان درس‌های اخلاق حوزه، «رویکرد جامع‌نگر» را در درس‌های اخلاق شخصیت‌هایی مانند حضرت امام خمینی، آیت‌الله مشکینی، علامه طباطبائی و برخی از شاگردان ایشان مانند حضرات آیات محمدتقی مصباح یزدی و عبدالله جوادی آملی می‌توان شاهد بود. شاگردانی که در درس اخلاق امام خمینی^ع شرکت می‌کردند از جامعیت و جامع‌نگری مباحث ایشان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ممتاز درس اخلاق امام یاد می‌کنند (عراقچی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

شکل غالب دروس اخلاق تا قبل از درس اخلاق سده معاصر، یکسونگر و با تمرکز بر اخلاق فردی و عمومی بود و همین مسیر برای برخی از استادان اخلاق تاکنون ادامه پیدا کرد، اما با شکل‌گیری رسمی حوزه علمیه قم، به‌ویژه از دهه پنجاه تاکنون دروس اخلاق با رویکرد اجتماعی و جامع‌نگر توسعه یافته است.

۵. گونه‌شناسی دروس اخلاقی از حیث اخلاق علمی و اخلاق عملی

در کتاب‌های اخلاق و فلسفه اخلاق همواره از تقسیم اخلاق به «نظری» و «عملی» سخن گفته‌اند. در اخلاق

نظری که بخشی از فلسفه اخلاق است، از اصول و مبانی اخلاق، معیار افعال اخلاقی و مانند اینها بحث می‌شود. البته این مباحث در فرااخلاق هم مطرح است (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۱۸). این مباحث در گذشته هم در آثار اخلاقی مطرح بوده و بحث‌های نظری صرف درباره باید و نبایدهای رفتاری و یا نحوه کسب فضایی و اجتناب از رداییل در اخلاق نظری یا علمی موضوع بحث عالمان اخلاق بوده است (ابن مسکویه، بی‌تا، ص ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴-۳۵).

در برابر «اخلاق نظری» از «اخلاق عملی» یاد می‌شود که مراد از آن آداب و دستورهایی خاص است که در مسیر تزکیه و تهذیب، التزام به آنها ضرورت دارد و از طریق عمل، فرد را به اهداف نزدیک می‌کند. در میان عالمان اخلاق، مراد از «عمل» در اخلاق عملی، هم ناظر به افعال جوارحی است و هم اعمال جوانحی. به عبارت دیگر، هم اعمال قلبی و هم اعمال بدنی موضوع بحث اخلاق عملی است (مهجوی کنی، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

از گذشته در حوزه‌های علمیه ناظر به اخلاق عملی، آثاری نوشته شده است. کتاب *عده‌الداعی/ابن فهد حلّی*، *تهذیب الاخلاق/ابن مسکویه*، و *اخلاق ناصری/نصرالدین طوسی* از جمله این آثار است. البته دو کتاب اخیر به ابعاد نظری بیشتر توجه دارند. در دروس اخلاق سده‌ی اخیر نیز شاهد رویکرد عالمان اخلاق بر اساس همین دو محور (اخلاق نظری و عملی) بوده‌ایم.

پرداختن صرف به اخلاق نظری، درس اخلاق را به سمت مباحث علمی پیش می‌برد و به همین سبب از این نوع دروس به «دروس اخلاق علمی» در برابر «دروس اخلاق عملی» یاد کردیم. درس اخلاق استادانی همچون *آیت‌الله علی مشکینی و آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی* از دروس اخلاق عملی به حساب می‌آید. این دو شخصیت آثار مکتوبی نیز در حوزه «اخلاق عملی» دارند. کتاب *مواعظ العده‌یه* از *آیت‌الله علی مشکینی* و کتاب *درآمدی بر سیر و سلوک* از *آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی* ناظر به تبیین گزاره‌های اخلاق عملی است.

مرحوم *آیت‌الله محمد شجاعی* اگرچه به اخلاق عملی نیز توجه داشت، اما دروس و حتی آثار ایشان بیشتر ناظر به اخلاق نظری است. با همین نگاه می‌توان دروس اخلاق *آیت‌الله مجتبی تهرانی* و برادر ایشان *آیت‌الله مرتضی قاترهرانی* را نیز بیشتر ناظر به اخلاق نظری متمایل دانست.

۶. گونه‌شناسی دروس اخلاقی از حیث خوفی و رجایی

علمای اخلاق از خوف و رجا به‌عنوان دو فضیلت اخلاقی به‌ویژه در عرصه اخلاق بندگی یاد می‌کنند. البته اگر توجه به هریک بدون نظر به دیگری باشد و یا در رشد و پذیرش یکی، دیگری مغفول مانده و به تناسب، آن یکی به رشد و تعادل نرسد، آسیب اخلاقی خواهد بود. به همین سبب باید در سلوک اخلاقی، هم به «خوف» نظر افکند و هم به «رجا» و آن دو را به وزان هم در تعالی اخلاق در نظر گرفت. درواقع این دو در رشد و تربیت افراد نقش اساسی دارند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۵).

امام صادق علیه السلام در وصیت خود به/بن جنب، نجات‌یافتگان از عذاب الهی را کسانی معرفی می‌کنند که خوف و رجای حقیقی و متعادل در دل‌هایشان وجود دارد:

«يَهْلِكُ الْمُتَكَلِّبُ عَلَى عَمَلِهِ وَ لَا يَنْجُو الْمُتَجَرِّبُ عَلَى الذُّنُوبِ الْوَائِقِ بِرَحْمَةِ اللَّهِ. قُلْتُ: فَمَنْ يَنْجُو؟ قَالَ: الَّذِينَ هُمْ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ، كَانَ قُلُوبُهُمْ فِي مَخَابٍ طَائِرٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۸۰)؛

کسی که به اعمال [خوب] خود اعتماد دارد به هلاکت می‌رسد و کسی هم که به امید رحمت خداوند بر انجام گناهان تجرّی پیدا می‌کند، نجات نخواهد یافت/بن جنب سؤال کرد: پس چه کسی نجات پیدا می‌کند؟ حضرت فرمودند: کسانی که حالشان میان خوف و رجا باشد؛ یعنی نه خوفشان چنان است که از آمرزش گناهانشان ناامید باشند و نه امیدواری آنان به رحمت خداوند چنان است که جرئت بر ارتکاب گناه داشته باشند. گویی قلب‌های آنان در چنگال پرندهای است که هر لحظه احتمال می‌رود آن را بفشارد یا رها کند. هم شوق به ثواب در دل‌هایشان وجود دارد و هم خوف از عذاب.

بر اساس این روایت، مؤمن باید حد نصاب و میانگینی از خوف و رجا را داشته باشد و پهلوی گرفتن به سمت یکی و نادیده انگاشتن دیگری - درواقع - افراط و تفریط در سویه اعتدال خوف و رجاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). به تعبیر دقیق اهل معرفت، «خوف» و «رجا» دو بالند که با آنها مقربان به هر جایگاه ستودهای پرواز می‌کنند و مرکب‌های تندپایی هستند که گردنه‌های سخت راه آخرت را می‌توان با آنها طی کرد (شبر، ۱۳۷۸، ص ۳۸۰). شبیه همین گونه‌شناسی اخلاقی در عرفان و تصوف هم وجود دارد. در ادبیات عرفانی از «تصوف خائفانه» و «تصوف عاشقانه» یاد می‌شود. افرادی مانند غزالی را نماینده «عرفان خوفی» و شخصیتی مانند مولوی را نماینده «عرفان شوقی» معرفی می‌کنند (سروش، ۱۳۸۴، ص ۸).

البته سویه سوم به‌عنوان جریان مقابل دو الگوی یادشده جریان معتدلی است که هم جانب خوف و هم جانب رجا را در مباحث اخلاقی مد نظر دارد که عمده دروس و آثار اخلاقی حوزه علمیه در سده معاصر این‌گونه‌اند. امام خمینی علیه السلام یکی از معلمان بزرگ اخلاق در سده معاصر در این باره می‌نویسد:

انسان همیشه باید بین این دو نظر متردد باشد: نه نظر از نقص خود و تقصیر و قصور از قیام به عبودیت ببندد، و نه نظر از سعة رحمت و احاطة عنایت و شمول نعمت و الطاف حق جل جلاله بیوشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ص ۴۷۳).

از دروس اخلاق بزرگانی همچون آیت‌الله مظاهری و مرحوم آیت‌الله علی‌پناه اشتهاردی می‌توان با غلبه جنبه خوفی، و درس اخلاق آیت‌الله محمدعلی ناصری دولت‌آبادی با غلبه جنبه رجایی یاد کرد.

۷. گونه‌شناسی دروس اخلاقی از حیث درون‌گرایی و برون‌گرایی

درون‌گرایی و برون‌گرایی ناظر به روان‌شناسی شخصیت است و عمدتاً در علمی مانند روان‌شناسی مطرح است. در روان‌شناسی از شخصیت بحث می‌شود و مراد از آن تصویری صوری و اجتماعی است و بر اساس نقشی که فرد در

جامعه ایفا می‌کند، ترسیم می‌شود (حجازی، ۱۳۸۷). به تعبیر دقیق‌تر، «شخصیت» مجموعه سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار است که بر روی هم یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌سازد (شاملو، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

شخصیت با تعریف یادشده دارای گونه‌های متفاوتی است که در یک تقسیم‌بندی، با نظر به ویژگی‌ها و صفات بارز در افراد، به «درون‌گرا» و «برون‌گرا» تقسیم می‌شود. این دو سنخ شخصیتی دارای ویژگی‌های گاه متضاد نسبت به هم هستند (فدایی، ۱۳۸۱، ص ۷۲-۷۹).

همین بحث در اخلاق هم مطرح است. البته مباحث اخلاقی تفاوت‌های جدی با مباحث روان‌شناسی دارد. برای نمونه، در روان‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرا را گاه ذاتی و تغییرناپذیر معرفی می‌کنند. اما در اخلاق این‌گونه نیست. با توجه به تعریف یاد شده از اخلاق، اگر صفتی در نفس راسخ شود و به شکل ملکه درآید، با اراده و اختیار و تهذیب نفس قابل تغییر است. اما در مجموع، مباحث مطرح شده در روان‌شناسی شخصیت می‌تواند در مباحث اخلاقی راهگشا باشد، با این توضیح که برخی از ویژگی‌های بارز در گونه‌های شخصیتی از افراد ناشی شده و تشکیل‌دهند گونه‌های شخصیتی آنان است.

فرد برون‌گرا اجتماعی است. ویژگی صبوری و سخاوت و معاشرت در او بیش از فرد درون‌گراست. احساس مسئولیت اجتماعی و روابط صمیمی در او بر فرد درون‌گرا غالب است و اهل تعاون و همکاری است. به تعبیر روان‌شناسان:

یک تیپ شخصیتی اجتماعی، یک تیپ مبادی آداب و مراقب روابط اجتماعی است. در نظر او داوری و قضاوت دیگران حایز اهمیت است. او تلاش می‌کند جایگاه خویش را نزد دیگران پیوسته حفظ کرده، بهبود و ارتقا بخشد (احمدی، ۱۳۸۰).

در مقابل، فرد درون‌گرا دارای شخصیتی آرام، بی‌علاقه و یا حتی بی‌انگیزه به امور اطراف خود و دنیای روزمره و به تعبیر دقیق‌تر، منفعل است. در عرصه مباحث سیاسی یا ورود ندارد و یا با بی‌انگیزگی و از سر اجبار ورود پیدا می‌کند.

این موضوع در اخلاق بسیار مهم است. دروس و آثار اخلاق کاملاً در شکل‌دهی و یا تقویت و رشد این دو سنخ شخصیتی اثرگذارند. در عمل هم در سده اخیر در دروس اخلاق شاهد این دو سنخ در مباحث اخلاقی بوده‌ایم. برخی از دروس و آثار اخلاقی بیشتر به گوشه‌نشینی دعوت می‌کنند. البته بحث «عزلت» در عرفان از گذشته مطرح بوده است. عمدتاً افرادی که دنبال تهذیب نفس و ریاضت بوده‌اند به خلوت و گوشه‌گیری از اجتماع رغبت نشان می‌داده‌اند (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷۶).

قشیری در رساله خود به نقل از *ابی‌بکر وراق* بیان می‌دارد که «خیر دنیا و آخرت را در خلوت و قلت یافتیم و شر دنیا و آخرت را در کثرت و اختلاط» (قشیری، ۱۳۷۴، ص ۱۸۵). همین امر به مباحث اخلاق، به‌ویژه با رویکرد اخلاق عرفانی سرایت کرده است. این امر در سده معاصر به روشنی در دروس اخلاق برخی از استادان قابل

ملاحظه است. حضور نیافتن در مباحث اجتماعی در دوره پهلوی و بعد در دوره انقلاب شاهد این امر است. شخصیت‌های اخلاقی بارزی همچون امام خمینی^ع و شاگردان ایشان و علامه طباطبائی در نقطه مقابل آن قرار داشتند و به شدت از گوشه‌گیری از اجتماع نهی می‌کردند.

۸. جریان‌های اخلاقی جذبه‌ای در برابر جریان اخلاقی رسمی

قبل از اشاره به جریان‌های اخلاقی جذبه‌ای، به این نکته اشاره می‌شود که در این تحقیق گاهی به جای واژه «گونه‌شناسی» از واژه «جریان» استفاده می‌شود. مراد از «جریان» تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی است که علاوه بر مبانی فکری، نوعی رفتار ویژه اجتماعی دارد (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۹).

در مباحث اخلاقی، چه در حوزه نوشتاری و چه گفتاری دقیقاً ناظر به همین تعریف «جریان‌شناسی» می‌توان از جریان‌های اخلاقی گوناگون یاد کرد. در همین نمونه اخیر، یعنی اخلاق توحیدی در برابر اخلاق عرفی‌گری دو جریان فکری در عرصه اخلاق شکل گرفت که هر دو دارای طرفدارانی هستند. به همین سبب گاهی در این تحقیق از آن به «جریان‌شناسی» یاد می‌شود.

مراد از «درس‌های اخلاق جذبه‌ای» درس‌های اخلاقی است که در مخاطب شیفتگی و جذب ایجاد کرده، او را در تغییر رفتارهای اخلاقی فعال و پویا قرار می‌دهد. برخی از درس‌های اخلاق این‌گونه‌اند. به‌عکس، درس‌های اخلاق رسمی چندان جذب و شیفتگی در فرد ایجاد نمی‌کند و صرفاً به شکل نظری مطالب اخلاقی بیان می‌شود. از ویژگی‌های که شاگردان درس اخلاق امام خمینی^ع مطرح می‌کنند، همین ویژگی جذبه‌ای و ایجاد شیفتگی است. آیت‌الله امینی یکی از شاگردان امام راحل در این باره می‌نویسد:

سال ۱۳۳۱ اولین سالی بود که بنده با امام راحل آشنا شدم که تازه به قم آمده بودم. در واقع، سال اول طلبگی‌ام بود. درس اخلاق امام عصرهای پنج‌شنبه و جمعه در مدرسه فیضیه برگزار می‌شد. نوعاً حضار در درس اخلاق ایشان گریه می‌کردند؛ موعظه عالی بود. ایشان روضه نمی‌خواندند، اما مستمعین متأثر می‌شدند. طوری بود که بعد از خاتمه درس، تحولی در روح انسان ایجاد می‌شد. به قدری انرژی می‌گرفتیم که لحظه‌شماری می‌کردیم باز هم درس اخلاق ایشان برگزار شود و خدمتشان برسیم. بعد از آن همواره مراقب امام بودم و ایشان را نه فقط به استادی، بلکه یک مراد می‌دانستم. شدیداً به ایشان علاقه‌مند شده بودم. حتی به اندازه چند لحظه، دیدن حضرت امام را از دست نمی‌دادم. البته متأسفانه آن دوران در حدود سه ماه بیشتر طول نکشید و درس‌ها تعطیل شد و من به اصفهان برگشتم و دیگر تا شش سال بعد به قم نیامدم. ولی نکته‌ای که بنده در رفتار امام احساس می‌کردم اخلاص ایشان بود. البته باید توجه داشت که اخلاص یک امر قلبی است؛ اما اگر آدمی دقت کند، در آثار عملی می‌تواند آن را درک کند. به نظر می‌رسد ذکر چند حدیث درباره اخلاص و بیان خاطرات کوتاهی از امام به روشن شدن بیشتر بحث کمک می‌کند (امینی، ۱۳۹۴).

شبیبه این مطلب را استاد مطهری هم درباره درس اخلاق امام خمینی^ع نقل می‌کند:

پس از مهاجرت به قم (در سن ۱۵-۱۶ سالگی و حدود سال ۱۳۱۵) گمشده خود را در شخصیتی دیگر یافتیم. فکر کردم که روح تشنه‌ام از سرچشمه زلال این شخصیت سیراب خواهد شد. اگرچه در آغاز مهاجرت به قم، هنوز از

مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود به معقولات را نداشتم، اما درس اخلاق که به وسیله شخصیت محبوبم در هر پنجشنبه و جمعه گفته می‌شد- و در حقیقت، درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی- مرا مست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای، این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درس‌های دیگری که در طی ۱۲ سال از استاد الهی فراگرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم. راستی که او روح قدس الهی بود (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۴۱؛ رجایی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۷۴).

غیر از درس حضرت امام راحل می‌توان از دروس اخلاق حضرات آیات عبدالکریم حق‌شناس، علی مشکینی و سیدرضا بهاء‌الدینی نیز در این زمینه یاد کرد.

۹. جریان اخلاقی هنجارساز در برابر جریان اخلاقی تقلیدی

هنجارها و ارزش‌ها در اخلاق، جامعه‌شناسی و شاخه‌هایی همچون مدیریت فرهنگی، ارتباطات فرهنگی و غیر آن نقش اساسی دارد. درباره هنجار و ارزش و ارتباط میان آن در علوم یادشده مباحث گوناگونی مطرح می‌شود. در بحث ما ارزش‌ها اصل است و هنجارها از آن ناشی می‌شود. البته، هم ارزش و هم هنجار در رفتار انسان تأثیر جدی دارد (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷).

به نظر می‌رسد هرچه ارزش‌ها بالاتر باشد هنجارهایی که از آن ناشی می‌شود نیز متعالی‌تر خواهد بود. در مقابل، از ضد ارزش‌ها ناهنجاری‌ها برمی‌خیزد. بیماری‌های اخلاقی و آسیب‌های اخلاقی همان ناهنجاری‌های اخلاقی هستند که از ارزش‌ها دورند. ارزش‌ها مجموعه‌ای از آرمان‌ها، ترجیح‌ها، بایسته‌ها و انتظاراتی مقبول به منظور نیل به غایت‌های مطلوب تلقی می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۶، ص ۲۶). برخی بر این باورند که ارزش‌ها ناظر است به این سؤال که چه باید باشد؟ و هنجارها در پاسخ به سؤال که چه انجام شود؟ (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵۷)

جامعه‌شناسان بر این باورند که هیچ مفهومی به میزان مفهوم هنجار در رفتار انسانی اثرگذار نبوده و تبیین رفتارهای انسانی مستند به مفهوم هنجارهاست (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۳۶۸).

هنجارها انواع گوناگونی دارند. در این بحث مراد «هنجارهای دینی و اخلاقی» است. برای نمونه، صداقت یا امانت‌داری هنجاری است که در گروه‌های اجتماعی ناظر به خواسته‌های دینی و اخلاقی مقبول بوده و از آنها به‌مثابه فضایل و هنجارهای اخلاقی یا دینی یاد می‌کنند. در هنجارسازی اخلاقی، همانند الگوهای دیگر، هنجارسازی تبدیل یک امر یا گزاره و یا فضیلتی به یک هنجار اخلاقی است که به تدریج، هم بر فرد اثر گذاشته و هم در میان مردم رخنه کرده و انتشار عمومی یافته است. همین امر درباره هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نیز صادق است (رفیعی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۵۰۲).

با توجه به این توضیحات، آثار اخلاقی و از جمله درس‌های اخلاق را می‌توان ارزش‌ساز و هنجارآفرین و یا به تعبیر یادشده «هنجارساز» دانست. ممکن است سؤال شود: مگر درس اخلاق به ناهنجاری می‌پردازد که ما در سنخ‌شناسی دروس اخلاق و یا آثار اخلاقی دست به تقسیم دوگانه «هنجارساز» و «تقلیدساز» زده‌ایم؟

پاسخ روشن است. در بحث حاضر، مقابل «هنجارساز»، ناهنجارساز قرار نمی‌گیرد، بلکه «تقلیدساز» قرار می‌گیرد. مراد از «تقلیدساز» یعنی همان مطالب گذشته و قالبی. در سدهٔ اخیر با ملاحظه آثار اخلاقی، به‌ویژه در درس اخلاق، شاهد درس اخلاقی هنجارساز بوده‌ایم. فضایل اخلاقی تا قبل از سدهٔ اخیر به شکل حداقلی مطرح بود و یا اصلاً مطرح نبود. مبارزه با ظلم به هر دو شکل مقابله با استکبار داخلی (رژیم پهلوی) و مقابله با استعمار در درس اخلاق بسیاری از بزرگان اخلاقی مطرح گردید که تا قبل از این به شکل نادر در درس اخلاق مطرح می‌شد.

حضور پررنگ مفاهیم اخلاقی هنجارساز در ادبیات عالمان بزرگ اخلاقی معاصر محصول همین نگاه است؛ مفاهیمی همچون کرامت، عزت نفس، محبت، برادری، وحدت اجتماعی، امنیت اجتماعی، ایثار، انفاق، وفای به عهد و دهها مفاهیم مهم دیگر که مجال اشاره به همه آنها نیست. برای نمونه، به مفهوم ارزشی- اخلاقی «وحدت اجتماعی» اشاره می‌کنیم. ادبیات ناظر به وحدت اجتماعی در حوزه علمیه قم از زمان مرحوم آیت‌الله سیدحسین بروجردی شکل گرفت و در زمان نهضت اسلامی و بعد انقلاب اسلامی به صورت جدی در حوزه مباحث اخلاقی به‌مثابه یک مفهوم ارزشی وارد شد و سبب ایجاد هنجارسازی در مباحث سیاسی اجتماعی گردید.

در درس شخصیت‌هایی همچون امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبائی این بحث روشن است. اینان به این مقوله توجه جدی داشتند و شاگردان ایشان نیز در مباحث اخلاقی خود آن را پرورش دادند. این امر، به‌ویژه در مسئله وحدت بین شیعه و سنی به شکل جدی خود را نشان داد و امروزه یکی از دغدغه‌های مهم رهبران اسلامی به شمار می‌رود.

در حوزه علمیه می‌توان به سه نوع مواجهه در مقوله وحدت اشاره کرد:

الف. رویکرد حداکثری یا تقریب‌گرایانه؛ مانند آیت‌الله بروجردی و امام خمینی و مقام معظم رهبری؛

ب. رویکرد حداقلی یا ولایتی؛ مانند علامه امینی و برخی دیگر از معاصران؛

ج. رویکرد انسدادی مطلق؛ مانند طیف طرفداران سیدصادق شیرازی (فخر زارع، ۱۳۹۲).

همین سه رویکرد در مباحث اخلاقی نیز خود را نشان می‌دهد. شاید بتوان همین تقسیم را از منظر دیگری نیز مطرح کرد و آن اینکه بگوییم: درس اخلاق و آثار اخلاقی را به سبب تأثیرگذاری بر مخاطب می‌توان به دو سنخ «فعال» و «منفعل» یا جریان‌های اخلاق «کنش‌گرایانه» نسبت به مسائل پیرامونی در برابر جریان «منفعلانه» تقسیم کرد. جریان اخلاقی فعال و کنشگر همان جریان اخلاقی هنجارساز است.

این مقسم در درس اخلاق نیز تأثیر می‌گذارد. دعوت به وحدت و دوری از اموری که منجر به تفرقه می‌گردد در درس اخلاق قایلان به وحدت خود را نمایان می‌سازد.

۱۰. جریان تمدن‌گرایی اسلامی در مباحث اخلاقی در برابر شریعت‌گرایی سنتی

در بررسی درس و آثار اخلاقی حوزه در سدهٔ اخیر با یک دوگانه جدی در این زمینه مواجه می‌شویم، و آن باور

داشتن به تمدن نوین اسلامی و یا باور نداشتن به آن است. از جریان باورمند به تمدن به «تمدن‌گرایی اسلامی» و از جریان مقابل به «شریعت‌گرایان سنتی» یاد می‌کنیم.

تقسیم عالمان شیعی به «شریعت‌گرایان سنتی» و «عقلانیت‌مدن‌ساز» عمدتاً در عرصه مسائل سیاسی صورت می‌گیرد. حتی برخی از مستشرقان و متفکران غربی نیز از این منظر به تقسیم جریان‌های شیعی حوزوی پرداخته، از جریان سنتی یا غیرسیاسی و جریان محافظه‌کار و جریان انقلابی و اسلام سیاسی یاد می‌کنند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۴۳۶-۴۴۰؛ کدی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۲-۳۵۴؛ هیرو، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶؛ همو، ۱۳۷۹، ص ۵۲). اما در مباحث اخلاقی چنین تقسیمی صورت نگرفته و از این منظر کار مستقلی در حوزه جریان‌شناسی انجام نشده است.

رویکرد تمدن‌گرایی با نقد نگرش نص‌گرایی به رغم تأکید بر نصوص و حقایق دینی، از ارائه طرحی برای حضور اسلام در صحنه اجتماع و حیات جمعی بشر ناتوان است. نگرش عقل‌گرایی افراطی بر ضرورت حضور و پویایی دین در فرایند تحولات و رخدادهای جهان اصرار دارد، اما برای به‌دست آوردن این پویایی، ارزش‌ها و احکام جاودان اسلام استحاله می‌شود. در نگرش شهودگرایی و عقل‌گرایی اعتدالی برجسته نبودن رویکرد سیاسی و تمدنی به آموزه‌های دینی سر برآورد و به‌عنوان رویکردی مستقل و ممتاز مطرح گردید.

از امتیازات این رویکرد جامع‌نگر بودن و بهره‌مندی آن از تمام منابع معرفتی است. این رویکرد مدعی است که می‌تواند دو عنصر «پایایی» و «پویایی» دین را با هم و به صورت منطقی و هماهنگ تأمین کند. اندیشمندان این رویکرد معرفتی، ایجاد «تمدن نوین اسلامی» در مقابل فرهنگ تجددگرایی و مظاهر غربی و همچنین قرائت سطحی و متحجرانه از دین را به‌مثابه تنها راه برون‌رفت از معضلات جوامع اسلامی مطرح می‌کنند (سبحانی، ۱۳۸۵).

احیای دینی که خود از رهروان رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی به شمار می‌روند، با داشتن مسلکی به نام «اجتهاد پویا»، برای عقل، قرآن و عنصر زمان و مکان در اجتهاد نقش ویژه‌ای قایل می‌شوند و از روایات نیز بهره می‌برند. این گروه، نه راه افراط را پیموده و نه در ورطه تفریط افتاده، بلکه بدون فروکاستن از منزلت عقل، به سبب حفظ حرمت وحی و بدون تضعیف وحی، با هدف عزت‌بخشی به عقل، راه اعتدال پیموده و برقراری آشتی میان آن دو را هدف و مسیر خود قرار داده‌اند. همین رویکرد در دروس اخلاق و آثار اخلاقی نیز خود را نشان می‌دهد. با این نگاه بیشتر در مباحث اخلاقی بر اخلاق اجتماعی تأکید می‌شود تا اخلاق فردی. این دقیقاً برعکس جریان شریعت‌گرایی سنتی است که تمرکزش بر اخلاق فردی است.

از جهت بسترشناسی تاریخی جریان شریعت‌گرایی سنتی از صدر اسلام حضور داشته و نوع نگاهش عمدتاً با عناوینی همچون «نص‌گرایان»، «ظاهرگرایان» و «نقل‌گرایان» در میان متفکران شیعه و سنی مطرح بوده است. در میان شیعه جریان نص‌گرا و در ادامه، جریان اخباری‌گری نمود شریعت‌گرایی سنتی است.

امروزه شاید نتوان با اطمینان از حضور رسمی اخباریان یاد کرد؛ اما جلوه‌های آن در مباحث گوناگون، از جمله اخلاق حضور پررنگی در میان شیعیان دارد. حتی شاید از جهت نظری عالمی اصولی باشد، اما در مقام عمل، رویکرد اخباری و ظاهرگرایی داشته باشد. شخصیت‌هایی همچون سیداحمد خوانساری، سیدمحمود موسوی دهرسخی، محمد حلبی و یعسوب‌الدین رسنگار جویری را می‌توان از این دسته دانست (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۶۲؛ دارابی، ۱۳۸۸، ص ۷۲-۷۳؛ مظفری، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸).

همین تقسیم را با عنوان «جریان‌های اخلاقی جمودگرا» در برابر جریان اخلاق موقعیت‌گرا می‌توان مطرح کرد. مراد از «جمودگرایی» در اینجا قشری‌گرایی است. در واقع، قشری‌گرایی همان سطحی‌نگری و جزئی‌نگری است که فرد به عمق و لایه‌های زیرین امور توجه نمی‌کند (معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۶۷۷) و ابعاد گوناگون مسائل را در نظر نمی‌گیرد.

عرب به سکون و انجماد آب، «جمود» می‌گوید (فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ج ۶ ص ۸۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۷۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷). اهل لغت آن را به معنای سختی و سفتی و محکم هم به کار می‌برند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ج ۶ ص ۸۹) در اصطلاح لغوی، معنای دخالت جدی دارد. مراد از انسان «جمود» کسی است که ذهن او حرکت نداشته و به انجماد رسیده است. سکون و عدم تحقیق و پژوهش در عرصه علمی هم جمود علمی را شکل می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۳۵).

جمودگرایی سنتی در اخلاق همانند جمود در دیگر شاخه‌های علمی، با آسیب‌هایی مواجه است؛ از جمله می‌توان گفت: جمودگرایی در اخلاق اجازه پذیرش دیدگاه‌هایی نو در عرصه اخلاق را نمی‌دهد. یا فرد جامد در جهت عدم تحرک در عرصه اخلاق، جسارت طرح نظریه‌های جدید در این حوزه را ندارد. رکود و رخوت و سکون از دیگر آسیب‌های این نگاه است.

در برابر این جریان، طرح مباحث به شیوه اخلاق موقعیت‌گرایانه قرار دارد؛ یعنی توجه به اطراف خود و تحولات پیرامونی یا طرح مباحث اخلاقی برای انسان معاصر. جریان موقعیت‌گرا یا موقعیت‌اندیش در عرصه اخلاق به نوآوری می‌اندیشد یا از آن استقبال می‌کند. خلاقیت و نوآوری رکن اساسی در جریان اخلاقی موقعیت‌گراست. خلاقیت و نوآوری را نیز می‌توان از دیگر راهکارهای دوری از تجر علمی دانست.

همان‌گونه که در فقه از آسیب جمودگرایی گفته می‌شود، در اخلاق و مباحث اخلاقی هم این‌گونه است. استادان اخلاق در مباحث خود باید به مباحث جدید و مشکلات و آسیب‌های اخلاقی جدید توجه داشته باشند. روابط اجتماعی گسترده امروزی در مباحث تربیتی و اخلاقی نیز تحولاتی صورت داده است. استاد اخلاق جامع باید به عرصه‌های جدید هم توجه داشته باشد.

می‌توان در تقسیم دیگری به جای جمودگرایی، از «سنتی» یاد کرد و در برابر آن از جریان «نواندیش» در

مباحث اخلاقی سخن گفت. نواندیشی در اخلاق به تحول و تغییر در فرد و جامعه منجر می‌شود؛ چنان‌که درس‌های اخلاق شخصیتی مانند امام خمینی^ع از این ویژگی برخوردار بود. مقام معظم رهبری در تبیین شخصیت امام راحل از این خصوصیت وی یاد می‌کند. «امام روحاً هم یک انسان تحول‌خواه بود، هم تحول‌آفرین بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

ادیان الهی با پذیرش فطری بودن اخلاق، بر توجه به آن تأکید فراوان داشته‌اند. در این میان، دین اسلام به مسائل اخلاقی و تهذیب نفس از امور ناشایست اخلاقی و مزین ساختن نفس به محسنات و مکرمات‌های اخلاقی بیش از سایر ادیان توجه دارد؛ تا جایی که ویژگی مهم پیامبر اکرم^ص را اخلاقی بودن او دانسته‌اند. بدین‌روی عالمان دین اسلام در تبیین آموزه‌های وحیانی به مقوله اخلاق توجه جدی داشته‌اند.

حوزه علمیه قم از بدو تأسیس تا کنون همواره به مقوله اخلاق توجه داشته است. دستاوردهای حوزه مقدس قم در زمینه اخلاق، بعد از شناخت گونه‌های متفاوت دروس اخلاق میسر می‌گردد. در بدو امر، به نظر می‌رسد اخلاق دانشی است که همگان با یک سبک و سیاق سراغ آن می‌روند، و حال آنکه چنین نیست. این امر با ملاحظه دروس و آثار اخلاق ما را با این حقیقت روبه‌رو می‌سازد که دانش اخلاق نیز علی‌رغم پذیرش تعریف واحد در آن، گونه‌های متفاوتی دارد. در سنخ‌شناسی دروس اخلاق حوزه، الگوهای متفاوتی را می‌توان یافت و به تحلیل آنها پرداخت. در این تحقیق به دوازده الگو اشاره شد. اگرچه اولاً، این حصر تام نیست. ثانیاً، همین موارد نیز نسبت به یکدیگر همپوشانی و تداخلاتی دارند.

از نظر روش و رویکرد، به چهار رهیافت دروس و آثار اخلاقی «عقلی»، «عرفانی»، «نقلی» و «تلفیقی» اشاره شد. به اخلاق فردی و اجتماعی نیز اشاره گردید. «جامع‌نگری» در برخی از دروس اخلاق در برابر «یکسونگری» از الگوهای دیگری بود که مد نظر این تحقیق قرار گرفت. استادان اخلاق در دروس اخلاقی خود، گاهی به اخلاق علمی و گاهی به اخلاق عملی نظر دارند. عالمان اخلاق اگر به مسائل جدید توجه داشته باشند در گونه‌شناسی اخلاق موقعیت‌گرا یا نواندش و یا تمدن‌گرا و یا فعال قرار می‌گیرند. در مقابل، استادان اخلاقی قرار دارند که دل در گذشته و سنت داشته، از هرگونه مباحث جدید احتراز می‌جویند. در سده اخیر، برخی از دروس و آثار اخلاقی ارزش‌ساز و هنجارآفرین بوده و سبب ایجاد جذبه در مخاطب شده، او را به سوی اخلاق برون‌گرا سوق داده است.

منابع

- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌مسکویه، ابوالی احمد بن محمد بن یعقوب، بی‌تا، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، بیروت، مکتبه الثقافه الدینییه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابومحمد وکیلی قمی، ۱۳۴۸، *حوزه علمیه قم*، تهران، دانشگاه تهران.
- احمدی، علی‌اصغر، ۱۳۸۰، «شخصیت، رفتارها و گفتارها»، *بیوند*، ش ۲۶۶، ص ۲۱-۴۰.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۹۴، *گفتارهای اخلاقی و اجتماعی*، قم، بوستان کتاب.
- امینی‌نژاد، علی، ۱۳۸۷، *آشنائی با مجموعه عرفان اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰، *حکمت عرفانی: (تجزیبری از درس‌های عرفان نظری استاد یدالله بیدان‌پناه)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اهوازی، عبدالرزاق، بی‌تا، *امام و تحول فکری در حوزه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، مرکز.
- برهانی، مرجان و حجت‌الله علیمحمدی (۱۴۰۱)، *تحولات فکری حوزه علمیه قم (۱۳۰۱ - ۱۳۵۷)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۶۹، *نظریه جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۱، *از تاریخ حوزه علمیه قم*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- _____، ۱۳۸۱، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، *کتابشناخت اخلاق اسلامی: گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی*، چ سوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *حیات عارفانه امام علی*، قم، اسراء.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نی.
- حجازی، بهجت السادات، ۱۳۸۷، مقاله «روان‌شناسی شخصیت در تاریخ بیهقی»، *کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۶، ص ۹-۳۹.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۶ق، *لب الالباب در سیر و سلوک اولو الالباب*، تهران، حکمت.
- حسینی قائم مقامی، سیدعباس، ۱۳۷۸، *سفر عشق*، تهران، فکر برتر.
- خسرویپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، چ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خورشیدی، رسول‌جعفریان، ۱۴۰۱، «صد سالگی حوزه قم»، *دز: مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم*، قم.
- دارابی، علی، ۱۳۸۸، *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، چ چهارم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- داودی، محمد، ۱۳۹۶، *اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم*، قم، معارف.
- دفرنوزو، جمیز، ۱۳۷۹، *انقلاب اسلامی ایران از چشم‌انداز نظری*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- دیلمی، احمد، و مسعود آذربایجانی، ۱۳۷۹، *اخلاق اسلامی*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- رجایی، غلامعلی، ۱۳۹۲، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی*، تهران، مؤسسه عروج.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۷، *آنا‌تومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران، انتشار.
- سیحانی، محمدتقی، ۱۳۸۵، «جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، *نقد و نظر*، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۷۹-۳۱۱.
- سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۴، *قمار عاشقانه*، تهران، صراط.
- سلمی، ابوعبدالرحمان، ۱۳۶۹، *مجموعه آثار، تدوین نصرالله پورجوادی*، تهران، دانشگاهی.
- شاملو، سعید، ۱۳۸۳، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، چ هشتم، تهران، رشد.
- شیر، عبدالله، ۱۳۷۸، *اخلاق*، چ چهارم، قم، هجرت.
- شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۳۹۶، *ارزش‌های اجتماعی در قرآن کریم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیخ، محمود، ۱۳۹۷، *مکتب اخلاقی - عرفانی نجف*، چ چهارم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیرخانی، علی، ۱۳۸۴، *گزارشی از تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۱۹۸۱م، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۱، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پانزدهم، قم، اسلامی.

_____، ۱۳۷۱، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.

طباطبائی فر، سیدمحمدحسن، ۱۳۹۴، *جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم*، تهران، نشر نی
طوسی، محمدبن الحسن، ۱۴۱۴ق، *امالی*، قم، دار الثقافة.

طوسی، نصیرالدین، ۱۴۱۳ق، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامی.

عراقچی، علی، ۱۳۸۹، *بیرو آفتاب: خاطرات حضرت آیت الله حاج شیخ علی عراقچی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
علیزاده، مهدی، و همکاران، ۱۳۸۹، *اخلاق اسلامی، مبانی مفاهیم*، قم، دفتر نشر معارف.

فخر زارع، سیدحسین، ۱۳۹۲، مقاله «جریان‌شناسی اجتماعی سیاسی روحانیت»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ش ۱، ص ۲۵-۴.
فدایی، فرید، ۱۳۸۱، *یونگ و روانشناسی تحلیلی او*، تهران، دانژه.

فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۹۵، *گونه‌شناسی فکری- سیاسی حوزه علمیه قم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۲۱ق، *کتاب العین*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فضلی، علی، ۱۳۸۹، *علم سلوک*، قم، معارف.

قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

قشیری، ابوالقاسم، ۱۳۷۴، *الرساله القشیریة*، تحقیق عبدالحمید محمود و محمودبن الشریف، قم، بیدار.

کدی، نیکی، ۱۳۷۵، *ریشه‌های انقلاب اسلامی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
کرجی، علی، ۱۳۸۳، *قم و مرجعیت*، قم، زائر.

کلن، جیمز، ۱۳۷۷، *بنیادهای نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار، الطبعه الثانیه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

_____، ۱۴۰۴ق، *مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، چ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۸۰، *فلسفه اخلاق (سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی)*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مطهری، ۱۳۷۳، *مجموعه آثار*، چ پنجم، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، چ سیزدهم، تهران، صدرا.

_____، مرتضی، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار*، چ ششم، تهران، صدرا.

مظفری، آیت، ۱۳۸۰، *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم، زمزم هدایت.

معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ معین*، تهران، امیر کبیر.

مکارم‌شیرازی، ناصر، و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، چ سی و دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

موسوی‌خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۱، *تهذیب نفس و سبب و سلوک از دیدگاه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
_____، بی‌تا، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.

_____، ۱۳۸۸، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مهدوی کتی، محمدرضا، ۱۳۹۴، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تدوین و نشر متون درسی، ۱۳۸۶، *نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان*، قم، دانش حوزه.

نراقی، محمدمهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، چ چهارم، بیروت، موسسه الاعلمی.

نشریه حوزه، ۱۳۶۶، «آموزش‌های اخلاقی در حوزه»، *حوزه*، ش ۲۴، ص ۸۶-۱۰۴.

هاشمی، سیداسماعیل، ۱۳۷۲، «مصاحبه سیداسماعیل هاشمی»، *حوزه*، ش ۵۸، ص ۴۷-۶۳.

هیرو، دیلیپ، ۱۳۸۶، *ایران در حکومت روحانیون*، ترجمه محمدجواد یعقوبی درابی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.


یزدان‌پناه، سیدیدالله، ۱۳۸۸، *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مراکز رسمی دانش اخلاق

در یکصدساله اخیر حوزه علمیه قم*

هادی حسین‌خانی / استادیار گروه «اخلاق» مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

h.hosseinkhani@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-1331-4119

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

چکیده

گسترش اخلاق در جامعه تا حد زیادی بر عهده مجموعه‌هایی است که رسالت خود را فعالیت در عرصه اخلاق تعریف کرده‌اند. مراکز برخوردار از صیغه حوزوی نقشی مضاعف در ترویج ارزش‌های اخلاقی ایفا می‌کنند. سؤال تحقیق حاضر این است که در دوره یکصدساله تأسیس حوزه علمیه قم، کدام مراکز حوزوی در حیطه اخلاق ادای تکلیف کرده‌اند و فعالیت‌های آنها چه قلمروهایی را دربر گرفته است؟ بر این اساس، هدف تحقیق حاضر شناسایی و معرفی فعالیت‌های مراکز فعال حوزوی در زمینه اخلاق در یکصد ساله اخیر است. روش تحقیق «تاریخی» به شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت «اسنادی» بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مراکز فعال در زمینه اخلاق، صرفاً پس از انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند. اقدامات این مراکز عمدتاً حول محور آموزش و پژوهش متمرکز شده است. گرچه برخی مراکز موضوع تربیت و تبلیغ را نیز مد نظر قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: دانش اخلاق، مراکز رسمی، یکصدساله اخیر، حوزه علمیه قم.

ترویج و تعمیق دانش اخلاق در جامعه از طریق عوامل متعددی صورت می‌پذیرد. در این بین، مراکزی که رسالت خود را حول محور دانش «اخلاق» قرار داده و به‌گونه‌ای رسمی به آموزش و پژوهش در زمینه اخلاق پرداخته‌اند، سهمی ویژه دارند. در آستانه یکصدساله شدن دور جدید فعالیت حوزه علمیه قم با محوریت مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، این سؤال مطرح می‌شود که در این مدت کدام مراکز به تعمیق و گسترش ابعاد گوناگون دانش اخلاق همت گماشته‌اند؟ فعالیت مجموعه‌های مذکور چه حیطه‌هایی را دربر گرفته و نتایج حاصل از اقدامات آنها چه بوده است؟ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر یافتن پاسخ برای سؤالات فوق است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به‌روز شدن اطلاعات هر مجموعه از فعالیت‌های خود، آگاهی یافتن از اقدامات سایر مجموعه‌ها در جهت گسترش و تعمیق دانش اخلاق، یافتن خلأها و تلاش برای برطرف کردن آنها، اجتناب از دوباره‌کاری و در نهایت، همگرایی هر چه بیشتر مراکز فعال در عرصه دانش اخلاق را به دنبال داشته باشد.

این مقاله از بین مراکز فعال در زمینه اخلاق، تنها به معرفی اقدامات هشت مجموعه پرداخته است. گرچه مراکز فعال منحصر در این تعداد نیست، لیکن به سبب محدودیت حجم نوشتار حاضر از یک‌سو و محدودیت اطلاعات مربوط به سایر مراکز از سوی دیگر، انعکاس فعالیت‌های سایر مراکز میسر نشد. امید است در تحقیقات دیگر، ثمرات ارزشمند مجموعه‌های دیگر نیز ارائه شود.

کانون‌هایی که از آنها در این نوشتار یاد شده طیفی از مراکز را دربر می‌گیرد. از تشکیلاتی با هویت کاملاً حوزوی (مانند «بنیاد علمی - فرهنگی هاد») تا مجموعه‌هایی که با وجود غلبه هویت حوزوی، از صبغه دانشگاهی نیز برخوردارند (مانند «گروه مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی قم) و تا مجموعه‌هایی مردم‌نهاد که فعالان حوزوی و دانشگاهی به صورت مشترک در آن فعالیت می‌کنند (مانند «خانه اخلاق پژوهان جوان»).

لازم به ذکر است که گزارش ارائه شده در این مقاله مربوط به سال ۱۴۰۲ می‌باشد. در معرفی هر مجموعه، نخست به پیشینه، سپس اهداف آن و سرانجام گوشه‌ای از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، تربیتی و تبلیغی آن اشاره شده است.

۱. بررسی مفاهیم

منظور از «فعالیت‌های آموزشی» اقداماتی - رسمی یا غیر رسمی - است که به یادگیری مخاطبان می‌انجامد. مراد از «فعالیت‌های پژوهشی» تحقیقاتی است که در قالب‌های متنوعی همچون نشر کتاب و مجله و نیز برگزاری نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های علمی ارائه می‌شود.

در بخش «فعالیت‌های تربیتی» از اقداماتی یاد می‌شود که به رشد معنوی مخاطبان می‌انجامد؛ مانند برگزاری اردوهای تربیتی، دیدار با ابرار، و جلسات انس.

«فعالیت‌های تبلیغی» به اقدامات مجموعه - در فضای حقیقی و مجازی - به منظور ترویج ارزش‌های اخلاقی در جامعه اطلاق می‌شود.

۲. مراکز پیش از انقلاب اسلامی

حوزه‌های علمیه قبل از تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخص محور و متکی به بزرگان بود و شخصیت حقوقی نداشت (عفتی، ۱۳۹۱) و بعد از تأسیس آن، تنها آموزش دروس متداول، به‌ویژه فقه و اصول در قالب ساختار درآمد. از این رو به علت مبتدی بودن نظام حوزه، زمینه ایجاد مرکزی برای پرداختن تخصصی به علوم انسانی، مانند اخلاق وجود نداشته است.

۳. مراکز پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ساختارمند شدن مدیریت حوزه‌های علمیه، علوم اسلامی گوناگونی مد نظر قرار گرفت و کانون‌های متعددی برای تعمیق و گسترش این گونه علوم به وجود آمد. در این زمینه دانش اخلاق نیز با اقبال دغدغه‌مندان این رشته مواجه شد و هریک به‌گونه‌ای در پیشبرد آن کوشیدند. در این مجال، به شرحی مختصر از فعالیت‌های هشت مرکز به ترتیب تاریخ تأسیس اشاره می‌شود:

۳-۱. گروه «اخلاق» مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖

۳-۱-۱. پیشینه

بنا به نظر رئیس محترم مؤسسه حضرت آیت‌الله مصباح یزدی و در جهت جذب نیروهای مستعد حوزوی و رشد معنوی آنان و به منظور تأمین الگوهای علمی و عملی و تأمین نیازهای اخلاقی و تربیتی مؤسسه و سایر مراکز حوزوی، «واحد تربیت مربی اخلاق» مجموعه فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۸۱ آغاز نمود. این واحد در سال ۱۳۹۰ به «مرکز» تبدیل شد و در سال ۱۳۹۷ به «گروه آموزشی» تغییر وضعیت پیدا کرد.

۳-۱-۲. اهداف

- تولید علم و تدوین آثار فاخر در عرصه‌های گوناگون اخلاق اسلامی؛
- تربیت مربیان آگاه، بصیر، مہذب و کارآمد اخلاق؛
- گسترش، ترویج و تقویتِ اهتمام به امر تهذیبِ اخلاق در مؤسسه، حوزه‌های علمیه و جامعه.

۳-۱-۳. فعالیت‌ها

۳-۱-۳-۱. آموزش

برگزاری دوره‌های آموزشی کارشناسی اخلاق (۹ دوره)، ارشد تربیت مربی اخلاق (۴ دوره) و دکتری مدرسی معارف

اسلامی با گرایش اخلاق (۲ دوره) از جمله فعالیت‌های آموزشی «گروه اخلاق» بوده است. برگزاری دوره آموزش‌های آزاد تربیت مربی اخلاق (۶ دوره) برای قریب ۲۰۰ تن از طلاب خواهر و برادر از دیگر فعالیت‌های آموزشی گروه به شمار می‌رود. برگزاری کلاس‌های اخلاق «مدرسه علمیه رشد» (۶ پایه) نیز توسط این گروه انجام شده است.

۲-۳-۱. پژوهش

۱-۳-۲-۱. انتشار کتاب

- طرح تدوین مجموعه *مکتب اخلاقی اسلام* بر اساس دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی در قالب کلان‌طرح پژوهشی شامل کلیات، مبانی، اخلاق اسلامی و تربیت اخلاقی با استفاده از فضایی متخصص در قالب نزدیک به ده جلد در دست انجام است. عمده مقالات این طرح تکمیل شده و جلد نخست این مجموعه در دست انتشار است.

- کتاب *پیش به سوی احیای اخلاق* دربر دارنده دیدگاه‌های علامه مصباح درباره ضرورت، اهداف، موانع و راهکارهای رشته اخلاق، اثری است که به همت دانش‌پژوهان این رشته تدوین شده است.

- کتاب‌های *دانشنامه اخلاق کاربردی* (جلد ۱؛ بنیاد اخلاق؛ فلسفه اخلاق؛ فرائد اخلاق و اخلاق هنجاری؛ برنامه درسی و تربیت اخلاقی؛ نقش عرف در ارزش اخلاقی؛ اخلاق ژنتیک از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و اخلاق روزنامه‌نگاری نیز از جمله آثاری است که توسط سایر گروه‌های علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام منتشر شده است. همچنین انتشارات مؤسسه تا کنون ده‌ها اثر اخلاقی از مرحوم علامه مصباح یزدی منتشر کرده است.

۲-۳-۲-۲. انتشار مجله

دوفصلنامه *معرفت اخلاقی* نشریه علمی-ترویجی «گروه اخلاق» است که تاکنون ۳۱ شماره از آن منتشر شده است.

۳-۳-۲-۳. نشست‌های علمی

«قدیس (قدیسان) اخلاقی»، «معرفی مکتب تربیتی نجف» و «تأثیر عرفان بر اخلاق و اخلاق عرفانی» از جمله نشست‌های درون‌گروهی است. نشست‌های «گستره پژوهش‌های اخلاقی»، «آسیب‌های اخلاقی طلاب در حوزه علمیه»، «کاستی‌های حوزه علمیه در حوزه اخلاق»، «آینده فعالیت‌های اخلاقی و تربیتی در حوزه علمیه» و «مباحث استنباط حکم اخلاقی و اجتهاد و اخلاق»، از جمله نشست‌های علمی است که با حضور دانش‌پژوهان رشته اخلاق برگزار شده است.

۴-۲-۳-۱. کرسی‌های علمی - ترویجی

کرسی‌هایی با عناوین «بررسی برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری»، «نقش روش موعظه در تربیت اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی»، «نقش روش تغییر موقعیت در تربیت اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی»، «اصل اولویت در تربیت اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی»، «معرفی مکتب تربیتی نجف در راستای بیانیه گام دوم انقلاب» و «ریشه‌ها و ذایل اخلاقی از منظر علامه مصباح» از سوی این گروه اجرا شده است.

۳-۳-۱. تربیت

اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی به منظور تقویت ابعاد عملی اخلاق طلاب مانند اردوهای تربیتی، از جمله اردوی خانوادگی اصفهان، دیدار با ابرار، جلسات انس، جلسات دعا و عزاداری معصومان علیهم‌السلام در قالب «هیأت خیمه اصحاب الحسین علیهم‌السلام» از دیگر فعالیت‌های گروه اخلاق به شمار می‌رود.

۴-۳-۱. تبلیغ

تأسیس تشکیلی از سوی دانش‌پژوهان گروه در جهت عمل به تکلیف «جهاد تبیین» حول محور اخلاق، اقدام عملی گروه به منظور گسترش اخلاق و معنویت در جامعه است. این تشکل با رصد وضعیت اخلاقی جامعه، نیازها را شناسایی، برای تأمین نیازها مطالعه، نتایج مطالعات را پردازش و آنها را در قالب‌های گوناگون هنری در فضای مجازی ارائه می‌کند. فعالیت‌های تبلیغی حضوری در فضاهای حوزوی، دانشگاهی و مدارس آموزش و پرورش دیگر اقدام تبلیغی گروه است که در دست پیگیری است (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، بی‌تا).

۲-۳. «پژوهشکده اخلاق و معنویت» پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۱-۲-۳. پیشینه

این پژوهشکده از سال ۱۳۸۲ با عنوان «گروه اخلاق و تربیت» فعالیتش را آغاز کرد و در سال ۱۳۸۶ با ظرفیت دو گروه پژوهشی و اختصاص نام «مرکز» به فعالیت‌های خود ادامه داد. از سال ۱۳۹۶ با افزوده شدن «گروه اسلام و مطالعات معنویت» دور جدید فعالیت‌ها ذیل عنوان «پژوهشکده اخلاق و معنویت» با سه گروه پژوهشی «اخلاق»، «تربیت» و «اسلام و مطالعات معنویت» آغاز شده است.

۲-۲-۳. اهداف

- شناخت و استنباط کلان‌نظریه اسلامی در زمینه اخلاق، رشد اخلاقی، تربیت اخلاقی و معنویت؛
- بازخوانی انتقادی نظریات غربی در زمینه روش‌شناسی اخلاق کاربردی، نظریه‌های معاصر در رشد و تربیت اخلاقی و معنویت عرفی‌گری (سکولار) و فرانویگرا (پست‌مدرن) و تبیین و ارائه آموزه‌های اسلامی در این زمینه‌ها؛

– استخراج نظام مسائل نظری و چالش‌ها و معضلات عینی جامعه ایران معاصر در حوزه اخلاق، تربیت و معنویت و تلاش در حل معضلات پرسامد؛

– گفتمان‌سازی نخبگانی در زمینه‌های اخلاق کاربردی، تربیت اخلاقی و معنویت اسلامی.

۳-۲-۳. فعالیت‌ها

فعالیت‌های پژوهش‌گردد در قالب طرح‌های تحقیقاتی و برگزاری نشست‌های علمی، کرسی‌های ترویجی و کارگاه‌های علمی و صورت می‌گیرد.

۱-۳-۲-۳. طرح‌های تحقیقاتی

طرح‌های تحقیقاتی پژوهش‌گردد در قالب کلان‌طرح‌ها انجام می‌شود:

در کلان‌طرح «الهیات اخلاق» آثاری از قبیل «استنباط آموزه اخلاقی از متون و ادله لفظی»، «فقه و اخلاق اسلامی: مقایسه‌ای علم‌شناختی»، «تعارضات اخلاقی و دانش اصول فقه» و «کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی» منتشر شده است.

در کلان‌طرح اخلاق کاربردی کتاب‌های *مدل‌های اخلاق کاربردی: پژوهشی روش‌شناختی؛ عدالت در عداوت: بایسته‌های اخلاقی تعهد به عدالت در تخصص و دشمنی، اخلاق تبلیغ دین: منشور اخلاقی مبلغان در سیره اهل بیت* و چند اثر دیگر به چاپ رسیده است.

کتاب‌های *راهنمای رشد اخلاقی* (ترجمه) و *نظریه‌های کلاسیک شناختی- تحولی در رشد اخلاقی* در قالب کلان‌طرح‌های مبانی روان‌شناختی تربیت اخلاق دینی منتشر شده است.

آثاری که در قالب کلان‌طرح‌های تربیت اخلاقی به چاپ رسیده، عبارت است از: *تربیت توحیدی* (ترجمه) و *نقش مربی در تربیت اخلاقی- معنوی*.

در کلان‌طرح امر جنسی در ایران معاصر، کتاب *درآمدی بر مبانی و روش‌های روان‌شناختی- تربیتی عفاف و حجاب* منتشر شده است.

جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور؛ معنویت‌گرایی جدید: مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی؛ و شبیه جنبش‌های معنوی: درآمدی بر پیشگیری و رهاسازی کتاب‌هایی است که در کلان‌طرح تحلیل و نقد عرفان‌های غیر اسلامی به چاپ رسیده است.

برخی از آثار چاپ‌شده در کلان‌طرح جریان‌شناسی و روش‌شناسی مطالعات معنویت عبارت است از: *عرفان و بایسته‌های عرفان پژوهی در گفتگو با دانشوران؛ درآمدی بر مطالعات معنویت؛ و درآمدی بر مطالعات معنویت در علوم انسانی.*

کلان‌طرح بازخوانی معنویت‌های اسلامی و معرفی معنویت ثقلین نیز کتاب‌های *فرهنگ آثار عرفان اسلامی و مدل‌های قرآنی روایی در تبیین زیستن معنوی* را در دست چاپ دارد.

۲-۳-۳. نشست‌های علمی

برخی از نشست‌های علمی «گروه اخلاق» عبارت است از: «خودکنترلی و قضاوت اخلاقی»، «کاربست اصل‌گرایی اخلاق در مسائل زیست-پزشکی»، «الگوی رفع تعارض ادله و انسجام‌بخشی تئوریک نظریه و عمل دینی» و «چالش‌های اخلاق مددکاری اجتماعی در جهان امروز».

در «گروه تربیت» نشست‌های علمی متعددی برگزار شده است؛ از جمله: «اصول برنامه‌ریزی درسی تربیت اخلاقی»، «سایبری شدن آموزش دانش‌آموزان و آسیب‌های جنسی»، «بررسی پدیده همباشی (ازدواج سفید) به‌عنوان رقیبی برای نهاد سنتی خانواده»، و «روان‌درمانگری اخلاقی».

نشست‌های علمی «مفهوم‌شناسی معنویت»، «مفهوم معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی»، «شیوه‌های مواجهه با افراد در معرض معنویت‌گرایی جدید»، «رابطه معنویت و فلسفه اسلامی»، «Shia Spirituality» و «New Age Spirituality» نمونه‌هایی از نشست‌های علمی «گروه اسلام و مطالعات معنویت» است.

۳-۳-۳. کرسی‌های علمی

گروه‌های سه‌گانه کرسی‌های ترویجی آنچه را در پی می‌آید، برگزار کرده‌اند: «روش‌شناسی اخلاق کاربردی»، «معرفی و نقد روش‌شناسی استقرارگرایانه در اخلاق کاربردی»، «مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی تعارض اخلاقی»، «نقد کتاب رویکردهای نوین تربیت اخلاقی»، «نقد کتاب تربیت اخلاقی»، «مفهوم معنویت در عصر پست‌مدرن»، «چالش‌های معنویت‌گرایی جدید در عرصه‌های اخلاق اجتماعی»، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی در ایران»، و «معنویت به مثابه دانش مستقل».

۴-۳-۳. کارگاه‌های علمی

کارگاه‌های علمی «کارگاه آموزشی پیوست‌نگاری فرهنگی»، «مسئله‌شناسی معنویت‌پژوهی»، «جریان‌شناسی و ارزیابی مطالعات معنویت شیعی»، «معنویت اسلامی و چالش‌های جهان معاصر»، «معنویت و سازمان»، «معنویت و جامعه‌شناسی»، و «معنویت و درمانگری» برخی از کارگاه‌هایی است که توسط گروه‌های پژوهش‌گرا اجرا شده است (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲).

۳-۳. «بنیاد علمی - فرهنگی هاد»

۱-۳-۳. پیشینه

این مجموعه که فعالیت اولیه آن با عنوان «مؤسسه دارالهدی» در سال ۱۳۸۳ آغاز شد، تحت نظارت حضرت آیت‌الله ناصری و با مدیریت فرزند بزرگوار ایشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ جعفر ناصری از سال ۱۳۹۱ در دو شهر قم و اصفهان فعالیت‌های گوناگون خود را آغاز کرده است.

۲-۳-۳. اهداف

- تبیین و ترویج معارف اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی - تربیتی؛
- ایجاد، گسترش و تعمیق فضای اخلاقی و ایمانی در سطح حوزه علمیه و جامعه؛
- ارتقای سطح بینش و دانش طلاب و اقشار گوناگون جامعه در جهت محور فعالیت بنیاد؛
- تربیت مربیان و طلاب توانمند به منظور تحقق اهداف فوق‌الذکر.

۳-۳-۳. فعالیت‌ها

۱-۳-۳-۳. آموزش

- «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» علاوه بر مدارس علمیه در سطوح مقدماتی و عالی، دارای مراکز تخصصی ذیل است:
- «مرکز تخصصی اخلاق قم» (سطح دو و سه؛ رشته اخلاق و تربیت اسلامی؛ سطح چهار؛ دو رشته اخلاق و تربیت اسلامی و عرفان شیعی)؛
- «مرکز تخصصی اخلاق اصفهان» (سطح دو و سه؛ رشته اخلاق و تربیت اسلامی)؛
- عقاید، قرآن و اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}؛ «پیرااخلاق» (طب و اخلاق)؛ «مکاتب و نحله‌های اخلاقی غیراسلامی و غیردینی»؛ و «پژوهش‌های جدید و دروس کاربردی» عناوین اصلی آموزشی مراکز تخصصی اخلاق است.

۲-۳-۳-۳. پژوهش

- در سال ۱۳۸۳ معاونت پژوهش «مؤسسه فرهنگی دارالهدی» تأسیس شد و با شکل‌گیری «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» در سال ۱۳۸۹، «مؤسسه فرهنگی دارالهدی» در ساختار صفی این بنیاد قرار گرفت و نظر به اهمیت مباحث پژوهشی در حوزه اخلاق و تربیت، در سال ۱۳۹۳ به «پژوهشکده بنیاد علمی - فرهنگی هاد» تبدیل گردید تا مطالعه، تحقیق و ترویج در حوزه اخلاق اسلامی را رشد و عمق بخشد.
- این پژوهشکده پنج گروه علمی با عناوین «تربیت اخلاقی»، «علوم پیرااخلاق»، «سیره با رویکرد اخلاقی»، «اخلاق صنفی» و «عرفان شیعی» دارد که سه گروه نخست آن اکنون فعال است.

۳-۳-۳. انتشارات

۱-۳-۳-۳. کتاب

- تا کنون بیش از پنجاه جلد کتاب با موضوع «اخلاق» در «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» منتشر شده و اکنون مراحل پایانی انتشار ده اثر اخلاقی در حال سپری شدن است. کتاب‌های *درآمدی بر فقه اخلاق*؛ *رنج گنج*؛ *یگانه آئینا*؛ *رسم بندگی* از جمله آثار منتشر شده توسط این بنیاد است.

۲-۳-۳-۳. مجله

دوفصلنامه هاد نشریه علمی تخصصی مرکز تخصصی اخلاق است که دو شماره از آن تا کنون به زیور طبع آراسته شده است. همچنین فصلنامه راه رشد که به موضوعات مربوط به طلبگی اختصاص دارد و ۲۲ شماره از آن انتشار یافته، به همت «مدرسه علمیه صاحب‌الزمان» اصفهان منتشر می‌گردد که از مراکز تابع «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» است.

۳-۳-۳-۳. پایان‌نامه

در «مرکز تخصصی اخلاق» قم تعداد ۴۳ پایان‌نامه در مقطع سطح سه دفاع شده و تعداد شش رساله در مقطع سطح چهار در دست تدوین است. همچنین در «مرکز تخصصی اخلاق» اصفهان تعداد پنج پایان‌نامه در مقطع سطح سه دفاع شده است.

۴-۳-۳-۳. نشست‌های علمی

«تبیین مکتب اخلاقی - عرفانی نجف»: «چیستی و ابعاد اخلاق عرفانی امام»؛ و «انقلاب درونی و انقلاب جهانی» عناوین نشست‌های علمی این مجموعه است.

۵-۳-۳-۳. تربیت

اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی به منظور تقویت ابعاد عملی اخلاق طلاب، از جمله برگزاری اردوی خانوادگی مشهد مقدس، دیدار با ابرار، جلسات انس، جلسات قرآن، توسل، دعا و عزاداری معصومان، پیاده‌روی به سمت مسجد مقدس جمکران به صورت هفتگی، و استفاده از مشاوران حاذق برای ارائه راهکارهای اخلاقی از جمله فعالیت‌های تربیتی این بنیاد محسوب می‌شود.

۶-۳-۳-۳. تبلیغ

انتشار دوماننامه **خُلُق** که تاکنون ۹۰ شماره از آن منتشر شده، انتشار سالنامه اخلاقی - تربیتی **خُلُق**، اعزام مبلغ در ایام تبلیغی، تولید و عرضه نرم‌افزار **الهدی**، حضور در بسترگاه‌های فضای مجازی در قالب صفحات اخلاقی، از جمله فعالیت‌های تبلیغی «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» است که «مؤسسه دارالهدی» مسئولیت آن را بر عهده دارد (بنیاد علمی، فرهنگی هاد، بی‌تا).

۴-۳-۳-۳. «گروه مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی قم

۱-۴-۳-۳. پیشینه

قرار گرفتن دروس معارف اسلامی در برنامه آموزشی مقطع کارشناسی کلیه رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز

آموزش عالی کشور و اهمیت این دروس در اسلامی شدن مراکز آموزش عالی و تقویت ایمان و معنویت نسل جوان دانشگاهی سبب شد در کل کشور یک مجموعه واحد به صورت رسمی و منسجم عهده‌دار تولید و تدوین متون این دروس شود. در همین زمینه و در نتیجه سال‌ها تجربه امور آموزشی و پژوهشی در اداره آموزش و سپس مرکز تدوین و برنامه‌ریزی متون درسی در زیرمجموعه معاونت استادان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، در سال ۱۳۸۴ «دانشگاه معارف اسلامی» تأسیس شد. «گروه مدرّسی اخلاق اسلامی» در سال ۱۳۸۵ آغاز به کار نمود. این گروه که در گرایش اخلاق اسلامی به تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری می‌پردازد، یکی از گرایش‌های پنجگانه از رشته «مدرّسی معارف اسلامی» محسوب می‌گردد.

در سال ۱۳۹۷ این گرایش در مقطع کارشناسی ارشد تبدیل به رشته مستقلی با عنوان «مدرّسی اخلاق اسلامی» گردید. در حال حاضر حدود ۱۶۰ دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری در این گروه مشغول به تحصیل هستند. گرچه این دانشگاه به لحاظ ساختاری زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محسوب می‌شود، اما به لحاظ هویت حوزوی، هیأت‌امنا، ریاست و دانش‌پژوهان، مجموعه‌ای حوزوی نیز به شمار می‌رود.

۲-۴-۳. فعالیت‌ها

۱-۲-۴-۳. آموزش

فعالیت‌های این گروه شامل امور ذیل است:

- تدوین طرح‌های آموزشی برای تدریس اخلاق؛
- ارائه موضوعات اولویت‌دار اخلاقی برای دانشجویان؛
- ایجاد سرفصل‌های جدید در حوزه مربوط به مدرّسی اخلاق اسلامی.

۲-۴-۳. پژوهش

«گروه مدرّسی اخلاق اسلامی» یکی از گروه‌های پنجگانه دانشگاه معارف اسلامی است که به تناسب پنج گرایش دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها ایجاد شده است. گروه هدف و مخاطب کتب درسی، دانشجویان و دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات علمی هستند. از اهداف این گروه در یک برنامه بلندمدت، تدوین و تألیف کتب درسی متناسب با شاخه‌های اصلی رشته‌های دانشگاهی است.

۱-۲-۴-۳. انتشار کتاب

برخی از کتاب‌های درسی که توسط این گروه منتشر شده، عبارت است از: *اخلاق اسلامی؛ عرفان عملی در اسلام؛ پژوهشنامه درس اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاه‌ها؛ اخلاق و آداب دانشجویی؛ فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی؛ رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی؛ اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم؛ آیین زندگی*

(اخلاق کاربردی) ویژه رشته‌های علوم پزشکی؛ اخلاق در ورزش؛ اخلاق کاربردی ویژه رشته‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی؛ اخلاق در خانواده؛ دانش خانواده و جمعیت؛ آشنایی با دانش اخلاق اسلامی؛ درآمدی بر فلسفه علم اخلاق اسلامی.

همچنین کتاب‌های از مسئله‌محوری تا فضیلت‌گرایی؛ نقدی بر تحویل‌گرایی در اخلاق؛ اخلاق نقد؛ مدل آرامش در اخلاق اسلامی و معنویت‌های جدید؛ عشق و دل‌بستگی از منظر عرفان، اخلاق و تربیت اسلامی؛ کاوشی در معنویت‌های نوظهور؛ بررسی ده جریان فعال در ایران؛ اعتکاف؛ آداب و آثار آن؛ سیره اخلاقی و سبک زندگی حضرت زهرا^{علیها السلام}؛ عرفان‌های کاذب؛ راه‌های نفوذ و راه‌کارهای مقابله؛ اخلاق تدریس؛ اخلاق و رفتارهای جنسی؛ فلسفه اخلاق؛ مقالاتی در باب اخلاق هنجاری؛ اخلاق کاربردی و فرائد اخلاق؛ مأخذشناسی اخلاق؛ علم سلوک؛ مهارت‌های زندگی اجتماعی؛ سیره اخلاقی پیامبر اعظم^{صلی الله علیه و آله} (سلوک فردی)؛ سلوک و سقوط؛ نقد و بررسی اندیشه‌های ائمه؛ پندار پنهان؛ بررسی و نقد آثار و اندیشه‌های پائولو کولتو از جمله کتاب‌های غیر درسی «دانشگاه معارف اسلامی» است که منتشر شده است.

۲-۲-۳-۴-۳ انتشار مجله

فصلنامه پژوهشنامه اخلاق مجله علمی- پژوهشی این گروه است که با هدف تولید و توسعه دانش در گستره اخلاق، ارائه و نقد مطالعات نظام‌مند استادان معارف اسلامی دانشگاه‌های کشور و توسعه روش‌شناسی اخلاق، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر منتشر می‌شود. جهت‌گیری کلی نشریه چاپ مقالاتی است که نوآوری علمی در حوزه‌های گوناگون اخلاق اسلامی، اخلاق کاربردی و مطالعات تطبیقی آراء فیلسوفان اخلاق در غرب و متفکران مسلمان داشته باشد. تا کنون ۵۴ شماره از این مجله منتشر شده است (دانشگاه معارف اسلامی، بی‌تا).

۵-۳ «گروه اخلاق» پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۱-۵-۳ پیشینه

«گروه اخلاق» ذیل پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تعریف شده است.

۲-۵-۳ اهداف

- کشف و تبیین نظام تربیتی و نظام اخلاقی اسلام؛
- آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت و اخلاق در جامعه ایران؛
- شناخت و نقد مکاتب و نظام‌های اخلاقی و تربیتی؛
- جمع‌آوری، تحلیل و نقد تجارب تربیتی و اخلاقی در ایران، جهان اسلام و سایر جوامع بشری؛
- طراحی الگوهای فردی، اجتماعی و نهادی، سازمانی اخلاقی و تربیتی؛

- تبیین مبادی و مبانی نظام اخلاقی و تربیتی اسلام؛
- بازشناسی، نقد و احیاء، بازپژوهی و بازپیرایی تراث اخلاقی و تربیتی اسلام.

۳-۵-۳. فعالیت‌ها

فعالیت‌های «گروه اخلاق» در قالب انتشار کتاب و نیز برگزاری نشست‌ها، کرسی‌ها و همایش‌های علمی صورت می‌گیرد.

۱-۳-۵-۳. انتشار کتاب

مجموعه کتاب‌های اخلاق الهی (آیت‌الله مجتبی تهرانی)؛ مجموعه کتاب‌های سلوک اخلاقی؛ اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی؛ مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی؛ درآمدی بر فقه اخلاق؛ اخلاق پژوهش؛ مسئولیت اخلاقی حکومت دینی؛ اخلاق گفت‌وگو؛ آراء اخلاقی علامه طباطبائی؛ مدل‌سازی اخلاق مصرف؛ درباره اخلاق تولید علم؛ نظریه اعتدال در اخلاق اسلامی؛ آراء اخلاقی ملاحظه‌ها؛ و اخلاق الهی/ آزمایش الهی کتاب‌های منتشر در این گروه است.

همچنین کتاب‌های تأثیر اخلاق اسلامی بر سبک زندگی؛ نظام اخلاق خانواده در اسلام؛ سلوک اخلاقی؛ طرح‌های قرآنی؛ اخلاق الهی/ گناه و تقوا؛ و مدل اسلامی اخلاق تولید در دست انتشار است.

برخی تحقیقات نیز در این گروه در دست انجام است؛ از جمله:

«آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی همگام با شکل‌گیری جامعه اسلامی در آیین سور مدنی»؛ «چالش‌های فقه و اخلاق در حوزه روابط همسران؛ طبقه‌بندی و روش‌های حل آنها»؛ «راهبرد اخلاق اجتماعی در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی»؛ «سلوک اخلاقی و اخلاق سلوکی در کلام و کردار نبوی»؛ «اخلاق پیشرفت با تأکید بر پیشرفت اقتصادی»؛ «اخلاق تجارت در اندیشه اسلامی»؛ «الگوی اخلاقی قرآن کریم در روابط والد- فرزند»؛ و «مبانی اخلاق در قرآن و نظام‌واره قرآنی و روایی رشد اخلاقی کودک».

۲-۳-۵-۳. نشست‌های علمی

«دانش اخلاق خانواده در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی»؛ «شهود قلبی به‌مثابه منبع در اخلاق اسلامی»؛ و «عوامل کاستی‌زا در حوزه اخلاق» نیز عناوین نشست‌های علمی گروه اخلاق است.

۳-۳-۵-۳. همایش

«فلسفه اخلاق» عنوان همایش ملی برگزار شده توسط «گروه اخلاق» پژوهشگاه است.

۶-۳. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت»

۱-۳-۶. پیشینه

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» با هدف تعمیق و گسترش مطالعات در دو مقوله بنیادین «اخلاق» و

«تربیت» و به منظور تربیت نیروی کارآمد، متخصص و متخلق به منظور تأمین نیازهای جامعه در زمینه مسائل اخلاقی، تربیتی، و خانواده در سال ۱۳۹۰ در شهر قم تأسیس شد و با کسب مجوزهای لازم از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمینه جذب دانش پژوه ممتاز برای برگزاری دوره‌های تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد فعالیت می‌کند.

گرچه این مؤسسه به لحاظ ساختاری زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محسوب می‌شود، به لحاظ هویت حوزوی هیأت امنا، ریاست و دانش پژوهان، مجموعه‌ای حوزوی هم به شمار می‌رود.

۲-۶-۳. فعالیت‌ها

فعالیت‌های مؤسسه بر زمینه‌های آموزشی و پژوهشی متمرکز است:

۱-۲-۶-۳. آموزش

دانشکده اخلاق دارای گروه‌های علمی و رشته‌های تحصیلی «اخلاق کاربردی» و «تربیت اخلاقی» در مقطع کارشناسی ارشد است. تاکنون پنج دوره اخلاق کاربردی و هفت دوره تربیت اخلاقی در مؤسسه اجرا شده است.

۲-۲-۶-۳. پژوهش

۱-۲-۲-۶-۳. انتشار کتاب

تا کنون تعداد سیزده جلد کتاب در مؤسسه تولید شده است که کتاب‌های *تربیت جوان در نهج البلاغه؛ اخلاق حریم خصوصی در مشاوره؛ عزت نفس معنوی و مقیاس آن؛ بخشش در خانواده؛ امیددرمانی با رویکرد اسلامی؛ تلاش بانشاط؛ با خود غریبه نباشیم؛ سبک‌های ارتباطی اهل بیت* در تغییر نگرش؛ کمال‌گرایی نسبت به همسر و درمان آن؛ الفبای غیرت؛ اخلاق امر به معروف و نهی از منکر؛ سلامت معنوی در خانواده؛ مؤلفه‌ها و راهکارها؛ راهنمای مشاورین برای تقویت خودمهارگری نوجوان در فضای مجازی از جمله کتاب‌های اخلاقی آن به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، تبدیل پایان‌نامه به کتاب نیز در دستور کار مؤسسه قرار دارد.

۲-۲-۶-۳. پایان‌نامه

در این مؤسسه تعداد ۲۲ پایان‌نامه در رشته اخلاق کاربردی و ۱۸ پایان‌نامه در رشته «تربیت اخلاقی» دفاع شده است (مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، بی‌تا).

۷-۳. «پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث»

۱-۷-۳. پیشینه

«پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی» یکی از چهار پژوهشکده پژوهشگاه قرآن و حدیث و دارای سه

گروه «اخلاق کاربردی»، «اخلاق نظری»، و «روانشناسی اسلامی» است. آغاز به کار این مجموعه به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد.

۲-۷-۳. اهداف

۱. تبیین روشمند و علمی آموزه‌های اخلاقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث؛
۲. نظریه‌پردازی در حوزه اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی و آشکار ساختن برتری‌های دیدگاه‌های اسلامی بر سایر دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در این حوزه‌ها؛
۳. پاسخگویی به شبهات مطرح در حوزه اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی.

۳-۷-۳. فعالیت‌ها

فعالیت‌های پژوهشکده در قالب انتشار کتاب و مجلات علمی و نیز برگزاری نشست‌ها و کرسی‌های علمی صورت می‌گیرد.

۱-۳-۷-۳. پژوهش

۱-۱-۳-۷-۳. انتشار کتاب

برخی از کتاب‌هایی که توسط این گروه منتشر شده، عبارت است از: *توازن اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی: از چالش تا تصمیم؛ فلسفه اخلاق در دایره عقل و نقل (ویراست دوم): اخلاق همسایگی؛ درآمدی بر اخلاق هتل‌داری؛ پژوهشی در فرهنگ حیا؛ الگوی تنظیم رغبت بر اساس مفهوم زهد اسلامی؛ الگوی نظری، مداخله درمانی و سنجش تجربی.*

همچنین کتاب‌های *داوری اخلاقی در چالش‌ها و توازن‌های خانواده: اخلاق روابط اجتماعی در اسلام؛ اخلاق و کالت؛ روش اندیشه‌ورزی و اخلاق پژوهی درباره فناوری اطلاعات: رویکردی اسلامی؛ فایده‌گرایی اخلاقی از دیدگاه اسلام؛ مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی اخلاق کاربردی اسلامی؛ صفات مکارم‌الاخلاق با رویکرد روان‌شناختی؛ فقه و اخلاق: وحدت یا تمایز؛ و کتاب‌های مبانی کلامی اخلاق در اندیشه شیخ مفید؛ مبانی کلامی اخلاق در اندیشه شیخ طوسی؛ مبانی کلامی اخلاق در اندیشه فیض کاشانی؛ مبانی کلامی اخلاق در اندیشه شیخ صدوق؛ و مبانی کلامی اخلاق در اندیشه ملامهدی نراقی* از جمله آثار در دست انتشار است.

۲-۱-۳-۷-۳. انتشار مجله

فصلنامه علمی- پژوهشی *اخلاق پژوهی* که تاکنون ۱۴ شماره از آن منتشر شده، در صدد است تا با نشر آثار علمی و

ارزنده، بستری مناسب برای نظریه‌پردازی، ژرف‌کاوی و طرح و تبیین مباحث نوین و مسائل نوپدید عرصه اخلاق‌پژوهی فراهم آورد و آردگاه آراء و انظار اندیشمندان و فرهیختگان نواندیش و نظریه‌پرداز باشد.

۲-۳-۳. نشست‌ها و کرسی‌های علمی

تا کنون نشست‌ها و کرسی‌هایی که در پی می‌آید، از سوی پژوهشکده برگزار شده است: «روش‌شناسی کاربردی در اخلاق وحیانی»، «ایده‌یابی قرآنی در دانش اخلاق: بررسی موردی اخلاق فناوری اطلاعات»، «الگوی مقابله با تنیدگی بر اساس قرآن کریم»، «زیست اخلاقی در هوای نفسانی: ارزیابی دینی چالش زندگی مسئولانه و مسئله حب ذات»، «رابطه دانشی فقه و اخلاق»، «نقش و جایگاه حدیث در دانش اخلاق»، «سویه‌های فکری چالش ازدواج‌گزینی و مواجهه با آن از منظر اخلاق اسلامی»، و «ضرورت خوانشی جدید از چالش‌های فراروی علم اخلاق اسلامی، از منظر عاملیت فضای دیجیتال» (پژوهشگاه قرآن و حدیث، بی‌تا).

۸-۳. «خانه اخلاق‌پژوهان جوان»

۱-۸-۳. پیشینه

حلقه نخستین تشکیل‌دهنده «خانه اخلاق‌پژوهان جوان» جمعی از طلاب و دانشجویان رشته فلسفه اخلاق بودند که در سال ۱۳۹۳ سنگ‌بنای این مجموعه را گذاردند. رفته‌رفته با همت جوانان مشتاق و حمایت و رهنمود استادان مطرح در رشته فلسفه اخلاق، این مجموعه فعالیت‌های خود را منسجم‌تر و پربارتر کرد تا اینکه امروزه «خانه اخلاق‌پژوهان جوان» به یگانه مؤسسه مردم‌نهادی تبدیل شده است که به شکل تخصصی در حوزه فلسفه اخلاق فعالیت می‌کند.

۲-۸-۳. فعالیت‌ها

۱-۲-۸-۳. پژوهش

۱-۱-۲-۸-۳. انتشار کتاب

تاکنون پانزده کتاب مهم انگلیسی‌زبان ترجمه شده که برخی از آنها انتشار یافته و برخی در دست انتشار است.

۲-۱-۲-۸-۳. نشست‌های علمی

برگزاری هشت نشست برای نوآموزان اخلاق؛ یازده نشست نقد کتاب‌های اخلاق؛ شش نشست دین و اخلاق؛ متن‌خوانی کتاب‌های اخلاق نیکوماخوس، *النریعه*، *المله* و کتاب *Living Ethics*؛ و نشست ویژه «اخلاق معلولیت» از جمله فعالیت‌های علمی «خانه اخلاق‌پژوهان جوان» است.

به هدف ایجاد بستر برای ایده‌پردازان، اندیشمندان و پژوهشگران به منظور ارائه مباحث خود در حوزه اخلاق، تا کنون ۵۴ کارگاه فلسفه اخلاق برگزار شده است. معرفی مهم‌ترین کتاب‌های اخلاقی از برنامه‌هایی است که در حاشیه کارگاه‌ها انجام می‌شود. تا کنون سی کتاب توسط محققان و دانشجویان به مخاطبان معرفی شده است (خانه اخلاق پژوهان جوان، بی‌تا).

نتیجه‌گیری

۱. مقایسه وضعیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که تا پیش از انقلاب، به‌رغم برخی فعالیت‌های فردی، برای پیگیری امور علمی در زمینه‌های اخلاقی، مرکزی در حوزه علمیه قم وجود نداشته است. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، مراکز متعددی در حوزه علمیه قم تأسیس شد.

۲. در این مقاله از بین مراکز فعال در زمینه اخلاق، تنها به هشت مجموعه اشاره شد. گرچه مراکز فعال منحصر در این موارد نیست، لیکن به سبب محدودیت حجم نوشتار حاضر از یک‌سو و ضعف اطلاعات مربوط به سایر مراکز از سوی دیگر، انعکاس فعالیت‌های سایر مراکز میسر نشد. امید است در مقالات دیگر، ثمرات ارزشمند مجموعه‌های دیگر نیز ارائه شود.

۳. آغاز به کار این کانون‌ها پس از آن بود که در سال ۱۳۸۱ «واحد تربیت مربی اخلاق» مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع به اهتمام علامه مصباح یزدی تأسیس شد. به دنبال آن و در سال ۱۳۸۲ «گروه اخلاق و تربیت» پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آغاز به کار کرد. «مؤسسه دارالهدی» که فعالیت‌های اولیه «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» از آن شروع شده است، در سال ۱۳۸۳ مجوز خود را از اداره ارشاد دریافت کرد. «گروه مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی قم در سال ۱۳۸۵ آغاز به کار نمود. فعالیت‌های «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» نیز از سال ۱۳۹۰ شروع شد. «پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی» پژوهشگاه قرآن و حدیث از سال ۱۳۹۱ آغاز به کار کرد. حلقه اولیه «خانه اخلاق پژوهان جوان» از سال ۱۳۹۳ فعالیت خود را آغاز کرد.

۴. مراکز موجود به لحاظ نوع فعالیت به چند دسته تقسیم می‌شوند. برخی از مراکز مانند «پژوهشکده اخلاق و معنویت» بر پژوهش در حوزه اخلاق متمرکز شده‌اند. برخی دیگر محور آموزش را برگزیده‌اند، هرچند فعالیت‌های پژوهشی را نیز از نظر دور نداشته‌اند. «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» از این دسته است. مراکز دیگری مانند «گروه مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی قم آموزش و پژوهش را تلفیق کرده و هر دو را مد نظر قرار داده‌اند. در این بین، مراکز هم‌چون «بنیاد علمی - فرهنگی هاد» و «گروه اخلاق» مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع علاوه بر آموزش و پژوهش، تا حدی ابعاد تربیتی و تبلیغی را نیز مد نظر قرار داده‌اند.

۵. از کاستی‌های مشترک بین مراکز فعال در زمینه اخلاق آن است که فعالیت رسانه‌ای در این مجموعه‌ها از

قوت لازم برخوردار نیست. از این رو، دسترسی به اطلاعات به روز شده فعالیت‌های مراکز از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی تقریباً امکان‌پذیر نیست. بنابراین، انتظار فعالیت‌های ترویجی در زمینه گسترش اخلاق در جامعه بی‌وجه است.

۶ مشکل دیگر مراکز فعال در زمینه اخلاق، ضعف ارتباط با یکدیگر است. نبود ارتباط جدی مراکز علاوه بر آنکه مانع هم‌افزایی آنها می‌شود، از یک سو به دوباره کاری و از دیگر سو به پوشش ندادن تمام نیازها می‌انجامد. از این رو، برقرار ساختن روابط مراکز، اقدامی راهبردی در جهت ترویج اخلاق و معنویت در حوزه و جامعه به‌شمار می‌رود. در این خصوص، مجموعه‌هایی که از جایگاه ستادی برخوردارند، نقش ویژه‌ای دارند.

۷. فعالیت مراکز عمدتاً در قم متمرکز است و حوزه‌های علمیه و سایر مجامع علمی در استان‌ها از آنچه در مراکز فعال قم انجام می‌شود، بهره‌چندانی نمی‌برند. بنابراین بسیار بجاست که به موازات تعمیق و گسترش فعالیت‌ها در قم، آثار آن به دیگر نقاط کشور نیز امتداد یابد.

۸ نقش‌آفرینی حداقلی در ارتقای سطح اخلاقی و معنوی جامعه و حتی حوزه‌های علمیه، نقطه ضعف دیگری است که مراکز فعال در زمینه اخلاق با آن مواجهند. گرچه ضعف برنامه‌ریزی مسئولان تهذیبی در حوزه و جامعه و یاری نخواستن نهادهای مسئول، از علل این ناکارآمدی محسوب می‌شود، اما احساس مسئولیت ناکافی مراکز نسبت به انجام تکلیف اجتماعی نیز بی‌تأثیر نیست.

۹. با اینکه به برکت جمهوری اسلامی مراکز متعددی - که ذکر برخی از آنها در این مقاله گذشت - در حوزه اخلاق تأسیس شده، مراکز کنونی برای تأمین نیازهای اخلاقی جامعه و حتی حوزه علمیه ناکافی است. بدین روی لازم است مراکزی با عده و عده بیشتر تأسیس شوند و به انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و به‌ویژه تربیتی و تبلیغی همت گمارند.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، ۱۴۰۳ق، *الدریعه الی تصانیف الشیعه*، گردآوری احمد حسینی اشکوری، بیروت، دارالأضواء.
- آیت‌اللهی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۷، *دانش خانواده و جمعیت*، قم، معارف.
- اترک، حسین، ۱۳۹۶، *نظریه اعتدال در اخلاق اسلامی*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آزاد، حجت‌الله و احمد شاکرنژاد، ۱۳۹۸، *درآمدی بر مطالعات معنویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدپور، مهدی، ۱۳۹۵، *آشنایی با دانش اخلاق اسلامی؛ درآمدی بر فلسفه علم اخلاق اسلامی*، قم، معارف.
- _____، ۱۴۰۰، *اخلاق تبلیغ دین: منشور اخلاقی مبلغان در سیره اهل بیت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۳۹۲، *فقه و اخلاق اسلامی؛ مقایسه‌ای علم‌شناختی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدپور، مهدی و همکاران، ۱۳۸۵، *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدزاده، نوروزعلی، ۱۴۰۰، *اخلاق حریم خصوصی در مشاوره*، قم، اخلاق و تربیت.
- ارسطو، ۱۳۸۵، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی، تهران، طرح نو.
- اسلامی، سیدحسن، ۱۳۸۳، *اخلاق نقد*، قم، معارف.
- اسلامی، محمدتقی، ۱۴۰۱، *مدل‌های اخلاق کاربردی: پژوهشی روش‌شناختی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- امیدوار، اف، ۱۳۹۸، *اخلاق تدریس*، چ نهم، قم، معارف.
- امین، حسن، ۱۴۰۱، *الفبای غیرت*، قم، اخلاق و تربیت.
- انواری‌نسب، محمدمبین، ۱۴۰۱، *سبک‌های ارتباطی اهل بیت*، قم، *در تغییر نگرش*، قم، اخلاق و تربیت.
- ایمانی خوشخو، محمدرسول، ۱۳۹۰، *اخلاق ترتیبی از دیدگاه قرآن و اهل بیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- باقری، حسین، ۱۳۹۵، *مدل آرامش در اخلاق اسلامی و معنویت‌های جدید*، قم، معارف.
- بقایی، یعقوب، ۱۴۰۱، *بخشش در خانواده: ساخت بسته آموزشی بخشش در خانواده با رویکرد اسلامی*، قم، اخلاق و تربیت.
- بوسلیکی، حسن، ۱۳۹۱، *تعارضات اخلاقی و دانش اصول فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پسندیده، عباس، ۱۳۸۳، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- پینکافس، ادموند، ۱۳۸۲، *از مسئله‌محوری تا فضیلت‌گرایی: نقدی بر تحویل‌گرایی در اخلاق*، ترجمه حمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور، قم، معارف.
- تاج‌بخش، علی، ۱۳۹۵، *اخلاق در ورزش؛ اخلاق کاربردی ویژه رشته‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی*، قم، معارف.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۷، *اخلاق الاهی: آزمایش الهی (جلد ۹)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جباران، محمدرضا، ۱۴۰۰، *اخلاق پژوهش*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۶، *درباره اخلاق تولید علم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۲، *سیره اخلاقی و سبک زندگی حضرت زهرا (علیها‌سلام)*، قم، معارف.
- _____، ۱۳۹۰، *سیره اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله (سلوک فردی)*، قم، معارف.
- جداری عالی، محمد، ۱۳۹۴، *مدل‌سازی اخلاق مصرف*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسنی نژاد، محمود، ۱۴۰۱، *با خود غریبه نباشیم*، قم، اخلاق و تربیت.
- حسین‌زاده، علی‌محمد، ۱۳۹۴، *اخلاق گفت‌وگو*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سیدعبدالحجیم، ۱۳۹۸، *آراء اخلاقی ملاحظه‌درا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.*
- خلیلی، مصطفی، ۱۳۹۲، *اعتکاف: آداب و آثار آن*، قم، معارف.
- خواص، امیر و همکاران، ۱۳۸۸، *فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی*، قم، معارف.
- داوودی، محمد، ۱۳۸۸، *اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)*، قم، معارف.
- دبیا، حسین و همکاران، ۱۳۹۸، *نظریه‌های کلاسیک شناختی - تحولی در رشد اخلاقی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، ۱۳۸۵، *اخلاق اسلامی*، قم، معارف.
- راهی، مصطفی، ۱۴۰۱، *راهنمای مشاورین برای تقویت خودمهارگری نوجوان در فضای مجازی*، قم، اخلاق و تربیت.

- رحمتی، حسینی، ۱۴۰۱، *تراجم اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی: از چالش تا تصمیم*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- _____، ۱۳۸۷، *مآخذشناسی اخلاق*، تدوین معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی گروه اخلاق اسلامی، قم، صهبای یقین.
- رضائی، رضا، ۱۳۹۸، *آراء اخلاقی علامه طباطبائی*، چ سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۷، *درآمدی بر مبانی و روش‌های روان‌شناختی- تربیتی عفاف و حجاب*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سبحانی‌نیا، محمدتقی، ۱۳۹۶، *درآمدی بر اخلاق هتل‌داری*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- سهرابی‌فر، وحید، ۱۴۰۲، *درآمدی بر مطالعات معنویت در علوم انسانی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شاطری، روح‌الله، ۱۳۹۲، *مسئولیت اخلاقی حکومت دینی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاکر‌نژاد احمد، ۱۳۹۷، *معنویت‌گرایی جدید: مؤلفه‌های مفهومی؛ لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شاکر‌نژاد احمد و همکاران، ۱۳۹۵، *فرهنگ آثار عرفان اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شجاعی، امیراحمد، ۱۳۹۸، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی) ویژه رشته‌های علوم پزشکی*، قم، معارف.
- شریفی، احمدحسین و همکاران، ۱۳۹۶، *دانشنامه اخلاق کاربردی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شریفی دوست، حمزه، ۱۳۹۲، *عرفان‌های کاذب؛ راه‌های نفوذ و راه‌کارهای مقابله*، قم، معارف.
- _____، ۱۳۹۲، *کاوشی در معنویت‌های نوظهور: بررسی ده جریان فعال در ایران*، قم، معارف.
- صادقی، هادی، ۱۳۹۹، *فلسفه اخلاق در دایره عقل و نقل*، قم، طه.
- صالحی، مرتضی، ۱۴۰۱، *یگانه آئنا*، قم، خُلق.
- عالم‌زاده نوری، محمد، ۱۳۹۶، *استنباط آموزه اخلاقی از متون و ادله لفظی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۴۰۰، *درآمدی بر فقه اخلاق*، قم، خُلق.
- عالم‌زاده نوری، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، *نقش مری در تربیت اخلاقی- معنوی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عبدی، حمزه، ۱۴۰۰، *الگوی تنظیم رغبت بر اساس مفهوم زهد اسلامی: الگوی نظری، مداخله درمانی و سنجش تجربی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه قرآن و حدیث.
- عجمی، هادی، ۱۴۰۱، *تربیت جوان در نهج البلاغه*، قم، اخلاق و تربیت.
- عفتی، قدرت‌الله، ۱۳۹۱، «نیم نگاهی به سیر شکل‌گیری حوزه علمی قم»، *مبلغان*، ش ۱۵۰، ص ۷۳-۸۴.
- غلامی، یوسف، ۱۳۸۴، *اخلاق و رفتارهای جنسی*، قم، معارف.
- غنوی، امیر، ۱۳۹۳، *درآمدی بر فقه اخلاق*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فارابی، محمدبن محمد، ۱۹۹۱، *المله*، تصحیح مهدی محسن، بیروت، دارالمشرق.
- فتحعلی، محمود، ۱۳۸۷، *فلسفه اخلاق: مقالاتی در باب اخلاق هنجاری؛ اخلاق کاربردی و فرائض اخلاق*، قم، معارف.
- فروش، مجتبی، ۱۴۰۱، *کمال‌گرایی نسبت به همسر و درمان آن*، قم، اخلاق و تربیت.
- فروش، محمد، ۱۴۰۱، *عزت نفس معنوی و مقیاس آن*، قم، اخلاق و تربیت.
- فروش، محمد و احمد انتصاری، ۱۴۰۱، *امیددرمانی با رویکرد اسلامی*، قم، اخلاق و تربیت.
- فروش، محمد و عماد رحیمی، ۱۴۰۰، *تلاش بانشاط: تعدیل کمال‌گرایی افراطی*، قم، اخلاق و تربیت.
- فضیحی، مهدی و همکاران، ۱۴۰۱، *اخلاق امر به معروف و نهی از منکر*، قم، اخلاق و تربیت.
- فضلی، علی، ۱۳۸۹، *علم سلوک*، قم، معارف.
- فلاح شیروانی، محمدرضا و کاظم دلیری، ۱۳۹۳، *عرفان و بایسته‌های عرفان‌پژوهی در گفتگو با دانشوران*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فولادی، محمد، ۱۳۸۷، *اخلاق روزنامه‌نگاری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، *برنامه درسی و تربیت اخلاقی (با نگاهی بر آثار علامه مصباح یزدی)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

کلاتتری، علی اکبر، ۱۳۸۵، *اخلاق و آداب دانشجویی*، قم، معارف.

کمالی وحدت، یاسین، ۱۳۹۵، *عشق و دل‌بستگی از منظر عرفان؛ اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، معارف.

کیلن، ملانی و جودیت اسمتانا، ۱۳۸۹، *رشد اخلاقی: کتاب راهنما*، ترجمه محمد رضا جهانگیرزاده، علیرضا شیخ شعاعی و سیدرحیم راستی‌تبار، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

محیطی اردکان، حسن و حسین احمدی، ۱۴۰۰، *فلسفه اخلاق: فرا اخلاق و اخلاق هنرجاری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

محیطی اردکان، حسن، ۱۳۹۸، *نقش عرف در ارزش اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مسائل، مهدی، ۱۴۰۱، *عدالت در عداوت: بایسته‌های اخلاقی تعهد به عدالت در تخصص و دشمنی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۲، *بنیاد اخلاق (روش نو در آموزش فلسفه اخلاق)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۴۰۲، *پیش به سوی احیای اخلاق*، تدوین: عباس گزایی و هادی حسینخانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

امام خمینی علیه السلام.

مظاهری، حسین، ۱۳۹۱، *اخلاق در خانواده*، به کوشش امیرحسین بانکی پور فرد، قم، معارف.

مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۹۰، *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

_____، ۱۴۰۱، *تشیه جنبش‌های معنوی: درآمدی بر پیشگیری و رهاسازی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

معلمی، حسن، ۱۳۹۴، *مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

معن، حسین، ۱۳۸۷، *تربیت توحیدی (ترجمه کتاب نظرات حول العباد الروحی)*، ترجمه احمد ناظم، تحقیق سیدعلیرضا مددی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ملکوتی‌نیا، علی، ۱۳۹۷، *اخلاق همسایگی*، زیر نظر محمدتقی سبحانی‌نیا، قم، دارالحدیث.

موحدی‌راد، مسلم، ۱۴۰۱، *سلامت معنوی در خانواده: مؤلفه‌ها و راهکارها*، قم، اخلاق و تربیت.

موسوی‌زاده، سیدروح‌الله، ۱۳۹۱، *سلوک و سقوط: نقد و بررسی اندیشه‌های ائسو*، قم، معارف.

موسویان، سیدمحمد، ۱۳۹۲، *پندار پنهان: بررسی و نقد آثار و اندیشه‌های پائولو کوتیلو*، قم، معارف.

موفق، علیرضا و حامد پوررستمی، ۱۳۹۲، *اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مهریزی، عزیزالله، ۱۴۰۱، *رنج گنج*، قم، خُلق.

ناصری دولت‌آبادی، محمد، ۱۳۹۱، *رسم بندگی*، قم، خُلق.

نجازادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۳، *پژوهشنامه درس اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاه‌ها*، قم، معارف.

_____، ۱۳۸۶، *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، معارف.

نورمحمدی، غلامرضا، ۱۳۹۰، *مهارت‌های زندگی اجتماعی*، قم، معارف.

یثربی، سیدحیی، ۱۳۸۴، *عرفان عملی در اسلام*، قم، معارف.

Shafer- Landau, Russ, 2019, *Living Ethics: An Introduction with Readings*, Oxford University Press.

<https://farsi.khamenei.ir/>

<https://bonyadhad.ir>

<http://www.riqh.ac.ir>

<https://ethicshouse.ir>


<https://maaref.ac.ir>

<http://ueae.ir>

<http://rouyesh.iki.ac.ir>

<http://www.isca.ac.ir/Portal/home/?news/208417/208473/208595>

میزان تأثیرپذیری منابع اخلاقی از آموزه‌های قرآنی در یکصد سال اخیر حوزه علمیه*

محمدحسن مهدی پور / دکترای گرایش «اخلاق اسلامی» دانشکده ادیان و الهیات دانشگاه شهید بهشتی تهران
mohammadhasan4359@gmail.com  orcid.org/0009-0005-0281-2234

محمدجواد فلاح / دانشیار گروه «مدرسی معارف اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی

fallah@maaref.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

چکیده

این مقاله به بررسی میزان تأثیرپذیری منابع و متون اخلاقی منتشر شده از سوی علمای حوزه علمیه قم از آموزه‌های اخلاقی قرآن، در یکصد سال اخیر پرداخته است. مقاله حاضر به روش «توصیفی-تحلیلی» مهم‌ترین منابع اخلاق اسلامی را که در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ شمسی، از زمان شکل‌گیری حوزه علمیه قم به دستور مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری تاکنون تدوین شده، واکاوی کرده و میزان تأثیرپذیری آنها از آموزه‌های قرآنی را سنجیده است. کتب تدوین شده در این حوزه از حیث میزان تأثیرپذیری از آموزه‌های اخلاقی قرآن به حسب تاریخی و بر اساس محتوا و ساختار یکسان نبوده، اما بیشترین حوزه تأثیرگذاری این منابع را می‌توان در دوران پس از انقلاب و در آثار متأخرانی همچون استاد شهید مطهری، علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی آملی و به‌ویژه استاد مصباح یزدی مشاهده نمود. بخش عمده منابع اخلاقی منتشر شده در این مقاله به صورت ساختاری و محتوایی به اجمال بررسی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تأثیرپذیری، اخلاق اسلامی، اخلاق قرآنی، سده اول تأسیس حوزه علمیه، منابع اخلاقی.

معارف و احکام دین اسلام از سه بخش به هم وابسته تشکیل شده است:

بخش اول معارف و احکام دین که به‌مثابه اصول و ارکان دین محسوب می‌شود، دستورات و احکام و قوانین اعتقادی دین (در عدل احکام فقهی و اخلاقی) است. حجم زیادی از آیات قرآن مربوط به حوزه معارف اعتقادی دین است.

بخش دوم معارف دین اسلام که احکام و قواعد فقهی دین است، احکام و قوانین فقهی دین که در جایگاه فروع دین قرار دارد، بر پایه احکام عبادات و احکام معاملات، در قالب ۵۶ عنوان، موضوع بندی شده است (شهید اول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۳ تا آخر).

بخش سوم معارف که در قالب احکام و قوانین اخلاقی است. این بخش در ساختار آموزشی حوزه‌های علمیه تا زمان حاضر رتبه‌بندی نشده و جایگاه مشخصی ندارد و معلوم نیست که آیا جزو اصول دین محسوب می‌شود یا فروع دین؟ این در حالی است که حجم زیادی از آیات قرآن و روایات در این بخش از معارف دین وارد شده است. علومی که در حوزه‌های علمیه به صورت رسمی متکفل بررسی و تحلیل بخش معارف اعتقادات دین است، علم کلام و علم فلسفه اسلامی و در مواردی هم علم عرفان اسلامی است. علم‌سازی بخش اعتقادات دین در تطور تاریخی ایجاد شده و چند قرنی است که این بخش به‌مثابه علمی مستقل در کنار سایر بخش‌های معارف دین فعالیت علمی و پژوهشی دارد.

بخش دوم معارف دین که احکام فقهی باشد بیش از هزار سال است که به‌مثابه علمی کاملاً مستقل و در عین حال غالب بر سایر معارف دینی، در ساختار نظام آموزشی حوزه وجود دارد و بیشتر فعالیت‌های علمی، پژوهش‌های حوزه دینی، متون تدوین شده در حوزه‌های علمیه و تدریس سلسله‌وار علمای دین در این حوزه است. از زمان شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی، احادیث و معارف این بخش از دین، کاملاً از یکدیگر تفکیک و باب‌بندی شده و تا زمان حاضر در ساختار آموزشی حوزه‌های علمیه هم با قوت و هیمنه حضور دارد. پایه اصلی متون دینی مدون و نیز پژوهش‌های علمی صورت گرفته در حوزه‌های علمیه، در حوزه احکام فقهی است.

بخش سوم دین که اصول و قوانین و احکام اخلاقی است، از معارف و احکام دین در ساختار آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمیه، نه در زمره اصول دین قرار دارد و نه در زمره فروع دین. کتاب‌های اخلاقی با عناوین اسلامی، در طول هزار سال تأسیس حوزه‌های علمیه، تدوین و تألیف شده، اما هیچ‌کدام از کتاب‌های نوشته شده تا صد سال اخیر، نماینده کامل مبانی و قواعد و اصول اخلاق اسلامی برگرفته از آیات و روایات به شمار نمی‌آید.

رسالتی که این مقاله بر عهده دارد بر این موضوع استوار است که در صد سال اخیر، منابع اخلاقی و کتب مدون با عناوین اسلامی در حوزه علمیه قم، آیا برگرفته از آیات قرآنی و آموزه‌های اخلاقی قرآن است یا خیر؟ بررسی این مسئله، همچنین میزان تأثیرپذیری منابع اخلاقی از آموزه‌های قرآنی در صد سال اخیر حوزه علمیه قم که با ورود

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه علمیه قم مصادف بوده، محور اصلی موضوعات این مقاله است.

۱. جایگاه قرآن در بیان معارف اعتقادی و اخلاقی

قرآن در بین منابع اسلامی، رکن و محور معارف دین به شمار می‌رود. جایگاه وحیانی قرآن، عصمت داشتن قرآن از تحریف، جاودانگی قرآن در تازگی و بکر بودن، اعجاز در بلاغت و فصاحت و معانی و اتقان در ساختار و محتوای آن متفق علیه همه علمای تشیع است. قرآن کریم اصول و امهات معارف اعتقادی و اخلاقی دین اسلام را در خود گنجانده و قواعدی برای جاودانگی و استكمال اخلاق انسانی ارائه داده است. اخلاق در قرآن، یک علم مستقل در کنار اعتقادات و فقه نیست و بر خلاف سایر مکاتب، اسلام تنها مکتب اخلاقی است که مبانی و اصول و مسائل اخلاقی آن کاملاً اعتقادمحور است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱ و ۴۸ و ۴۹ و ۹۱ و ۹۲).

اخلاق در قرآن را می‌توان به حسب متعلقات رفتار اخلاقی انسانی بر چند قسم تقسیم کرد: بایدها و نبایدهای اخلاقی انسان در قبال خدا (اخلاق بندگی)؛ بایدها و نبایدهای اخلاقی انسان در قبال دیگران (اخلاق اجتماعی)؛ بایدها و نبایدهای اخلاقی انسان در قبال خود (اخلاق فردی).

ارزش‌های اخلاقی در قرآن بر پایه ایمان و اعمال صالح پی‌ریزی شده که مجموع این دو حقیقت در قرآن «تقوا» نام‌گذاری شده است. ضد ارزش‌های اخلاقی در قرآن بر پایه کفر و فجور، عصیان، طغیان، اعمال سیئه و فاسد پایه‌گذاری شده است.

عوامل بنیادی در رشد اخلاقی انسان از منظر قرآن، ایمان به خدا و معاد و نبوت و التزام به انجام اعمال صالح مبتنی بر پایه ایمان است. عوامل اصلی در سقوط اخلاقی انسان در قرآن، دنیاپرستی، شیاطین و هواهای برخاسته از نفس انسانی است که علل اصلی کفرورزی و عصیان و فجور و طغیان انسان به شمار می‌رود.

رفتارهای صادر شده از سوی انسان با عناوین گوناگونی قابل توصیف است. به آن قسم از رفتارهای انسانی که قابلیت اتصاف به خوب و بد ارزشی را داشته باشد «رفتارهای اخلاقی» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، رفتارهای انسانی اگر مورد قضاوت عقل یا فطرت یا وجدان قرار بگیرد و نتیجه این داوری ارزش‌گذاری فعل و رفتار در قالب «خوب» و «بد» اخلاقی باشد، «فعل اخلاقی» خوانده می‌شود.

۲. کتاب‌های اخلاقی یکصد ساله اخیر حوزه

در صد سال اخیر، بعد از تأسیس حوزه علمیه قم توسط مرحوم آیت‌الله حائری یزدی، کتاب‌های اخلاقی نیز تدوین یافته است. میزان تأثیرپذیری کتاب‌های مدون اخلاق اسلامی از معارف و آموزه‌های قرآن، به ویژه در دوره معاصر یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی رونق بیشتری یافته است. البته در کنار این، با آثار اخلاقی مواجه هستیم که با

محوریت آموزه‌های قرآنی تدوین یافته است. مهم‌ترین آنها را می‌توان کتاب *اخلاق در قرآن* مرحوم علامه محمدتقی مصباح و تفسیر موضوعی قرآنی *اخلاق در قرآن* از آیت‌الله عبدالله جوادی آملی را نام برد.

این مقاله به حسب تقدم تاریخی در صد سال اخیر، کتاب‌های اخلاق اسلامی تدوین یافته را ذکر کرده و با نظر به مبانی و ساختار هر کتاب اخلاق اسلامی نگارش یافته، به اجمال میزان تأثیرپذیری مبانی و محتوای کتاب اخلاقی تدوین یافته از آموزه‌های اخلاقی قرآن را ذکر کرده است. کتاب‌های تدوین شده با عناوین اخلاقی در صد سال اخیر از نظر ساختار و محتوا و جنبه‌های پژوهشی و آموزشی یکنواخت نبوده و در ارزیابی میزان اخلاقی بودن و همچنین میزان تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی یکسان نیست.

بر همین اساس، با مراجعه به فهرست و ساختار و محتوای کتاب‌های اخلاقی تدوین یافته در این بازه زمانی می‌توان بر اساس چهار نوع تقسیم‌بندی محتوایی؛ ساختاری؛ میزان تأثیرپذیری و عدم تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی؛ و همچنین منطبق با نوآوری‌ها و اقتباس‌های تلفیقی، به ارزیابی کتاب‌های اخلاقی تدوین شده اقدام کرد. این تقسیم‌بندی عبارت است از؛ کتاب‌های پژوهش‌محور، آموزش‌محور، موعظه‌محور و اقتباسی یا تلفیقی.

۱-۲. کتاب‌های پژوهش‌محور

کتاب‌های پژوهش‌محور - در این زمینه - کتاب‌هایی هستند که در مباحث اخلاقی خویش، علاوه بر نوآوری‌های به دست آورده، محتوای اقتباسی و تلفیقی از رویکردهای اخلاقی ندارند و چون به حسب مصداق، نوآوری من جمیع جهات در نظام اخلاقی و آموزه‌های قرآنی صورت نگرفته، پژوهش‌های صورت گرفته به صورت موردی به بخشی از نظام اخلاق در قرآن پرداخته‌اند. در این میان می‌توان از کتاب‌های ذیل نام برد:

۱-۱-۱. *اخلاق در قرآن*، محمدتقی مصباح یزدی

این کتاب در سه جلد جمع‌آوری شده است. مبانی اصلی این کتاب با محوریت متعلق اخلاق و تنوع رابطه‌های انسان در قرآن، مسائل اخلاقی قرآن را در قالب سه عنوان کلی ذکر کرده است: اخلاق بندگی در قرآن (بایدها و نبایدهای قرآن در حوزه خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی انسان در رابطه با خدا)؛ اخلاق فردی (بایدها و نبایدهای قرآن در حوزه خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی انسان در رابطه با خود)؛ و اخلاق اجتماعی (بایدها و نبایدهای قرآن در حوزه خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی انسان در رابطه با انسان‌های دیگر).

این کتاب اخلاقی در بیشتر مبانی و اصول و حتی قواعد اخلاقی، متأثر از آموزه‌های قرآنی بوده و بلکه رسالت اصلی نگارش آن استخراج و تبیین آموزه‌های اخلاقی در قرآن است. تنها بخشی از این کتاب و بلکه مهم‌ترین بخش آن که برگرفته از آموزه‌های قرآنی نیست، مبحث «مبانی علم النفس اخلاقی در قرآن» است. نویسنده کتاب بر این نظر است که بهترین علم النفس برای علم اخلاق اسلامی، علم النفس روان‌شناختی است، نه علم النفس متدوال در کتب اخلاق اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷-۳۶).

در این کتاب بیشتر آیات اخلاقی - اعتقادی مربوط به عناوین کلی سه‌گانه مذکور، جمع‌آوری و تحلیل شده است. کتاب مزبور در عین عدم استخراج علم النفس اخلاقی در قرآن و پایه‌ریزی سایر مسائل اخلاقی منطبق بر علم النفس اخلاقی قرآنی، می‌تواند نمونه‌ای منسجم در علم اخلاق اسلامی با تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی به شمار آید.

۲-۱-۲. فرهنگ قرآن (اخلاق حمیده در قرآن)، عبدالنبی امامی

این کتاب در سه جلد تألیف شده است. مصنف در مجموع این سه جلد، ۳۹ صفت حمیده اخلاقی در قرآن را بررسی کرده و از نظرات مفسران در معنانشناسی و تبیین صفات مذکور بهره جسته است. صفات مذکور عبارتند از: ابرار، احسان، استعفاف، استقامت، اعتدال، امانت، انفاق، ایثار، باقیات صالحات، برّ، تسلیم، تفویض، تقوا، توکل، حسنه، حسن سلوک، حق، حکمت، خشوع، خلوص، خیر، دفع سیئه به حسنه، ذکر نعمت، رجاء بالله، رضوان الهی، سکینه، سلام و سلامت، صبر، صدقه، صدق، صالح و صالحون، عدل، عزت و عزیز، عفت و تعفف، عفو، عمل صالح، غض از ابصار، حفظ فروج (امامی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۵۶).

۲-۱-۳. فرهنگ صفات اخلاقی (باید و نبایدهای اخلاقی در قرآن)، عباس اسماعیلی یزدی

کتاب مزبور در هشت فصل تدوین شده است. فصل اول و دوم مباحث ارزشی و اصول راهبردی اخلاق است. در فصل سوم مصنف سیزده نمونه از مکارم اخلاقی را بررسی کرده است. فصل چهارم ارکان شش‌گانه ایمان را ذکر کرده است. فصل پنجم به هفت اصل اخلاق همزیستی اشاره نموده است. فصل ششم و هفتم و هشتم درباره موانع و ردایب اخلاقی است: ردایب اخلاقی درونی، ردایب اخلاقی بیرونی و ردایب اخلاقی اجتماعی.

رویکرد مصنف در تعریف و تبیین تمام صفات اخلاقی ذکر شده، در مرحله اول استناد به آیات قرآنی و در مرحله دوم استناد به روایات بوده است. این کتاب در عین حال که به ایمان و ارکان ایمان که به‌مثابه مبانی علم اخلاق در قرآن است، اشاره کرده، به تقوا و آثار اخلاقی آن در قرآن اصلاً اشاره‌ای نکرده است. همچنین به مباحث انسان‌شناسی اخلاقی در قرآن نیز نپرداخته است (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۶، ص ۴۳ تا آخر).

۲-۱-۴. اخلاق در دیدگاه قرآن و عترت، مرتضی تنکابنی

این کتاب در دو بخش تدوین شده است: بخش اول اخلاق که از متن قرآن است، و بخش دوم اخلاق که از کلمات چهارده معصوم علیهم‌السلام است. آنچه محل بحث ماست بخش اول این کتاب است.

مصنف بخش اول را به دو فصل تقسیم کرده است: فصل اول اخلاص ستوده در قرآن که ۴۰ صفت اخلاقی را ذکر و بررسی کرده است. فصل دوم اخلاق نکوهیده که در آن نیز ۴۰ صفت اخلاقی را ذکر و بررسی نموده است. بخش اول این کتاب که حجم زیادی هم بدان اختصاص یافته، کاملاً متأثر از آموزه‌های اخلاقی قرآن بوده و

مصنف آیات مربوط به هر صفت اخلاقی در قرآن را ذیل عنوان مربوط به آن جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۶).

۵-۲. دانشنامه اخلاق کاربردی، احمدحسین شریفی و همکاران

پنج جلد از این دانشنامه به چاپ رسیده است. جلد اول در باب مباحث نظری اخلاق کاربردی است. جلد دوم درباره اخلاق زیستی است. جلد سوم در اخلاق فراغت و گردشگری است. جلد چهارم مربوط به اخلاق حاکمیت و سیاست است. جلد پنجم اخلاق علم و فرهنگ را بررسی کرده است.

مقالات و مباحث نظری این دانشنامه در هفت فصل تدوین یافته است: فصل اول جایگاه اخلاق کاربردی در هندسه دانش‌های اخلاقی را بررسی کرده است. فصل دوم مربوط به نقش فرااخلاق در اخلاق کاربردی است. فصل سوم درباره نقش اخلاق کاربردی در توجه به فلسفه اخلاق است. فصل چهارم راهکارهای حل تزاخمت اخلاقی از نگاه اندیشمندان اسلامی را بررسی کرده است. فصل پنجم نقش «قاعده زرین» در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است. فصل ششم نقش جنسیت در داوری‌های اخلاقی بر اساس اندیشه اسلامی است. در مجموع مباحث این فصل، فقط به شش آیه قرآنی و پنج حدیث استشهد شده است؛ اما مبانی و رویکرد بخش مذکور کاملاً فلسفی بوده و منظور از «اندیشه اسلامی» قید شده در عنوان، اندیشه استخراج شده از آیات قرآنی نیست. فصل هفتم مربوط به نقش عرف در تشخیص وظایف اخلاقی است.

مباحث و مقالات اخلاق زیستی در ده فصل جمع‌آوری شده است: فصل اول چپستی اخلاق زیستی؛ فصل دوم معیار انسانیت و نقش آن در اخلاق زیستی (در این فصل معیار انسانیت از نگاه متفکران فلسفه در غرب و شرق بررسی شده است، نه انسانیت از نگاه قرآن)؛ فصل سوم اخلاق ژنتیکی و مهندسی ژنتیک انسانی؛ فصل چهارم پیامدهای اخلاقی مهندسی ژنتیک از منظر اخلاق اسلامی (در این فصل به یازده آیه قرآنی استشهد شده است)؛ فصل پنجم شبیه‌سازی انسانی و اخلاق؛ فصل ششم سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی (در این فصل علاوه بر ذکر دلایل روایی بر حرمت سقط جنین، بر اساس آیه فطرت و آیه نفخ روح، سقط جنین بررسی شده است)؛ فصل هفتم قتل ترحمی ارادی از منظر اخلاق اسلامی (در این فصل به یازده آیه قرآنی استشهد شده است)؛ فصل هشتم بررسی اخلاقی و غیر اخلاقی در نوع برخورد کالاکونه با اعضای بدن؛ فصل نهم بررسی اخلاقی برداشت عضو پیوندی از بیمار مرگ مغزی؛ فصل دهم بررسی اخلاقی حکم اعدام با توجه به حق حیات.

مباحث اخلاق فراغت و گردشگری در هفت فصل جمع‌بندی شده است: فصل اول در اخلاق عبادت که موضوعی قرآنی و متأثر از آیات و مبانی قرآنی است. فصل دوم اخلاق فراغت که در بخش هشتم درباره نظر اسلام درخصوص اخلاق فراغت اینچنین آورده است: هرچه برای انسان کمال و تقرب به خدا بیاورد «فراغت حسنه» و هرچه برای انسان نقص و دوری از خدا بیاورد «فراغت ردیله» است. فصل سوم بررسی اوقات فراغت از نگاه اخلاق اسلامی که نویسنده در این مقاله برای تبیین مبانی قرآن از اوقات فراغت به هشت آیه قرآنی استشهد کرده است.

فصل چهارم درباره ماهیت شادی و نشاط که در آن نویسنده آیات و روایاتی مرتبط با مقوله شادی و نشاط را بررسی کرده است. فصل پنجم در اخلاق گردشگری با تکیه بر آموزه‌های اسلامی که در آن نیز به آیات و روایات ذی‌ربط با موضوع مقاله استشهداد شده است. فصل ششم درباره مقایسه تطبیقی زیارت و گردشگری است. فصل هفتم نظریه اخلاق زیست- محیطی اسلام که در آن رابطه انسان و طبیعت و همچنین ارزش زیست- محیطی از دیدگاه قرآن را بررسی نموده است.

جلد چهارم این دانشنامه مربوط به اخلاق حاکمیت و سیاسی است. مباحث و مقالات این جلد در نه فصل جمع‌بندی شده است: فصل اول نوع رابطه اخلاق و سیاست را بررسی کرده است. فصل دوم اخلاق در سازمان‌ها و مسئولیت‌های حاکم بر آن را بررسی نموده است. در این فصل مبانی انسان‌شناسی اخلاق سازمان از دیدگاه اسلام با استشهداد به ۲۱ آیه قرآنی تبیین شده است. فصل سوم اخلاق در مدیریت و سازمان است. فصل چهارم در نقد مبانی انسان‌شناختی اخلاق آزادی‌خواهی (لیبرال) است. فصل پنجم در تزاحم آزادی و عدالت در آزادی‌خواهی و اسلام است. نویسنده در باب ارائه نظر اسلام، در مجموع به سه آیه قرآنی استشهداد کرده است. فصل ششم در رابطه با اخلاق و اقتصاد است. فصل هفتم در اخلاق جنگ و صلح است که در تبیین نظر اسلام درباره صلح و جنگ به آیات مربوط به آنها استشهداد کرده است. فصل هشتم در اصول اخلاقی حاکم بر روابط فرمانده و سرباز است. فصل نهم در اخلاق انتخابات است. نویسنده در بیان نظر اسلام در این باره به نه آیه قرآنی استشهداد کرده است.

جلد پنجم این کتاب مربوط به اخلاق علم و فرهنگ است. فصل اول تا چهارم این کتاب مربوط به اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق مناظره و اخلاق رسانه است. مباحث اخلاق رسانه‌ای این بخش متأثر از آیات و روایات است. در فصل پنجم اخلاق روزنامه‌نگاری بیان شده است. فصل ششم به قواعد حاکم بر روابط خانوادگی از نظر اسلام اختصاص دارد. مباحث این فصل با استناد به آیات قرآنی صورت گرفته است. فصل هفتم درباره اخلاق همسایگی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶).

۶-۲-۱. دانش اخلاق اسلامی، حسین مظاهری

این کتاب در چهار جلد تدوین شده است. مؤلف این کتاب با روحیه انتقادی به رویکردهای اخلاقی مشهور و به‌ویژه رویکرد اخلاق فلسفی و ارسطویی، کوشیده است مبانی علم اخلاق اسلامی را از مبانی اخلاق فلسفی و ارسطویی جدا کند. مؤلف از منتقدان جدی نظریه «اعتدال» و قوای چهارگانه نفس بوده و فضایل و رداییل اخلاقی را مطابق با آیات روح، به «روح ظلمانی» و «روح نورانی» تقسیم کرده است. روح ظلمانی منشأ رداییل و روح نورانی منبع فضایل انسانی است.

مصنف بر این نظر است که این تقسیم‌بندی را از آیات قرآنی برگرفته است. همچنین تمام محاسن و رداییل اخلاقی را به روش تقابلی بررسی کرده است. در مقابل نظریه «اعتدال» که صفات به حد وسط و حد تفریط و حد افراط تقسیم بندی می‌شود، صفات ضد از نظر مصنف عبارتند از: یقین مقابل بی‌ثباتی، توحید مقابل شرک،

تفکر مقابل غفلت، فریکاری مقابل شجاعت، ترس از خدا مقابل امید به خدا، کرامت نفس در مقابل پستی نفس، غیرت در مقابل حمیت، آرامش در مقابل عجله، حسن ظن در مقابل سوء ظن، حلم در مقابل غضب، بخشش در مقابل کینه، تواضع در مقابل تکبر، رحمت در مقابل سنگدلی، عفت در مقابل زیاده‌خواهی در شهوت جنسی، زهد در مقابل دنیا دوستی، قناعت در مقابل حرص، بی‌نیازی در مقابل طمع، سخاوت در مقابل بخل، خیرخواهی در مقابل حسد، غبطه در مقابل کوتاهی در کسب فضایل، بی‌میلی به مقام و رتبه در مقابل ریاست‌دوستی، مسئولیت‌پذیری در مقابل کوتاهی در مسئولیت، باوفایی در مقابل بی‌وفایی، سادگی در مقابل زیرکی، خلوص در مقابل ریا، توبه در مقابل عصیان، تقوا مقابلی برایش ذکر نشده، محبت حق تعالی مقابلی برایش ذکر نشده، وفا در مقابل ناپاسی، شکر مقابلی برایش ذکر نشده، رضایت از حق تعالی در مقابل نارضایتی از حق تعالی، توکل مقابلی برایش ذکر نشده، حضور قلب در مقابل غفلت از خدا، استقامت در مقابل ناشکیبایی، دعا در مقابل رویگردانی از دعا، تمسک به قرآن در مقابل تمسک به طاغوت، میانه‌روی و عزلت که مقابلی برایش ذکر نشده است.

مصنف در سراسر این چهار جلد کوشیده است با استناد به آیات قرآنی، مبانی و نظر اخلاقی قرآن را ارائه دهد. بر اساس مبانی برگرفته، اساساً در قرآن مقوله‌ای به نام «روح نورانی» و «روح ظلمانی» وجود ندارد و حقیقت روح در قرآن ارتباطی با حقیقت انسان ندارد؛ زیرا روح در قرآن تأییدکننده حضرت عیسی علیه السلام معرفی شده و غیر از خود اوست در آیاتی از قبیل: «وَآتَيْنَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَآيَدَانَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۸۷)؛ «وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَآيَدَانَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره: ۲۵۳)؛ «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحُ مِنْهُ» (نساء: ۱۷۱)؛ «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (مائده: ۱۱۰).

روح در قرآن تأییدکننده و تقویت‌کننده و تثبیت‌کننده حقیقت ایمان در قلوب مؤمنان است: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَآيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله: ۲۲). حقیقت روح در قرآن موجودی از عالم امر است، نه عالم خلق: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (نحل: ۲)؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)؛ «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنزِلَ يَوْمَ التَّلَاقِ» (غافر: ۱۵)؛ «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا» (شوری: ۵۲).

از نظر قرآن، نفخه حقیقت انسان بر جسم انسان به وسیله روح انجام می‌شود: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷)؛ انبیاء: ۹۱)؛ (تحریم: ۱۲ و...).

روح در نزول وحی به ملائکه حامل وحی، امدادسانی و همراهی می‌کند (نحل: ۱۰۲)؛ شعراء: ۱۹۳ و ۱۹۴).

روح غیر از ملائکه و جبرئیل است (معارج: ۴)؛ قدر: ۴).

برای روح در قرآن دو صفت ذکر شده است: صفت قدس و صفت امانتداری (نحل: ۱۰۲)؛ شعراء: ۱۹۳ و ۱۹۴).

۷-۱-۲. راه تکامل، احمد امین

این کتاب در هفت جلد به چاپ رسیده است. نویسنده در تمام مباحث اخلاقی مطرح شده، رویکرد قرآنی داشته و کوشیده است تا پاسخ سؤالات و معضلات اخلاقی عصر کنونی را با دلایل و آیات قرآنی پاسخ بدهد. مباحث اخلاقی این کتاب گسترده است. بدین‌روی به مباحث مهم این کتاب اشاره می‌شود: هدف از آفرینش انسان در قرآن، ارزش عقل‌ورزی از نظر دین، ارزش بی‌مانند حقایق دینی، رابطه علوم جدید با دین، آثار اخلاقی خوف از خدا در قرآن، تأثیر بلاها در تکامل روحی و اخلاقی انسان‌ها، ایمان و برادری واقعی، مردمداری، صلح و رحمت، رفتارهای ارزشی اجتماعی از نظر قرآن، انفاق، صدقه، زکات، راهکارهای اخلاقی شدن، روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، آثار خداشناسی در اخلاق، جایگاه ایمان و تقوا در ارزش‌های اخلاقی قرآن، شک و تردید و راه‌های درمانی آن در قرآن، تأثیر گناهان در اخلاق انسان از منظر قرآن، اخلاق پیامبران در قرآن، رابطه علم و ایمان در قرآن، روش‌های انحراف شیطان در قرآن، معاد و آثار اخلاقی ایمان به معاد، فطرت و رابطه آن با دین، راه‌های نجات مردم عصر حاضر از معضلات اخلاقی، آثار امر و معروف و نهی از منکر در اجتماع، خردورزی در آیات الهی و آثار تکاملی آن، آثار اجتماعی قطع رحم و پیوند رحم، آثار جاهلیت و خرافات در روح و روان انسان، حقیقت شکر و راه‌های کسب آن، عوامل هدایت در قرآن، عوامل گمراهی در قرآن، آثار فردی و اجتماعی خشم از دیدگاه قرآن. نگارنده در سراسر مطالب اخلاقی که مطرح شده، با تمرکز بر آیات و با بهره‌گیری از مبانی قرآنی در هر موضوع و عنوان ذکر شده به ارائه مبانی قرآنی و ارائه راهکارهای کار قرآنی پرداخته است (امین، ۱۳۶۶).

۸-۱-۲. معجم المحاسن و المساوی، ابوطالب تجلیلی تبریزی

این کتاب در نوزده جلد تدوین شده و نویسنده ۲/۷۰۳ موضوع از اخلاق، فقه و آداب اسلامی را در آن بررسی کرده است. این کتاب روایت‌محور بوده و برای هر موضوع مطرح شده، روایات ذی‌ربط را جمع‌آوری کرده است. بیش از ۳۶۰ موضوع اخلاقی در حوزه محاسن و مساوی اخلاقی مبتنی بر روایات در این کتاب بررسی شده است. از جمله مباحث مطرح شده در باب اخلاق در قرآن، «ایمان و تقوا» است که در آن نگارنده به تعداد محدودی از آیات قرآنی نیز استشهد کرده است؛ اما مبنای تمام مباحث این معجم روایات است (تجلیلی تبریزی، ۱۴۱۷ق).

۹-۱-۲. بهشت اخلاق، مهدی نیلی

نویسنده ۳۱۳ نمونه از فضایل و ردایب اخلاقی را در دو جلد بررسی کرده است. ساختار این کتاب با دیگر کتاب‌های اخلاقی تدوین شده، کاملاً متفاوت است. تمام صفات اخلاقی ذکر شده در این کتاب در قالب هشت عنوان مشخص شده در هر جلد به صورت ترتیبی بررسی شده است: اول تعریف واژه محل بحث (صفت اخلاقی فضیلت یا ردیله)؛ دوم آیات مربوط به آن؛ سوم روایات ذی‌ربط؛ چهارم اهمیت آن؛ پنجم فواید و آثار فضایل اخلاقی یا منشأ ردایب اخلاقی؛ ششم اقسام آن؛ هفتم راه تحصیل (فضیلت اخلاقی) یا علاج (ردیله اخلاقی)؛ هشتم تذکرات.

قوای اخلاقی ذکر شده در این کتاب و همچنین تقسیم بندی تمام صفات اخلاقی در آن کاملاً بر مبنای اخلاق ارسطویی انجام شده و ذکر آیات و روایات فقط به عنوان مؤید و محل شاهد آمده است (نیلی‌پور، ۱۳۸۶). کتاب‌های پژوهش‌محور دیگری نیز با تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی تدوین شده، اما چون میزان تأثیرپذیری آنها از قرآن در حد مقبولی نبوده و نیز پژوهش صورت گرفته به صورت گزینشی از آموزه‌های قرآنی اختیار کرده، بر همین اساس، برای ملاحظه دیگر کتاب‌های پژوهش‌محور (ر.ک. آزاد، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۵؛ نصرتی، ۱۳۹۷).

۲-۲. کتاب‌های آموزش‌محور

کتاب‌های آموزش‌محور و درسنامه‌ای عمدتاً توسط استادان حوزه و دانشگاه تدوین یافته و برای آموزش اخلاقی طلاب و دانشجویان با مبنای و مفاهیم اخلاقی نگارش شده است. اگر در بین کتاب‌های آموزشی و درسنامه‌ای، محتوا و ساختار مطالب اقتباسی و تلفیقی باشد به بخش کتاب‌های اخلاق اقتباسی و تلفیقی ارجاع داده می‌شود و اگر نویسنده کتاب در مطالب خویش پژوهش‌ها و نوآوری‌های جدیدی داشته باشد به بخش کتاب‌های پژوهش‌محور ارجاع داده می‌شود.

۱-۲-۲. اخلاق اسلامی، گروه اخلاق مرکز مدیریت حوزه قم

این دوره شش جلدی اخلاق اسلامی برای پایه اول تا ششم حوزه علمیه تدوین شده است. عنوان کتاب «**اخلاق اسلامی**» است، اما مباحث کتاب در باب آداب اسلامی و اخلاق اسلامی بوده و این دو با هم یکی فرض شده است. جلد اول مربوط به آداب بندگی، گاهی نیز به اخلاق بندگی اشاره کرده است. مباحث این جلد عبارت است از: آداب نماز، دعا، توسل، مسجد و روزه‌داری.

جلد دوم در باب آداب فردی است. مباحث این کتاب بیشتر مربوط به آراستگی و نظافت و آداب خوابیدن و خوردن و مانند آن است.

جلدهای سوم و چهارم مربوط به آداب اجتماعی و شامل مباحثی از قبیل دوستی و معاشرت، آداب گفت‌وگو، مهمانی، سفر، همسایه، هدیه، مشورت و آداب علم‌آموزی است.

جلد پنجم به مبنای اخلاق اسلامی پرداخته و مباحثی از قبیل هدف اخلاق اسلامی، اهمیت اخلاق اسلامی، فایده اخلاق اسلامی، تاریخچه اخلاق اسلامی، قلمرو اخلاق اسلامی، و مبنای انسان‌شناسی و خداشناسی و هستی‌شناسی در علم اخلاق اسلامی را مطرح کرده است.

جلد ششم این مجموعه اخلاقی درباره مباحث اصول تربیت اخلاقی بحث کرده است. اصول اخلاقی در اخلاق اسلامی عبارتند از: علم، ایمان، عمل صالح، تقوا، معرفت و تکریم نفس، جهاد با نفس، رفق با نفس، اعتدال، تدریج، جامعیت. روش‌های تربیت اخلاق اسلامی هم عبارتند از: تفکر، ذکر، محبت، انس با قرآن و احادیث، و مراقبه.

چهار جلد اول این کتاب بیشتر رویکرد روایی و نقلی دارد و در حوزه آداب اسلامی است، نه اخلاق اسلامی، و

دو جلد آخر این کتاب بیشتر رویکرد قرآنی دارد و مبانی اخلاق اسلامی را از آیات قرآنی استخراج کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲. اخلاق اجتماعی، محمد باقر تحریری

این کتاب که در ۲۹ درس، اخلاق اجتماعی را به بحث و بررسی گذاشته، از سوی اداره کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی برای تدریس در مدارس علمیه خواهران تهیه و تنظیم شده است. در این اثر اخلاق اجتماعی به دو بخش «اخلاق اجتماعی عام» و «اخلاق اجتماعی خاص» تقسیم شده است. «اخلاق اجتماعی خاص» آن دسته از ارزش‌های اخلاقی است که در حیطه خاصی از ابعاد زندگی اجتماعی انسان، مثل اقتصاد، تعلیم و تربیت، خانواده و سیاست از آنها بحث می‌شود. در «اخلاق اجتماعی عام» ارزش‌های فراگیری همچون تواضع، خیرخواهی، عدالت و حلم بررسی می‌شود.

محتوای این اثر بر پایه استناد به منابع وحیانی و میراث روایی شیعه پی‌ریزی شده است. برای ترسیم این اخلاق ناب، از آیات قرآن کریم و منابع اصلی روایی مانند *الکافی*، *من لایحضره الفقیه*، *نهج البلاغه* و دیگر منابع روایی شیعه در قرون اولیه، نکاتی ارزشمند انتخاب شده است. همچنین بحث‌ها بر اساس الگوی کتاب درسی نگارش شده است. کتاب *اخلاق اجتماعی* در باب ارزش‌های اخلاق اجتماعی سامان یافته و در هر بخش، مفهوم‌شناسی، اهمیت و راهکار آراستگی به یک یا چند فضیلت اخلاقی اجتماعی تبیین شده است.

۳-۲-۳. اخلاق اسلامی، سیدمحمد شفیعی مازندرانی

این کتاب در ۲۴ درس تدوین شده است. درس اول تا ششم مربوط به مبادی علم اخلاق است؛ از قبیل: ریشه اخلاق، ارکان اخلاق، اهمیت اخلاق، هدف اخلاق، رسالت اخلاق. درس هفتم مربوط به اصول فضایل و ردائیل است. از نظر نگارنده اصول محاسن اخلاقی همان چهار صفت معروف در اخلاق فلسفی است: حکمت، عفت، شجاعت، و عدالت. ردائیل اخلاقی هم حد افراط و حد تفریط این صفات چهارگانه است. از درس هشتم تا آخر به پانزده صفت اخلاقی - هم ردیله و هم فضیله - پرداخته که عبارتند از: هوای نفس، تکبر، عیب‌جویی، غیبت، حسد، غضب، سوء ظن، دروغ، ذکر، اخلاص، صبر، پاکدامنی، تقوا، توبه، دعا و نیایش. رویکرد نگارنده در عین حال که تلفیقی بوده، اما در تبیین صفات اخلاقی روایت‌محور است (متولی شعراوی، ۱۴۲۷ق).

۴-۲-۴. آشنایی با دانش اخلاق اسلامی (درآمدی بر فلسفه علم اخلاق اسلامی)، مهدی احمدپور

این کتاب در چهارده فصل تدوین شده است. در فصل اول نگارنده علل کم‌توجهی به علم اخلاق اسلامی را بررسی کرده است. در فصل دوم به تقسیم‌بندی علوم دینی و جایگاه علم اخلاق در علوم دینی پرداخته است. در فصل سوم معنا و مقصد اخلاق اسلامی را بررسی کرده است. در فصل چهارم موضوعات و مسائل علم اخلاق اسلامی را واکاوی کرده است. در فصل پنجم جایگاه علم اخلاق در تقسیم‌بندی علوم از دیدگاه بزرگان را تبیین کرده است. در

فصل ششم منابع اخلاق اسلامی را معرفی نموده که عبارتند از: قرآن و سنت و عقل و شهود. در فصل هفتم مبانی اخلاقی اسلامی را بر اساس پنج مؤلفه خداشناسی، معرفت‌شناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی بررسی کرده است. در فصل هشتم مباحث مربوط به روش اخلاق اسلامی را آورده است. در فصل نهم مکاتب و رویکردهای چهارگانه اخلاقی (فلسفی، نقلی، عرفانی و تلفیقی) را تبیین نموده است.

این کتاب در عین جامعیتی که دارد، لیکن به مبانی اخلاق در قرآن اشاره نکرده است (احمدپور، ۱۳۹۵؛ شریفی، ۱۳۹۳؛ جباران، ۱۳۸۶؛ مطهری، ۱۳۹۳؛ دبیری، ۱۳۹۲).

۲-۳. کتاب‌های موعظه‌محور

کتاب‌های موعظه‌ای غالباً مختص جلسات اخلاق علمای حوزه و بعضی مراجع است که به صورت کتاب اخلاقی تدوین شده است. در این زمینه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۳-۲/۱. خلاق، محمدتقی فلسفی

این کتاب در دو جلد تدوین شده است. نگارنده کوشیده است مسائل اخلاقی مطرح شده در این کتاب با استناد به آیات و روایات انجام شود. جلد اول دارای ده فصل است: فصل اول تعاریف و مبانی اخلاق را از نظر آراء دانشمندان در حوزه اخلاق و فلسفه ارائه داده است. فصل دوم اخلاق را به «بشری» و «الهی» تقسیم کرده است. فصل سوم اخلاق سودجویی و اخلاق مبتنی بر ایمان را بررسی نموده است. فصل چهارم اخلاق طبیعی و نظریه «تکامل» را واکاوی کرده است. فصل پنجم راه‌های تشخیص بیماری‌های اخلاقی را آورده است. فصل ششم مباحث پیشگیری اخلاقی و درمان اخلاقی در قبال بیماری‌های اخلاقی را مطرح ساخته است. فصل هفتم آفات طبیعی و شرور نفسانی و نحوه مقابله با این آفات را به بحث گذارده است. فصل هشتم به آثار فردی و اجتماعی عیب‌جویی اختصاص یافته است. فصل نهم انواع انتقادات و انتقاد اخلاقی را مطرح کرده است. فصل دهم صفت اخلاقی «تغافل» و انواع آن را از نظر اسلام یادآور شده است.

جلد دوم کتاب در ده فصل ساختاربندی شده است. در فصل اول رابطه خودشناسی و اخلاق؛ در فصل دوم جایگاه و نتایج اخلاقی ایمان؛ در فصل سوم و چهارم رذیله اخلاقی «خودفراموشی» و «ریا» در قرآن؛ در فصل پنجم تکلف ممدوح و مذموم و آثار اخلاقی آنها؛ در فصل ششم و هفتم مسئله «نگرانی‌های اخلاقی» و «نگرانی‌های معقول» و «نگرانی‌های موهوم» و روش درمان آنها؛ در فصل هشتم آینده‌نگری در اخلاق؛ در فصل نهم رذیله «انتقام‌جویی»؛ و در فصل آخر ارزش‌های انسانی و عالی‌ترین آنها و «تصیّد گرایز» را آورده است.

نگارنده در هر فصل و در هر بخش با استناد به یک آیه قرآنی، مسائل مطرح شده را تشریح کرده است (فلسفی، ۱۳۹۷ق).

۲-۳-۲. اخلاق اسلامی، علی مشکینی

این کتاب در هشت فصل جمع‌آوری شده است. فصل اول درباره ضرورت تفکر و مطالعه در حقیقت نفس است. فصل دوم در باب جایگاه عقل الهی در اخلاق است. فصل سوم در خصوص نگاه حکیمانه داشتن به وقایع و اتفاقات زندگی دنیوی است. فصل چهارم در زمینه جایگاه قدرت روحی انسان در مسیر کمال است. فصل پنجم در ارتباط با آثار یاد خدا در متخلق شدن به رفتارهای نیک است. فصل ششم درباره مقاومت و شجاعت داشتن در مقابل هواهای نفسانی است. فصل هفتم در باب دوری از گناه به‌مثابه بهترین راه پاکیزگی در اسلام است. فصل هشتم درباره توبه و آثار کمالی توبه است.

مؤلف در این کتاب کوشیده است برای تبیین مباحث خویش به آیات و روایات استشهد کند. ساختار و محتوای کتاب موعظه‌محور بوده و در قالب جلسات اخلاق متدوال بیان شده است (مشکینی، ۱۳۹۰).

۳-۳-۲. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی

این کتاب در سه جلد تدوین شده است. تمام مباحث این سه جلد کتاب در دو بخش کلی نگاشته شده است: بخش اول اصول مسائل اخلاقی که در جلد اول این کتاب آمده است. بخش دوم فروع مسائل اخلاقی که در جلد دوم و سوم بررسی شده است. از نظر مصنف اصول مسائل اخلاقی در قرآن عبارتند از: مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق، مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق، مسائل اخلاق در ارتباط با خویشتن، و مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت.

فروع مسائل اخلاقی در حوزه ردآیل و محاسن اخلاقی در قرآن عبارتند از: توبه، نیت، اخلاص، ریاکاری، سکوت، خودشناسی، خدانشناسی، عبادت و نیایش، ذکر خدا، تولا و تبرا، الگوپذیری، تکبر و استکبار، تواضع و فروتنی، حرص و قناعت، حب دنیا، حسد، غرور و خودبینی، آرزوهای دراز، تعصب و لجابت، جبن و شجاعت، خوباختگی و توکل، شهوت‌پرستی، عفت، غفلت، بخل، جود، عجله، صبر، جاه‌طلبی، بهانه‌جویی، کفران، شکرگذاری، غیبت، تنابز باللقاب، حفاظ‌الغیب، حسن خلق و کج‌خلقی، امانت و خیانت، صدق و راستی، دروغ، وفای به عهد، پیمان‌شکنی، بحث منطقی، جدال و مراء، سخن‌چینی، اصلاح ذات‌البین، سوء ظن و حسن ظن، تجسس، حلم و غضب، عفو و انتقام، غیرت و بی‌غیرتی، اجتماع‌گرایی و انزواگرایی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

۴-۳-۲. اخلاق و خودسازی در مکتب قرآن و اهل بیت، حسین مظاهری

این کتاب در ۲۶ بخش تدوین شده است. محقق بر این نظر است که در معضلات اخلاقی، تنها پناهگاه انسان قرآن و اهل‌بیت است. وی برای «تخلق به اخلاق قرآنی» چهار مرحله بیان کرده است: مرحله اول خواندن قرآن، مرحله دوم فهم قرآن، مرحله سوم عمل به قرآن، و مرحله چهارم تمسک به قرآن و بهره‌گرفتن از نور و هدایت قرآن. در کنار این مراحل چهارگانه قرآنی، برای متخلق شدن به اخلاق قرآنی، باید به اهل‌بیت نیز تمسک جست. نماز و توبه و امید به رحمت خدا و دعا اسباب رسیدن به اخلاق قرآنی به شمار می‌رود.

از نظر مصنف ریشه گرفتاری‌های انسان، ردایل اخلاقی است و مادر فضایل صبر و استقامت و تحمل و سعه صدر. نویسنده در سراسر مباحث این کتاب از آیات قرآنی و روایات بهره جسته است (مظاهری، ۱۳۸۳).

۵-۳-۱.۲/اخلاق اسلامی، سیدمحمدعلی جزائری

این کتاب در شش فصل تدوین شده است. فصل اول کلیات است. از نظر مؤلف منشأ صفات اخلاقی وجدان انسان است. وی «وجدان» را به نفس ملهمه به تقوا و فجور تفسیر کرده است. فصل دوم و سوم و چهارم و پنجم صفات اخلاقی نشئت گرفته از قوه عاقله و شهویه و غضبیه و وهمیه را بررسی نموده است. فصل ششم مربوط به صفات مشترک بین قوای ذکر شده است. با آنکه مصنف در فصل اول ادعا کرده که از نظر دین اخلاق بدون ایمان نامعقول است، اما ساختار و محتوای کتاب بر اساس مبانی اخلاق ارسطویی شکل گرفته است (جزایری، ۱۳۸۸).

۶-۳-۱.۲/اخلاق اسلامی، محمد محمدی گیلانی

این کتاب حاصل ۳۵ جلسه اخلاق نویسنده است که به کوشش جعفر سعیدی جمع‌آوری شده است. وی در جلسه اول و دوم به روش‌های اخلاقی اشاره کرده و بر این نظر است که روش انبیا در اخلاق کوتاه‌ترین روش است. در جلسه سوم به بررسی صفت «شجاعت» و «ترس» پرداخته است. در جلسه چهارم و پنجم و ششم به این موضوع پرداخته که در قرآن، چهار واژه «نفس»، «قلب»، «روح» و «عقل» به یک معناست. در سایر جلسات موضوعاتی از قبیل دنیا، نماز، عصمت و فقر بررسی شده است. در جلسه سیزدهم ایمان و مراتب آن بررسی شده است. در ادامه مباحث، اخلاص در عمل و اصالت نیت بررسی شده است. مصنف در حوزه ردایل و محاسن اخلاقی به صفاتی از قبیل حسد، انفاق، بخل، توبه، سخن‌چینی، عجب، عزت و تواضع پرداخته است. رویکرد مصنف موعظه‌ای است و در مواردی به روایات و آیات محدودی استناد جسته است (محمدی گیلانی، ۱۳۸۰).

۷-۳-۲. گنجینه اخلاقی، مهدی جلالی خمینی

این کتاب دروس اخلاقی آیت‌الله جلالی خمینی است و رویکرد موعظه‌ای دارد و برخی مباحث اخلاقی و تربیتی را ذکر کرده است؛ از قبیل: تحصیل علم، دعا، انس با قرآن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن، رعایت حقوق، توبه و ورع. همچنین مباحثی از آداب اسلامی را نیز مطرح ساخته است. نگارنده برای تبیین مباحث خویش از تعداد محدودی آیه قرآنی و روایات استفاده کرده است (جلالی خمینی، ۱۳۸۸).

برای ملاحظه سایر کتب موعظه‌محور و درسی اخلاقی، (ر.ک: محفوظی، ۱۳۸۸؛ مهدوی کنی، ۱۳۷۵؛ شیرازی، ۱۴۲۴ق؛ بهاء‌الدینی، ۱۴۲۹ق؛ وطن‌خواه، ۱۳۹۶).

۴-۲. کتاب‌های اقتباسی

کتاب تدوین شده اخلاقی با رویکرد اقتباسی، در بیشتر موارد، هم در بخش مبانی و هم در بخش محتوا متأثر از سایر

نویسندگان اخلاق‌نویس و اخلاق‌پژوهش بوده است. همچنین اگر نویسنده‌ای مباحث اخلاقی را به صورت تلفیقی از رویکردهای گوناگون خلاصه و جمع‌بندی کرده است یا خود نویسنده بین چند مکتب و یا رویکرد را با قرآن و روایات با سایر رویکردهای اخلاقی تلفیق کرده، بی‌آنکه نوآوری پژوهش‌محور داشته باشد، در این بخش فهرست‌بندی شده است:

۱-۴-۲. اخلاق الهی، مجتبی تهرانی

مجموعه هفده جلدی اخلاق الهی در حقیقت، ساختاربندی میسوط و منظمی از کتاب *جامع السعادات* ملامحمد مهدی نراقی است. رویکرد این مجموعه تلفیقی بوده، اما مبانی اخلاق ارسطویی بر تمام جلدهای این کتاب حاکم است. جلد اول درباره قوه عقل بحث کرده است. جلد دوم و سوم و چهارم و پنجم درباره قوه شهوت و صفات مرتبط با آن است. جلد ششم و هفتم مربوط به قوه غضب و صفات آن است. از جلد هشتم تا جلد هفدهم صفات و آثار مشترک قوای سه‌گانه نفس (عقل، غضب و شهوت) را بررسی نموده است. نویسنده این اثر از آیات و روایات زیادی را به‌عنوان شاهد ذکر کرده، اما مبنا و ساختار مسائل مطرح‌شده بر سبک و سیاق مبانی اخلاق ارسطویی استوار است (تهرانی، ۱۳۹۱).

۲-۴-۲. اخلاق و تربیت اسلامی، سید مصطفی خمینی

این کتاب در نه فصل تدوین شده است. فصل اول کلیات و تعاریف است. مصنف بر این نظر است که «اخلاق» به صفات باطنی مربوط می‌شود و «آداب» به رفتارهای ظاهری. در فصل دوم به مباحث خودشناسی پرداخته است. مصنف بر این نظر است که تنها موضوع و مخاطب اخلاق «انسان» است. فصل سوم در آداب معاشرت است. فصل چهارم به معناشناسی «کرامت» اختصاص یافته است. از نظر مصنف، «کرامت» همان عزت نفس در تعریف شهید مطهری است. در فصل پنجم نگارنده به اهمیت مشورت در اسلام پرداخته است. در فصل ششم و هفتم، زبان و آفات آن بررسی شده است. در فصل هشتم دو صفت «جرم» و «عفو» بررسی شده و در فصل نهم و دهم هم خوف و رجا بررسی شده است. رویکرد مؤلف فلسفی و روایت‌محور بوده و گاهی به آیات محدودی نیز استشهد کرده است (خمینی، ۱۳۸۸).

۳-۴-۲. اخلاق اسلامی، علی شیروانی

این کتاب در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول و دوم مربوط به مفاهیم و مکاتب اخلاقی در فلسفه اخلاق؛ فصل سوم به بررسی و نقد اخلاق هنجاری و مکاتب «سودگرایی» و «خودگرایی» و «وظیفه‌گرایی»؛ و فصل چهارم به نظام اخلاقی اسلام اختصاص یافته است.

از نظر نویسنده بنیاد ارزش اخلاقی اسلام بر پایه «نیت» و «ایمان» است. عوامل کلی سقوط اخلاقی از نظر

اسلام، دنیا، شیطان و هوای نفس، و متعلقات اخلاق اسلامی عبارت از اخلاق الهی و اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است. این کتاب در حقیقت، خلاصه مطالب *اخلاق در قرآن آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی* است و نظر و مبنا و رویکرد جدیدی ندارد (شیروانی، ۱۳۷۹).

۴-۲. *اخلاق اسلامی*، جواد محدثی

این کتاب فهرست‌بندی نشده و مباحث آن، هم شامل آداب اسلامی و اخلاق اسلامی است. نویسنده در مجموع، ۶۷ صفت اخلاقی (رذیلت و فضیلت) را بررسی کرده است. رویکرد وی روایت‌محور بوده و از میان ارزش‌های قرآنی به مباحث تقوا، تبری، ذکر، صبر، توکل، توبه، استغفار و تفکر اشاره کرده است (محدثی، ۱۳۹۲).

۴-۲. *مرز فضایل و رذایل اخلاقی*، احمد حبیبیان

نویسنده در این کتاب روشی را برای تقسیم‌بندی ابداع کرده که کاملاً متفاوت با رویکردهای معروف در اخلاق اسلامی و همچنین مبنای تقسیم‌بندی صفات اخلاقی در قرآن است. نویسنده بدون تبیین و تشریح نظر ابداعی خود، تمام محاسن و رذایل اخلاقی را در قالب سه عنوان تقسیم‌بندی کرده که یکی از آنها به‌مثابه صفت فضیلت و دیگری قرینه منفی آن صفت و سومی ضد آن صفت فضیلت است. برای مثال، صفت فضیلت «عزت نفس» قرینه منفی‌اش «خودخواهی» و ضد آن «ذلت و خواری» است.

نگارنده در این کتاب ۱۱۱ صفت اخلاقی را به همین روش تقسیم‌بندی کرده است. وی برای معناشناسی صفات مذکور به تعداد محدودی از آیات و روایات استشهد کرده است. این روش ابداعی در تقسیم‌بندی صفات، هیچ مبنای عقلی و منطقی و به‌ویژه اسلامی ندارد و موارد ضد و نقیض در این تقسیم‌بندی فراوان مشاهده می‌شود. به طور کلی، در تقسیم‌بندی صفات دو مبنا در اخلاق اسلامی وجود دارد: مبنای غالبی و مبنای اخلاق فلسفی. صفات اخلاقی را بر اساس قوای سه‌گانه (عقل، غضب و شهوت) و بر اساس قاعده «اعتدال» و حدود سه‌گانه (حد افراط، حد تفریط و حد وسط) تقسیم‌بندی می‌کنند.

مبنای دیگر قرآن و روایات است که صفات اخلاقی را بر اساس ضد و نقیض (یا بر اساس ایمان و کفر در قرآن و یا بر اساس عقل و جهل در روایات) تقسیم‌بندی می‌کنند.

برای ملاحظه نکات بیشتر در این زمینه (ر.ک: حبیبیان، ۱۳۸۶؛ حائری یزدی، ۱۳۸۷؛ باقری آستانی، ۱۳۸۶؛ بطحایی، ۱۳۷۷؛ حاجی‌بابائیان، ۱۳۸۸؛ صادقی اردستانی، ۱۳۶۸؛ عزیززی، ۱۳۸۱؛ واقفی راد، ۱۳۷۱).

نتیجه‌گیری

کتاب‌های اخلاقی تدوین شده در صد سال اخیر را می‌توان بر حسب پژوهش‌محوری و آموزش‌محوری، از حیث ساختار و محتوا در جهت میزان تأثیرپذیری و عدم تأثیرپذیری از آیات قرآن به چهار قسمت تقسیم کرد:

قسم اول کتاب‌های پژوهش‌محور که نوآوری‌هایی در آن صورت گرفته و متأثر از آموزه‌های اخلاقی قرآن است. میزان تأثیرپذیری آنها گاهی موردی و مصداقی و گاهی در بخش قابل توجهی از مبانی و مسائل علم اخلاق مستخرج از قرآن است.

قسم دوم کتاب‌های آموزش‌محور و درسنامه‌ای است. کتاب‌هایی که با این سبک تدوین شده بیشتر جنبه آموزشی دارد و در غالب موارد با رویکرد تلفیقی و تجمیع آیات و روایات و مبانی اخلاق ارسطویی در آنها تقسیم‌بندی و صفات اخلاقی تبیین شده است.

قسم سوم کتاب‌های موعظه‌ای و درسنامه‌ای یا در قالب جلسات اخلاق است. این بخش از کتاب‌های تدوین شده به حسب محتوا و ساختار و همچنین به حسب میزان تأثیرپذیری از آیات قرآنی، ضعیف و نامطلوب بوده، غالباً انسجام محتوایی و انطباق رویکردی با مبانی و آموزه‌های اخلاقی قرآن در مباحث ارائه شده وجود ندارد.

قسم چهارم کتاب‌های اقتباسی و تلفیقی است. این بخش از کتاب‌های تدوین شده مصداق‌محور بوده و در مواردی اقتباس (عنوان، فهرست، ساختار، بخش، فصل) و یا تلخیص کتب اخلاقی متقدمان است. همچنین بخشی از کتب تدوین یافته رویکرد تلفیقی دارد و برای یک موضوع واحد بدون در نظر گرفتن تضاد یا تناقض در مبانی رویکردها، نظرات و آیات و روایات در یک موضوع اخلاقی تجمیع شده است.

کتاب‌های اخلاقی تدوین شده در صد سال اخیر در عین تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی، اما هیچ‌کدام از نماینده تام اخلاق در قرآن به شمار نمی‌آید و کتاب‌های تدوین شده هر یک واجد نفاذ ضعف و نواقصی در میزان انطباق با آموزه‌ها و مبانی اخلاق در قرآن هستند. مهم‌ترین محور در استخراج مبانی اخلاق در قرآن که آموزه‌های اخلاقی قرآن بر حول همان محور استوار است، بحث «خداشناسی اخلاقی» در قرآن و «انسان‌شناسی اخلاقی» در قرآن و نوع ارتباط اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی حاکم بین این دو در قرآن است که تاکنون بنابر احصایی که صورت گرفته، چنین کتابی از متن آیات اخلاقی و اعتقادی قرآن استخراج و تدوین نشده است تا در مرحله بعد، نوبت به استخراج مسائل و اصول و قواعد اخلاقی در قرآن برسد.

منابع

- احمدپور و جمعی از نویسندگان، مهدی، ۱۳۸۹، *کتاب سناخت اخلاق اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدپور، مهدی، ۱۳۹۵، *آشنایی با دانش اخلاق اسلامی (درآمدی بر فلسفه علم اخلاق اسلامی)*، قم، دارالهدی.
- اردستانی، احمدصادقی، ۱۳۶۸، *اخلاق زندگی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- اسماعیلی یزدی، عباس، ۱۳۸۵، *فرهنگ اخلاق*، چ دوم، قم، مسجد مقدس جمکران.
- _____، ۱۳۸۶، *فرهنگ صفات اخلاقی (بایدها و نبایدهای اخلاقی در قرآن)*، قم، مسجد مقدس جمکران.
- امامی، عبدالنبی، ۱۳۹۳، *فرهنگ قرآن (اخلاق حمیده در قرآن)*، چ دوم، قم، مطبوعات دینی.
- امین، احمد، ۱۳۶۶، *راه تکامل*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۷۲، *خودسازی*، قم، شفق.
- آزاد حجت‌الله، ۱۳۹۴، *تأثیر ایمان بر اخلاق فضیلت از دیدگاه اسلام*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آستانی، حسین باقری، ۱۳۸۶، *اخلاق اسلامی*، چ دوم، قائم‌شهر، دانشگاه آزاد ساری.
- بطحایی، سیدهاشم، ۱۳۷۷، *اخلاق تحلیلی اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، ۱۴۱۷ق، *معجم المحاسن و المساوی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- تحریری، محمدباقر، ۱۴۰۱، *اخلاق اجتماعی*، قم، هاجر.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۱، *اخلاق الهی*، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جباران، محمدرضا، ۱۳۸۶، *درس نامه اخلاق اسلامی*، چ پنجم، قم، هاجر.
- جزایری، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۸، *اخلاق اسلامی*، چ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، *اخلاق اسلامی*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- حاجی بابائیان، محسن، ۱۳۸۸، *روش‌های تربیت اخلاقی در اسلام*، تهران، سروش.
- حائری یزدی، محمدحسن، ۱۳۸۷، *اخلاق اسلامی*، چ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حبیبیان، احمد، ۱۳۸۶، *موز فضایل و ردائیل اخلاقی*، چ چهاردهم، قم، مطبوعات دینی.
- خمینی، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، *اخلاق و تربیت اسلامی*، تهران، زعیم.
- خمینی، مهدی جلالی، ۱۳۸۸، *گنجینه اخلاق*، چ دوم، تهران، فواد.
- دیبری، احد، ۱۳۹۲، *فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی*، قم، نشر معارف.
- شریفی، احمدحسین و همکاران، ۱۳۹۶، *دانشنامه اخلاق کاربردی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ؑ.
- شریفی، عنایت‌الله، ۱۳۹۳، *درس نامه اخلاق اسلامی*، قم، معارف.
- شیرازی، سیدمحمدحسینی، ۱۴۲۴ق، *اخلاق اسلامی*، چ هفتم، قم، یاس زهراء.
- شیروانی، علی، ۱۳۷۹، *اخلاق اسلامی*، قم، دارالفکر.
- عزیزی، عباس، ۱۳۸۱، *سیمای اخلاق در آثار علامه حسن زاده*، چ دوم، قم، صلات.
- الغدیر، ۱۴۲۹ق، *کلمات ربانیه فی الاخلاق والعرفان (دروس جلسات اخلاق آیت‌الله رضا بهاء الدینی)*، چ دوم، لبنان، الغدیر.
- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۹۷ق، *اخلاق*، طهران، معارف اسلامی.
- متولی شعراوی، محمد، ۱۴۲۷ق، *مکارم الاخلاق*، بیروت، المكتبة العصرية.
- محدثی، جواد، ۱۳۹۲، *اخلاق اسلامی*، قم، دلیل ما.
- محفوفی، عباس، ۱۳۸۸، *اخلاق اسلامی*، قم، مؤسسه مشهور.

- محمدی، مسلم، ۱۳۹۵، *مقدمه علم/اخلاق*، تهران، سازمان جهاد دانشگاهی.
- محمدی گیلازی، محمد، ۱۳۸۰، *اخلاق اسلامی*، چ دوم، تهران، سایه.
- مشکینی، علی، ۱۳۹۰، *اخلاق اسلامی*، چ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- مصباح، مجتبی، ۱۳۹۰، *بنیاد اخلاق*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۲، *اخلاق در قرآن*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۳، *فلسفه اخلاق*، چ چهارم، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۳، *اخلاق و خودسازی*، چ پنجم، تهران، پیام آزادی.
- _____، ۱۳۹۴، *دانش اخلاق اسلامی*، چ دوم، قم، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکی عاملی، محمدبن جمال الدین، ۱۳۸۲، *اللمعة الدمشقیة*، مصحح حسن قارویی تبریزی، چ چهارم، قم، دارالتفسیر.
- مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۵، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نصرتی، شعبان، ۱۳۹۷، *معنائشناسی قلب در قرآن*، قم، دارالحدیث.
- نیلی پور، مهدی، ۱۳۸۶، *بهشت اخلاق*، چ سوم، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر.
- واقفی‌راد، محمدحسین، ۱۳۷۱، *اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- وطن خواه، حسن، ۱۳۹۶، *مجموعه به سوی او (از خودشناسی تا خدائشناسی و از عبودیت تا ابدیت)*، قم، ائمه علیهم السلام.

روش‌های آموزش اخلاق در یک سده اخیر حوزه علمیه قم*

ابوالفضل احمدی کانسائی / دکترای «اخلاق اسلامی» مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
abahka1346@chaparmail.ir  orcid.org/0009-0008-3162-5595

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

چکیده

روش‌های اخلاقی نقش مهمی در شناخت تفکر اخلاقی دارد. حوزه علمیه قم، به‌ویژه در سده معاصر نقش مهمی در آموزش اخلاق شیعه داشته است. بدین‌روی پاسخ به این سؤال اهمیت دارد که روش‌های آموزش حوزه علمیه قم در این سده چه بوده است؟ مقاله حاضر کوشیده است با «تحلیل و توصیف» در یافتن این روش‌ها به تبیین آنها بپردازد و با روش‌های اصلی و فرعی و جزئی به شواهد و مصادیق آنها اشاره نماید. نتیجه این تحقیق یازده روش متداول در حوزه است که عبارتند از عقلی، عرفانی، نقلی، تلفیقی، مرجعیت، ارائه تجربه، وعظ، ارائه الگو، امر به معروف و نهی از منکر، انذار و تبشیر. با آنکه برخی از آنها از نوع آموزشی- تربیتی هستند، اما به علت نقش مهم این روش‌ها در آموزش اخلاق حوزه، لازم می‌نمود به آنها نیز اشاره شود.

کلیدواژه‌ها: روش‌ها، آموزش، اخلاق، حوزه صد ساله، قم.

شکی نیست که حوزه علمیه قم نقش مهمی در آموزش اخلاق در کشور و حتی فراتر از آن داشته است. مقصود از «حوزه علمیه قم» شخصیت‌های حوزوی و آثار و فعالیت‌های علمی آنان در بازه زمانی ۱۳۴۳-۱۴۴۳ق/ ۱۳۰۱-۱۴۰۱ش است که در تبیین و ترویج اخلاق مؤثر بوده‌اند و مشهور و منتسب به حوزه علمیه قم هستند. این پرسش مطرح است که حوزه علمیه چه روش‌های را برای آموزش اخلاق، به‌ویژه در یک سده اخیر داشته است؟

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. روش‌های کلی و اصلی در آموزش اخلاقی

حوزه علمیه برای آموزش و معرفت‌افزایی اخلاقی جامعه و افراد، از راه‌های کسب معرفت (عقل، شهود و نقل) بهره برده است. اینها را «روش‌های کلی و اصلی در آموزش اخلاقی» می‌نامیم؛ زیرا انسان‌ها با علم حصولی و یا علم حضوری به معرفت می‌رسند. اولی را «معارف عقلی» و دومی را «معارف شهودی» می‌نامند. هر یک از این دو به واسطه نوشته‌ها یا شنیده‌ها به دست ما برسند، ما آنها را «روش نقلی» می‌نامیم. روش‌های «نقلی» شامل گزارش رفتارهای انسان‌ها و پدیده‌ها نیز می‌شود؛ مانند سیره عملی معصومان علیهم‌السلام که می‌تواند حامل معارف باشد.

این روش‌های اصلی با روش‌های فرعی و جزئی تحقق می‌یابد که معمولاً در آموزش معارف توسط روحانیان به کار گرفته شده و در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. به این روش‌های جزئی، گاهی «شیوه»، «فن» و یا «تکنیک» می‌گویند (ر.ک. بهشتی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۶۶؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۷).

حسن این روش‌های جزئی آن است که اولاً، با آنها ساده‌تر می‌توان روش‌های کلی و اصلی را کاربردی کرد و ثانیاً، ممکن است بعد تربیتی و احساسی و انگیزشی نیز داشته باشند. ممکن است این روش‌های فرعی به صورت دیگری لحاظ شوند؛ از جمله حضوری مانند حضور در کلاس درس و مشاهده استاد و یا به صورت کتاب، مقاله، نامه‌نگاری و امثال اینها. در این مقاله به این صورت‌ها بنا به عللی (مانند آشنا بودن مردم به این روش‌ها و از وسع مقاله خارج بودن) اشاره نشد.

روش‌ها ناظر به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی هستند. به این مناسبت در علوم عملی (مانند اخلاق) به راهی که برای رسیدن به هدفی اتخاذ می‌شود «روش» می‌گویند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۴۴۵). ممکن است برای رسیدن به هدفی روش‌های گوناگونی وجود داشته باشد. از این رو، برخی روش‌ها اصلی و برخی فرعی هستند. روش‌های عقلی، عرفانی (شهودی) و نقلی «اصلی» و روش‌هایی مانند مرجعیت، معرفی الگو و وعظ «فرعی» هستند که به نوعی به یک یا چند از روش‌های اصلی بر می‌گردند.

۲-۱. آموزش اخلاق

یاد دادن و فراگیری خوب و بد اخلاقی و شرایط این دو را دانشمندان اخلاق در علم اخلاق جمع کرده‌اند و آنها را بررسی می‌کنند؛ مثلاً آیا عفت، حیا و جدل، خوب و یا بد اخلاقی‌اند؟ و قیده‌ها و شرایط خوب (پسندیده) و بد (ناپسند) آنها کدامند؟ طبعاً آموزش این خوب‌ها و بد‌ها در حوزه، به صورت یکی از روش‌های کلی سه‌گانه و احتمالاً در قالب یکی از روش‌های فرعی و جزئی تحقق می‌یابد.

در حوزه، تنها به بعد یادگیری و جذب دانش اکتفا نمی‌شود. فراتر آنکه سعی می‌شود دانش‌ها و داده‌های جذب شده، در حافظه نگه‌داری و راسخ شوند و فراتر از آن، اینکه داده‌های مزبور پردازش، تحلیل، ترکیب و نقد گردند. اجرای این مراحل آموزش، موجب تعمیق، خلاقیت و تولید دانش‌ها و داده‌ها می‌شود. این مراحل آموزش را می‌توان در سنت‌های منحصر به فرد آموزشی حوزه قم یافت و در این سده، کاملاً مشهود بوده‌اند؛ سنت‌هایی همچون نقادی سخنان استاد، حاشیه زدن به آنها و گفت‌وگو و عرضه دروس فراگرفته و نقد آنها توسط دانشجویان حوزوی که به آن «مباحثه» می‌گویند.

قابل ذکر است که بسیاری از روحانیان بر اساس رسالت پیامبرگونه‌شان و تبلیغ دین و سیره علمای ربانی، فقط بر آن نیستند که خوب و بد اخلاقی (یعنی علم اخلاق) را به دیگران منتقل کنند، بلکه بر آنند که ضمن آموزش جویندگان معارف، انگیزه عمل نیز در آنان پدید آورند؛ چنان که بسیار مشاهده شده که استادان حوزوی قم در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی با انگیزه آموزشی و تربیتی تدریس می‌کنند، ولو این نحوه فعالیت آموزشی برای آنان سود مادی و سابقه علمی نداشته باشد.

بنابراین، به دنبال روش‌هایی هستند که ضمن آموزش اخلاق، تربیت اخلاقی نیز حاصل شود. از این رو مقاله حاضر از روش‌های دوکاربردی نام برده است؛ مانند روش‌های ارائه الگو و خطابه؛ یعنی هر روشی که رنگ آموزشی دارد. ولی ممکن است رنگ تربیتی نیز داشته باشد؛ چنان که بسیاری از فرمایش‌های اخلاقی حضرات معصومان علیهم‌السلام این گونه است.

اصولاً در حوزه سعی می‌شود حتی به برخی دانش‌های ذهنی و عقلی نیز جامعه تربیتی و عملی بپوشانند. همچنین برخی از استادان عرفان برآنند که زمینه درک شهودی فضایل را برای شاگردان فراهم آورند. از این رو، معمولاً فیلسوفان و استادان عرفان نظری حوزه (مانند علامه محمدحسین طباطبائی و محمدتقی جعفری) به گونه‌ای فلسفه و عرفان را آموزش می‌دادند که زندگی خود و شاگردانشان متأثر از این علوم باشد و از اثر تربیتی آنها غافل نبودند.

۳-۱. اخلاق

«اخلاق» اعم از ملکات است و دایره آن را شامل همه رفتارهای اختیاری انسان می‌دانیم. بدین روی رفتارهایی که از صفات پایدار [ملکات نفسانی] و از صفات ناپایدار و حتی از روی تفکر و یا غیر تفکر پدید آمده باشد همه جزو

اخلاق به شمار می‌آید؛ مانند بخیلی که احیاناً بخششی می‌کند و یا کسی که از روی اندیشه و فکر به کاری دست می‌زند (مصباح، ۱۳۸۶ الف)، ص ۱۵).

استفاده از واژه «اخلاق» بدون قید در این مقاله، به معنای ملکات و صفات و رفتارهای شایسته و خوب است. «آموزش اخلاق» یعنی اینکه استاد کاری کند که شاگردش با ملکات و صفات و رفتارهای شایسته آشنا شود. البته استاد روحانی فقط به اینها اکتفا نمی‌کند و برآن است که شاگردش آنها را به دست آورد. در ادامه، ابتدا روش‌های سه‌گانه اصلی را توضیح می‌دهیم و سپس به روش‌های جزئی و فرعی می‌پردازیم که ممکن است به‌عنوان شیوه و فن نیز مطرح شوند:

۲. روش عقلی

اثبات شده است که عقل می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را کشف کند (شریفی، ۱۳۹۱ الف). از این‌رو، استفاده از روش عقلی در آموزش اخلاق کاری مطلوب است. روش عقلی در آموزش اخلاق یعنی: با آموزه‌ها و قواعد عقلی پیامدهای رفتار انسان بر سعادت واقعی او ارزیابی شود تا به آموزه‌های اخلاقی درست و نادرست دست یابیم. در این روش باید ابعاد وجودی انسان، استعدادها و سرانجام و سعادت انسان و راه‌های وصول به آنها را با قوانین عقلی شناخت تا بتوان رفتارهای انسان را ارزیابی کرد. پس رفتارهایی که استعدادهای انسان را شکوفا می‌سازند و به سرانجام نیک نزدیک می‌کنند «رفتارهای خوب» و غیر از اینها «رفتارهای بد» هستند. ارسطو از دانشمندان اخلاقی مشهوری است که کوشیده با تحلیل عقلی ابعاد وجودی و قوای انسان، به ارزیابی صفات و رفتارهای او بپردازد.

این روش برای برخی از حوزویان از این نظر اهمیت دارد که آنان با اقشار غیر متدین و غیر مسلمان و حامیان اخلاق سکولار نیز باید به مباحثه اخلاقی بپردازند و برای تفهیم آموزه‌ها، در این موارد زبان مشترک عقل‌کارایی دارد. حتی برخی از استادان حوزه برای تفهیم آنها، دانستن مباحث اخلاق و فلسفه اخلاق را لازم دانسته‌اند. معمولاً دانشمندان حوزوی با وجود علاقه‌شان به استفاده از این روش در آموزش‌ها، فقط به آن اکتفا نمی‌کرده و از اخلاق دینی و روش نقلی نیز در کنار روش عقلی برای آموزش اخلاق استفاده می‌نموده‌اند. می‌توان از امام خمینی^ع، علامه محمدتقی جعفری^ع، علامه محمدحسین طباطبائی^ع و علامه مصباح یزدی^ع و استاد اخلاق آیت‌الله حسین مظاهری و استاد فلسفه و اخلاق آیت‌الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و آیت‌الله شیخ علی‌پناه اشتهاردی نام برد که از روش عقلی فراوان در آموزش اخلاق بهره می‌بردند؛ زیرا بر آن بودند که برای دفاع از عقاید و اخلاق اسلام، روش فلسفی و عقلی جایگاه مهمی دارند (مصباح، ۱۳۸۶ ب)، ص ۹۷-۱۰۲).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به مباحثی همچون منشأهای اخلاق آدمی و اصول اخلاق فاضله، روش‌های تهذیب نفس (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۵۸ و ۵۶۰ و ۶۷۱) جای نداشتن اخلاق و فضایل اخلاقی در

تمدن غرب، و از هم پاشیدن زندگی اجتماعی بشر بدون فضایل اخلاقی (همان، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۷۷ و ۲۸۵-۲۸۷) پرداخته که بیشتر با روش عقلی آموختنی است.

علامه مصباح^۱ حتی در بیان اخلاق قرآنی و اخلاق روایی، از روش عقلی زیاد بهره برده است. کتاب‌های *اخلاق در قرآن* و *پند جاویدان* و *پندهای امام صادق^ع* از این قبیل هستند. ایشان حتی در بیان شاخص‌های عرفان حقیقی و اخلاق عرفانی از روش عقلی بهره برده، گرچه از موهبت نقل نیز استفاده کرده است (مصباح، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹).

۳. نقل، وحی، الهام، سیره و گفتار معصومان^ع

پیامبران و امامان معصوم^ع برخی از حقایق اخلاقی را با وحی و الهام درمی‌یافتند و محتوای آن را برای مردم نقل می‌کردند و چون برهان عقلی بر صدق گفته‌های آنها بود، نقل آنان تصدیق می‌شد. استادان حوزه قم از این نقل‌ها برای آموزش اخلاق فراوان بهره می‌بردند. در ذیل، به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۳-۱. حاج شیخ عبدالکریم حائری

در آغاز هجرت حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم، درس رسمی اخلاق در حوزه وجود نداشت و ایشان آموزش اخلاق را در برنامه‌های درسی حوزه گنجانده. روش جذابی را در تعلیم مسائل اخلاقی و تربیت طلاب در پیش گرفته بود؛ دستور داده بود که یکی از شاگردان، شیخ ابراهیم صاحب الزمانی هر روز پیش از درس کلماتی از نهج‌البلاغه مولی‌امیرالمؤمنین^ع بخواند. این روش بسیار اثرگذار بود و اندرزهای حضرت، آن هم با آن حالتی که حاج شیخ برنامه‌ریزی کرده بود، به گوش طلاب برسد. سخت دگرگون می‌کرد و در قلب‌ها شور می‌آفرید (وبگاه حوزه علمیه تبیان).

۳-۲. علامه حسن حسن‌زاده آملی

علامه حسن حسن‌زاده آملی^ع برای اثبات خوب و بد اخلاقی به نقل استناد می‌کند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۵):

همان‌طور که فضول طعام ممیت قلب است، فضول کلام نیز از قلب قاسی برخیزد. از رسول الله^ص روایت است که «لا تكثروا الكلام بغیر ذکر الله؛ فان كثرة الكلام بغیر ذکر الله قسو القلب. ان ابعاد الناس من الله القلب القاسی» (نوری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۸۵). و «محاسبیت نفس» که امام کاظم^ع فرمود: «لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم؛ فان عمل حسناً استزاد الله و ان عمل سیئاً استغفر الله تعالی منه و تاب الیه» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۹۵). و «مراقبت» و این مطلب عمده است. قال الله تعالی: «و کان الله علی کل شیء رقیباً» (احزاب: ۵۳). و قال النبی^ص لبعض أصحابه: «اعبد الله کأنک تراه، فان لم تکن تراه فهو یراک» (دبلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۸).

۴. روش عرفانی

استاد شاگرد را به تهذیب نفس و کسب مقدمات تحصیل علم حضوری تشویق کند و وی را به درک عمیق و

شهودی برخی از صفات و آثار آنها یاری نماید؛ مثلاً، کمک کند که شاگرد آثار کذب را درون خود درک دریابد. از این رو، روش‌های آموزش اخلاقی عرفانی شکل‌های منحصر به فردی دارد؛ مانند: روش تمرکز، تذکر، موازنه، نفی خواطر، تصفیة ذهن، زهد، محبت، عزلت، سکوت، تحمل سختی، گرسنگی و شب‌بیداری (حبیبی، ۱۳۹۶، ص ۳۴۴-۳۷۳).

محتوای برخی از این روش‌ها خاستگاه صوفیانه دارد و برگرفته از عرفان‌های هندویی و دروغین است. اساس این محتواها بر عزلت، انزوا، زهد منفی، نادیده گرفتن احکام شریعت، مرتاض‌گویی، ترک اخلاق اجتماعی و مخالف با فطرت است. روحانیان شیعه (مانند علامه طباطبائی و علامه مصباح یزدی) این روش‌ها را التقاطی و منحرفانه دانسته‌اند و با دلایل عقلی و نقلی و پیروی از سیره معصومان علیهم‌السلام که پرچم مخالفت با این روش‌ها را برافراشتند، این روش‌ها را نادرست می‌دانستند (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۷۵ و ۱۵۹-۱۷۴).

روحانیان شیعه در قم به شاخصه‌های عرفان حقیقی اهتمام داشتند. از این رو، روش‌های عرفانی را در آموزش اخلاق قبول داشتند که دارای این شرایط باشند:

۱. مخالفتی با عقل و هدف غایی زندگی (قرب الهی) و شریعت نداشته باشند.

۲. با فطرت انسانی هماهنگی داشته باشند.

۳. به تمام ابعاد زندگی انسان توجه داشته باشند. (شریفی، ۱۳۹۱ (ب)، ص ۱۰-۸۹).

به‌کارگیری روش عرفانی برای استادان و شاگردان خاص بوده؛ زیرا درک شهودی آموزه‌های اخلاقی و بیان آن از توانایی عموم خارج است؛ چنان که علامه طباطبائی علیه‌السلام برای شاگردانی همچون علامه جوادی آملی و حسن‌زاده آملی جلسات خصوصی داشت. درس اخلاق میرزا جواد آقا ملکی تبریزی هم بر دو قسم بود: درسی که در منزل ایشان تشکیل می‌شد و مختص تعدادی از شاگردان خاص ایشان بود؛ و درسی که در «مدرسه فیضیه» قم برای عموم مردم می‌گفت (مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶۳).

اسنادی موجود است که تعدادی از بزرگان حوزه به شاگردان خصوصی خود، دستورالعمل‌های عرفانی- اخلاقی ارائه می‌دادند؛ استادانی مانند میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، محمدتقی بهجت، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، سیدمحمدحسین طباطبائی (ر.ک. امیری، ۱۳۸۰، ص ۳۴، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۳۵).

بیانات عرفانی آیت‌الله بهجت علیه‌السلام در فضایل و ردایب اخلاقی تأثیر مهمی در فهم آنها داشت. برای نمونه، ایشان درباره اخلاق نمازگزار و برای پی بردن مردم به لطایف فضیلت نماز که در حوزه اخلاقی الهی و بندگی است، اینچنین گفته است:

نماز به منزله کعبه، و تکبیره الاحرام پشت سرانداختن همه چیز غیر خدا و داخل شدن در حرم الهی است، و قیام به منزله صحبت دو دوست، و رکوع خم شدن عبد در مقابل آقاست، و سجده نهایت خضوع و خاک شدن در مقابل اوست. وقتی عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی بازمی‌گردد اولین چیزی که سوغات می‌آورد سلامی از ناحیه اوست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

دو کتاب **سر الصلاة** و **آداب الصلاة امام خمینی** ❖ از این قبیل هستند. **امام خمینی** ❖ در این دو کتاب، برای بیان اخلاق از روش‌های عرفانی استفاده برده، گرچه نام **آداب الصلاة** است. **آداب الصلاة** شرحی مبسوط بر آداب و اسرار معنوی نماز و سرشار از نکات اخلاقی و عرفانی (به زبان فارسی) است. ایشان در ابتدای کتاب نوشته است: پیش از این، رساله‌های فراهم آوردم ... و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست، در نظر گرفتم که شطری از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلک تحریر درآورم. (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ص ۴).

۵. روش تلفیقی

بسیاری از حوزویان قمی در گفتار و کتاب‌هایشان، از ظرفیت‌های سه روش اصلی (عقلی، عرفانی و نقلی) برای آموزش اخلاق بهره برده‌اند. هرچند گاهی توجه به یکی از این روش‌ها برایشان اصالت داشته است؛ مثلاً، گاهی استفاده از روش عقلی در آموزش آنها غلظت بیشتری داشته است. ایشان احتمالاً اختلاف مشخصی میان پیام قرآن و عرفان و برهان نمی‌دیدند، بلکه رهاورد عقل و وحی و شهود را سازگار تلقی می‌کردند. از این رو، کوشش می‌کردند تا آموزه‌های وحیانی، گزاره‌های فلسفی و معارف عرفانی را به مدد یکدیگر فراخوانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۵۸) این کوشش را می‌توان در کتاب‌هایی مانند **چهل حدیث امام خمینی** ❖ و **خودسازی آیت‌الله ابراهیم امینی** و سخنرانی‌های واعظ مشهور **محمدتقی فلسفی** مشاهده کرد.

با مراجعه به فهرست مباحث اخلاقی در آثارشان، به کارگیری روش «تلفیقی» در فهم اخلاق و اهداف آن و راه‌های رسیدن به آن به دست می‌آید؛ مباحثی مانند مباحث روح انسانی و حیوانی، قلب در قرآن، راه‌های تشخیص بیماری نفس، حقیقت دنیا، معنای قرب الهی، استناد به فرمایش‌های حضرات معصوم ❖ و دستورالعمل‌های امثال **میرزا جواد آقا ملکی تبریزی** (امینی، ۱۳۷۳، فهرست کتاب).

از میان علمای قم که از روش «تلفیقی» در آموزش اخلاق استفاده کرده‌اند، می‌توان از **آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی** ❖ نام برد. ایشان این روش را در کتاب **نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی** به کار برده است. در این کتاب، مباحثی همچون معرفت نفس، یقظه، خداآگاهی، و سیر در آفاق و انفس که اساس آنها علم حضوری است و در اثبات برخی موضوعات اخلاقی مؤثر است، آمده و همچنین به برخی موضوعات اخلاقی مانند نظم و توکل با توجه به گواهی‌های عقل و نقل اشاره شده است.

۶. مرجعیت و تقلیدهای آگاهانه و خردمندانه

«مرجعیت» یکی از روش‌های معرفت‌یابی و آموزش است. مقصود ما منحصر در مرجعیت فقها نیست، گرچه شامل آن نیز هست. اگر کسی در زمینه‌ای تخصص داشته باشد و ما با اعتماد به تخصص وی معرفتی پیدا کنیم او را به مرجعیت برگزیده‌ایم، گرچه دلیل آن معرفت را ندانیم (مصباح و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۳)؛ مانند اینکه برای ساختن و معماری خانه، به سخنان یک معمار باتجربه و خیرخواه، اعتماد می‌کنیم و سخنان وی بر آموزش ما در معماری خانه می‌افزاید، گرچه ما درباره آموزه معماری خاصی، دلایل عقلی و نقلی و تجربی وی را ندانیم.

ممکن است استادان برای آموزش اخلاقی از «مرجعیت اخلاقی» دیگران بهره ببرند؛ مانند نقل اخلاق از معصومان علیهم السلام. این مرجعیت باید بر اساس مبانی درست باشد؛ مانند تأثیر عصمت و حکمت معصومان علیهم السلام در انطباق داشتن سخنان و سیره آنان بر واقعیت. همچنین باید یقین وجود داشته باشد که سخنان منقول از آن مرجع است. در این صورت سخنان آنان را تعبداً به مثابه یک علم می‌پذیریم و این تعبد، تقلید کورکورانه نیست؛ زیرا بر اساس عقل، این تعبد حاوی حقایقی از مصالح عالی بشری است. پس تعبد به رفتاری که از جانب امام معصوم علیه السلام معرفی شده، یعنی شناخت ما نسبت به یک رفتار خوب. با این شرایط می‌توان برای آموزش اخلاق از روش «مرجعیت اخلاقی» بهره برد (ر.ک: خواص، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

گاهی برخی از فتواهای مراجع تقلید، جنبه آموزشی- اخلاقی دارد و موجب ژرف‌نگری در بعدی از اخلاق می‌شود؛ زیرا فرد، خوب اخلاقی و شاید شرایط دقیق آن خوب اخلاقی را از یک فتوا استنباط کند. برای نمونه، شیخ محمدتقی بهلول با مرجع تقلید حاج سیدابوالحسن اصفهانی ملاقات داشت. سید از او پرسید: از چه کسی تقلید می‌کنی؟ گفت: از شما. سید گفت:

به فتوای من، امروز درس خارج خواندن و برای اجتهاد کوشش کردن، برای تو حرام است و منبر رفتن و سخن گفتن و بر خلاف مقرراتی که رضاشاه بهلولی در ایران بر ضد قرآن اجرا می‌کند، واجب عینی است، و هر کس به طرفداری از شما کشته شود، شهید است؛ ولی تا ممکن است سعی کنی با ملایمت بر دشمن غالب شوی و کار به جنگ و خونریزی نکشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۸۵). این فتوا، شیخ بهلول و امثال آن را آموزش می‌دهد که اخلاق مقاومت ملایم در برابر فرهنگ و قوانین طاغوتی برای امثال شیخ بهلول بسی لازم‌تر از اخلاق تحصیل است.

در فتوای امام خمینی علیه السلام بر اعدام سلمان رشدی، مردم بیش اخلاقی جدیدی در برخورد با هتاکان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پیدا کردند که باید با امثال سلمان رشدی که از طرف دستگاه‌های رسانه‌ای و امنیتی معاندان اسلام پشتیبانی می‌شود و یک جریان حساب شده است، چه برخوردی داشته باشند.

فتوای امام خمینی علیه السلام در حرام بودن اصل مسلم «تقیه» در موردی خاص نیز شاهدهی بر این مدعاست. در پی حمله عمال رژیم بهلولی به «مدرسه فیضیه» در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ / آیت‌الله خمینی در پاسخ به تلگراف روحانیان تهران اعلامیه‌ای صادر نمود که با عنوان «شاهدوستی یعنی: غارتگری» شهرت یافت. در آن اعلامیه، ایشان با صراحت تمام، حمله مأموران نظامی با لباس مبدل به مرکز روحانیت را محکوم کردند و یادآور حمله مغول دانستند و چنین نوشتند:

اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب، ولو بلغ ما بلغ (مرادخانی و محسن‌زاده ۱۳۹۰).

این اظهار نظر فتواگونه موجب شد که تعامل روحانیت با حکومت‌های جور بر اساس اصل «تقیه»، با حمله حکومت به حریم روحانیت از بین برود و همچنین رفتارهای افشاگرانه مردم و قشر آگاه جامعه با معضلات حکومتی

شدت گیرد. و از این قسم است: حکم به حرمت قمه‌زنی و استفاده از تنباکو که به مردم می‌آموزد از رفتارهای تقلیدی جاهلانه و وهن مذهب و اقتصاد مسلمان بپرهیزند.

لازم به ذکر است که برخورداری از «مرجعیت اخلاقی» که مرجعیت فقها، مصداقی از آن است، شرایطی دقیق دارد که می‌توان آنها را در شرایط ولیّ فقیه و مرجع تقلید جست‌وجو کرد. از این رو/امام خمینی^{علیه السلام} برای صدور این گونه فتواها شرط مهمی را ذکر کرده است:

خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان درصدد تحقیق فقه عملی اسلام برآییم، و آلا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینهٔ علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همهٔ مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که «اجتهاد مصطلح» برای اداره جامعه کافی نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

شرط شجاعت، تیزی و درک حيله‌های دشمنان و مشکلات جامعه از شروط این مرجعیت اخلاقی و صدور آن گونه فتواهاست. به گونه‌ای که «اجتهاد مصطلح» را برای آن را کافی نمی‌داند؛ اجتهادی که بدون طهارت و شجاعت و بدون شناخت زمان، جامعه و دشمنان باشد.

ترس/امام خمینی^{علیه السلام} از فقدان شرایط این مرجعیت آن بود که فتوا دهند تا انحرافی در فتواهای مورد بحث ما به وجود آورند.

روحانیون! ترس من این است که تحلیلگران امروز ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند. پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و اسلام و مکتب بگذریم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۷۳-۲۹۳).

فتوای اعدام سلمان رشدی و این بیانات/امام خمینی^{علیه السلام} بین «اخلاق تساهل و تسامح» در اسلام را با اخلاق تساهل در مکتب‌های دیگر فرق می‌گذارد. این بیانات تساهل بر اساس مکتب‌های دیگر را مردود می‌داند تا بدخواهان آن را به‌عنوان تساهل در مکتب اسلام معرفی نکنند.

۷. ارائه تجربه

تجربه حاصل استدلال‌های عقلی است (مصباح و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۴)؛ پس شاخه‌ای از روش عقلی است. استاد تجربیات اخلاقی خود را در اختیار شاگرد می‌گذارد یا زمینه تجربهٔ آن را در وی فراهم می‌کند. برای نمونه:

آشیخ عبدالکریم حائری گاه از دوران طلبگی‌اش در سامراء خاطراتی تلخ و شیرین را بیان می‌کرد. از دوران سختی را که طلاب گذراندند و در برابر سختی‌ها مقاومت ورزیدند و خداوند هم درهای دانش را به روی آنان گشود (صادقی فدکی، ۱۳۸۲، ص ۴).

اینکه نتیجهٔ صبر در سختی‌های طلبگی، گشودن درهای دانش به قلب طلبه می‌شود، تجربهٔ یک رفتار است

که استاد به شاگردان منتقل می‌کند و دور از ذهن نیست که بزرگان حوزوی «تجربه دینی» را که شامل اخلاق دینی نیز هست، داشته‌اند و این روش شهودی دیگری است (خواص، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

نمونه‌ای دیگر سخنان علامه *آیت‌الله مصباح* درباره اخلاق ولایت‌پذیری است. بیان ایشان شامل تجربه، علم حصولی و شاید علم حضوری باشد.

چیزی که من در عمر هشتاد ساله‌ام تجربه کردم و روز به روز بیشتر مطمئن شدم و باور کردم در این نظام، اطاعت از رهبری است. من بیشتر از هفتاد سال است که با کتاب و سنت آشنا هستم. در طول تاریخ اسلام، ما بعد از رهبری ائمه اطهار، رهبری به این جامعیت نداشتیم... (وبگاه راسخون).

ایشان اظهار داشته است که یکی از تجربه‌هایش در طول عمرش، خوب بودن پیروی از رهبری است. علاوه بر آن، این خوب بودن را از علوم دیگر مانند علوم کتاب و سنت فهمیده است و شاید بتوان از سخن ایشان درباره باور کردن و مطمئن شدن به این خوب، چنین دریافت که ایشان به علم حضوری این خوبی را یافته است

۸. وعظ و خطابه و منبر

«وعظ» و «منبر» روشی فرعی و جزئی است. این روش آن‌گاه که یکی از معقولات، منقولات و مشهودات را آموزش دهد فرعی از آن روش‌های اصلی به شمار می‌آید. ولی غالباً همزمان همه آنها را آموزش می‌دهد؛ یعنی در یک وعظ و منبر غالباً هر سه آنها یافت می‌شود. در این حالت بهتر است آن را شاخه‌ای از «روش تلفیقی» بدانیم. گرچه بیشتر سعی می‌شود به آموزش مشهودات به علت مشکلات آموزشی آن پرداخته نشود. اهداف وعظ و منبر آگاه کردن مخاطب از عواقب ناخوشانید عمل، یادآوری و ارشاد است. پس «وعظ» روش آموزشی و پرورشی است (داودی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۹۱).

وعظ نقش مهمی در انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی و بیان موضع دین در مسائل مستحدثه به مردم دارد، به‌ویژه در دهه‌های نخستین این سده که خبری از رسانه‌های پیشرفته نبود. این انتقال و بیان بیشتر توسط روحانیان با ابزار وعظ و خطابه میسر بود؛ زیرا خطابه و وعظ هنری بسیار ظریف و غنی است و روحانیان از همان شروع طلبگی، به آن اهتمام داشته‌اند. از این‌رو، تلاش هنرمندان و واعظان پارسا از جمله علل اهتمام ایرانیان به مسائل اخلاقی در ایران اسلامی است (نیکوبرش، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸-۱۱۱) و نقش واعظانی همچون شیخ/احمد کافی و محمدتقی فلسفی در روشنگری عقیدتی و اخلاقی مردم پوشیده نیست.

در اوایل این سده، وعظ و منبر روحانیان به قدری در تبیین و هدایت و تهییج افکار عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر بود که *رضاشاه* برای خنثا کردن و به انحراف کشیدن تلاش‌های آنان، دستور تأسیس «مؤسسه وعظ و خطابه» را صادر کرد و هیأت دولت در ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ «برای تربیت اکابر و روشن ساختن اذهان عمومی و هدایت افکار طبقه جوان و دانش‌آموزان کشور و آشنا ساختن عامه به اوضاع عصر جدید مؤسسه وعظ و خطابه را به تصویب رسانید».

روحانیان از این اقدام رژیم استقبال نکردند و رژیم رضاشاه طی نامه‌ای به سرپاس مختاری و به شهربانی دستور داد که جلوی وعظی را که در این مؤسسه برای تحصیل شرکت کرده‌اند، بگیرند و آنان را از پوشیدن لباس روحانیت منع کنند (همان).

منبرهای روحانیان که به صورت کتاب درآمده فراوان است؛ مانند کتاب‌های *تربیت فرزند و اخلاق خانواده* از آیت‌الله حسین مظاهری؛ *گفتارهای معنوی و ده گفتار از شهید مرتضی مطهری*؛ و برخی کتاب‌های واعظ مشهور محمدتقی فلسفی مانند *کودک از نظر وراثت و تربیت* که به برکت بیان‌های ساده این بزرگان و تنوع روش‌ها، برای مخاطب دارای جذابیت و اثر آموزشی و تربیتی بالاست.

منبرهای روحانیان دو ویژگی مهم دارد:

۱. تبیین معارف دین و اخلاق؛

۲. برانگیختن عواطف مخاطبان نسبت به خدا و اولیاء الله و ارزش‌های اخلاقی (وبگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره خطابه، ۱۳۷۳).

نتیجه این دو، ایمان به خدا و اولیاء الله و ارزش‌های اخلاقی است. پس وعظ و منبر روحانیان، هم موجب آشنایی و آموزش اخلاق به مردم می‌شود و هم قابلیت آن را دارد که مردم را به آموزه‌های اخلاقی وادارد. به عبارت دیگر، هم جنبه آموزشی داشت و هم تربیتی.

با توجه به مطالب مزبور، حاج‌شیخ عبدالکریم حائری چون این مهم را به خوبی می‌دانست، از منبری‌های افراد پارسا دعوت می‌کرد تا برای طلاب حوزه علمیه قم و مردم منبر بروند. از جمله این واعظان پارسا و اهل دل و اثرگذار در نفس‌های آماده، میرزا علی آقا شیرازی بود (وبگاه حوزه علمیه تبیان).

برای نمونه، بیانات شهید مطهری^ع برای آموزش و تبیین ولایت‌پذیری و رفع شبهات آن اهمیت دارد. ایشان در جایی می‌گوید:

فرمود: «من کنت مولا فلهذا علی مولا»؛ آنکه من مولای او هستم، این علی (که من دست او را بلند کرده‌ام) مولای اوست. بگذریم از اینکه در قرآن هم آیه‌ای هست که این کلمه در آن به کار رفته و در تفسیر آن وارد شده که مقصود علی^ع است؛ آنجا که می‌فرماید: «فان الله هو مولا و جبریل و صالح المؤمنین» (تحریم: ۴). ولی این جمله‌ای که عرض کردم نص صریح رسول اکرم^ص است. کلمه «مولا» یعنی چه؟ امشب نمی‌خواهم درباره کلمه «مولا» زیاد صحبت کنم. همین قدر اجمالاً عرض می‌کنم که مفهوم اصلی این کلمه «قرب» و «دنو» است. در مورد دو چیز که پهلوی یکدیگر و متصل به یکدیگر باشند، کلمه «ولاء» یا «ولی» یا کلمه «مولا» به کار برده می‌شود و لهذا غالباً در دو معنای متضاد به کار می‌رود... یکی از معانی کلمه «مولا» که مقصودم همین است، «معتق» یعنی: آزادکننده است. به کسی که آزاد می‌شود «معتق» می‌گویند... اینکه رسول اکرم^ص فرمود: «من کنت مولا فلهذا علی مولا» مقصود چیست؟ مقصود کدام یک از معانی مولاست؟... ملای رومی همین حدیث را در مثنوی آورده و یک ذوقی به خرج داده است و از کلمه «مولا» معنی «معتق» یعنی آزادی‌بخش را گرفته است (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۶ و ۷).

۹. ارائه الگو و مواظبت از الگو بودن خود

روحانیان با ارائه الگو و مواظبت از الگو بودن خود، سیمای فضایل را به مردم آموزش می‌دهند. ارائه الگو می‌تواند با بیان شایستگی‌های لازم برای نبوت و امامت، فضایل اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، بزرگداشت یاد آنان و زیارت ایشان و تبیین شخصیت‌های رهرو واقعی آنان باشد.

مهم‌ترین فواید به کارگیری این روش با اوصاف فوق، عبارت است از: آشنایی مردم با معارف دین، فضایل اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، تاریخ زندگی آنان، اهداف و راه و رسم زندگی ایشان. علاوه بر آن، روش مزبور احساسات مردم را به ارزش‌ها و فضایل راستین اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} برمی‌انگیزد (داودی، ۱۳۹۳، ص ۷۷-۸۲).

ارائه الگوهای مناسب علاوه بر آنکه احساسات مردم را به الگو برمی‌انگیزد، چشم آنان را به حقایق ناب و دست‌یافتنی دین باز می‌کند تا دریابند که این حقایق انتزاعی و غیرقابل دسترس نیست (قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷).

بنابراین، ارائه الگو، هم روش انگیزشی و هم آموزشی و بلکه حتی بینشی است. اما اینکه از نوع روش‌های انگیزشی است؛ زیرا الگوها برای مردم، بعد عینیت‌یافته مکتب اسلام و تجسم آرمان‌های آن هستند. بنابراین، رشدیافتگان، راه‌یافتگان و فضیلت‌مندان آن مکتب الگوهایی برای آنان به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، چون بشر انسان‌های کامل و دارای فضیلت را دوست دارد، الگوها را نیز دوست دارد و به این علت از آنان متأثر می‌شود. پس شخص به همانندسازی با ویژگی‌های مثبت آنان تشویق می‌شود. اما شاید بعد شناخت‌افزایی الگودهی قوی‌تر باشد؛ زیرا موجب می‌شود در داستان‌ها و وقایع زندگی الگو دقت کنند و به سرعت آموزه‌های زندگی و ظرافت‌های آن را دریابند. پس از این نظر روش «الگودهی» روشی آموزشی است.

از جمله مهم‌ترین لوازم رسالت‌های روحانیت، ارائه الگو از آموزه‌های قرآنی، سیره نبی اعظم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و اولیاء الله است. از این‌رو، روحانیان اصیل در الگو قرار دادن آنها سعی وافر کرده و کوشیده‌اند تا عمل خودشان نیز الگو و نسخه‌ای از اعمال اولیاء الله باشد. به بیان دیگر، روحانیت اصیل بنا بر رسالت پیامبرگونه خود، پیوسته اسلام اصیل را تبیین می‌کند. بهترین راه برای این تبیین، ارائه عینی اسلام، یعنی ارائه الگوست. برای این مهم، در درجه اول به بیان الگوهای اصیل؛ مانند رفتارهای معصومان^{علیهم‌السلام} و ابعاد شخصیتی آنان می‌پردازد و در درجه بعد، رفتار خود را ارائه می‌دهد تا این الگوی حاضر نیز اثر تبیینی داشته باشد.

روحانیت برای این مهم همچنین سعی کرده گفتارش با رفتارش هماهنگ باشد و هر چه را تذکر می‌دهد خود قبلاً به آن عمل کرده باشد. با این هماهنگی است که الگو بودنش اثر عمیقی در تعلیم و تربیت اخلاقی افراد گذاشته است؛ یعنی صداقت روحانیت موجب شده است روحانیت آموزگار موفق در اخلاق باشد.

روحانیان اصیل در این سده، همیشه بر آن بوده‌اند که رفتارشان موجب بدبینی به اسلام نباشد؛ زیرا برخی از مردم که درک درستی از اسلام ندارند رفتار بد آنان را ناشی از آموزه‌های اسلام می‌دانند، یا رفتار آنان بهانه‌ای برای سوء استفاده از بدخواهان مسلمانان می‌شود. از این‌رو، روحانیت کوشیده است الگوی مثبتی برای معرفی دین پیامبر

اعظم علیه السلام باشد.

امام خامنه‌ای برای تمییز «اخلاق مدیریت الهی» از اخلاق مدیریت انحرافی، الگوی شهید سلیمانی را با عنوان «مکتب شهید سلیمانی» مطرح نمود:

«اگر بخواهیم آن چیزی را که اسمش را می‌گذاریم «مکتب سلیمانی»، در یکی دو جمله کوتاه تبیین کنیم، باید بگوییم: این مکتب عبارت است از: «صدق» و «اخلاص» (وبگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰).

«مکتب سلیمانی» یعنی: کارها و رفتار سلیمانی از مبانی درست برخاسته است. پس شایستگی الگو شدن را دارد. این معرفی الگو توسط رهبری موجب شد مردم با شاخص‌های اخلاق بد مسئولان فاسد آشنا شوند و اخلاق آنان را به حساب نظام و اسلام نگذارند و بفهمند هر اخلاقی بر طریقت سلیمانی است امضای رهبری دارد. ارائه الگوهای علم و عمل از جانب آیت‌الله بهجت علیه السلام انسان‌های جوانی کمال را به قدری در دانستن شخصیت ایشان کنجکاو و حریص می‌کرد که سرانجام لطایف مکارم اخلاق را از ایشان استنباط می‌نمودند. ایشان مکرر تأکید داشت که زندگی علمای سلف به‌منزله کتاب معتبر اخلاقی است و هر کس طالب تهذیب و ترقی در امور معنوی است و می‌خواهد از عمر خود استفاده کند، شایسته است به شرح احوال آنان نگاه کند (رخشاد، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ج ۲، ص ۹). از این رو فرمود:

وقتی احوال سلف را ملاحظه می‌کنیم، خیلی از وضع و حال خود خجل می‌شویم؛ زیرا می‌بینیم آنان با سن و سال کمتر، به مقاماتی رسیدند که قابل بیان نیست. علت عمده آن، این است که آنها در مقام علم و عمل فوق العاده بودند. کجا رفتند آن فوق العاده‌ها؟! که یکی از آنان هم پیدا نمی‌شود. استاد ما (شیخ محمدکاظم شیرازی) می‌فرمود: آقامیرزا محمدتقی شیرازی فوق العاده بود (همان، ج ۲، ص ۹۰).

شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ق) آینه تمام‌نمای اخلاق اسلامی به شمار می‌رفت. هیچ رفتاری از ایشان دیده نمی‌شد که مطابق با حدیث و یا روایت نباشد. حتی بر غذا خوردن و خوابیدن او حدیث حاکم بود. این‌گونه زندگی از او فردی مقدس ساخته بود. مقدس قمی تا به آنجا بود که نام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را بی‌وضو بر زبان راندن خلاف ادب می‌دانست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۲).

روشن است که شیخ عباس قمی با این الگوی آسمانی و آینه‌بودنش بازتاب سیره معصومان علیهم السلام بود و مردم با اعتماد به آینه‌بودنش، از ایشان، فهم جدیدی از اخلاق و آداب محمدی صلی الله علیه و آله را فرامی‌گرفتند.

درباره آیت‌الله حسین مظاهری نقل شده است که ایشان هر دستور و تذکر اخلاقی، مدیریتی و اجرایی می‌دهند قبلاً خود بدان عمل می‌کردند. درس اخلاق ایشان از این جهت دلنشین است که خود قبلاً بدان عمل کرده است. از جمله ابعاد صداقت ایشان که در کار اجرایی مشاهده می‌شود، این است که هنگام انجام نشدن کاری، فارغ از شعار و توجیه، عین واقعیت را - هر چه هست - بیان می‌کند و این نکته را به اطرافیان خود عملاً آموزش می‌دهد. رفتار عملی استاد در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش برای ما درس بوده و همیشه سرلوحه زندگی‌مان است. شاگردان، ایشان را در نوع خود یگانه می‌دانند؛ زیرا آیت‌الله العظمی مظاهری هم دیندار است و هم دلسوز به دین و با قلم و

رفتار برای همه ما الگوسازی می‌کند (طیبیان، ۱۳۹۱، ص ۳۶ و ۳۹).

۱۰. امر به معروف و نهی منکر برای تخلفات اخلاقی جامعه و حاکمان

یکی از وظایف روحانیان امر به معروف و نهی منکر است. گرچه فهم نخستین از فریضه مزبور این است که فقط جنبه‌های دعوتی، تذکری، عاطفی، بازدارندگی و نظارتی دارد، ولی چنین نیست. این فریضه با داشتن قوانین دقیق و ظریف، مانند آنچه در شرایط و مراحل و استثنائات این فریضه ذکر کرده‌اند، بیش از یک تذکر و یادآوری و انذار است و گاهی جنبه تبیینی و آموزشی پرارزشی نیز دارد. از این رو امر و نهی باید از معروف و منکر آگاهی کافی داشته باشد که در صورت لزوم، با بیان ساده، نرم و دلسوزانه آن دو و پیامدهای آنها را برای مخاطب توضیح دهد؛ زیرا بسیاری از گنه‌کاران معاند و لجباز نیستند، بلکه با ناآگاهی مرتکب خطا می‌شوند و با تبیین و آگاهی، از خطا پرهیز می‌کنند.

گاهی شخص معروف و منکر را درست نفهمیده است؛ مثلاً اجمال آنها را می‌داند. یا اینکه آن دو را خوب می‌داند، ولی بنا به عللی (مانند غفلت، لجبختی و تعصب) تارک معروف و عامل منکر است. در حالت اول باید به شخص، تبیین درست معروف و منکر ارائه گردد و در حالت دوم باید به شخص تذکر داده شود و آثار لجبختی و تعصبش را باید برشمرد و برایش تبیین کرد. تبیین در دومی می‌تواند برای این علت نیز باشد که چه بسا اطرافیان او از حدود رفتار ناهنجار خاطی آگاه شوند و به شبهاتی درباره معروف و منکری که از رفتارهای خاطیان به‌وجود آمده است، مبتلا نشوند. روشن است که در دو حالت این فریضه، نوعی آموزش اخلاقی وجود دارد؛ زیرا ارائه بیان از ماهیت، حدود و آثار معروف و منکر برای مخاطب و یا اطرفیانش نوعی آموزش اخلاق است.

فریضه امر به معروف و نهی منکر به اندازه‌ای در آگاهی اخلاقی و بازدارندگی از ردایل در جامعه اهمیت داشت که رضاخان را که پرچم ضدیت علیه اخلاق دینی را برافراشته بود، واداشت اعلامیه‌ای منتشر کند و در آن اقدام به امر به معروف و نهی منکر را قلعین سازد و در اول شهریور ۱۳۰۶ اعلام نماید: «چون این مسئله مخالف آزادی‌های مردم است، متخلفین از آن دستور به شدت مجازات و تنبیه خواهند شد» (روزنامه/اطلاعات، ۱/۶/۱۳۰۶) و البته هدف حکومت وی از این حکم، محدود ساختن قدرت نفوذ و تأثیرگذاری فرهنگی و اخلاقی روحانیان بود (نیکوبرش، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵).

پس از این اعلامیه، مجاهد شهید شیخ محمدتقی بافقی به مخالف با آن پرداخت و ایراد کرد که این فریضه بر همگان و به‌ویژه بر علما و طلاب واجب است و دولت و مأمورانش چون دانش به موارد و کیفیت آن را ندارند شایسته اجرای آن نیستند و با خروش مردم این حکم دولت ملغاً شد (همان، ص ۱۹۶).

انجام این فریضه از طرف فرهیختگانی همچون آیت‌الله بافقی، آیت‌الله حائری و آیت‌الله مدرّس چارچوب فضایی همچون حجاب و برائت از کافران را حفظ می‌کند و ذهن مردم را نسبت به آنها شفاف می‌کند و گاهی از

شبهات آنها پاک می‌نماید.

برای مثال، تفهیم می‌کند که حجاب فضیلتی نیست که با عنوانی همچون «وابستگی به دربار» و «تجدد» نقض شود. از این رو، روحانیان ربانی این فریضه را درباره خانواده رضاشاه قلدر نیز انجام می‌دهند. خانواده او در سال ۱۳۰۷ به حرم حضرت معصومه علیها السلام آمدند و در یکی از غرفه‌های طبقه بالا، بی‌حجاب، به تماشای مردم ایستاده بودند. خبر به شیخ محمدتقی بافق‌ی رسید. ایشان به خانواده دربار پیغامی خردمندانه و اندرزگونه داد، ولی بی‌اثر بود. تا اینکه خود شیخ شخصاً به حرم آمد و از آنان خواست تا با حجاب از حرم خارج شوند.

این عمل وی موجب کتک خوردن و حبس وی توسط عوامل رضاشاه شد. پس از انجام این فریضه توسط شیخ محمدتقی بافق‌ی، *آیة‌الله حائری* نیز با تلگرافی به رضاخان، خشم خود را به عملکردهای خلاف شرع او ابراز کرد (علی‌لو و نورالدین، ۱۳۸۸، ص ۶۱).

۱۱. روش تبشیر و انذار

حوزویان از «تبشیر» و «انذار» در وعظ و تلاش‌های علمی خود بهره می‌برند. این دو روش در فهم و اجتهاد اخلاقی مؤثر است. «تبشیر» بشارت دادن به عطایایی است که پس از بر دوش گرفتن تکالیف به کسی ارزانی خواهد شد و معطوف به آینده و مظهری از رحمت الهی است. پذیرش تبشیر مستلزم فهم تکالیف اخلاقی است. از این رو، تبشیر در بالا بردن فهم اخلاقی مؤثر است.

«انذار» به معنای آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌نماید و مایه زجر و عذاب او خواهد بود. خداوند بر اساس عدلش، باید پیش از وقوع مجازات، پیامدهای عقاید و ملکات و رفتارهای آدمی را به انسان اطلاع دهد؛ زیرا کسی حقیقتاً قابل مجازات است که عالماً و عامداً اقدام به تخطی کند. از این رو، روحانیان باید با آگاهی کافی که از اعمال انسان‌ها و پیامدهای آنها دارند، خود و دیگران را از آن پیامدها برحذر دارند. (باقری، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱ و ص ۱۸۷-۱۸۹).

وقتی روحانیان پیامدهای گناهان را برمی‌شمارند، مرزهای هنجارها و ناهنجارها را آموزش می‌دهند. آنان به حسب رسالت ذاتی‌شان، گناهان را با روش‌های برشمرده در این مقاله ارزیابی می‌کنند و نسبت به وزر و وبال آنها به‌ویژه با روش نقلی و از متون مقدس هشدار می‌دهند. اکنون به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

۱-۱۱. امام خمینی

امام خمینی علیه السلام با شرایطی بشر را به سعادت بشارت می‌دهد:

هان ای عزیز! گوش دل باز کن و دامن همت به کمر زن، و به حال بدبختی خود رحم کن، شاید بتوانی خود را به صورت انسان گردانی و از این عالم به صورت آدمی بیرون روی که آن وقت اهل نجات و سعادت (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۹۲).

۲-۱۱. آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی

آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی درباره خوردن مال حرام اینچنین انذار می دهد:

در اینجا مرغ بریان کرده حرام خوردی و تمام حواست از آن ملتذ بود و در آنجا مرغ بریان کرده آتشین است و تمام حواست معذب. لذا کشف خاتم انبیا برای نجات بشر که می فرماید: «الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً انما یکون فی بطونهم ناراً» (نساء: ۱۰) مثال است، ولی صورت کلیه دارد (امیری، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲).

نتیجه گیری

برخی از روش های حوزویان قمی صرفاً آموزش اخلاقی نیست، بلکه رنگ پرورشی نیز دارد. به کارگیری روش عقلی توسط برخی از روحانیان برای آموزش اخلاق به غیر مؤمنان است. روش های عرفانی آموزش اخلاق برای استادان و شاگردان خاص بوده است. این روش ها آنگاه پذیرفتنی بود که مخالفتی با شاخص های عرفان اسلامی نداشته باشد. این دستورالعمل های عرفانی - اخلاقی گاهی برای آموزش و تربیت اخلاق به شاگردان توصیه می شد.

روش «تلفیقی» و روش «نقلی» و بهره بردن از قرآن و فرمایش های معصومان علیهم السلام و آثار مقدس، از مهم ترین روش های استفاده شده برای آموزش اخلاق در میان حوزویان است.

شرایط بهره بری از روش «مرجعیت» اخلاقی برای روحانیت قم با توجه به مرجعیت معصومان علیهم السلام و مراجع باتقوا و بصیر، برای معرفت افزایی اخلاقی فراهم بوده و روحانیت از آن خوب بهره برداری کرده است. ارائه اخلاق نیز با روش «ارائه تجربه» نیز توسط روحانیان انجام می شده است.

«خطابه» و «وعظ» هنری ظریف و غنی است و در انتقال مفاهیم اهمیت دارد و روحانیان بسیاری از آن برخوردارند و بیشتر موضوعات و عظشان نیز عقاید و اخلاق است. بنابراین آنان در انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی با استفاده از ابزار وعظ و خطابه موفق بوده اند.

روحانیان به اقتضای رسالتشان، مسلط بر خطابه و آموزه های قرآنی و سیره اهل بیت علیهم السلام بود و این از علل موفقیت های روحانیان در بهره گیری از روش ارائه و تبیین الگو برای آموزش و تربیت اخلاق است؛ زیرا قرآن و سیره از بهترین منابع معرفی الگوهای اخلاقی است و خطابه از مهم ترین ابزارهای بیان به شمار می رود. روحانیان آگاه بر فقه و اخلاق، بدون تعلق خاطر به قدرتهای دارای زر و زور و تزویز، موفق به آموزش اخلاق به افراد جامعه با روش «امر به معروف و نهی از منکر» بوده اند.

هنگامی که روحانیان پیامدهای اعمال صالح و طالح را در تیشیر و انذار برمی شمارند، مرزهای هنجارها و ناهنجاری ها را به مردم آموزش می دهند.

- امیری، یاور، ۱۳۸۰، *چهل نامه عرفانی (مجموعه رهنمودهای اخلاقی و دستورالعملهای عرفانی)*، قم، تشیع.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۷۳، *خودسازی (تزکیه و تهذیب نفس)*، چ چهارم، قم، شفق.
- باقری، خسرو، ۱۳۹۹، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چ پنجاهم، تهران، مدرسه.
- بهشتی، محمد و همکاران، ۱۳۷۷، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، چ دوم، تهران، سمت.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *دیدار با ابرار*، چ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ____، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، چ پنجم، تهران، مدرسه.
- ____، ۱۳۹۳، *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی*، چ چهارم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حییبی، رضا، ۱۳۹۶، *تاریخ و مکاتب اخلاقی*، چ دوم، قم، المصطفی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، *وسائل الشیعه*، چ دوم، قم، آل‌البیته.
- حسن‌زاده‌املی، حسن، ۱۳۷۳، *نامه‌ها و برنامه‌ها*، تهران، قیام.
- حسینی‌زاده، علی، ۱۳۸۲، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ*، چ پنجم، قم، حوزه و دانشگاه.
- حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی، سایت امام‌خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>
- خواص، امیر، ۱۳۹۳، *تفکر نقدی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- داوودی، محمد، ۱۳۹۳، *تربیت دینی*، چ دوازدهم، قم، حوزه و دانشگاه.
- دیلمی، حسن‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب*، قم، شریف.
- رخشاد، محمدحسین، ۱۳۹۸، *در محضر بهجت*، چ دوم، قم، سماء.
- رعنا، علی، ۱۳۹۱، «شخصیت آیه الله حسین مظاهری، *رایحه*، ش ۱۰۴، ص ۳۶-۳۹.
- روزنامه اطلاعات*، سال دوم، ش ۴۹۰، (۱۳۰۶/۶/۱).
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱ الف، «نقش عقل در کشف ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی» *معرفت اخلاقی*، ش ۱۱، ص ۵-۱۴.
- ____، ۱۳۹۱ ب، *عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب*، چ یازدهم، قم، زلال کوثر.
- صادقی فدکی عباس، دی ۱۳۸۳، اندیشه‌ها و عملکرد آیت الله حائری در احیای حوزه علمیه قم، نشریه حوزه (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، جلد: ۱۲۵، ص ۴.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۳، *المیزان*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- علی‌لو و نورالدین، ۱۳۸۸، *دیدار با ابرار*، چ سوم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- قراملکی، احد فرامرز، ۱۳۸۲، *اخلاق حرفه‌ای*، چ دوم، مؤلف، تهران.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۲، *زمره عرفان*، چ هفتم، قم، دارالحديث.
- مراذخانی، احمد و محمدصادق محسن‌زاده، ۱۳۹۰، «تقیه در دیدگاه فقهی امام خمینی»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ش ۲۷، ص ۷۵-۱۰۰.
- مصباح، مجتبی و عبدالله محمدی، ۱۳۹۴، *معرفت‌شناسی*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، قم، اسلامی.
- ____، ۱۳۷۸، *جستجوی عرفان اسلامی*، تدوین محمد مهدی نادری قمی، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ____، ۱۳۸۱، *پندهای امام صادق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ____، ۱۳۸۶ الف، *مباحثی در باره حوزه*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ____، ۱۳۸۶ ب، *فلسفه اخلاق*، تحقیق احمدحسین شریفی، چ سوم، قم، بین‌الملل.
- ____، ۱۳۸۷، *بند جاوید*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، *گفتارهای معنوی*، تهران، صدرا.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)*، چ ششم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ____، ۱۳۸۵، *صحیفه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ____، ۱۳۹۲، *چهل حدیث*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ____، ۱۳۶۵، *اربعین*، با شرح احمد فهری، چ سوم، قم، اطلاعات.
- ____، ۱۳۸۶، *آداب الصلاة*، چ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- مهودی کنی، محمدرضا، ۱۳۸۲، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چ دوازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- نوری، حسین، ۱۳۶۸، *مستدرک الوسائل*، چ دوم، قم، آل البيت علیهم السلام.
- نیکوبرش، فرزانه، ۱۳۸۱، *بررسی عملکرد سیاسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی*، قم، بین‌الملل.


<https://rasekhoon.net>

<https://hozeh.tebyan.net/>

اخلاق علم آموزی در آثار علمی و سیره عملی عالمان دینی در یکصد سال اخیر حوزه علمی قم*

زهرا عواطفی / دکتری مدرسی معارف اسلامی

Avatef95@gmail.com

 orcid.org/0009-0004-8740-9681

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

از ورود آیت‌الله حائری به قم و تأسیس حوزه علمیّه در سال ۱۳۴۰ق تا کنون که یکصدسال از آن می‌گذرد، از منظرهای مختلف می‌توان این بازه زمانی را بررسی کرد. این پژوهش کوشیده است با توجه به این سده، اقدامات علمای حوزه علمیّه درباره اخلاق علمی را مد نظر قرار دهد. بر اساس مطالعه نظام‌مند صورت گرفته در باب آثار و سلوک علمای حوزه علمیّه قم، توجه به شئون اخلاقی در محیط علمی، رعایت احترام شاگردان، پیگیری احوال و مشکلات طلاب و رعایت ادب در گفتار و کردار از جمله موضوعاتی است که در سیره و سبک علمی آنان مشهود است. انعکاس این تلاش‌ها در چهار محور تألیفات و نگاشته‌های علما در باب اخلاق علم؛ سخنرانی‌ها و خطابه‌هایی در باب بایدها و نبایدهای اخلاقی تعلیم و تعلم؛ روش‌ها و مواجهه‌های اخلاقی علما با طلاب (سیره اخلاقی علما)؛ و فعالیت‌های فرهنگی و اخلاقی صورت گرفته در باب اخلاق علم، قابل ترسیم است. این پژوهش با تبیین تاریخی و به روش «توصیفی-تحلیلی» عهده‌دار این مهم گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سلوک علما، سیره اخلاقی علما، تعلیم و تعلم، تألیفات علما، اخلاق علم، اخلاق دانشوری.

در تاریخ هر جامعه‌ای، دانشمندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این اهمیت وامدار سفارش‌های اکیدی است که از منابع قرآنی، روایی و نیز سیره اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} درباره احترام و قداست این عده به ما رسیده است. زندگی دانشمندان و حیطه‌های تأثیرگذاری آنها از ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی قابل بررسی است. بدین‌روی مقاله حاضر برآن تا به‌صورت مسئله‌محور، سبک و سیره اخلاقی علما را در مواجهه با فضای علم و علم‌آموزی در یکصد سال اخیر در حوزه‌های علمیه بررسی کند تا از قیل آن به گنجینه‌های پربها در این زمینه دست یابیم.

یافته‌های تاریخی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد در طول تاریخ، بررسی ابعاد گوناگون زندگی علما آن‌قدر حایز اهمیت بوده که منجر به تولید «علم تراجم» شده است. این علم عبارت است از: شخصیت‌شناسی که موضوعش شخصیت راوی است (قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۷-۸) و گاه به‌صورت عمومی و گاه به‌صورت تک‌نگاری‌ها قابل استفاده است.

از دیرباز گروهی از علمای بزرگ مذهب شیعه امامیه دست تألیف در این دانش زده‌اند. از جمله کتاب‌هایی که می‌توان در این زمینه نام برد: کتاب *آثارالحججه یا تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم و گنجینه دانشمندان* اثر محمد شریف رازی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴؛ کتاب *مفاخر اسلام* اثر محمد دوانی در سال ۱۳۷۹؛ کتاب *علمای قم* اثر ناصرالدین انصاری قمی در سال ۱۳۸۳؛ همچنین از ایشان، کتاب *اختران فقاہت (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری)*، در سال ۱۳۸۵ و کتاب *اختران فضیلت* در سال ۱۳۸۸؛ کتاب *کتاب گلشن ابرار: زندگی اسوه‌های علم و عمل*، اثر جمعی از محققان در سال ۱۳۸۷، کتاب *صدسالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم اثر رسول جعفریان* در سال ۱۴۰۰. غیر از این کتاب‌های دائرةالمعارفی شکل، تک‌نگاری‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است که موضوع آن‌ها توجه به زندگی‌نامه و انواع فعالیت‌های یکی از علماست. مثل کتاب *حاج شیخ عباس قمی؛ مرد تقوا و فضیلت* اثر علی دوانی در سال ۱۳۵۴. اگرچه به قول برخی از پژوهشگران، ضعف بینش تاریخی موجب شده است با اینکه قریب یکصدسال از تأسیس حوزه علمیه قم می‌گذرد، کارهای درخور شأن و متناسب با این موضوع بسیار اندک باشد، اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، مصاحبه‌های فراوانی با برخی از بازماندگان نسل نخست تربیت‌شدگان حوزه علمیه صورت گرفته است که می‌تواند منبع با ارزشی برای شناخت و تدوین تاریخ حوزه علمیه قم به‌حساب آید.

بی‌تردید شیوه زندگی بزرگان، به‌ویژه دانشمندان اسلامی که دین و دانش را به هم آمیخته و با اخلاص در این راه گام برداشته‌اند، بهترین الگو برای متصدیان امر آموزش و نیز جوانان است تا از زندگی و سیره علمی آنان، متناسب با شرایط زمان کنونی درس‌هایی فراگیرند (انصاری قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). این آثار می‌تواند با توجه به

جامعه هدف، برای پژوهشگران و کاربران حوزه‌های گوناگون، منابع ارزشمندی برای تحقیق و مطالعه به‌شمار آید. (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۱۶).

از این‌رو باتوجه به مسئله مد نظر و مطالعه تألیفات موجود در این بازه زمانی یکصد ساله (یعنی از زمان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم توسط مرحوم *آیت‌الله حائری* تا کنون)، این پژوهش قایل به یک دسته‌بندی شده است و می‌توان سبک و سیره اخلاقی علما را در فضای تعلیم، در چهار محور دنبال کرد:

الف. تألیفات و نگاشته‌های اخلاقی در باب اخلاق علم؛

ب. خطابه و سخنرانی‌هایی در باب اخلاق علم؛

ج. گزارش‌های مربوط به سیره، روش‌ها و مواجهه اخلاقی ایشان با شاگردان (سیره اخلاقی علما)؛

د. فعالیت‌های فرهنگی حوزهٔ علمیه در باب اخلاق علمی (مثل تأسیس نهادهای علمی همچون کتابخانه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسیدگی به معیشت طلاب).

چون مورد اخیر بیشتر ناظر به فعالیت‌های اجتماعی علماست و در مقاله‌ای مجزا بررسی خواهد شد، به اختصار به آن پرداخته شده است. از این‌رو بیشتر مباحث در سه مورد اول ارائه شده است. البته در تقسیم‌بندی کلی‌تر با توجه به اندیشه‌ها و تعالیم ایشان در حوزه اخلاق علمی و نیز نوع سلوک و عمل ایشان، فعالیت‌های آنان در دو ساحت علم و عمل قابل بررسی است، به‌گونه‌ای که در محور علمی به تألیفات و گزارش‌های مربوط به سیره و روش مواجهه اخلاقی و سخنرانی‌های آنان توجه شده و در محور عملی به فعالیت‌های فرهنگی و اخلاقی (همچون اقدامات زیرساختی مثل تأسیس حوزه علمیه، کتابخانه‌ها و رسیدگی به امور طلاب و خانواده‌های آنان) پرداخته شده است.

۱. تألیفات و نگاشته‌های علما در باب اخلاق علم

با مطالعه منابع و تراجم موجود، می‌توان نتایج حاصل شده را این‌گونه گزارش داد که در یک‌صدسال اخیر، علما اقدامات مناسبی برای تعالی و رشد حوزه‌های علمیه و طلاب انجام داده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها توجه به تهذیب اخلاق و رفتار طلاب علوم دینی است. از همین‌رو کتاب‌های زیادی در زمینه خودسازی و تهذیب نفس نگاشته شده است. اما چون این مقاله در پی پیشنهاد عام حوزه نیست، در رابطه با پیشینه خاص، یافته‌ها حاکی از آن است که تألیفات در این زمینه بسیار اندک و ناچیز است. با وجود این از جمله دغدغه‌های مهم متولیان حوزه‌های علمیه این بوده که به این مهم توجه نشان دهند. مطالعه عمل و رفتار علما از اهمیت و ضرورت این مسئله پرده برمی‌دارد.

با این وجود مطابق مطالعات انجام‌شده در این حوزه می‌توان گفت: تألیفات ناظر به اخلاق علم در دو بخش قابل پیگیری است: نخست کتاب‌هایی که بخشی از آن به اخلاق دانشوری اختصاص یافته است، نه همه کتاب‌ها؛ دوم کتاب‌هایی که موضوع آن صرفاً اخلاق دانشوری است که تعداد آنها بسیار ناچیز است.

در ادامه، فهرستی از این کتاب‌ها گزارش خواهد شد و در انتها برای نمونه، بخش‌هایی از مطالب مربوط به اخلاق دانشوری موجود در این کتاب‌ها ذکر خواهد گردید:

- *درد بی‌درمان یا بدبختی‌های اجتماع*، میرزامهدی بروجردی (۱۳۰۰ق):

- *۷۲ روز در قم*، مهدی سراج انصاری (۱۳۱۲ق):

- رساله‌ای در *فضیلت علم*، عباسعلی ادیب (۱۳۱۵ق):

- *ارشاد المعلمین*، محسن بی‌نا (۱۳۲۹ق) (انصاری قمی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۹۹-۱۰۰):

- *اسرار عقب‌ماندگی شرف*، ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق):

- *روش آموزش و پرورش در اسلام*، عباس طواری یزدی (۱۳۴۸ق) (شریف رازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۱۴-

۲۱۵: انصاری قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۵۲۷-۵۲۸):

- *اخلاق آموزشی*، محمدمهدی تاج لنگرودی (۱۳۴۹ق) (انصاری قمی، ج ۳، ص ۲۳۱-۲۳۳):

- رساله‌ای در *فضیلت علم و آداب تعلیم و تعلم*، سیدمحمد فیروزآبادی (۱۳۴۹ق) (انصاری قمی، ۱۳۹۲، ج ۲،

ص ۵۴۳-۵۴۴):

- *علم و عمل ایمانی (۲۲ گفتار در شناخت ابعاد کاربردی دین)*، محمدرضا مهدوی‌کنی (۱۳۵۰ق) (همان،

ج ۱، ص ۹۹۱-۹۹۳):

- *نقش علمای اسلامی در تطور علوم جهانی*، یحیی نوری (۱۳۵۱ق) (همان، ج ۱، ص ۸۷۹-۸۸۱):

- *سعادت الأفاق در علم اخلاق*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *روش آموزش و پرورش در اسلام*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *اخلاق انسانی در علم اخلاق*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *علم و عمل یا دانش و کردار*، سیدابوالقاسم مولانا (۱۳۵۳ق) (همان، ج ۲، ص ۷۳۵-۷۳۶: شریف رازی،

۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۱۴-۲۱۵):

- *مشعل فروزان دانش و تقوی: امام محمدباقر*، بزرگ عالم‌زاده (۱۳۵۶ق) (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱،

ص ۶۱۶-۶۱۸):

- *برتر از خون شهید (احادیثی در فضیلت علم و عالم)*، حسین انصاریان (۱۳۶۳ق):

- *اسلام و علم و دانش*، حسین انصاریان (۱۳۶۳ق) (شریف رازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۹۴-۹۶):

- *استاد و درس (روش تدریس، ادبیات و هنر نقد)* در دو جلد، علی صفایی حائری (۱۳۷۰ق):

- *اخلاق علمی*، عباس عبیری (۱۳۸۱ق).

نخستین کتاب انتخابی که بخش‌هایی از مطالب آن درباره «اخلاق علم» بیان می‌گردد، کتاب *درد بی‌درمان یا*

بدبختی‌های اجتماع، اثر مرحوم میرزامهدی بروجردی (۱۳۰۰ق) است. در عنوان سوم این کتاب به تفصیل به

دردهای بی‌درمان فضای علمی و مشکلاتی که طلاب علوم دینی در حوزه‌های علمیه با آن مواجهند، پرداخته و با بیان راهکارها و پیشنهاداتی سعی در جهت حل آنها دارد؛ مثلاً، نگارنده در بخشی از کتاب، یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس حوزه علمیه را رسیدگی به گرفتاری‌های طلاب می‌داند. از نظر ایشان این کار موجب می‌شود نقش الگویی رئیس و یا استاد حفظ گردد؛ زیرا آنها در واقع او دینی مردم است. از این رو باید از همه لحاظ، به‌ویژه در حوزه علم، برای آنها الگوی مناسبی باشد.

نکته مهم دیگری که بدان اشاره می‌کند توجه به ذومراتب بودن استعدادها و اصل «تناسب» است؛ زیرا همه طلاب در یک سطح نیستند و قابلیت‌های متفاوتی دارند. از این رو بر استادان لازم است متناسب با سطح درک و فهم طلاب به آنها آموزش دهند و در همین زمینه استعدادهایشان را شکوفا سازند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۳).

یکی دیگر از مسائلی که ایشان بدان اشاره می‌کند، بحث تخصص داشتن طلاب علوم دینی است. ایشان در این باره بیان می‌دارد: غیر از فاضل بودن، عالم بودن نیز مهم است. از این رو تخصص و توانمندی علمی نیز یکی از مؤلفه‌های اخلاق علمی است.

در بخش دیگری از مطالب کتاب ایشان به معضل مهمی اشاره می‌کند و آن برگزار نشدن کلاس‌های اخلاق در حوزه‌های علمیه است. مسئله اخلاق برای طلاب یکی از واجبات مهم به حساب می‌آید. ایشان معتقد است: در کنار درس، معرفت نیز باید حاصل گردد؛ زیرا نتیجه غفلت از این امر، خروجی‌هایی است که از تربیت اخلاقی به‌دور و در انظار عموم، فاقد اعتبار و ارزش هستند.

بی‌تردید عدم سلامت اخلاقی - آن هم از سوی این طبقه - آسیب‌های جبران‌ناپذیری را نه‌تنها برای جامعه علمی، بلکه کل جامعه به وجود می‌آورد. ایشان نتیجه کژرفتاری‌های اخلاقی را تنفر و انزجار می‌داند، ولو عامل فرد به‌ظاهر دانا و فاضلی باشد.

نکته دیگری که بدان اشاره کرده این است که صرف شنیدن پندها و توصیه‌های اخلاقی کافی نیست؛ زیرا بر این باور است درسی که بر آگاهی مخاطب نیفزاید و در نتیجه پای او را به مقام عمل نکشاند و تأثیری در وی نداشته باشد، بیهوده است (همان، ص ۱۳۵-۱۳۶).

وی همچنین از ساختمان‌های نمود و مخروبه حوزه علمیه و شلوغی آنها نیز سخن به میان آورده است. کتاب منتخب دیگر گزارش‌نامه‌ای با عنوان **۷۲ روز در قم**، اثر مرحوم حاج‌مهدی سراج‌انصاری (۱۳۱۲ق) است. ایشان در بخشی از این گزارش آورده است: اصولاً در تحصیل علوم دینی هیچ قید و مانعی برای ترقی و تکامل وجود ندارد و برنامه‌ای که استعداد فطری شاگردان را محدود کند در میان نیست، بلکه هر کس می‌تواند از ابتدا وارد تحصیل علوم دینی شود و آزادانه تحصیل کند. تدریس متفکرانه بر آزادی فهم استوار است و طلبه را از پذیرش تقلیدی و کورکورانه بودن برحذر می‌دارد.

مسئله دیگری که ایشان آن را از امتیازات حوزه علمیه قلمداد کرده توجه به معنویات و امور دینی است که موجب می‌شود هم استادان و هم طلاب نسبت به رعایت مسائل اخلاقی متعهدتر باشند (همان، ج ۲، ص ۵۵۰-۵۵۵).

در کنار امتیازات، ایشان به نقاط ضعف نیز اشاره داشته است که متناسب با مسئله پژوهش، به برخی از این موارد اشاره خواهیم شد:

اول. پیروی از فرهنگ غرب در تمام حوزه‌ها، از جمله حوزه علوم و فرهنگ؛ ایشان نتیجه چنین تقلیدی را تنزل فرهنگ و دانش می‌داند. درواقع ایشان بر این باور است که باید خودباوری را در تمام جامعه، به‌ویژه حوزه علم و فرهنگ مد نظر قرار داد. توجه به «عرق ملی» و تدوین دروس بر اساس ذات‌ه ایرانی-اسلامی نیز از دیگر مؤلفه‌های اخلاق علمی است که مد نظر ایشان قرار گرفته است (همان، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۷۲).

دوم ایشان گوشزد می‌کند که درس‌های اخلاق در حوزه کافی نیست. اگرچه این مشکل ممکن است با تدریس تفسیر قرآن مرتفع شود (همان، ج ۱، ص ۵۷۳-۵۸۹)، آن هم وقتی هنگام تفسیر آیات، بخش اخلاقی مد نظر استاد قرار می‌گیرد. ولی چون مسائل اخلاقی به‌صورت مستقل، در روحیه طلاب تأثیر مهمی دارد و تهذیب نفس و مراقبت اعمال، احتیاج مبرمی به یک سلسله راهنمایی‌های جداگانه دارد، تحصیل علم اخلاق برای محصلان علوم دینی ضروری است. ایشان همچنین تذکر می‌دهد که مراد از تحصیل اخلاق، تنها خواندن کتاب‌های *اخلاق ناصری*، *معراج السعاده*، *جامع السعاده* و *یا احياء العلوم* و نظایر آنها نیست، بلکه مراقبت به اعمال و مواظبت در تزکیه نفس است که بزرگ‌ترین جهاد در اسلام به‌شمار می‌رود.

ایشان معتقد است: اگر اخلاق نباشد تحصیل علوم دینی، نه‌تنها برای محصلان مفید نیست، بلکه مضر هم هست! (همان، ج ۲، ص ۵۸۹-۵۹۲).

در همین زمینه، *حاج آقا رحیم ارباب* (۱۲۹۷-۱۳۹۶ق) معتقد است:

اخلاق علم حال است؛ یعنی اخلاق چیزی نیست که با شرکت در کلاس اخلاق، یا خواندن کتاب‌های اخلاقی بتوان به آن دست یافت، بلکه باید تهذیب نفس نمود (ریاحی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

پس متصدیان حوزه علمیه باید نسبت به این موضوع توجه بیشتری مبذول دارند و درس اخلاق را که در سابق، معمول بوده و امروز متروک شده، رواج دهند و آن را در برنامه‌های تحصیلی بگنجانند و برای تهذیب اخلاق طلاب بکوشند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۵۹۳؛ ج ۲، ص ۵۹۲-۵۸۹).

کتاب دیگر کتاب *اسرار عقب‌ماندگی ثنوق*، از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق) است. ایشان در فصل بیست، ضمن اشاره به سختی‌ها و مشقت‌های یک جامعه استعمارزده می‌نویسد:

یکی از اقدامات مناسب در این راستا، مبارزه پیگیر با فرار مغزهاست. برای این کار باید دانشگاه‌ها را توسعه داد و دیگر وسایل دلگرمی تحصیل‌کرده‌ها را فراهم ساخت و از دوران دبستان، اصول اخلاق و ایمان و علاقه به خاک را به آنها تعلیم داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۶۱).

۲. سخنرانی‌ها و خطابه‌های علما در باب اخلاق علم

با اینکه می‌توان خطابه‌ها و نقل و قول‌های علما را ذیل سیره اخلاقی آنان پی‌گرفت، اما به سبب اهمیت موضوع و ضرورت پرداختن به آن، لازم می‌نماید این موضوع به صورت مجزا بررسی گردد. بی‌شک، بیشتر علما و استادان حوزه‌های علمیه در سخنرانی‌ها و مجالس درس خود به بایدها و نبایدهای اخلاق علم توجه داشته و به آن توصیه کرده‌اند. شواهد تاریخی موجود، اعم از شفاهی و مکتوب این مسئله را تأیید می‌کند که بیشتر علما بخش قابل توجهی از ساعات کلاس خود را به مباحث اخلاقی می‌پرداخته‌اند و خود و همه طلاب را به رعایت آن در تمام ابعاد توصیه می‌کرده‌اند.

جلسات درس آیات و حجج اسلام در ذیل، نمونه‌ای از ده‌ها کلاس اخلاقی است که برگزار می‌شده است: *آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ق)*، *حضرت امام خمینی (۱۳۱۹ق)*، *آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب (۱۳۳۲ق)*، *علامه محمد حسین طباطبائی (۱۳۵۰)*، *آیت‌الله میرزا عبدالکریم حق شناس (۱۳۳۸ق)*، *آیت‌الله شهید مرتضی مطهری (۱۳۳۸ق)*، *آیت‌الله علی مشکینی (۱۳۳۹ق)*، *آیت‌الله علی‌پناه اشتهاردی (۱۳۴۰ق)*، *آیت‌الله احمد مجتهدی (۱۳۴۱ق)*، *آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله محمدتقی جعفری (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله عزیزالله خوشوقت (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله حسین شب‌زنده‌دار (۱۳۴۷ق)*، *آیت‌الله محیی‌الدین حائری شیرازی (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله سیدحسین شمس (۱۳۴۵ق)*، *شهید آیت‌الله علی قدوسی (۱۳۴۶ق)*، *آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی (۱۳۴۹ق)*، *آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۵۱ق)*، *آیت‌الله حسین مظاهری (۱۳۵۱ق)*، *آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۵۲ق)*؛ *آیت‌الله سیدمحمد ضیاءآبادی (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله سیدعلی اصغر هاشمی علیا (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله رضا استادی (۱۳۵۶ق)*، *آیت‌الله آقامجتبی تهرانی (۱۳۵۶ق)*، *آیت‌الله محمدعلی جاودان (۱۳۶۸ق)*، *آیت‌الله کاظم صدیقی (۱۳۷۰ق)*، *آیت‌الله محمدباقر تحریری (۱۳۷۴ق)*، *آیت‌الله محمدمهدی شمس‌الدین (۱۳۵۳ق)*، و *حجت‌الاسلام محسن قرائتی (۱۳۶۴ق)*.

در ادامه برای نمونه، به بیان صریح برخی از این بزرگواران درباره اخلاق علم اشاره خواهیم کرد:

۱-۲. امام خمینی ❖

امام خمینی (۱۳۱۹ق) از جمله کسانی بود که مسائل اخلاقی و رعایت آنها، به‌ویژه در حوزه علم، برایش بسیار اهمیت داشت و بارها آن را در سخنرانی‌های خود عنوان کرد. آقای *رسول سعادت‌مند* در کتابی تمام مطالب مربوط به این بحث را با عنوان *آیین دانشوری در سیره امام خمینی ❖* گرد آورده است. ایشان در جایی می‌گوید:

اگر شما درس بخوانید ممکن است عالم شوید، ولی باید بدانید که میان مذهب و عالم خیلی فاصله است. هرچه این مفاهیم در قلب سیاه و غیرمذهب انباشته گردد، حجاب زیادتر می‌شود. در نفسی که مذهب نشده، علم حجاب ظلمانی است. علم نور است، ولی در دل سیاه، دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد (مختاری،

همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

استاد اخلاق برای خود معین‌نماید. جلسه وعظ و خطابه و پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین‌طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، حکومت به فنا خواهد رفت. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد لازم است، لکن علوم معنوی و اخلاقی به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟ (همان)

در همین زمینه *آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس* می‌گوید: از امام بارها شنیده‌ام که علم اخلاق سرآغاز تمام علوم است، حتی علم خداشناسی که تعبیر به «آیه محکمه» شده است، اگر در کنارش آن علم نباشد، ظلمت است و حجاب. حضرت امام می‌فرمودند:

چه شده است که برای تدریس هر علم ساعتی مقرر شد، و لکن آن علم که ابقای سایر علوم منوط به آن است، فرصتی برای آن گذاشته نشده است؟

از این‌رو خود ایشان برای تحقق این امر، از همان ابتدا به این سخن لباس عمل پوشاندند و با حضور در «مدرسه فیضیه» وجود عزیزشان را وقف خدمت به طلاب و مردم کردند (سعادت‌مند، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

۲-۲. آیت‌الله مکارم شیرازی

در این زمینه می‌توان به بیانات *آیت‌الله مکارم شیرازی* نیز اشاره کرد. در مصاحبه‌ای با *آیت‌الله محمدتقی جعفری* (۱۳۴۴ق) نیز ایشان به این مهم اشاره کرده است (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۰۶ و ۲۲۰-۲۲۱). همچنین *آیت‌الله سیدحسین شمس* (بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۲) و *آیت‌الله جوادی آملی* بر این مهم تأکید دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

ایشان معتقدند در نظام دینی، فراگیری دانش مطلوبیت ذاتی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۶۶۶). به صرف عالم شدن، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی‌شود؛ چه فراوان‌اند عالمان و اندیشمندی که علم خود را در جهت توسعه فساد و تأمین خواسته‌های شیطانی خود و دیگران به کار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

آیت‌الله رضا استادی (استادی، سخنرانی در جمع طلاب مدرسه علمیه معصومیه قم، ۱۳۹۸/۵/۵) و *حجت‌الاسلام قرآنتی* نیز بر اهمیت و جایگاه اخلاق در سلوک علمی طلاب تأکید دارند (قرآنتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۵).

۳. سیره اخلاقی علما در معاشرت با شاگردان

جدای از تألیفات و ارائه دیدگاه علما در خصوص رعایت اخلاق در فضای تعلیم و تعلم، سیره ایشان در معاشرت با شاگردان نیز می‌تواند منبعی غنی در توسعه و ترویج اخلاق علم به شمار آید؛ زیرا یکی از بهترین شیوه‌های تربیتی، معرفی الگوهاست (همان، ص ۳۴۵). زندگی علما، سبک و سیره آنها نمونه کاملی از این الگوهاست که می‌تواند در ابعاد گوناگون مد نظر قرار گیرد. چون هدف این پژوهش بیان سیره و روش اخلاقی علما در مواجهه با شاگردان در فضای علمی است، سعی شده است به‌صورت منتخب، به برخی از موارد قابل توجه اشاره می‌شود:

۱-۳. اخلاص

یکی از ویژگی‌های ممتاز و مورد توجه علما داشتن اخلاص در عمل است. این مسئله آن قدر حایز اهمیت بوده که جزو اصول اولیه در کار و عمل به حساب می‌آمده است.

۱-۱-۳. آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی

نقل است چند روز پیش از فوت آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی، عده‌ای خدمت ایشان رسیدند و آقا را بسیار ناراحت دیدند. آقا با ناراحتی فرمود: «خلاصه عمر ما گذشت و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش ببریم و عمل بالارزشی انجام دهیم!»

یک تن از حاضران با شنیدن سخن آقا گفت: آقا شما دیگر چرا؟! ما بیچاره‌ها باید این را بگوییم، شما چرا؟! بحمدالله، شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته‌اید؛ این همه شاگرد تربیت کرده‌اید؛ این همه کتاب از خود به یادگار نهاده‌اید؛ مسجدی با این عظمت ساخته‌اید و مدرسه‌های بسیاری در جاهای گوناگون بنا کرده‌اید.

وقتی سخن آن شخص به پایان رسید، آیت‌الله بروجردی جمله‌ای فرمود که به ظاهر، حدیث قدسی بود. (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳؛ دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۹-۴۸) ایشان فرمود: «أَخْلَصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ»؛ عمل را باید خالص انجام داد. ناقد بسیار خبره است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۱) تو خیال کردی اینها که در منطق مردم به این شکل است، حتماً در پیشگاه الهی هم این طور است که پیش تو هست؟! (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳؛ دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۸-۴۹).

۲-۱-۳. حاج شیخ عباس قمی

همچنین نقل شده است مرحوم حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۴ق) کتابی ارزشمند به نام *منازل الآخرة* نوشته بود که واعظی به نام شیخ عبدالرزاق مسئله‌گو هر روز پیش از ظهر در حرم حضرت معصومه علیها السلام از روی این کتاب برای مردم می‌خواند و مردم، به‌ویژه کربلایی محمدرضا، پدر حاج شیخ عباس قمی از این مطالب لذت می‌بردند.

یک روز کربلایی محمدرضا به خانه آمد و به حاج شیخ عباس گفت: ای کاش تو نیز مثل این واعظ بودی، می‌توانستی به منبر بروی و این کتاب را بخوانی.

حاج شیخ عباس قمی می‌گوید:

چند بار تصمیم گرفتم به پدرم بگویم: این کتاب نوشته خود من است، ولی هر بار از گفتن حقیقت خودداری کردم و چیزی نگفتم و فقط به ایشان عرض کردم: دعا بفرمایید که خداوند به من نیز توفیق عنایت فرماید (دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۹-۴۸).

۳-۱-۳. آیت‌الله آقانجفی قوچانی

آیت‌الله آقانجفی قوچانی (۱۲۹۵ق) نیز معتقد بود:

طلبه باید درس را «الله» و برای خدا بخواند، به گونه‌ای که هدف آن دستگیری و هدایت و ارشاد جهال باشد، والا اگر به دنبال مال و ریاست و این گونه موارد باشد، همان بهتر که خود را به زحمت نیندازد؛ چراکه از نظر ایشان این طور اشخاص، دین فروش و راهزنند. لذا باید حتی الامکان دست آنها را کوتاه کرد و به این طایفه نباید چیز آموخت که سلاح به دست دزد و دشمن دین دادن است (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴).

۲-۳. حفظ شئون طلبگی

در خاطرات طلبه‌ها، مکرر از سختگیری‌های میرزاهمدی بروجردی نسبت به طلبه‌ها سخن به میان آمده است. جنس این سختگیری‌ها رعایت همه‌جانبه شئون طلبگی در آن وقت بوده است. این شئون در پوشش لباس، انجام کارهای خلاف مروت و نیز عدم استفاده از مظاهر تجدد، حتی در موردی مثل پوشیدن گالش بوده است (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۴).

۱-۲-۳. حاج میرزاهمدی بروجردی

برای نمونه، از قول آیت‌الله بهجت نقل شده است که آقای شیخی می‌گفت: در خیابان قم، در دستم بستنی یا نان بود و مشغول خوردن مقداری از آن بودم که آقای حاج میرزاهمدی بروجردی (۱۲۵۹-۱۳۰۰ق) را دیدم؛ به من گفت: «مگر طلبه نیستی؟» گفتم چرا. گفت: پس چرا اینجا نان می‌خوری؟ گفتم: مگر نان خوردن حرام است؟ گفت: نان خوردن در خیابان برای شما شرعاً حرام نیست، ولی عرفاً اشکال دارد. اگر در برابر چشمان مردم این کار را بکنی، دیگر سخن شما را قبول نمی‌کنند، می‌گویند: تو که موعظه می‌کنی، همان شخصی هستی که فلان کار را می‌کردی! (رخشاد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۸).

۳-۳. نظارت‌های اخلاقی و علمی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۶۷ق) توجه به تهذیب و اخلاق طلاب بود. ایشان معتقد بود: طلاب باید داری سه پایه فضیلت باشند که عبارت است از: علم، پاکی و اخلاق نیک. از این رو طلابی که دچار انحرافات اخلاقی می‌شدند، شهریه‌هایشان را قطع می‌کرد و می‌فرمود: «مایل نیستم در حوزه بماند، ولو خوب هم تحصیل نماید». نقل شده است: روزی طلبه‌ای را نزد ایشان آوردند که دزدی کرده بود. وی با شنیدن این خبر فرمود: «او این لباس را نیز از ما دزدیده است؛ او طلبه نیست» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

توجه به نکات اخلاقی و ملزم بودن به آن از سوی خود علما، رویه بیشتر کلاس‌های درس در حوزه علمیه بوده است. درباره نظارت علمی بر درس طلبه‌ها نقل شده است: وقتی صدای نعلین میرزا مهدی بروجردی در راهروی مدرسه فیضیه شنیده می‌شد، همه طلبه‌ها به داخل حجره‌هایشان می‌رفتند و مشغول مطالعه می‌شدند. (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۷).

حاج آقارضا زنجانی نقل می‌کند: یک بار به طلبه‌ای که سواد نداشت، صفر دادیم. فردا دیدم آن صفر تبدیل به ده شده است. پرسیدم: چه کسی این کار را کرده است؟ گفتند: آسیه محمدتقی خوانساری. علت را از خود ایشان

پرسیدم. در جواب گفت: اگر ما این کار را نکنیم، اینها مشمول می‌شوند و آنها را به سربازی می‌برند و اگر در جنگ کشته شوند، ما مسئول هستیم. گفتم: اگر این‌گونه است، یک توپ پارچه تهیه کنید و کنار دروازه شهر بایستید و هر کس می‌خواهد وارد شود، مقداری پارچه دور سرش بپیچید تا مشمول نشود! طلبه باید سواد داشته باشد. طلبه‌ای که سواد ندارد طلبه نیست. (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۵۰۰-۵۰۱).

۳-۴. فروتنی و تواضع

یکی از ویژگی‌های برجسته علما، فروتنی آنهاست. این تواضع گاهی در برابر سایر علما و استادان بود و گاهی در برابر طلاب. مطالعه زندگی و سبک و سیره علمی علما گواه همین مطلب است.

۱-۳-۴. آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب

نقل شده است: آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب (۱۲۴۱-۱۲۷۳ق) در نخستین روزهایی که آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری درس خود را شروع کرده بود، معظم^{له} له رو به شاگردان خود کرد و فرمود: ما سال‌هاست اهم و مهم را به شما درس می‌دهیم. در حال حاضر، حضور در درس آیت‌الله حائری اهم است. برخیزید و در درس ایشان حاضر شوید! پس از این فرمایش همه کلاس رفتند، بجز دو تن از فرزندان؛ ولی معظم^{له} از آنان نیز خواست که در درس آیت‌الله حائری حاضر شوند (انصاری قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۶).

۲-۳-۴. آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی

آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی (۱۲۵۱-۱۳۲۸ش) از استادان بزرگ درس خارج فقه و اصول بود. در وصف ایشان نقل شده است: گاهی به طلبه‌های مبتدی نیز درس می‌داد و از این کار ابایی نداشت. امام خمینی^{ره} نقل می‌کند: روزی یکی از طلبه‌ها که تنها مدت کمی در حوزه^۱ علمیه تحصیل کرده بود، نزد آیت‌الله شاه‌آبادی آمد و از ایشان خواهش کرد که هر روز یک درس «حاشیه ملا عبدالله» برای او تدریس کند. این درس یکی از درس‌های مقدماتی حوزه است و استادان زیادی می‌توانستند آن را تدریس کنند. اما با این حال، آیت‌الله شاه‌آبادی که نمی‌خواست حتی یک نفر هم از او رنجیده‌خاطر شود، پذیرفت که برای او نیز هر روز یک درس تدریس کند.

امام خمینی^{ره} بیان می‌کند: برای اینکه این طلبه را از این کار منصرف کنیم و او را به دیگر استادان حوزه ارجاع دهیم، با او صحبت کردیم و به او وعده دادیم که بهترین استادان حوزه^۱ علمیه قم را به شما معرفی می‌کنیم، ولی این صحبت‌ها بی‌فایده بود و طلبه اصرار داشت که تنها ایشان باید درس بدهد. امام راحل نقل می‌کند که بعد از این ماجرا تصمیم گرفتیم از راه دیگری وارد شویم و نزد خود آقای شاه‌آبادی برویم و ایشان را به این امر متقاعد سازیم، ولی وقتی با کلی مقدمه صحبت‌های ما را شنید، مکث کوتاهی کرد و فرمود: «روح‌الله! انسانی از من تقاضایی کرده است و من در حد امکانم تقاضایشان را برآورده می‌کنم» (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰).

۳-۴-۳. آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی

درباره شیخ ابوالقاسم آشتیانی (۱۳۲۹-۱۳۸۰) آمده است: با اینکه ایشان مقام علمی بالایی داشت و از روزگار جوانی به مرتبه اجتهاد و استنباط رسیده بود، هیچ‌گاه اظهار نمی‌کرد و اگر ساعت‌ها در محضرش می‌نشستی، کلامی که نشانه اظهار شخصیت و خودستایی باشد، از ایشان شنیده نمی‌شد و معمولاً نظر دیگران را نقل می‌کرد.

حضرت آیت‌الله موسی شبیری زنجانی درباره تواضع آن مرحوم می‌فرماید:

«زکات» لعه را پیش مرحوم آیت‌الله حاج‌شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی می‌خواندم. روزی بحث به جایی رسید که مقداری دقیق بود. ایشان خیلی راحت فرمود: اینجا را من نمی‌دانم. شما از آقای والدتان [مرحوم آیت‌الله سیداحمد زنجانی] بپرسید. این برخورد برای من خیلی جالب بود (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹).

۳-۴-۵. آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری قمی

درباره آیت‌الله انصاری شیخ مرتضی قمی (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) نیز نقل شده است: سالی ایشان در ماه مبارک رمضان در نجف اشرف در «مسجد شیخ انصاری» به منبر می‌رفت. آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی هم شب‌ها در «مسجد خضراء» درس می‌گفت. شاگردان آیت‌الله خوئی به ایشان گفتند: آقا! درس را کمی زودتر تعطیل کنید تا به منبر آقای انصاری هم برسیم. ایشان می‌پرسد: مگر آقای انصاری در منبر چه می‌گوید که شما می‌خواهید از درس من کم کنید؟ آنها در پاسخ گفتند: آقا! منبر ایشان گفتنی نیست، دیدنی است.

ایشان هم شبی درس را زودتر تعطیل کرد و در مجلس آقای انصاری حاضر شد و از کثرت نقل در شگفت آمد و فرمود: آری! شما حق دارید؛ این مجلس خیلی قابل استفاده است و از آن روز به بعد، هر شب درس را کمی زودتر تعطیل می‌کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۳۹).

۳-۴-۶. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری

نمونه بارز تواضع در برابر شاگرد را می‌توان در این حکایت مشاهده کرد. وقتی شهید مطهری (۱۳۳۷ق) در رشته «معقول» دانشکده علوم معقول و منقول شرکت کرد و در امتحانات کتبی قبول شد، در جلسه امتحان شفاهی، آقای راشد به ایشان گفت:

آقای مطهری! ما دیگران را با بحث‌های خودمان امتحان می‌کنیم، ولی شما را با یک بحث تفالی امتحان می‌کنیم.

آن‌گاه کتاب منظومه ملاحدهی سبزواری را باز کرده، از آقای مطهری سؤال می‌کند. ایشان نیز با تسلط کامل بحث را از منظومه به اشارات و از اشارات به اسفار برده و به تجزیه و شرح آن می‌پردازد. در اینجا آقای راشد با شگفتی و لبخند به ایشان می‌گوید: «صبر کن! ما از بیست بالاتر نداریم، این نمره بیست! حالا مطلب را ادامه بده تا ما استفاده کنیم.»

وقتی شهید مطهری توضیحات را به پایان می‌رساند، استادان ممتحن او را تشویق می‌کنند و آقای راشد هم دوبار چنین می‌فرماید: «واقعا بهره بردم» (سیدناصری و ستوده، ۱۳۷۸، ص ۸۵-۸۶).

از دیگر مؤلفه‌های بارز اخلاقی علما، سعه‌صدر و صبوری آنها در کار تعلیم و تعلم است.

۱-۳-۵. آیت‌الله سید حسین بروجردی

در وصف آیت‌الله سید حسین بروجردی (۱۲۹۲ق) نوشته‌اند: عمر ایشان با اینکه بیش از هشتاد سال بود و عادتاً در این سن، تعلیم و تربیت دشوار است، همه روزه برای محصلان علوم دینی یک ساعت خارج درس فقه می‌گفت و بیش از ششصد تن در مجلس درس ایشان حاضر می‌شدند که بیشتر آنها مجتهد و دارای قوه استنباط بودند. ایشان با آن همه ضعف بنیه و سختی کهولت، بسیار علاقه داشت که شاگردانش به مقامات بالاتری از علوم دینی ارتقا یابند. ایشان گاهی در وسط درس، شاگردان خود را نصیحت می‌کرد. مانند بعضی از استادان تند و مسلسل‌وار درس نمی‌گفت، بلکه شمرده و با آهنگی مطبوع درس را ارائه می‌داد و اگر یکی از شاگردان نسبت به موضوع عنوان‌شده، اعتراض داشت، معظّم له با اینکه قدری سنگینی گوش داشت، دستش را کنار گوش خود می‌گذاشت و تا آخرین کلمات معترض را گوش می‌داد، سپس جواب او را با نرمی می‌داد. کمتر دیده می‌شد که ایشان برای اعتراض معترضان عصبانی شود. این در حالی است که گاهی برخی استادان هنگام اعتراض شاگرد، عصبانی می‌شوند و حتی ممکن است با کلمات زنده معترض را خجل کنند؛ ولی ایشان مانند پدری مهربان، پاسخ اعتراض بسیار ملایم و مؤدبانه بیان می‌کرد (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۶۰۳).

گاهی هم که در محافل علمی از سخن کسی عصبانی می‌شد و او را عتاب می‌کرد، به‌شدت متأثر می‌شد، به‌گونه‌ای که تا رضایت او را جلب نمی‌کرد، آرام نمی‌گرفت و به او می‌گفت: «از من بگذر! مرا عفو کن!» (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۷۱).

یکی از علما می‌گوید: در ابتدا مرحوم آیت‌الله بروجردی گاهی ناراحت می‌شد و بر سر شاگردان خود فریاد می‌کشید. یک روز با خدای خود عهد کرد که اگر عصبانی شد، یک سال به‌عنوان کفاره این عصبانیت، روزه بگیرد. یک روز به علت مسئله‌ای که پیش آمد، بر سر یکی از طلاب فریاد زد. به سرعت پیمانش را به یاد آورد و به‌دنبال آن، یک سال بجز دو روز عید قربان و فطر - که روزه در آنها حرام است - روزه گرفت (غیائی کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۳۶؛ خاتمی، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

۲-۳-۵. شیخ بهاء‌الدین محلاتی

درباره شیخ بهاء‌الدین محلاتی (۱۳۱۴ق) نیز نقل کرده‌اند: به افکار دیگران، اگرچه مخالف نظرات او بود، احترام می‌گذاشت و با همه آنها با سعه‌صدر رفتار می‌کرد. ایشان بر این باور بود که اگر فرهنگ جامعه که به دست معلمان و دبیران است، اصلاح شود، بقیه ارکان جامعه از آسیب مصون خواهد ماند. بنابراین با این قشر زحمتکش ارتباط برقرار نمود و در جمع آنان، هفته‌ای چند جلسه درس عقاید اسلامی استدلالی به سبک روز شروع کرد و با حوصله و دقت کامل به پرسش‌های آنان گوش می‌داد و سپس با درایت تمام پاسخ می‌گفت.

این جلسات آثار خود را به‌زودی آشکار ساخت و موجی از اسلام‌گرایی در محیط فرهنگ به‌وجود آورد و جوانان پرشور مذهبی، هویت دینی و راه سعادت را یافتند و فرهنگ منحن شاه‌ی را رها کرده، در شاهراه هدایت گام نهادند. درخواست و اصرار عده‌ای بر چاپ این مباحث، منجر به انتشار کتاب *راهنمای حق* شد (حوزه علمیه، ۱۳۶۷، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۳-۵-۳. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی

همچنین یکی از طلاب درباره سعه‌صدر و صبوری علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۶۰) نقل می‌کند: کتباً از محضر علامه مطلبی را سؤال کردم، ایشان پاسخ داد. مجدد همان سؤال را پرسیدم، باز جواب داد. بار سوم همان پرسش را مطرح کردم و به جواب ایشان اشکال کردم. آن مرد بزرگ برای مرتبه سوم با کمال تواضع جواب را به خط مبارک خود مرقوم داشت و فرستاد (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹).

۳-۶. تشویق و امیدبخشی

یکی دیگر از کارهایی که علما در نشر اخلاق علم انجام می‌دادند، تشویق و امیدبخشی به طلاب بود. یکی از کارهای مهم *آیت‌الله بروجردی* در جلسات درس، تشویق طلاب کوشا و باهتمام بود. بنابراین با دادن جایزه‌های نقدی به طلاب، ضمن قدردانی از آنها، باعث ایجاد انگیزه برای سایر طلاب می‌شد (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۳۸۴-۳۸۵).

آیت‌الله خوئی نیز در مناسبت‌های گوناگون از شاگردان فاضل خود نام می‌برد و مقام و فضل آنان را می‌ستود. وقتی دانشمندی نوشته ارزشمندی را به ایشان هدیه می‌داد، ایشان برای تشویق و بزرگداشت وی، تفریظی برای آن کتاب می‌نوشت (مهرابی رزوه، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۳۷).

۳-۷. نظم و استفاده بهینه از زمان

یکی دیگر از مؤلفه‌های اخلاقی مهم نزد علما اهمیت دادن به نظم و زمان است.

۳-۷-۱. آیت‌الله سید حسین بروجردی

درباره نظم *آیت‌الله بروجردی* آمده است:

ایشان معتقد بودند: حوزه‌های علمیه باید از هر نظر منظم باشد. لذا برای اولین بار جمعی از علما را به‌عنوان هیأت حاکمه تعیین کردند تا اگر خلاف اخلاق از طلبه‌ای مشاهده شود، به سراغ او بفرستند، نخست او را با نصیحت و موعظه از اشتباهش برگردانند و در صورت عدم تأثیر، شدت عمل به خرج دهند. حتی در صورت لزوم او را از قم اخراج کنند تا رد غبار بی‌نظمی و بداخلاقی او بر دامان حوزه علمیه ننشیند (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۵۶).

البته ایشان به سبب مشغله بسیار که نتیجه مرجعیت و اداره شئون امت اسلامی بود، گاه چند دقیقه با تأخیر به

جلسه درس می‌آمد و شاگردان به انتظار ایشان می‌نشستند. یک روز ایشان کمی بیش از حد معمول تأخیر کرد. وقتی وارد کلاس شد، یکی از حاضران اعتراض کرد و گفت: وقت ما ضایع می‌شود. *آیت‌الله* برورجری فرمود: چرا وقت خود را ضایع می‌کنید؟! من دوازده جزء قرآن را در اوقات انتظار حفظ کرده‌ام. شما هم همین کار را بکنید و دقایق انتظار خود را با حفظ آیات قرآنی پر کنید! (غیائی کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰؛ مهتدی بحرانی، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

۲-۷-۳. آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی

آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی (۱۳۰۵ تاکنون) نیز درباره پدر بزرگوارش *آیت‌الله* سید احمد زنجانی (۱۲۷۰-۱۳۵۲) نقل می‌کند که ایشان از اوقات خود خیلی استفاده می‌کرد و در دقایقی که معمولاً افراد هدر می‌دهند، کارهای فراوانی انجام می‌داد، به گونه‌ای که وقتی مادرش از دنیا رفت، تصمیم گرفت هر روز یک جزء قرآن برای مادرش بخواند. بعد از مدتی، به خودش می‌گوید: پدرم چه گناهی کرده است که برای او قرآن نمی‌خوانم؟ بنابراین تصمیم می‌گیرد هر روز دو جزء قرآن بخواند، منتهی این دو جزء را در وقت‌هایی که هدر می‌رفت، تلاوت می‌کرد (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۴۶).

۳-۷-۳. امام خمینی

در سیره حضرت امام راحل (۱۳۲۰ق) نیز توجه به نظم در زندگی کاملاً مشهود بود، به گونه‌ای که نقل می‌کنند: کارکنان منزل امام در نجف اشرف از حرکت و سکون و خواب و بیداری و نشست و برخاست ایشان درمی‌یافتند که چه ساعتی از شبانه روز است (روحانی، ۱۳۵۹، ص ۱۱۸).

حجت‌الاسلام/ایروانی نقل می‌کند: در یکی از سفرهایمان به عراق، با عده‌ای از فضلا، طلبه‌ها و دانشمندان، پس از نماز مغرب و عشا در صحن حرم امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} نشسته بودیم و با هم صحبت می‌کردیم. وقتی صحبت‌مان تمام شد و آقایان خواستند بروند، ساعت را نگاه کردند. ساعت صحن حرم حضرت علی^{علیه السلام} دو و نیم را نشان می‌داد و ساعت آقایان با ساعت حرم چند دقیقه اختلاف داشت. بنابراین اختلاف ساعت پیش آمد. در حال گفت و گو در این باره بودیم که حضرت امام از در قبله وارد صحن حرم شد. یکی از استادان نجف که در میان ما بود، گفت:

ساعت‌هایتان را میزان کنید! ساعت دو و سی دقیقه است. سیزده سال است که امام هر شب در همین ساعت وارد صحن حرم می‌شود. ورود امام خودش بهترین ساعت است (شعرباف، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۲).

۴-۷-۳. حاج شیخ یحیی انصاری دارابی شیرازی

در وصف حاج شیخ یحیی انصاری دارابی شیرازی (۱۳۰۶-۱۳۹۳ش) نیز آمده است: وی تلاش می‌کرد تا آخرین دقیقه به تدریس ادامه دهد و لحظه‌ای کم نگذارد. در شروع درس نیز مقید بود رأس ساعت آغاز کند و عملاً نظم را به طلاب آموزش می‌داد (انصاری قمی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۷۱).

۳-۸. مخاطب‌شناسی و نیازسنجی

یکی از روش‌های پسندیده اخلاقی علما، مخاطب‌شناسی است؛ زیرا طلاب و فراگیران دارای سطح درک و یادگیری متفاوتی از یکدیگرند. از این رو لازم می‌آید برای رعایت عدالت، آموزش‌ها و انتقال مفاهیم اخلاقی و تربیتی، متناسب با نوع مخاطب باشد.

۳-۸-۱. مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی

یکی از شاگردان مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی (۱۲۴۸-۱۳۲۵) می‌گوید:

آقای قاضی شبها در مجلس درس چراغ روشن نمی‌کردند و به همان تاریکی، بعضی از علمای نجف که اهل باطن بودند، به آن مجلس حاضر می‌شدند و غالباً صحبت در «معرفة النفس» بود و تهذیب اخلاق و صحبت عرفان هم می‌فرمودند، ولكن بیشتر در همان معرفت ذات انسان و خودشناسی بود و اگر ناشناسی وارد می‌شد، صحبت را تغییر می‌دادند و درباره زیارت سیدالشهداء^{علیه السلام} صحبت می‌فرمودند و می‌گفتند که استعدادها مختلف است، هر حرفی را به هر کسی نمی‌شود گفت (ر.ک. مختاری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷۸).

۳-۸-۲. شیخ محمدجواد مغنیه

تعلیم مبتنی بر نیاز مورد توجه دیگر علما نیز بوده است؛ چنان که درباره شیخ محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق) نقل می‌کنند: زمانی که ایشان دست به قلم برد، کتاب‌های جیبی و کوچک تألیف کرد. از ایشان پرسیدند: چرا شما کتاب‌های قطور و گران‌قیمت را رها کرده و به کتاب‌های جیبی و کوچک پرداخته‌اید؟ ایشان پاسخ می‌دهد: روزی از خیابان‌های بیروت عبور می‌کردم، دیدم جوانی در حالی که با یک دست ساندویچ می‌خورد، با دست دیگرش کتابی جیبی گرفته بود و مشغول خواندن بود. اگر کتاب بزرگ بود، نمی‌شد به راحتی از آن استفاده کرد. البته ایشان بعدها کتاب‌های بزرگ و قطور نیز تألیف کرد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۵۰).

۳-۸-۳. حاج آقامجتبی کلهری تهرانی

در وصف حاج آقامجتبی کلهری تهرانی (۱۳۱۶-۱۳۹۱) نقل شده است: این عالم بزرگ در طول عمر پربرکت خود، خدمات فراوانی به جهان اسلام و عالم تشیع کرد و همواره منادی اخلاق و تقوا بود و شاگردان بسیاری در محضر ایشان پرورش یافتند. ایشان با افکار جوان‌ها آشنا بود و می‌دانست که با چه بیانی باید معارف را برای آنها بیان کند. همین سبب شد که اقبال جوانان هم به جلسات ایشان زیاد شود. چیزی که مهم است این است که ایشان با آن همه مقدمات و اہبت علمی، به جوانان و مسائل مربوط به آنان می‌پرداخت. در واقع ایشان با شناخت نیازی که در قشر جوان احساس می‌کرد، مخاطب خود را آنان قرار داد و به تعلیم آنان می‌پرداخت. کار ایشان بیانگر فداکاری، حسن نیت و اخلاص ایشان است (انصاری قمی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۴).

۳-۸-۴. علی صفایی حائری

مرحوم علی صفایی حائری (۱۳۳۰-۱۳۷۸) نیز بر این باور بود که مربی باید در انتخاب روش تربیت، روحیه‌های

متربیان را بشناسد و بداند روشی که برای تربیت هریک به کار می‌برد متفاوت از دیگری است (صفای‌ی حائری، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

۹-۳. رسیدگی به معیشت طلاب

رسیدگی به معیشت طلاب مسئله دیگری است که علما در کنار علم و علم‌آموزی بدان توجه داشته‌اند و شاید بهتر است گفته شود: یکی از نتایج علم مہذب، رسیدگی به طلاب و سروسامان دادن به زندگی آنهاست.

۱-۹-۳. میرزا آقا استهباناتی

نقل می‌کنند: یکی از مؤمنان از سید ابراهیم حسینی، معروف به میرزا آقا استهباناتی (۱۲۱۶-۱۲۸۶) می‌خواهد که منزل خود را به تجهیزات روشنایی برق مجهز کند. او در پاسخ می‌گوید:

وقتی همه طلاب از نعمت برق برخوردار شدند، من هم حرفی ندارم؛ فعلاً وظیفه من اقتضا می‌کند که با آنها در یک سطح یا پایین‌تر زندگی کنم (انصاری قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۳۴۷).

کمک به امر خانه‌سازی طلاب و مردم مستضعف، بیمه پزشکی، بهداشت طلاب و دادن وام قرض‌الحسنه از دیگر خدمات رفاهی است که شامل خانواده طلاب می‌شد.

۲-۹-۳. شیخ غلامحسین ترک تبریزی

نقل شده است: شیخ غلامحسین ترک تبریزی (۱۳۰۳-۱۴۰۰) اهل خیر بود و شخصاً به افراد بی‌بضاعت، به‌ویژه ایتم کمک می‌کرد و از حال آنان تفقد می‌نمود. وی به کمک مرحوم سیدجواد خامنه‌ای (۱۲۷۴-۱۳۶۵)، پدر مقام معظم رهبری، در مشهد «مدرسه دارالتعلیم دینی» را تأسیس کرد. همچنین «مدرسه جعفریه» را برای طلاب ساخت و ۲۵ سال بیمه پزشکی و بهداشت طلاب مشهد را برعهده گرفت (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲).

۱۰-۳. صمیمیت و اظهار محبت

پایه شکل‌گیری ارتباطات و دوام آن مبتنی بر اصل «محبت و مهربانی» است. این ویژگی در علما و مجالس درس آنها به خوبی مشهود است.

۱-۱۰-۳. آیت‌الله سیدروح‌الله موسوی خمینی

حضرت امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸) در این باره می‌نویسد:

مهرورزی به موجودات و هدایت آنان از لوازم محبت الهی است؛ زیرا صفات و افعال و آثار محبوب، محبوب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵).

۲-۱۰-۳. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی

یکی از شاگردان علامه طباطبائی که مدت سی سال با ایشان مأنوس بوده، درباره خصوصیات اخلاقی آن عالم فرزانه می‌نویسد:

علامه انسانی وارسته، مهذب، خوش اخلاق، مهربان، عفیف، متواضع، مخلص، بی‌هوا و هوس، صبور، بردبار، شیرین و خوش مجلس بود.

ایشان نقل می‌کند: در این سی سال به یاد ندارم که در طول این مدت حتی یکبار عصبانی شده و بر سر شاگردان داد زده باشد یا کوچک‌ترین سخن تند یا توهین آمیزی را بر زبان جاری سازد. خیلی آرام و متین درس می‌گفت و هیچ‌گاه داد و فریاد نمی‌کرد. خیلی زود با افراد انیس می‌گرفت و صمیمی می‌شد. با هر کس، حتی کوچک‌ترین فرد طلاب چنان انیس می‌گرفت که گویا از دوستان صمیمی اوست (امینی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۳-۱۲۴).

۱۱-۳. باریک‌بینی و دقت نظر علمی

معیار شایستگی علمی دارا بودن دو بال «تعهد» و «تخصص» است؛ یعنی علاوه بر مراقبت‌های اخلاقی، انسان باید از دانش و دقت نظر نیز برخوردار باشد. هر دو مقوله نزد علما حایز اهمیت بوده است.

۱-۱۱-۳. آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد

در این خصوص درباره آیت‌الله سیدمصطفی محقق احمدآبادی معروف به محقق داماد (۱۳۲۴-۱۳۸۸) نقل شده است: اگرچه ایشان بیان خوبی نداشت، ولی دقت نظر و ریزه‌کاری مطالب ایشان بسیار خوب بود (شیرینی زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۵۴).

۲-۱۱-۳. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی

در رابطه با آیت‌الله عبدالله جوادی آملی نیز نقل می‌کنند: ایشان دارای استعدادی وافر، تیزهوش، باریک‌بین و نکته‌پرداز، خلاق و صاحب نفوذ کلام است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۸۲). سایر علما نیز از چنین ویژگی برخوردار بوده‌اند که برای اجتناب از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر و به همین موارد اکتفا می‌کنیم.

۱۲-۳. عدالت

مؤلفه اخلاقی «عدالت» آن قدر مهم است که علمای اخلاق آن را از امهات فضایل اخلاقی دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷). هر جا بحث از تنوع باشد، مقوله عدالت اهمیت بیشتری می‌یابد. علما نیز بر این مسئله واقف بودند و می‌کوشیدند در مجالس درس خود تا آنجا که می‌توانند عدالت را رعایت کنند و حق کسی ضایع نگردد.

۱-۱۲-۳. آیت‌الله سیدحسین بروجردی

نقل می‌کنند: برای تشخیص صلاحیت مدرس از طرف شاه، کسی مأمور رسیدگی به امور امتحانات طلاب شد. او در امتحان گرفتن سختگیر بود و در این باره تعدد داشت تا طلبه‌ها رد شوند. وقتی آقایان دیدند بنای مأمور دولت بر

سختگیری است، تصمیم گرفتند روز قبل از امتحان هر درس، به طلبه اطلاع دهند که قسمت مورد نظر را مطالعه کند و فردا از همان جایی که راهنمایی کرده بودند، سؤال می‌پرسیدند که طلبه رد نشود.

مرحوم حاج آقا رضا زنجانی (۱۲۸۱-۱۳۶۲) نقل می‌کند: *آیت‌الله حائری* به من فرمود: دلم می‌خواهد شما به‌عنوان ممتحن در جلسه آقایان شرکت کنید. ایشان عرض می‌کنند: من به *آیت‌الله بروجردی* عرض کردم: اگر مرا معاف بدارید، مناسب‌تر است. ایشان علت را پرسید. عرض کردم من نمی‌توانم به طلبه‌ای که صلاحیت قبولی ندارد، نمره قبولی بدهم و ممکن است به طلبه‌ای نمره رد بدهم و خلاف میل آقا باشد. ایشان فرمود: خدا شاهد است حتی راضی نیستم به مرتضای ما هم نمره زیادی بدهید. هرچه حشش بود، همان نمره را بدهید (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴۹۹).

۲-۱۲-۳. شهید علی قدوسی

در وصف شهید علی قدوسی (۱۳۰۶-۱۳۶۰) نقل می‌کنند: ایشان مقید بود بین یک طلبه گمنام و یک آقا‌زاده فرقی نگذارد و مقررات مدرسه را در حق همه به‌طور یکنواخت اجرا کند. به همین علت، از پذیرفتن هدایایی که به‌دنبال توقعات بود و ممکن بود موجب مسامحه در اجرای مقررات نسبت به صاحب هدیه شود، خودداری می‌کرد.

رد هدیه معمولاً برای انسان مشکل است و نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود و احياناً موجب کدورت‌هایی می‌گردد و از نظر شرعی و اخلاقی هم ناپسند است. هدیه اگر انتظارهای بیجا به‌دنبال داشته باشد، انسان را به بردگی می‌کشاند و گیرنده هدیه خود را نسبت به هدیه‌دهنده مدیون می‌داند و درصدد جبران برمی‌آید. از این‌رو این هدیه به حساب نمی‌آید، بلکه نوعی رشوه است که به‌صورت هدیه داده می‌شود تا طرف را نرم کند و کاری را که ضوابط اجازه نمی‌دهد به حکم روابط انجام دهد. از این گذشته، گاهی هدیه‌دهنده چنین قصدی ندارد، اما انسان در خود احساس می‌کند که با پذیرفتن هدیه - ولو به‌صورت ناخودآگاه - بین او و دیگران فرق می‌گذارد و شیطان از این طریق در او وسوسه می‌کند تا تبعیض ناروا قایل شود. اینجا هم پذیرفتن هدیه رجحانی ندارد.

از همین‌رو هدیه پدر یکی از طلاب را که قریب نیم‌کیلو زعفران بود، نپذیرفت؛ زیرا می‌دید اگر بپذیرد و فردا پسر او بیاید و مرخصی بخواهد، یا چند نمره کم بیاورد، مشکل است با او همانند دیگر طلاب برخورد کند (مختاری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۱۳).

۳-۱۳. آزادمنشی و آزاداندیشی

یکی از مسائلی که علما را بسیار ناراحت می‌کند، انفعال طلاب در کلاس درس است. آنها معتقدند: طلاب نباید در مجلس درس، مستمع محض باشند، بلکه باید به درس استاد، اشکال و نقد وارد کنند و بتوانند نظر بدهند. در واقع، یکی از مهم‌ترین امتیازات حوزه علمیه این بوده که طلبه‌ها در مجالس درس آزاد بوده‌اند به سخنان استاد نقد و

اشکال وارد کنند، نظر بدهند و از آن دفاع کنند. این کار موجب می‌شود استاد ناچار گردد در برخی مسائل، مدتی توقف کند و به حل اشکالات و جواب ایرادات بپردازد. نتیجه این رفت و برگشت‌های علمی، هم برای استادان مفید بوده و هم برای طلاب؛ زیرا از یک سو، موجب بالا رفتن قدرت تفکر و تحقیق آنها می‌شده و از سوی دیگر، زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم می‌ساخته است (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۰۰).

آیت‌الله جوادی آملی در وصف حضرت امام راحل می‌گوید:

سیره حضرت امام خمینی علیه السلام آن بود که شاگردان وی آزاد بارآمده و مستقل باشند؛ زیرا خود آزادمنش و مستقل بود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۷۹).

۱۴-۳. رعایت ادب و احترام

از جمله ویژگی‌های اخلاقی علما که نمود بیرونی بسیاری نیز داشته، متانت و رعایت ادب آنها بوده است.

۱-۱۴-۳. آیت‌الله سیدحسین بروجردی

حاج میرزا حسین نوری (۱۲۸۱-۱۲۱۷) در وصف آیت‌الله بروجردی می‌نویسد:

در این چندسالی که این‌جانب در خدمت ایشان بودم، هرگز ایشان را بدون عمامه یا قبا ندیدم. همیشه به‌صورت دو زانو می‌نشستند و هیچ‌گاه آن مرحوم را در حال نشستن، غیر از این حالت ندیدم. ایشان از درد پا، بسیار ناراحت بودند. لذا آقایان پیشنهاد کردند هنگام درس که روی منبر قرار دارند، دو زانو نشینند و پاها را روی پله پایین‌تر منبر قرار دهند. ایشان با تعجب فرمودند: «چطور ممکن است این کار را انجام بدهم؟ آقایان نشسته‌اند، آقایان تشریف دارند». روی همین حساب در منزل کرسی کوچکی گذاشته بودند که ایشان در حضور مراجعان بتواند پاهایش را دراز کند (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۳۷۹).

۲-۱۴-۳. آیت‌الله سیداحمد شبیری زنجانی

همچنین آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی نقل می‌کند که پدر بزرگوارش به دو سبب مقید بود در جایی که آیت‌الله بروجردی نشسته است، ننشیند:

اول اینکه آیت‌الله بروجردی خیلی مؤدب بود و دوزانو می‌نشست و پدر بنده ناراحتی پا داشت. حاج آقای والد می‌گفت: اگر بخواهم در کنار آیت‌الله بروجردی دوزانو بنشینم، درد پا دارم و برای من خیلی سخت است و اگر دوزانو ننشینم و آیت‌الله بروجردی مؤدبانه دوزانو بنشیند، خلاف ادب است.

دوم اینکه نشستن در کنار آیت‌الله بروجردی آرزوی خیلی از افراد بود. حاج آقای والد می‌گفت: بگذاریم آنهايي که دلشان می‌خواهد و هوس این‌جور چیزها را دارند و دلشان با این خوش می‌شود، آنجا بنشینند (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۹۳).

۳-۱۴-۳. علامه طباطبائی

یکی از شاگردان علامه طباطبائی نیز درباره علاقه و احترام فراوان ایشان به استادش مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی می‌نویسد:

من یک روز به علامه عطر تعارف کردم. ایشان عطر را گرفته و تأملی کردند و گفتند: دو سال است که استاد ما مرحوم قاضی رحلت کرده‌اند و من از آن وقت تا به حال، عطر نزده‌ام و تا همین زمان اخیر نیز هر وقت بنده به ایشان عطر می‌دادم، در آن را می‌بستند و در جیبشان می‌گذاشتند و ندیدم که ایشان عطر استعمال کنند، با اینکه از رحلت استادشان ۳۶ سال می‌گذشت (حسینی تهرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵).

۴-۱۴-۳. علامه حسن حسن‌زاده آملی

علامه حسن حسن‌زاده آملی (۱۳۰۷-۱۴۰۰) نقل می‌کند:

بنده حریم اساتید را بسیار بسیار حفظ می‌کردم. سعی می‌کردم در حضور استاد به دیوار تکیه ندهم. سعی می‌کردم چهار زانو بنشینم. مواظب بودم حرفی را زیاد تکرار نکنم. چون و چرا نمی‌کردم که مبادا سبب رنجش استاد شود. یک روز محضر آقای مهدی الهی قمش‌های نشسته بودم، خم شدم و کف پای ایشان را بوسیدم. ایشان برگشتند و به من فرمودند: «چرا این کار را کردی؟!». گفتم: من لیاقت ندارم که دست شما را ببوسم. برای بنده خیلی مایه مباهات است. خب، چرا این کار را نکنم؟ (گلی زواره، ۱۳۷۴، ص ۴۰).

۴. فعالیت‌های فرهنگی حوزه علمیه در باب اخلاق علمی

توجه به مسائل فرهنگی و اخلاقی همچون اقدامات زیرساختی (مثل تأسیس مدارس علمیه، کتابخانه‌ها و نیز رسیدگی به معیشت طلاب) از جمله اقداماتی است که به‌نحو غیرمستقیم در ارتقای سطح اخلاق در فضای حوزه نقش داشته است.

۴-۱. اقدامات آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری

با اقامت آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری در قم و تأسیس حوزه علمیه، گام‌های مناسبی توسط ایشان و دیگر استادان در این زمینه برداشته شد تا این حوزه بتواند در ردیف بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع قرار گیرد. سجایای کریمه و اخلاق حسنه ایشان با آن مقام علمی، شهره ایران شد و به‌سرعت از هر گوشه و کنار، داوطلبان علم و فضیلت به قم آمدند و از محضر ایشان و دیگر استادان بهره‌ها بردند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۲۳).

آیت‌الله حائری پس از تأسیس حوزه، دست به اقداماتی زد که برای نمونه، می‌توان به تعمیر مدارس دینی و تغییر روش‌های آموزشی اشاره کرد که منجر به تحولی عظیم در آن فضا گشت. توجه به تزکیه و شئون اخلاقی، آن قدر حایز اهمیت بود که آیت‌الله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۵ش به‌واسطه شیخ محمدتقی فلسفی، واعظ شهیر به شاه پیام داد: چون زمینه برای لایحه اجباری کردن تعلیمات ابتدایی فراهم شده است، تعالیم دینی نیز باید در کنار تعلیمات ابتدایی گنجانده شود و شاه با این مسئله موافقت کرد (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲).

- وی همچنین با ارسال نامه به متولیان امر برای ترویج احکام شریعت در مدارس با محورهای ذیل اقدام نمود:
۱. وزارت فرهنگ در تمام مدارس نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان کشور بنا به اصول دینی و پایبند شدن اطفال به مذهب جعفری، مراقبت خاص مبذول دارد و برای دروس شریعات و تعلیم فضایل اخلاقی، معلمان باتقوا و متدین را انتخاب کند و به تدریس بگمارد و در تمام شهرها علمای اعلام و حوزه‌های علمیه موظفانند با ادارات فرهنگ محل، برای ایراد سخنرانی‌های دینی و اخلاقی در مدارس به صورت افتخاری همکاری کنند.
 ۲. دروس دینی و شریعات در امتحانات داخلی و نهایی مدارس، جزو مواد ضروری و اساسی شناخته شود.
 ۳. در تمام مدارس، صبح‌ها چند آیه از قرآن تلاوت و برای حفظ استقلال کشور دعا شود.
 ۴. در هر مدرسه یک اتاق فرش شود و حکم مسجد را داشته باشد و هر روز نماز ظهر و عصر در مدارس خوانده شود.
 ۵. برای سالمندان، سخنرانی‌های دینی و مذهبی برگزار شود و کارگران و کسبه و اصناف به این مجامع دعوت شوند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۶۸).

۲-۴. اقدامات شهید علی قدوسی

شهید آیت‌الله علی قدوسی (۱۳۴۶ق) از دیگر علمایی است که خدمات قابل توجهی در این باره داشته است. یکی از اقدامات درخشان ایشان تأسیس «مدرسه حقانی» است. ایشان با همکاری برخی از استادان برجسته انقلابی حوزه علمیه، در پی تغییرات بنیادی در ساختار اداری- آموزشی حوزه علمیه قم برآمد. به همین سبب، همراه با دیگر علما تصمیم گرفت نقشه خود را ابتدا در مدرسه‌ای آغاز نماید تا پس از موفقیت، آن را در سراسر حوزه‌های علمیه به اجرا درآورند.

از این‌رو در سال ۱۳۴۳ با مدیریت آیت‌الله قدوسی و با همکاری شهید محمدحسین بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰)، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله احمد جنتی (۱۳۰۵ تاکنون) «مدرسه حقانی» آغاز به کار کرد. حضور و غیاب در کلاس، برگزاری امتحانات و پیگیری مدام رشد علمی- اخلاقی طلاب از امتیازات این مدرسه بود. آیت‌الله قدوسی همیشه طلبه‌ها را به تهذیب اخلاق سفارش می‌کرد و هر هفته در درس‌های اخلاقی، خطبه‌های روح‌بخش امام علی علیه السلام را برای طلبه‌ها، از حفظ می‌خواند و با صدایی لرزان و چشمانی گریان، طلاب را با اوصاف پرهیزگاران آشنا می‌ساخت (همان، ص ۵۸۱-۵۸۴).

امروزه مدارس متعددی در جهت پیشبرد همین اهداف تربیتی تأسیس شده‌اند و مشغول پذیرش و تربیت طلاب هستند.

۳-۴. تأسیس «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی»

پس از انقلاب اسلامی، اقدامات تربیتی، به‌ویژه با نظارت حوزه علمیه قم در محیط‌های آموزشی بیشتر گسترش

یافت. بخشی از این وظیفه در قالب نهادهای مربوط به روحانیت در مدارس سر و سامان یافت و برخی نیز در دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزش عالی. تشکیل نهادی با عنوان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی» در سال ۱۳۵۸ و حضور نمایندگان رهبری در این اتحادیه و فعالیت‌های گسترده دانش‌آموزی از نمونه‌های این حضور است.

۴-۴. تأسیس «نهاد رهبری» در دانشگاه‌ها

«نهاد رهبری» نیز از سوی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، وظیفه مدیریت فرهنگی و اخلاقی و توسعه و ترویج اخلاق و فرهنگ علم‌آموزی را در دانشگاه‌ها به عهده دارد.

۴-۵. تأسیس «معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه»

در حوزه‌های علمیه نیز تشکیل «معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه» بخش مهمی از وظایف اخلاقی و توسعه اخلاق علمی را به عهده دارد که در کنار سیره و روش علمای اخلاق، به توسعه اخلاق علمی مبادرت ورزیده است.

۴-۶. تأسیس مدارس خاص

در کنار این فعالیت‌های فرهنگی، تشکیل مدارس زیر نظر نهادهای حوزوی از یک‌سو و تشکیل مدارس غیر انتفاعی زیر نظر علما و زعمای حوزه از سوی دیگر به توسعه اخلاق علمی در محیط‌های آموزشی کمک کرده است. برای نمونه، مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه در «مجمع فرهنگی - تربیتی توحید» به مدیریت حجت‌الاسلام و المسلمین فرهادیان (۱۳۲۷ تاکنون) و یا مدارس دخترانه و پسرانه زیر نظر حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان (۱۳۴۴ تاکنون) و حجت‌الاسلام و المسلمین تراشویان (۱۳۵۰ تاکنون) از نمونه فعالیت‌های علمی حوزه علمیه در رشد اخلاقی در حوزه‌های دانشی است.

نتیجه‌گیری

با تمرکز بر منابع موجود و میراث مکتوب علمای حوزه در یکصد سال اخیر، با منابع و متونی مواجه هستیم که مسائل و مباحث حوزه اخلاق دانشوری را منعکس نموده و با دید اخلاقی به طرح مسائل حوزه و فضای تعلیم و تعلم پرداخته‌اند که نکات قابل توجهی به‌همراه دارد:

نخست اینکه در سیره و رفتار علمای اعلام و استادان حوزه در باب اخلاق علمی، هم در حوزه فضایل اخلاقی و هم در حوزه عملکرد اخلاقی، شاهد گزارش‌هایی قابل توجه هستیم. در حوزه فضایل اخلاقی شاهد محبت، عدالت، حلم، ایثار، نظم و دیگر فضایل هستیم و در حوزه عملکرد اخلاقی در موقعیت‌هایی همچون تدریس با همه محدودیت‌ها و مشکلات پیش روی علما، ایشان عملکرد اخلاقی ممتازی را ایفا کرده‌اند. این مسئله به‌ویژه در معاشرت استادان حوزه با شاگردان در فضای درسی و غیردرسی قابل توجه و تحسین است.

دوم اینکه توجه و تلاش اجتماعی و فرهنگی حوزه علمیه در یکصد سال اخیر برای توسعه اخلاق علمی قابل

توجه است. این مهم با تأسیس مدارس خاص تعلیمی و سنتی آغاز گردید و با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ با یک جهش معنادار در توسعه اخلاق و تربیت در نظام‌های آموزشی، به‌ویژه آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده‌ایم. این در حالی است که خود حوزه علمیه، به‌ویژه در چهل سال بعد از انقلاب اسلامی، سعی بر توسعه اخلاقی در همه شئون داشته است. مهم‌ترین شاهد آن آثار و فعالیت‌هایی است که حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب در گسترش فضای اخلاقی و توسعه این مراکز داشته است؛ اهمیتی که در برخی موقعیت‌ها نیازمند تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر است و جدیت و پیگیری مداوم حوزه و علمای اعلام را می‌طلبد.

منابع

- امینی، ابراهیم، ۱۳۶۱، *یادنامه علامه طباطبائی*، قم، شفق.
- انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸، *اختران فضیلت*، قم، دلیل ما.
- ، ۱۳۸۵، *اختران فقاقت (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری)*، قم، دلیل ما.
- ، ۱۳۸۳، *علمای قم*، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، گنجینه جهانی مخلوطات اسلامی.
- بوستان کتاب، ۱۳۸۲، *مجله حوزه (بینه‌داران حقیقت، مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزوی)*، قم، بوستان کتاب.
- جعفریان، رسول، ۱۴۰۰، «صدسالگی حوزه قم»، در *مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم*، قم، حوزه علمیه.
- جمعی از محققان، ۱۳۷۷، *ستارگان حرم*، قم، زائر.
- ، ۱۳۸۷-۱۳۹۳، *گلشن ابرار، زندگی اسوه‌های علم و عمل*، قم، طه، ۸ جلد.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *مبای اخلاق در قرآن*، تحقیق حسین شفیعی، چ ششم، قم، اسراء.
- ، ۱۳۸۹، *تسنیم*، تحقیق عبدالکریم عابدینی، چ دوم، قم، اسراء.
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *مهر تابان*، چ دوم، مشهد، علامه طباطبائی.
- حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۱، *بیست‌سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران*، تهران، اسناد انقلاب اسلامی.
- خاتمی، علیرضا، ۱۳۸۳، *داستان‌هایی از علماء*، قم، مهدی‌یار.
- دوانی، علی، ۱۳۵۴، *حاج شیخ عباس قمی؛ مرد تقوا و فضیلت*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ، ۱۳۷۹، *مفاخر اسلام*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رخشاد، محمدحسین، ۱۳۸۸، *در محضر بهجت*، قم، مؤسسه فرهنگی سما.
- روحانی، حمید، ۱۳۵۹، *تحلیلی از نهضت امام خمینی*، قم، دارالفکر- دارالعلم.
- ریاحی، محمدحسین، ۱۳۹۶، *ارباب معرفت: زندگی نامه، اندیشه‌ها و سیره عملی علامه فقید حاج آقا رحیم ارباب*، تهران، جاودانه.
- سراج انصاری، حاج‌مهدی، ۱۳۸۳، *روز در قم، طلایه داران تقریب (۷)*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- سعادت‌مند، رسول، ۱۳۹۱، *آیین دانشوری در سیره امام خمینی*، قم، تسنیم.
- سیدناصری، حمیدرضا و ستوده، امیررضا، ۱۳۷۸، *پارهای از خورشید: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی شهید مطهری*، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- شبیروی زنجانی، سیدموسی، ۱۳۹۸-۱۳۹۳، *جرعهای از دریا*، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه (مؤسسه تراش‌الشیعه)، ۴ جلد.
- شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲-۱۳۷۴، *گنجینه دانشمندان*، تصحیح سیدهدایت‌الله مسترحمی، تهران، اسلامیه، ۹ جلد.
- ، ۱۳۷۳، *آثارالوجه یا تاریخ و دانه‌المعارف حوزه علمیه قم*، قم، برقی.
- شرفی، احمدحسین، ۱۳۸۸، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، چ چهل و هفتم، قم، معارف.
- شعراف، رضا، ۱۳۷۸، *سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی*، چ دهم، تهران، پیام آزادی.
- صفایی‌حائری، علی، ۱۳۸۳، *مسئولیت و سازندگی*، قم، لیلۃ‌القدر.
- غیائی کرمانی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۵، *قصه‌ها و خاطره‌ها*، قم، نجابت.
- قاسمی، مرتضی، ۱۳۸۰، *علم درایه، رجال و تراجم*، کاشان، محتشم.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
- گلی زواره، غلام‌رضا، ۱۳۷۴، *منظومه معرفت*، قم، قیام.
- محمدی‌اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۹، *خورشید حوزه‌های علمیه: آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام عصر.
- مختاری، رضا، ۱۳۶۷، *سیمای فرزندان*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۸۵، *سیمای فرزندان*، چ پانزدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مفید محمدین محمد، ۱۴۱۳ق، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم، الموترالعالمی لالیقه‌الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، اسرار عقبماندگی شرق، قم، نسل جوان، ۱۳۷۰.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۷، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
- میهندی بحرانی، عبدالعظیم، ۱۳۷۸، *قصص و خواطر*، قم، نوید اسلام.
- مهرابی رزوه، داود، ۱۳۹۶، *رفقارهای انسان‌ساز (از پارسایان اسوه)*، قم، پژوهشگاه باقرالعلوم رحمته‌الله.
- نجفی قوچانی، محمدحسین، ۱۳۷۸، *سیاحت غرب*، تهران، پل.
- هدف، ۱۳۶۷، *حوزه علمیه، مردی بزرگ از خطه فارس: شرح حال جامعی از آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی*، قم، مطبوعاتی هدف.

"Ethics of Learning" in the Scientific Works and Practical Life of Religious Scholars of the last Century of Qom Seminary

Zahra Awatafi / PhD in Islamic Studies

Avatefi95@gmail.com

Received: 2024/04/23 - Accepted: 2024/04/29

Abstract

The period between the arrival of Ayatollah Haeri to Qom and the establishment of the seminary in 1340 A.H. and the present time, which has been a hundred years, can be examined from different perspectives. In this research, an attempt has been made to pay attention to the actions of seminary scholars regarding scientific ethics. Based on the systematic study of the works and behavior of Qom seminary scholars, some issues such as paying attention to morals in the academic environment, respecting the students, following up on the students' conditions and problems, and observing politeness in speech and deeds are obvious in their academic style. The reflection of these efforts can be observed in the four axes of scholars' writings about the ethics of science; speeches and sermons about the moral rules of teaching and learning; the methods and ethical encounters of scholars with students (the moral conduct of scholars) and the cultural and ethical activities carried out regarding the ethics of science. Using the descriptive-analytical method, this research is a historical explanation of the above-mentioned issue.

Keywords: The ethics of learning science, scientific works and the lives of religious scholars, the last century, the Qom seminary.

Methods of Teaching Ethics in the Last Century in the Qom Seminary

Abolfazl Ahmadi Kashani / PhD in Islamic Ethics, The Imam Khomeini Institute for Education and Research

abahka1346@chaparmail.ir

Received: 2024/03/15 - **Accepted:** 2024/05/01

Abstract

Ethical methods play an important role in knowing an ethical thought. The Qom seminary has played an important role in teaching Shia ethics, especially in the contemporary century. So, it is important to answer the question, "What have been the teaching methods of the Qom seminary in this century?" In this article, an attempt has been made to find these methods and explain them through analysis and description. So, the main methods and then secondary methods and their evidence and examples have been mentioned. The research results show that there are eleven common methods in the seminary school, including intellectual, mystical, narrative, synthesis, reference, presenting experience, preaching, presenting a model, enjoining good and forbidding evil, warning and giving good tidings. Some of these methods are educational, but due to the important role of these methods in teaching ethics, they should not be ignored.

Keywords: methods, education, ethics, hundred-year seminary school, Qom.

The Effect of Quranic Teachings on Moral Sources of Seminary Schools in the last Century

✉ **Mohammad Hasan Mehdipour** / PhD student of Islamic Studies, Department of Islamic Ethics, Faculty of Religions and Theology, Shahid Beheshti University, Tehran

mohammadhasan4359@gmail.com

Mohammad Javad Fallah / Associate Professor of the Department of Islamic Studies, University of Islamic Studies

javabekhoob@yahoo.com

Received: 2024/03/05 - **Accepted:** 2024/04/28

Abstract

This article examines the effectiveness of the moral teachings of the Quran on ethical sources and texts published by Qom seminary's scholars in the last one hundred years. For this purpose, the most important sources of Islamic ethics compiled in the period of 1300 to 1400 SH, since the establishment of the Qom seminary under the late Ayatollah Sheikh Abdul Karim Haeri, have been analyzed, and the effectiveness of the moral teachings of the Quran on each source is investigated using the descriptive-analytical method. The influence of the moral teachings of the Qur'an on the books compiled in this field was not the same in terms of time, content and structure, but the most amount of influence has been in the post-revolution period and in works by Shahid Motahari, Allameh Tabatabai, Ayatollah Javadi Amoli and especially Professor Misbah Yazdi. Most of the ethical sources addressed in this article have been briefly analyzed in terms of structure and content.

Keywords: Quran, influence, Islamic ethics, Quranic ethics of the first century of the foundation of the seminary school, ethical sources.

The Official Centers of Ethics in the last Century of the Qom Seminary

Hadi Hosseinkhani /Assistant Professor of Ethics, The Imam Khomeini Institute for Education and Research
h.hosseinkhani@yahoo.com

Received: 2024/02/20 - **Accepted:** 2024/04/24

Abstract

The spread of ethics in society is largely the responsibility of groups that have defined their mission as doing activities in the field of ethics. Seminary centers play a prominent role in promoting moral values. The question of the present research is: during a century of the establishment of Qom seminary, which seminary centers have performed their duties in the field of ethics and what areas did their activities cover? Therefore, the aim of the present research is to identify and introduce the activities of seminary centers in the field of ethics in the last century. The research method is historical and the data collection method is documentary. The research results indicate that centers active in the field of ethics were established only after the Islamic revolution. The activities of these centers are mainly focused on education and research, although some centers have also paid attention to the issue of education and propagation.

Keywords: knowledge of ethics, official centers, one-hundred-year old, Qom seminary.

A Typology of the Trends of Ethics Courses in Qom Seminary since its Establishment until Now

Abuzar Rajabi / Associate Professor of the University of Islamic Education rajabi@maaref.ac.ir

Received: 2024/03/10 - **Accepted:** 2024/04/27

Abstract

In the last century, Qom seminary of has had brilliant achievements in different dimensions. Moral teachings in the form of moral lessons and written works are among these achievements. Through different approaches in the last century, these moral teachings have covered a wide scope including social and political relations and have transformed many people. The moral lessons in Qom Seminary have not followed the same approach over time. In the last century, one can witness different types of ethical approaches including rational, mystical, narrative and synthetic ethics, or individual and social ethics. But with a close look at the typology of ethics courses, one can see that the dimensions of this classification and typology are numerous and seem to be beyond the common divisions in ethical discussions. Comprehensive versus one-sided, scientific versus practical, Individual versus social; fear-oriented versus hope-oriented; narrative or text-oriented versus rational and introvert versus extrovert are some categories in the typology or the moral current of the Seminary schools in the last century, a report of which is given in this research.

Keywords: ethics courses, Qom seminary, ethics professors, ethical typology, ethics courses.

The Performance of Qom Seminary in the Area of Social Ethics in the last Century

Mohammad Javad Fallah / Associate Professor, Department of Islamic Ethics, University of Islamic Education
fallah@maaref.ac.ir

Received: 2024/02/20 - **Accepted:** 2024/04/29

Abstract

Since the establishment of Qom Seminary, which has been about one hundred years, the Seminary has played an important role in social developments. These developments can be analyzed from a moral point of view. This article deals with the typology of these influences based on indicators such as the geography of influence, the sphere of influence, the audience affected by the Seminary, the result of the influence, as well as the time and date of the influence. This typology shows that in the period of one hundred years after the establishment of the seminary, both before the Islamic Revolution of Iran and after that, Qom seminary, with its moral influence, has been able to make significant improvements and changes in political-social struggles, public services, social benevolence and empathetic participations. After the revolution, at times like war, the seminary has always been a moral inspiration for the society in removing deprivations and rebuilding the country. This influence is beyond Iran and can be observed and surveyed in other countries as well.

Keywords: Islamic ethics, social ethics, Qom seminary, scientific ethics, last century.

Abstracts

The Islamic Seminary of Qom and the New Sciences of Ethics in the Recent Century

Seyyed-Akbar Hosseini Ghal'e Bahman / Associate Professor of Religions Department at
Imam Khomeini Research Institute akbar.hosseini37@yahoo.com

Received: 2024/03/17 - **Accepted:** 2024/05/05

Abstract

The world has experienced many profound changes in the field of ethics and ethical researches, including all ethical fields of research, in the last hundred years. Ethics, normative ethics, meta-ethics, descriptive ethics, psychology of ethics, sociology of ethics and moral education have all experienced extensive changes in the process of these developments.

The Islamic Seminary of Qom is one of the pioneers in having reasonable and logical confrontation with the developments of ethical research. Although the Islamic Seminary has initiated various topics in the field of ethics, yet it has not ignored the global changes in this field as well, and has offered appropriate reactions to them. In fact, if the global arena has created a new branch in the fields of moral discussions, the Islamic Seminary of Qom has expressed its perspective regarding that new branch; and if there is a change of perspective towards an old issue, the Islamic Seminary has presented its appropriate approach, based on religious sources and its own beliefs, regardless of new opinions and regardless of the necessity of changing the approach or lack of this necessity.

Using documentary and library analysis method of research, this article tries to examine how the Islamic Seminary of Qom faced new ethical sciences in the last century. According to the studies on the events of the past century in the field of ethical researches, the Qom Islamic Seminary has had its most reactions in the fields of ethics, normative ethics, meta-ethics, descriptive ethics and moral psychology.

Keywords: ethics, normative ethics, meta-ethics, moral psychology, Qom Islamic seminary, ethical researches.

Table of Contents

The Islamic Seminary of Qom and the New Sciences of Ethics in the Recent Century / <i>Seyyed-Akbar Hosseini Ghal'e Bahman</i>	7
The Performance of Qom Seminary in the Area of Social Ethics in the last Century / <i>Mohammad Javad Fallah</i>	27
A Typology of the Trends of Ethics Courses in Qom Seminary since its Establishment until Now / <i>Abuzar Rajabi</i>	47
The Official Centers of Ethics in the last Century of the Qom Seminary / <i>Hadi Hosseinkhani</i>	69
The Effect of Quranic Teachings on Moral Sources of Seminary Schools in the last Century / <i>Mohammad Hasan Mehdipour & Mohammad Javad Fallah</i>	89
Methods of Teaching Ethics in the Last Century in the Qom Seminary / <i>Abolfazl Ahmadi Kashani</i>	109
"Ethics of Learning" in the Scientific Works and Practical Life of Religious Scholars of the last Century of Qom Seminary / <i>Zahra Awatafi</i>	127

In the Name of Allah

Ma'rifat-i Ākhlaqī

An Academic Semiannual on Ehtical Inquiry

Vol. 15, No. 2

Fall & Winter 2024-25

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mahmud Fathali*

Editor in chief: *Hadi Hosseinkhani*

Executive Manager: *Amir Hosein Nikpour*

Editorial Board:

- ▣ **Dr. Hamid Parsania:** *Professor, Bagher AlAulum University*
- ▣ **Dr. Mohssen Javadi:** *Professor, Qom University*
- ▣ **Dr. Mohammad Saidi Mehr:** *Associate Professor Tarbiyat Mudarris University*
- ▣ **Dr. Ahmad Hossein Sharifi:** *Professor IKI*
- ▣ **Dr. Mahmud Fathali:** *Assistant Professor IKI*
- ▣ **Mojtaba Mesbah:** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Dr. Ahmad Vaezi:** *Associate Professor, Bagher AlAulum University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/sendarticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir